

نبرد عشیران قانون



معاونت سیاسی ستاد کل
مطالعات و تحقيقات جنگ

تراجم
تفصیلی

و

۱۳۱۲

تفصیلی

۱

۲

۹

مجلد

۱۳۱۲

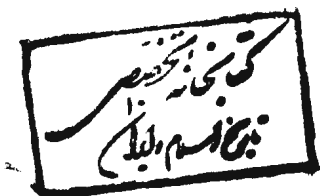
۶۰۰ ریال



بخش از:

مرکز نشر فرهنگی رجاء - تلفن: ۳۹۶۵۱۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



از خرمشهر تا فاو

تحلیلی نظامی، سیاسی از سیر چهار سال جنگ
(تیرماه ۶۱ تا مردادماه ۶۵)

معاونت سیاسی ستاد کل
سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

چاپ اول اردیبهشت ۶۷ : / ۱۰۰۰۰ نسخه

چاپ دوم شهریور ۶۷ : / ۱۰۰۰۰ نسخه

از خرمشهر تا فاو

معاونت سیاسی ستاد کل - مطالعات و تحقیقات جنگ

ناشر: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

بخش از: مرکز نشر فرهنگی رجاء

حروفچینی: سلطانی

لیتوگرافی: الوان

چاپ و صحافی: پژمان

فهرست مطالب

مقدمه ۹

فصل اول:

نگاهی اجمالی به جنگ

از بیت المقدس تا بدر

- فتح خرمشهر — سرآغاز مرحله جدیدی در جنگ ۱۷
- دلایل عقب نشینی به داخل خاک عراق ۱۹
- عملیات رمضان — ورود به داخل خاک عراق ۲۳
- دلایل ورود به داخل خاک عراق ۲۵
- تهدید شهر بصره ۲۶
- موقعیت منطقه عملیاتی شهر بصره ۲۷
- مأموریت و طرح مانور ۲۸
- شرح عملیات (مراحل اول تا پنجم) ۲۹

* نقشه شماره ۱ عملیات رمضان

- ارزیابی عملیات رمضان ۳۲
- عملیات محدود — کسب توان و گرفتن زمان از دشمن ۳۵
- تدبیر عملیات محدود ۳۶
- عملیات «مسلم بن عقیل» ۳۸
- شرح عملیات ۳۹

* نقشه شماره ۲ عملیات مسلم بن عقیل

..... ۴۰ عملیات «محرم»

..... ۴۳ شرح عملیات

*** نقشه شماره ۳ عملیات محرم**

..... ۴۸ والفجر مقدماتی و والفجر ۱

..... ۴۹ شرح عملیات

*** نقشه شماره ۴ عملیات والفجر مقدماتی و والفجر ۱**

*** نقشه شماره ۵ کالک وضعیت و آرایش مواضع مصنوعی و طبیعی دشمن در منطقه عملیاتی**

والفجر مقدماتی

*** نقشه شماره ۶ کالک وضعیت و آرایش مواضع مصنوعی و طبیعی دشمن در منطقه عملیاتی**

والفجر ۱

..... ۵۴ عملیات والفجر ۱

..... ۵۶ شرح عملیات

..... ۵۹ والفجر ۲ و ۳ و ۴

..... ۶۰ والفجر ۲

..... ۶۳ شرح عملیات

*** نقشه شماره ۷ عملیات والفجر ۲**

..... ۶۵ والفجر ۳

..... ۶۷ شرح عملیات

*** نقشه شماره ۸ عملیات والفجر ۳**

..... ۷۱ والفجر ۴

..... ۷۲ شرح عملیات

*** نقشه شماره ۹ عملیات والفجر ۴**

..... ۷۵ عملیات خیر - اتخاذ تاکتیک ویژه جهت دستیابی به ابتکار عمل

..... ۸۰ شرح عملیات

*** نقشه شماره ۱۰ عملیات خیر**

..... ۸۶ پس از خیر

..... ۸۸ عملیات عاشورا (میمک)

*** نقشه شماره ۱۱ عملیات عاشورا (میمک)**

..... ۹۴ عملیات بدر - بازگشت مجدد به هور

..... ۹۸ شرح عملیات

*** نقشه شماره ۱۲ عملیات بدر**

١٠٢	تلفات و خسارات وارده به دشمن
١٠٣	ویژگیهای قابل ملاحظه در طراحی عملیات
١٠٤	پس از بدر
١٠٥	جمع بندی تجربیات و اتخاذ تدابیر لازم
١٠٧	تبیین استراتژی «جنگ، جنگ تا رفع فتنه»
١٠٩	نظری بر سلسله عملیات محدود پس از بدر
١١٠	مشخصه های عملیات محدود
١١٣	سلسله عملیات قدس - قدس ١ تا ٥ و عاشورای ٤
١١٧	شرح عملیات
	* نقشه شماره ١٣ عملیات قدس ١ و ٢ و ٤
١١٩	قدس ٣
١٢٢	شرح عملیات
	* نقشه شماره ١٤ عملیات قدس ٣
١٢٤	قدس ٤
١٣٠	قدس ٥
	* نقشه شماره ١٥ عملیات قدس ٥
١٣٣	عاشورای ٤
١٣٤	شرح عملیات
	* نقشه شماره ١٦ عملیات عاشورای ٤
١٣٦	نتایج و ارزیابی عملیات محدود

فصل دوم:

عملیات والفجر ٨

١٤٢	بررسی اجمالی وضعیت دشمن
١٥٧	والفجر ٨ - ضرورت انجام عملیات بزرگ
١٥٩	عوامل انتخاب منطقه
١٦٥	ویژگیهای نظامی و منطقه ای عملیات فاو
١٧٢	پاره ای از تدابیر عملیاتی
١٨٦	شرح عملیات
	* نقشه شماره ١٧ عملیات والفجر ٨ - فاو

۱۹۰ مقاومت در محور ساحلی
۱۹۳ درگیری با لشکر گارد
۱۹۹ نتایج بدست آمده در عملیات
۲۰۲ فاو از حضور تا تثبیت
۲۰۳ مشکلات بازپس‌گیری فاو برای دشمن
۲۰۸ تلاش‌های نیروهای خودی در فاو
۲۰۹ احداث خاکریز و تقویت عقبه‌ها
۲۱۱ ارزیابی و نتایج عملیات والفجر ۸
۲۱۱ الف: علل موفقیت عملیات والفجر ۸
۲۱۲ ب: بازتاب و انعکاس در رسانه‌ها و مطبوعات غربی
۲۱۹ ج: آموختنی‌های والفجر ۸
۲۲۱ نگاهی به سرانجام استراتژی دفاع متحرک
۲۲۳ الف: مقاومت مناسب و تحمیل تلفات انبوه بر دشمن
۲۲۴ ب: اهداف عراق از اتخاذ «استراتژی دفاع متحرک»
۲۲۷ ج: نگرشی اجمالی بر سلسله تعرضات نظامی دشمن
	* نقشه شماره ۱۸ استراتژی دفاع متحرک
۲۴۳ آزادسازی شهر مهران (عملیات کربلای ۱)
	* نقشه شماره ۱۹ کالک موانع دشمن روی ارتفاعات قلعه‌آویزان مهران – بدره
۲۴۶ شرح عملیات
	* نقشه شماره ۲۰ عملیات کربلای ۱

بسم الله الرحمن الرحيم

بسمه تعالی

برجسته ترین ویژگی جنگ، مردمی بودن آن است و این مهم، اثرات خود را در زمینه های مختلف، از جمله: سازمان رزم سپاه، شیوه های جنگ، اتخاذ تاکتیک های ویژه در مراحل مختلف جنگ و... برجای نهاده است.

در این روند، آنچه حائز اهمیت است و نقش تعیین کننده در حرکت های کنونی و آتی جنگ دارد، چگونگی استمرار بخشیدن به حضور مردم در جنگ و نیز اتخاذ استراتژی مناسب با توجه به ویژگی های حضور مردم، می باشد.

از جمله لوازم و مقدمات تحقق امر فوق، ارتقاء بخشیدن به آگاهی های سیاسی، اجتماعی و نظامی مردم است. قطعاً ارائه هرگونه جمع بندی از تجارب جنگ در چند سال گذشته و تبیین نسبی مراحل جنگ و روشن نمودن عوامل و علل توقف، پیش رویها، موفقیت ها و ناکامیها و... می تواند به حضور مردم در صحنه نبرد عمق لازم را بخشد، طبعاً ابعادی جدید را در جنگ و انقلاب ایجاد نماید.

بر این اساس، بر آن شدیم تا ابعاد و زوایای جنگ را پس از انتشار کتاب «دو سال جنگ» از شروع عملیات «رمضان» (پس از فتح خرمشهر) تا فتح «فاو»، بصورت اجمالی و گذرا در دو فصل عمده مورد بررسی قرار دهیم تا بدینوسیله نقاط ضعف قوای خودی و دشمن و نیز چگونگی و کیفیت ارتقاء جنگ در زمینه های سازماندهی و تاکتیک، روشن شود.

بدون تردید سخن گفتن از جنگی که با گسترشی روزافزون در حال مداوم است و هر روز ابعادی تازه می یابد و در زمین و هوا و دریا با شدت دنبال می شود کاری بس دشوار است، آنهم در برخورد با دشمنی که با اتکاء به ابرقدرتها که تماماً دشمنی آشکار و کینه توزی مفرطی نسبت به انقلاب اسلامی نشان می دهند، حتی از بکارگیری سلاح شیمیایی و بمباران مناطق مسکونی ابائی ندارد. البته می توان با شیوه های تبلیغاتی ماهرانه تنها نکات خاصی را از جنگ برگزید و با بزرگ کردن آن، افکار عمومی را تنها در جریان موفقیتها و جنبه های مثبت قرار داد. اما بدیهی است که این روش برای مردم ما که بار جنگ تماماً بر دوش آنانست و رغبت و اشتیاق آنان برای دستیابی به آرمانهای انقلابشان، موتور اصلی حرکت جنگ است، روشی نادرست و غیرمفید می باشد. جمهوری اسلامی که بر ویرانه های رژیم طاغوتی شاهنشاهی بنا شده تنها و تنها با اتکاء به حمایت واقعی و قلبی مردم، توانائی و امکان ثبات و پیشرفت را دارد و این امکان نه بوسیله سازمان سیاسی و اداری قدرتمند بلکه بدلیل رهبری الهی و فلسفه حکومتی دینی آن پدیدار گشته و ادامه یافته است.

از سوی دیگر مردم، توسط بهترین فرزندانشان در تمامی صحنه های جنگ حضور مستقیم دارند و هیچ سازمانی نمی تواند برای آنان وسیله

تبدیل و تعدیل مشکلات و مصائب جنگ باشد. مردم حزب... همانگونه که پیروزیها را لمس می‌کنند، مشکلات را نیز بخوبی می‌فهمند و بزرگترین رنج‌ها و مصائب را نیز بعنوان وظیفه و تکلیف شرعی و آثار و تبعات نعمت امکان جهاد فی سبیل... به جان می‌خرند.

بنابراین، گزارش مستند و واقعی از جنگ یکی از نیازهای مبرم و ضروری مردمی است که باید در کنار انگیزه‌های دینی و الهی‌شان به درک و تبیین و تحلیل دقیق سیر جنگ و سرانجام آن نیز قادر باشند. اما از سوی دیگر یک نکته مهم نیز باید لحاظ شود و آن استفاده قطعی دشمن از هرگونه گزارش و نوشته دقیق مربوط به جنگ است. ملاحظه می‌گردد که از طرفی مردم نیازمند آگاهی و اطلاع مناسب هستند و از سوی دیگر دشمن درصدد است که از همین اطلاعات علیه همین مردم استفاده کند. کرد.

در نگارش هرگونه مطلبی در باب جنگ تحمیلی این مشکل بزرگی است که خودنمائی می‌کند. چاره آن است که بگونه‌ای عمل شود که هم نیازهای مردم در بیشترین حد ممکنه رفع گردد و هم کمترین استفاده نصیب دشمن بشود.

در تهیه این کتاب که در واقع یک گزارش تحلیلی از چهار سال جنگ (پس از فتح خرمشهر در خرداد ۶۱ تا آزادسازی دوباره مهران در تیر ۶۵) می‌باشد، دهها گزارش طبقه‌بندی شده از نبردهای مختلف، هزاران برگ اسناد عملیاتی و دهها هزار نوار مصاحبه، بی‌سیم و... که بهنگام عملیات توسط راویان مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه بطور زنده تهیه شده، مورد استفاده قرار گرفته است. در سیر یاد شده تقریباً به تمامی عملیات‌ها و نبردها طی این مدت اشاره و به اهم نکات آن پرداخته شده و

ضعفها و قوت‌های خودی و دشمن، پاپای جنگ بررسی گردیده است. مجموعه عظیم منابع و مدارک این کتاب که در مخزن مرکزی «مطالعات و تحقیقات جنگ» آرشیو و نگهداری می‌شود در صورت فرا رسیدن زمان مناسب و رفع تنگناهای یاد شده می‌تواند دهها جلد کتاب مستند و مفصل را تشکیل بدهد و طبیعی است که استخراج اهم موارد قابل ذکر و ارائه آنها در یک جلد کتاب نمی‌تواند حق مطلب را آنطور که شأن آن است ادا کند و با وجود اجمال و اختصار، عظمت و شکوه چهار سال مقاومت بی نظیر و غیرقابل تصور رزمندگان اسلام را بیان نماید. اما علیرغم این می‌توان گفت آنچه ارائه شده یک مجموعه بی نظیر و منحصر به فرد از مسائل و حوادث چهار سال جنگ می‌باشد.

کتاب حاضر در دو فصل تنظیم گردیده است. در فصل اول تحت عنوان «نگاهی اجمالی به جنگ از بیت المقدس تا بدر» ابعاد و زوایای جنگ از آزادی خرمشهر تا قبل از عملیات والفجر ۸ (خرداد ۶۱ تا مرداد ۶۴) به صورت اجمالی در ۸ مبحث مورد بررسی قرار گرفته است. نقاط قوت و ضعف خودی و دشمن، دست آوردهای نظامی سیاسی و همچنین چگونگی ارتقاء خودی در زمینه‌های سازماندهی و تاکتیک در طول این دوران را از سیر مربوطه می‌توان دریافت، این مباحث عبارتند از:

- ۱ - فتح خرمشهر: سرآغاز مرحله‌ای جدید در جنگ
- ۲ - عملیات رمضان: ورود به داخل عراق
- ۳ - عملیات محدود: کسب توان و گرفتن زمان و ابتکار عمل از دشمن (عملیات مسلم بن عقیل - عملیات محرم)
- ۴ - والفجر مقدماتی و ۱
- ۵ - توجه مجدد به عملیات محدود و گسترش جنگ در سراسر مرز

(والفجر ۲ و ۳ و ۴)

۶ - عملیات خیبر: اتخاذ تاکتیک ویژه جهت دستیابی به ابتکار

عمل

۷ - عملیات بدر: بازگشت مجدد به هور

۸ - پس از بدر: گسترش جنگ شهرها و انجام سلسله عملیات

محدود (قدس ۱ تا ۵ و عاشورا ۴)

فصل دوم به عملیات بزرگ و سرنوشت ساز والفجر ۸ (پیروزی فاو)

اختصاص دارد. این فصل شامل مباحث زیر است:

۱ - بررسی اجمالی وضعیت دشمن - این مبحث در واقع مقدمه‌ای

برای عملیات فاو است و اوضاع و اقدامات دشمن قبل از این عملیات را

بررسی کرده است.

۲ - ضرورت انجام عملیات بزرگ، ویژگیهای منطقه عملیاتی فاو.

در این مبحث عوامل انتخاب و مشخصات طبیعی منطقه عملیاتی

بررسی شده و سپس مزایای منطقه و ویژگیهای مثبت عملیات، موانع و

محدودیتهای منطقه ای و نظامی و تدابیر متخذه برای استفاده از مزایا و رفع

معایب مذکور و نیز طراحی مانور عملیات مورد بحث قرار گرفته است،

پس از ذکر مسائلی چون چگونگی شناسایی و جمع آوری اطلاعات از

دشمن، به شرح عملیات پرداخته شده و در آخر نتایج بدست آمده ارائه شده

است.

۳ - فاو از حضور تا تثبیت.

در این مبحث تلاشها و اقدامات دشمن برای باز پس گیری فاو و

اقدامات خودی برای تثبیت منطقه، سپس نتایج و دستاوردهای نهایی

عملیات مورد بررسی قرار گرفته است.

۴- استراتژی دفاع متحرک عراق بعنوان عکس‌العملی در قبال عملیات پیروز والفجر ۸ و سرانجام آن مورد بحث قرار گرفته و به تعرضات زمینی متعدد دشمن و فرجام آن پرداخته شده است.

نهایتاً با گزارش آزادی مجدد مهران به مثابه نقطه پایانی تحرکات زمینی چند ماهه دشمن، این مبحث و همچنین کتاب به پایان می‌رسد.

در آخر باید به این نکته مهم اشاره کرد که: دهها عملیات کوچک و بزرگ همراه با پیروزیها و عدم الفتح‌ها در طی چهار سال جنگ که در کتاب به آن اشاره شده، تنها نمود و نشانه‌ای است از عظمت عزم نیروهاییکه ایمانشان از توانائی مادی غیرقابل وصف دشمنان جهانی اسلام بزرگتر و کاراتر بوده است و بدلیل اتکاء به قدرت لایزال خداوند، قدرت‌نمایی دشمنان جهانی ما، کوچکترین تزلزلی در تصمیم آنها بر ادامه راه صعب و دشوار پیروزی نهائی انقلاب اسلامی نتوانسته وارد کند.

در واقع ادامه جنگ طولانی با دشمنی که مجری سیاست‌های کینه‌توزانه ابرقدرتها عیه انقلاب اسلامی است و پشتیبانی همه‌جانبه سیاسی، نظامی، مالی و تبلیغاتی تقریباً تمام جهان را علیه ما در اختیار دارد، امری است که تنها و تنها از عهده انقلاب اسلامی و نیروهای مخلص و متعهد به اسلام برآمده است و همین بزرگترین پیروزی نظام جمهوری اسلامی محسوب می‌گردد. اگر کتاب حاضر توانسته باشد، به میزانی هرچند ناچیز، گوشه‌ای از این مقاومت و پایداری بزرگ و جلوه‌ای از استقامت و صبر و تحمل نیروهای اسلام و نتیجتاً قدرتمند شدن روزافزون آنرا نشان بدهد، مقصود تهیه‌کنندگان را برآورده ساخته است.

معاونت سیاسی ستاد کل سپاه

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ - اسفند ۹۶

فصل اول:

نگاهی اجمالی به جنگ
از بیت المقدس تا بدر

فتح خرمشهر

سرآغاز مرحله جدیدی در جنگ

تنها چهل روز پس از پیروزی عملیات فتح المبین، عملیات بیت المقدس بمنظور درهم شکستن قوای سازماندهی شده دشمن و آزادسازی بخشی عمده از اراضی اشغالی — در محدوده دورودخانه: کارون و کرخه کور (نور)، هورالهویزه در جنوب اهواز — و عمدتاً خرمشهر، با پیشروی به سمت بصره (تا تنومه واقع در شرق شط العرب)، آغاز شد و در نهایت با فتح خرمشهر پایان رسید.

فتح خرمشهر در واقع ماحصل و نتیجه شیوه‌ای خاص از جنگ (مردمی) و تاکتیکهای منحصر بفرد بود که دشمن هیچ گونه آمادگی برای مقابله و مهار آن نداشت. بدین معنا که دشمن بر حسب معیارها و اصول جنگ کلاسیک، جمهوری اسلامی را فاقد ویژگیها و توانائی لازم در این زمینه می دید. همچنین موقعیت ویژه زمین منطقه، که نوع خاصی از پدافند را دیکته می کرد، موجب آن شد که عراق قادر به حفظ و تأمین پوشش جناحین خود نباشد و این امر نهایتاً آسیب پذیری و از هم پاشیدگی قوای دشمن را در همان ساعات اولیه هجوم، در برداشت.

بهرحال، با فتح خرمشهر، که جدا از ضعفهای دشمن و نقطه قوتهای نیروهای خودی نبود، مرحله‌ای از جنگ پشت سر نهاده شد و مرحله جدید می‌رفت تا بدنبال بازتاب گسترده فتح خرمشهر، شکل نهایی خود را بیابد.

فتح خرمشهر در واقع، غرب را رویاروی پیروزیهای فزاینده انقلاب اسلامی قرار داد، و از همین رو بود که خبرگزاریها از آن بعنوان بزرگترین پیروزی ایران در جنگ ۲۰ ماهه با عراق یاد کردند.^۱ و بعد از آن حتی از سوی آمریکا، چنین تعبیر شد که «پیروزی مصممانه ایران دستهای تهران را برای ایجاد عدم ثبات در کشورهای میانه‌رو خلیج فارس باز خواهد گذارد».^۲

اینگونه تحلیل و تعبیرها بخوبی خاطرنشان می‌سازد که پیروزیهای ایران در میدان نبرد و تأثیرات گسترده آن، غرب را با واقعیاتی رویارو نمود که در چهارچوب پیش‌بینی‌های دنیای استکبار جایی نداشت. لذا، غرب ناگزیر بمنظور چاره‌جویی و حل مسائل پیش آمده، استراتژی خود را مبتنی بر حفظ صدام قرار داد.

در استراتژی جدید غرب که اساساً در پی هراس از پیروزیهای روبه گسترش ایران و خطر تزلزل و از هم‌پاشیدن نظامهای وابسته منطقه اتخاذ شده بود، فشارهای سیاسی — تبلیغاتی جهانی به جمهوری اسلامی و تسلیح عراق با جنگ افزارهای پیشرفته، در صدر برنامه قرار گرفت.

بعبارت دیگر، هدف مطلوب غرب در وضعیت جدید، بازداشتن ایران از تعرضات گسترده خود، و بالطبع، ایجاد رکود در جبهه و نیز متوقف

۱ — برای نمونه، مراجعه کنید به خبرگزاری آلمان ۶۱/۳/۴.

۲ — خبرگزاری فرانسه از واشینگتن ۶۱/۳/۴ بنقل از یک دیپلمات آمریکایی.

ساختن قوای نظامی ایران در پشت دیوارهای دفاعی عراق بود. بدین ترتیب، و بر اساس استراتژی یادشده، عراق به عقب نشینی سراسری مبادرت ورزید تا شاید بدینوسیله زمینه‌های لازم را برای اتخاذ روش دفاع مطلق در زمین و هجوم در جبهه سیاسی — تبلیغاتی در پوشش «صلح خواهی» و مظلوم‌نمایی فراهم آورد.

دلایل عقب نشینی به داخل خاک عراق

ناتوانی نظامی عراق در رویارویی با تهاجمات گسترده و محدود رزمندگان در جبهه‌های جنگ، فرو رفتن در لاک دفاعی را به این کشور تحمیل نمود. عراق با این اقدام، در واقع به پوشاندن نقاط ضعف خود، مبادرت ورزید.

عراق بهنگام حضور در خاک جمهوری اسلامی، بدلیل اینکه از چند محور تهاجم خود را صورت داده بود و همچنین از پیوستن و الحاق بازوهای نظامی خود در محورهای متعدد ناتوان بود در نتیجه در آرایش استقرار نیروهایش دارای دو ضعف عمده بود: دادن جناح، در دسترس قرار گرفتن عقبه‌هایش. از اینرو تهاجم رزمندگان اسلام به جناحین دشمن و نیز دور زدن نیروهای عراق و دست یافتن به عقبه‌های آنها، منجر به فروپاشی و درهم ریختگی خطوط و عقبه‌های دشمن شده و امکان هرگونه مقاومت و ادامه نبرد را از آنها سلب می‌کرد. بر این اساس دشمن با عقب نشینی سراسری خود سعی کرد سه ضعف عمده‌اش را مرتفع کند:

۱ — با اتخاذ خطوط پدافندی مناسب، متکی بر عوارض طبیعی

نوار مرزی از فکه به بالا، مسئله جناح‌هایش را حل کرد.

۲ — خطوط پدافندی رسمی خود را عملاً کاهش داد.

۳ — صرفه جوئی در قوا و در نتیجه ایجاد نیروهای احتیاط متحرک، در کنترل سپاهها، را ایجاد کرد.

در این زمینه صدام طی جلسه ای با فرماندهان ارتش عراق، دلایل عقب نشینی و ضرورت های نحوه ادامه جنگ را چنین ذکر می کند:

«دلایلی که باعث بهبودی وضع ما پس از بازگشت به مرزهای بین المللی شد، عبارتند از:

الف) طولانی بودن راههای مواصلاتی ما به جبهه در خاک ایران که این امر موجب مسایل زیر شد:

۱ — مشکل مانور

۲ — نیروهای خودی به مسائل دفاع در خاک ایران کمتر اهمیت می دادند.

۳ — راههای مواصلاتی تدارکاتی طویل و در خاک دشمن بود، از سوی دیگر ارتباط مرکز فرماندهی با قرارگاه های میدان جنگ بعثت طولانی بودن، مورد تهدید قرار می گرفت. در این حالت نیروهای جلو در معرض انزوا قرار می گیرند، بخصوص وقتی دشمن بطور مستقیم وارد محل شود (دور می زند)، دشمن بر روی این تاکتیک (جناح گرفتن و دور زدن) خیلی تکیه می کند.

ما مجبور بودیم برای حفظ آن جاده ها (عقبه ها) نیروهای پشتیبانی بیشتری گسیل داریم، این وضع برای مسدود کردن معابر نفوذی بسیار سخت و غیر ممکن است، نیروهای موظف به این امر، چون اکثراً از نیروهای ذخیره اند و آمادگی ندارند، قادر به مسدود کردن همه معابر نفوذی نیستند. ولیکن الان کلیه امکانات دفاعی برای حفظ خط مقدم فراهم شده و بخشهای ذخیره نیز تجربه کافی کسب کرده اند.

ب): احساس سربازان و ارتشیان ما در هنگامی که از اراضی و حقوق خود دفاع می کنند، با حالتی که در عمق مثلاً هشتاد کیلومتری

سرزمین دشمن دارند، متفاوت است.

ج): یکی از عوامل مهم دیگر این بود که دشمن در سرزمین خود می‌جنگید و بالطبع آشنائی کامل با محیط داشت. مثلاً دشمن از رود کرخه و انشعابات آن و یا رود کارون استفاده می‌کرد، و مسایل غیر مترقبه ای را برایمان ایجاد می‌کرد (اصل غافلگیری)، و نسبت به نیروهای خط مقدم احاطه داشت.^۱

چنانچه از این سخنان استفاده می‌شود، دشمن با عقب نشینی به مرزهای خود، در واقع به خطوط پدافندیش عمق داد و آنرا از آرایش و استحکامات مناسب دفاعی برخوردار ساخت. گذشته از این، خود را آماده جنگ با تهاجم نیروهای پیاده و مهار و کنترل موجهای تعرضی آنها کرد و همچنین نیروهای اصلی و هجومی خود را که در خط پدافندی قرار داده بود، آزاد کرد و آنها را بعنوان نیروی احتیاط * (به دور از خط مقدم، که امکان آسیب پذیری آنها وجود داشت)، مستقر نمود.

در نتیجه، دشمن با این فرض که جنگ ادامه خواهد داشت، و در این روند از تهاجمات پی در پی جمهوری اسلامی ایران در امان نخواهد بود، با عقب نشینی سراسری از برخی نقاط، مبادرت به حفظ ماشین جنگی خود و کسب آمادگی لازم برای ادامه جنگ نمود.

۱ - اسناد بدست آمده در عملیات والفجر مقدماتی.

* در این زمینه توضیحات بیشتری داده خواهد شد.

عملیات رمضان

ورود به داخل خاک عراق

قبل از آغاز عملیات رمضان، مسئولین و دست اندرکاران عمدتاً دو مسئله اساسی را رویاروی خود داشتند: یکی تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان، و دیگری ورود بداخل خاک عراق. طبعاً آنچه در لبنان رخ داد، اساساً بدون ارتباط با پیروزیهای رو به گسترش جمهوری اسلامی پس از فتح خرمشهر و نیز فراهم سازی زمینه های فشار به ایران، و اختتام جنگ نبود. بدین معنی که تأثیر پیروزیهای ایران اسرائیل را از حضور نزدیک فلسطینیها و شیعیان در کنار مرزهای شمالی خود به وحشت انداخت. اشغال مناطق مسلمان نشین شیعیان جنوب و اردوگاههای فلسطینی نیز برای جلوگیری از وقوع انقلاب اسلامی در لبنان و سپس سرایت آن به فلسطین اشغالی بود. در نتیجه اولاً آمریکا می بایست در برابر پیروزیهای جمهوری اسلامی عکس العملی نشان دهد، و قدرت خود را بنمایاند و ثانیاً انقلاب اسلامی بر حسب هویت خود، به هیچ روی نمی تواند و نخواهد توانست مسایل خاورمیانه، بخصوص رژیم اشغالگر قدس را نادیده بگیرد. ثالثاً، عراق که پس از فتح خرمشهر بدنبال مفری جهت اتمام

جنگ بود، قطعاً می‌توانست با بهانه قرار دادن مسئله حمله اسرائیل، بصورتی ادامه جنگ را به زیر سؤال ببرد.

پس از فتح خرمشهر دست‌اندرکاران جنگ طراحی عملیات رمضان را در دست داشتند، لیکن پیش‌آمد بحران تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان در ۱۳۶۰ (مصادف با ۱۹۸۲ میلادی) اذهان را متوجه لبنان کرد. از سوی دیگر، پیش‌بینی می‌شد که جای پا و حضور مناسبی که در لبنان ایجاد شده بود، پس از حل عاجل مسئله جنگ، گسترش و توسعه خواهد یافت و انقلاب اسلامی در مرحله جدید، بگونه‌ای جدیدتر و اساسی‌تر با اسرائیل و آمریکا درگیر بشود.

نگرش یاد شده نسبت به مسائل لبنان، و از طرفی فروکش کردن تب و تاب انجام عملیات در جبهه‌ها، آنهم در خارج از مرزهای جمهوری اسلامی و در خاک عراق، خصوصاً پس از فتح خرمشهر، طبعاً خطرات فزاینده‌ای را برای جنگ و انقلاب در پی داشت. بعبارت دیگر، این وضع، بیم گرفتاری ایران در دام استکبار جهانی را می‌داد.

در این مرحله، فرمانده کل قوا امام خمینی با تبیین استراتژی «راه قدس از کربلا می‌گذرد»، عملاً جهت اصلی تحرکات و اقدامات اساسی جمهوری اسلامی را خاطر نشان فرمودند.

بر این اساس، و نیز مبتنی بر واقعیات برآمده از عملیات رمضان و پس از آن ۳ سال رویارویی با دشمن، این نتیجه حاصل شد که جنگ دارای ابعادی وسیع‌تر از آنچه تصور می‌شد، بوده، لزوماً می‌بایست به هر نحو ممکن بگونه‌ای مطلوب حل شود تا از این طریق، مقدمات گسترش و توسعه انقلاب اسلامی فراهم آید.

از سوی دیگر، مسایل لبنان نیز با توجه به تلاشهای سپاه پاسداران

و نیز ارتباط تنگاتنگ مسلمانان آن دیار با انقلاب اسلامی، عملاً زمینه‌های نوعی خاص از حضور انقلاب اسلامی در مقابل اسرائیل و استکبار جهانی و نیز حفظ جای پا برای موقعیت مناسب را فراهم آورد.

دلایل ورود به داخل خاک عراق

گذشتن از مرزهای بین‌المللی و ورود به خاک دشمن، پس از دفع تهاجم، امری بود که از نظر اعتقادی برای نیروهای رزمنده ابهامی در بر نداشت، زیرا که عقب‌نشینی سراسری دشمن در پی شکستهای سنگینی که متحمل شده بود، بمنظور معطل نمودن ایران و ایجاد شرایط نه صلح نه جنگ و حاکم ساختن وضعیت فرسایش در جنگ صورت گرفت.

لازمه حفظ و گسترش ابتکار عمل و برخورداری از روحیه تهاجمی جهت اعاده حقوق جمهوری اسلامی شرایطی بود که ادامه جنگ و ورود به داخل خاک عراق را امکان‌پذیر می‌ساخت. لذا، در آن مقطع به انحاء گوناگون دلایل زیر جهت ورود به داخل خاک عراق مطرح می‌شد.

۱- پس از تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان و عقب‌نشینی سراسری عراق از مناطق اشغالی، کشورهای مرتجع منطقه موقعیت را مغتنم شمرده، طی نامه‌هایی که با مسئولین جمهوری اسلامی رد و بدل کردند، عملاً در صدد برآمدند تا حقوق حقه جمهوری اسلامی را نادیده گرفته، نسبت به موقعیت برتر ایران از خود بی‌اعتنائی نشان دهند. و ورود به خاک

• مقامات عربستان طی نامه‌ای به حجت اسلام خامنه‌ای رئیس‌جمهور پیشنهاد کردند که هیئتی از طرفین جنگ به عربستان بیایند و در آنجا مذاکرات صلح آغاز شود. متقابلاً در پاسخ به پیشنهاد عربستان سعودی نسبت به تغییر شیوه برخورد آنها سنوئل شده بود که سعودیها در جواب گفته بودند: فعلاً مسئله اسرائیل مطرح است، ایران چه می‌خواهد؟ عراق هم که عقب‌نشینی کرد!

عراق، در حقیقت، پایان دادن به این گونه برخوردها بود.

۲ — تنبیه صدام بعنوان متجاوز، تا بدین وسیله زمینه‌های هرگونه تجاوز به مرزهای جمهوری اسلامی، در آینده، از میان برداشته شود.

۳ — استراتژی «راه قدس از کربلا می‌گذرد» بر تداوم عملیات تا حل نهایی مسئله جنگ تکیه داشت و تلویحاً این نکته را نیز مطرح می‌کرد که انقلاب اسلامی از این طریق می‌تواند برخورد جدی با غرب و مبارزه با اسرائیل را تدارک بخشد.

۴ — با توجه به اینکه برنامه‌ها و مطلوب غرب، متوقف ساختن نیروها در پشت مرزها بود، این توقف، جز گرفتار شدن در یک دام، معنای دیگری نداشت. علاوه بر این، دشمن پس از عقب‌نشینی، با فرصت سه‌ماهه‌ای که بدنبال حمله اسرائیل به جنوب لبنان بدست آورد، مناسبترین خطوط پدافندی را در نوار مرزی، متکی بر عوارض طبیعی، ایجاد کرد و در نتیجه، در خیلی از جاها خطوط جدیدی که بر نیروهای اسلام تحمیل شد، مناسب برای پدافند نبود و طبعاً در معرض آسیب‌پذیری قرار داشت.

تهدید شهر بصره

عملیات رمضان بر این اساس طراحی شد که با حضور قوای نظامی ایران در پشت رودخانه دجله و اروندر، و تسلط بر معابر وصولی بصره، در ادامه عملیات فتح‌المبین و فتح خرمشهر، عملاً از نظر سیاسی — نظامی موقعیت مناسبی برای جمهوری اسلامی فراهم آید، بطوریکه یا غرب تن به تغییرات سیاسی در عراق بدهد، و یا در غیر این صورت، امکان ادامه جنگ در آینده از موضع قویتری فراهم شود.

موقعیت منطقه عملیاتی شهر بصره

منطقه عملیاتی رمضان محصور است بین یک زمین مثلث شکل به وسعت ۱۶۰۰ کیلومتر مربع — که از شمال به کوشک و طلائیه (پاسگاههای مرزی ایران در جنوب هویزه) و حاشیه جنوبی هورالهویزه به طول ۵۰ کیلومتر و از غرب به رودخانه اروند (که از نقطه تلاقی رودخانه دجله و فرات بنام القرنه شروع می شود تا شلمچه در غرب خرمشهر) بطول ۸۰ کیلومتر و از شرق به خط مرزی شمالی — جنوبی از کوشک تا شلمچه بطول ۶۰ کیلومتر منتهی می شود — بر روی رودخانه اروند در این قسمت چهارپل (دو پل در منطقه نشوه و دو پل در منطقه تنومه) واقع شده است که در جنوب غربی این رودخانه شهر صنعتی و بندری بصره قرار دارد.

دشمن تا قبل از فتح خرمشهر، از آنجا که این شهر را کلید بصره می دانست و امکان از دست دادن این شهر را غیر ممکن می پنداشت، در شرق بصره مواضع مستحکمی نداشت. لیکن در فرصتی که بر حسب حضور فکری نیروهای خودی در لبنان و تأخیر در انجام عملیات رمضان، بدست آورد، تغییرات مهمی را در زمین منطقه ایجاد کرد که قسمت اعظم آن، مبتنی بر تجارب برآمده از عملیاتهای گذشته بود.

بدین ترتیب، دشمن با احداث خاکریزهای مثلثی، خطوط پدافندی مناسبی را ایجاد کرد که طراحان و مبتکران اصلی آن در گذشته اسرائیلی ها بودند. علاوه براین، دشمن، کانالی بطول ۳۰ کیلومتر و عرض ۱ کیلومتر را که مختص به امر پرورش ماهی بود، با پمپاژ آب و احداث موانع و کمین و سنگرهای تیربار، بعنوان مانعی بازدارنده، در مقابل تعرض نیروهای خودی به سمت بصره، آماده نمود.

همچنین در قسمت جنوبی منطقه که مقابل شلمچه واقع است، از

سوی دشمن، آب رها شد تا مانع از عبور نیروهای اسلام شود. دشمن در بیابان شرق بصره، چیزی بیش از آنچه ذکر شد، بطور برجسته و عمده نداشت، اما در جنوب غرب اروند، شهر صنعتی — استراتژیک بصره واقع است.

جمعیت این شهر کمتر از یک میلیون نفر است و دارای پالایشگاه، کارخانه عظیم پتروشیمی، واحد تصفیه گاز طبیعی و کارخانه‌های صنعتی دیگری باشد. همچنین بخش تنومه که متعلق به شهر صنعتی در شرق اروند است، در نزدیکی بصره، قرار دارد. علاوه بر این، صحرایی که در غرب بصره واقع است، و نیز سرزمین باتلاقی شمال آن، عظیمترین منابع نفتی عراق را در خود نهفته دارد.

ضمناً، جاده مواصلاتی بغداد به کویت، بنام صفوان، که دارای اهمیت استراتژیکی است و تدارکات اصلی و تسلیحات و مهمات نظامی دشمن از آن صورت می‌گیرد، از جنوب این شهر عبور کرده، پس از گذشتن از شهر مرزی صفوان، در کویت امتداد می‌یابد.

مأموریت و طرح مانور

خط حدومحدوده منطقه عملیاتی رمضان از کوشک، در شمال، آغاز می‌شد و تا رودخانه اروند، در جنوب، امتداد داشت. در این محدوده، عملیات رمضان از چهار محور یا چهار قرارگاه عملیاتی [محورهای: شمالی، میانی (شمال و جنوب پاسگاه زید) و جنوبی] بمنظور انهدام نیروهای سپاه سوم دشمن و تأمین خط رودخانه اروندرود، طراحی شد.

قسمتی از مسئله عمده در مانور عملیات، ضرورت هماهنگی در

پیشروی قرارگاهها از محورهای مختلف و حفظ جناحین بود، که اساساً تحقق آن، با اتکاء به تلاشهای مهندسی، امکان پذیر بود.

از آنجا که در منطقه شرق اروند عقبه دشمن فقط متکی به چهار پل در «نشوه» و «تنومه» بود، پیش بینی می شد که در صورت سرعت عمل و رعایت غافلگیری توأم با پیشروی مناسب، نیروهای زیادی از دشمن به اسارت درآیند و در عمل، چیزی نظیر واقعه شکستن حصر آبادان (عملیات ثامن الائمه)، تکرار شود.

ضمناً سازمان رزم عملیات، متشکل از نیروهای ارتش و سپاه در نظر گرفته شد و در مجموع، نیروهای منظور شده و بکار گرفته شده، عبارت بودند از «۱۰ تیپ به اضافه» از سپاه و «۲ لشکر و یک تیپ به اضافه» از نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی.

شرح عملیات (مراحل اول تا پنجم)

عملیات رمضان طی پنج مرحله از تاریخ ۶۱/۵/۲۲ آغاز شد و تا تاریخ ۶۱/۶/۶ بطول انجامید.

مرحله اول

در مرحله اول عملیات، سه قرارگاه از سه محور با دشمن درگیر شدند و در جناح شمالی، دو تیپ به اضافه از سپاه و یک تیپ از ارتش، مأموریت یافتند این جناح عملیات را تأمین نمایند. لیکن بعلت وجود موانع و استحکامات مثلثی شکل و میادین مین، نیروها نتوانستند با سرعت عمل به تمامی اهداف مورد نظر دست یابند. لذا با نزدیک شدن روشنائی صبح، از ادامه پیشروی خودداری شد.

در محور میانی (شمال پاسگاه زید)، سه تیپ با اضافه از سپاه و

یک لشکر از نیروی زمینی ارتش شرکت داشتند، و علیرغم اینکه توانستند مقداری پیشروی کنند، لیکن به مثلی های دشمن نرسیدند.

در محور جنوبی (جنوب پاسگاه زید)، چهار «تیپ به اضافه» از سپاه و دو تیپ از ارتش توانستند با سرعت عمل چشمگیر و قابل ملاحظه ای تمامی مواضع دشمن را درهم بکوبند و به عمق ۳۰ کیلومتری مواضع دشمن پیشروی نمایند و خود را به نهر کتیبان، در شرق اروند، و کانال ماهیگیری برسانند، بطوریکه به قرارگاه فرمانده لشکر ۹ زرهی رسیده، ماشین بنز فرماندهی را به غنیمت گرفته، قرارگاه را منهدم کردند، و از آب کانال ماهیگیری و نهر کتیبان وضو ساختند.

در این محور، نیروها بقدری به بصره نزدیک شده بودند که براحتی چراغهای شهر را مشاهده می کردند.

علیرغم موفقیت بدست آمده در این محور، جناح راست نیروهای خودی خالی ماند و پاکسازی کامل نیروها و موانع دشمن صورت نگرفت؛ لذا با روشن شدن هوا، دشمن، با یک لشکر زرهی فشار اصلی را معطوف آنجا نمود و در نتیجه از تأمین منطقه، ممانعت بعمل آمد.

بدین ترتیب طی مرحله اول عملیات، ۸۵ تانک و نفربر و ۱۲ توپ دشمن منهدم گردید و ۷۱ تانک و نفربر به غنیمت گرفته شد. علاوه بر این، ۲۷۰۰ تن از عناصر دشمن کشته و زخمی شده، ۸۵۰ تن به اسارت درآمدند.

مرحله دوم

مرحله دوم عملیات از محور میانی (جنوب پاسگاه زید) با همان یگانهای مرحله اول، به اضافه یک یگان قوی از سپاه با تقویت دو تیپ که تحت امر قرارگاه محور جنوبی بودند، در تاریخ ۶۵/۵/۲۵، آغاز شد. در

این مرحله هدف عمده، استفاده از سرپل بدست آمده (در داخل خاک عراق به وسعت ۶۰ کیلومتر مربع) در مرحله اول و گسترش و توسعه آن تا کانال ماهیگیری (جلوی بصره) بود، که در صورت دستیابی به آن، فاصله رزمندگان تا بصره از ۲۰ کیلومتر به ۱۲ کیلومتر تقلیل می یافت.

تلاش انجام شده طی این مرحله، نظر به اینکه دشمن در فاصله مرحله اول و دوم عملیات مجدداً میادین مین در عمق ایجاد کرده بود؛ و نیز بعلت عدم پاکسازی کامل و الحاق جناحین، به سرانجام مطلوبی منتهی نشد. اما در مجموع، تلفات نسبتاً زیادی، به دشمن وارد آمد، بطوریکه ۱۱۶ تانک و نفربر و ۵۱ دستگاه خودرو و منهدم گردید و ۱۵ تانک و نفربر به غنیمت گرفته شد. علاوه بر این ۷۰۰ تن از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند.

مرحله سوم

بدنبال تهیه عکس هوایی از منطقه عملیاتی و سایر شواهد و قرائن موجود، مشخص شد که دشمن نیروهای زرهی خود را با تجمعی بسیار وسیع آرایش داده و احتمالاً مبادرت به پاتک خواهد نمود. بر این اساس مرحله سوم عمدتاً به منظور انهدام تجهیزات زرهی (تانک و نفربر) تدبیر شد لذا از شرکت نیروهای زرهی خودی ممانعت بعمل آمد تا بدین وسیله نیروهای پیاده و مجهز با هر زره پوشی که مواجه شدند، آنرا منهدم کنند.

بدین ترتیب عملیات از محور میانی (جنوب پاسگاه زید) با همان نیروهای مرحله دوم، به اضافه سه تیپ، تقویت شد و در تاریخ ۶۱/۵/۳۰ آغاز گردید. قوای نظامی خودی در همان ساعات اولیه بصورتی چشمگیر خطوط دشمن را درهم شکسته، و با انهدام بخشی وسیع از تجهیزات دشمن، در زمینی به وسعت ۱۸۰ کیلومتر مربع، به پیشروی ادامه دادند.

طی این مرحله، نزدیک به ۷۰۰ تانک و نفربر دشمن منهدم گردید؛ ۱۴ تانک و نفربر به غنیمت گرفته شد و ۲۱۰۰ تن از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند و ۲۵۹ نفر از آنها به اسارت درآمدند. قابل ذکر است که در میان تانکهای انهدامی دشمن، ۱۶ تانک مدرن و پیشرفته تی - ۷۲ به چشم می خورد، که ۴ تانک از آن نوع نیز به غنیمت گرفته شد.

مرحله چهارم

در تاریخ ۶۱/۶/۱ در محور جنوبی عمیات (شلمچه) قرارگاه مزبور با ۲ تیپ به اضافه از سپاه و یگانی از ارتش بصورت ادغامی وارد عمل شدند، لیکن بدلیل هوشیاری دشمن و نیز موانع و استحکامات قابل توجهی که وجود داشت عملاً امکان عبور از خط اول دشمن فراهم نیامد.

مرحله پنجم

تلاش اصلی در مرحله پنجم عملیات، که در تاریخ ۶۱/۶/۶ انجام گرفت، معطوف به محور شمالی پاسگاه زید در حد فاصل دژ مرزی عراق و خاکریزهای مثلثی دشمن شد. طی این مرحله، هفت تیپ تقویت شده از سپاه دو تیپ از ارتش شرکت داشتند.

در آغاز درگیری، همه چیز طبق روال پیش می رفت. در نتیجه نیروهای خودی توانستند گذشته از پاکسازی و الحاق، خاکریزی مناسب و دوجداره در جناح شمالی احداث نمایند، ولی از آنجائیکه دقت کافی در احداث خاکریز نشده بود دشمن توانست پنج کیلومتر در آن رخنه کند. در این فاصله نیروها نزدیک به ۴۸ ساعت در مواضع بدست آمده مستقر شدند و عقبه امکانات پشتیبانی رزمی و خدماتی به جلو منتقل گردید، دشمن نیز که در مرحله گذشته ضرباتی اساسی متحمل شده بود، عملاً

تحرکی از خود نشان نداد، لیکن بنا به دلایلی، علیرغم اینکه عملیات تا آستانه تثبیت پیش رفته بود، طی بررسی که بعمل آمد، ادامه حضور نیروها مصلحت دیده نشد.

در مرحله پنجم، ۱۳۰ تانک و نفربر دشمن منهدم گردید و ۱۱ تای آن به غنیمت گرفته شد. همچنین ۸۰۰ تن از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند.

در عملیات رمضان آمار کلی تلفات و خسارات وارده به دشمن، عبارت بود از:

انهدام تانک و نفربر: ۱۰۹۷ دستگاه از انواع مختلف

کشته و زخمی ۷۴۰۰ نفر

اسیر ۱۳۱۵ نفر

ضمناً ۴ لشکر و ۳ تیپ زرهی دشمن بین ۲۰٪ تا ۶۰٪ منهدم شد و ۹ تیپ پیاده دشمن بین ۲۰٪ تا ۱۰۰٪ خسارت و تلفات را متحمل گردیدند.

ارزیابی عملیات رمضان

آنچه در عملیات رمضان قابل ملاحظه بوده و خطوطی برجسته را در تاریخ جنگ و انقلاب اسلامی ترسیم می‌کند، گذشته از انهدام وسیع دشمن، نفس تهاجم به داخل خاک عراق است. این امر در واقع، به معنی مقابله با تمامی فشارهای سیاسی — تبلیغاتی دنیای استکبار، بود.

علاوه بر این عملیات رمضان این معنا را به غرب تفهیم کرد که جمهوری اسلامی پس از پشت سر گذاردن مرحله بیرون راندن متجاوز از سرزمینهای اشغالی، مصمم به ادامه نبرد تا تحقق خواسته‌های بحق خود می‌باشد.

گذشته از این، عملیات رمضان در بعد نظامی فراتر از توانمندیهای جمهوری اسلامی بود و عمدتاً می‌بایست بعنوان یک تجربه، نصب‌العین تبیین مرحله جدید جنگ می‌شد. بعبارت دیگر، عملیات رمضان خاطرنشان می‌ساخت که با تغییر زمین‌نبرد و نیز اتخاذ استراتژی دفاع مطلق از سوی دشمن، استمرار جنگ نیازمند شرایطی جدید است که بدون در نظر گرفتن آنها نتایج مطلوب حاصل نخواهد شد.

این شرایط عبارت بودند از:

- ۱ - فراهم آوردن تمامی شرایط و لوازم پیشروی.
- ۲ - افزایش توانائی مهندسی.
- ۳ - گسترش سازمان رزم بطور کلی (بصورتی که با طولانی شدن جنگ و درگیری، امکان و توانائی ادامه نبرد با دشمن را از دست ندهیم).
- ۴ - گسترش سازمان یگانهای زرهی، بمنظور جنگ در روز و رویارویی با نیروهای زرهی دشمن.

عملیات محدود

کسب توان و گرفتن زمان از دشمن

علت و چگونگی اتخاذ تدبیر عملیات محدود پس از عملیات رمضان را بایستی اساساً با توجه به نتایج برآمده از این عملیات بررسی نمود.

در عملیات رمضان، در واقع دشمن خاطرنشان ساخت که با آشنائی نسبت به تاکتیکهای نیروهای خودی، تدابیری مناسب اندیشیده و بر مبنای آن، به توان خود در مقابله با قوای نظامی ایران افزوده است. متقابلاً برای دست اندرکاران و مسئولین نظامی خودی نیز زمینه باورداشتن به مسایلی که تحت الشعاع پیروزی های فتح المبین و بیت المقدس نادیده انگاشته می شد، فراهم آمد، و بدین ترتیب روشن گردید که بدون استفاده از تاکتیکهای جدید و ابتکار در برابر دشمن و نیز بدون برنامه ریزیهای همه جانبه، بصورت بلندمدت و میان مدت، ادامه جنگ با مشکلات و موانع عدیده روبرو خواهد شد. گذشته از این، مسائل دیگری در بطن نتایج حاصله از عملیات رمضان وجود داشت و چنین می نمایاند که بدون در نظر گرفتن آنها و بالطبع، با عدم اتخاذ تدابیر مناسب، ادامه جنگ ممکن نخواهد بود. از جمله اینکه:

۱ — دشمن سعی داشت با بهره‌گیری از نیروی زرهی و آتش شدید توپخانه، هرگونه عملیات گسترده یا محدود در دشت باز را کنترل نماید و از بین ببرد.

۲ — آنچه که دشمن در جنگ رمضان به نمایش گذارد، حاوی این نکته بود که از این به بعد ادامه جنگ با اتکا به تاکتیکهای فتح المبین و بیت المقدس امکان‌پذیر نیست، و لزوماً باید تاکتیکهایی ویژه اتخاذ شود، زیرا شرایط زمین و نحوه پدافند دشمن و عمق و استحکامات به هم پیوسته او، تغییر کرده است.

بر مبنای موارد یادشده، جمهوری اسلامی برای ادامه جنگ لزوماً بایستی از آمادگی و توانی قابل ملاحظه برخوردار می‌شد. حضور وسیع مسئولین در امر جنگ، می‌توانست نقشی عمده در این زمینه داشته باشد. از سوئی دیگر فرماندهی کل قوا با تأکید بر ضرورت حضور نیروها در جبهه، تحت عنوان «واجب کفایی»، مجدداً ضرورت برخورد همه‌جانبه با معضلات جنگ و یا عبارتی «اصلی نمودن جنگ» را یادآور شدند.

تدبیر عملیات محدود

لزوم گسترش توان رزمی و کسب آمادگیهای لازم بمنظور ادامه جنگ تا کسب نتایج قطعی از سوی جمهوری اسلامی، الزاماً نیازمند زمان مناسب و فرصت کافی بود. اما از سوی دیگر، هر نوع رکود و توقف در جبهه‌ها و عدم استفاده از زمان، تبعاتی سوء در برداشت که تن در دادن به آن، نوعی تسلیم شدن به فشارهای دشمن تلقی می‌شد. لذا تدبیر عملیات محدود اتخاذ گردید تا در فاصله زمانی مشخص جبهه‌های جنگ از فعالیت لازم برخوردار گردند؛ بدین ترتیب که با گذشت زمان و فرصتی

که حاصل خواهد شد. گسترش و افزایش توان رزمی با بالا بردن کیفیت نیروها از طریق آموزش، گسترش سازمان رزم، و افزایش کادر فرماندهی ورزیده، انجام پذیرد.

بعبارت دیگر، ضرورت ادامه جنگ و حفظ برتری قوای اسلام و ابتکار عمل، در گرو شکستن هر نوع بن بست احتمالی بود. از اینرو لزوماً بایستی کسب توان رزمی، از طریق درگیری مستمر با دشمن و گرم نگاه داشتن جَوّ جنگ در جبهه و پشت جبهه انجام می پذیرفت، تا بدینوسیله فرصت لازم جهت بازسازی یگانهای منهدم شده و غیره از دشمن گرفته شود، و نیز امکان حفظ حالت تعرضی نیروهای خودی و فراهم آوردن زمینه های جذب نیرو، که بعد از انجام هر عملیات پیروزمندانه، این زمینه مساعد می شود، فزونی یابد.

مضاف بر این اهداف، فواید دیگری در استمرار عملیات و وارد ساختن ضربات پی در پی به دشمن نهفته بود که بخشی از آن چنین است:

۱ — ایجاد خستگی و فرسایش در نیروهای دشمن بمنظور کاهش مقاومت آنها.

۲ — فرصت ندادن به دشمن برای ترمیم و بازسازی آسیب ها و ضربات وارده در طی عملیات.

۳ — مختل نمودن فکر دشمن برای ممانعت جمع بندی تجارب و بهره گیری از آنها.

۴ — گرفتن تلفات زیاد از دشمن، از طریق انهدام نیرو.

۵ — تجزیه دشمن و ممانعت از عمل متمرکز

و....

در چارچوب تدابیر عملیات محدود و بالحاظ نمودن فوائد استمرار

و تسلسل عملیات، در این مرحله اساساً آنچه که تحقق یافت، دو عملیات «مسلم بن عقیل» و «محرم» بود که شرح اجمالی آن در پی می آید.

عملیات «مسلم بن عقیل»

عملیات «مسلم بن عقیل» که در چارچوب، تدبیر عملیات محدود مورد نظر قرار گرفت، بعنوان اولین حرکت در این روند انجام پذیرفت. هدف این عملیات، تصرف کلیه ارتفاعات مشرف بر شهر مندلی عراق بود.

موقعیت منطقه

ارتفاعات مهم منطقه عملیاتی واقع در غرب سومار عبارت است از: سارات با ۳۲۷ متر، سیدک با ۲۵۳ متر، دروازه تپه شلوغ با ۲۳۵ متر، گیسکه با ۳۳۰ متر، و اروالین (که مرتفع ترین تپه در این منطقه می باشد)، با ۴۰۲ متر ارتفاع.

در شرق و غرب این ارتفاعات تعداد زیادی پاسگاه مرزی خودی و دشمن وجود دارد که از جمله آنها پاسگاه «دوله شریف»، «کومه سنگ» و «میان سنگ» قابل ذکر است.

تنگه «میان تنگ» که در وسط ارتفاعات قرار دارد، تهدیدی جدی در کنترل شهر مندلی محسوب می شود. لذا دشمن نیرویی عمده را برای حفظ آنها استقرار داده است.

از آنجا که ارتفاعات منطقه بمنزله مانع جهت وصول به خاک عراق محسوب می شد، برای دشمن ارزش و اهمیتی ویژه داشت، و طبعاً با تصرف آن، ورود به خاک عراق آسان می گردید.

دشمن با وقوف بر این امر سعی وافر داشت تا مانع از هرگونه

پیشروی قوای اسلام و کسب برتری تاکتیکی از سوی جمهوری اسلامی بمنظور توسعه و تعمیق اهداف تاکتیکی در خاک عراق و کسب پیروزی بشود. از این رو دشمن با اطلاع از تک ما، مبادرت به تقویت نیرو و تحکیم و تعمیق موانع و مواضع پدافندی نمود؛ چنانچه یک افسر اسیر عراقی اظهار داشت: فرماندهان ما تصور نمی‌کردند که ایرانیها قادر خواهند بود از ۵۰ رده مین و تله‌های انفجاری، عبور نمایند!

شرح عملیات

عملیات مسلم بن عقیل پس از کسب آمادگیهای لازم در ساعت ۴، ۷ دقیقه بامداد ۶۱/۷/۹ با رمز «یا ابوالفضل العباس»، به فرماندهی قرارگاه عملیاتی نجف اشرف آغاز شد، و بدنبال آن رزمندگان با عبور از میادین مین و سیمهای خاردار تنها پس از ۱۰ دقیقه ارتفاعات گیسکه تا کله‌شوان را فتح نمودند، و بعد از آن، به ترتیب ارتفاعات «واروالین» به قلعه بین تا سمت راست تنگه جوق و ارتفاعات مثلثی تصرف شد. و بدین ترتیب دشمن در پایان عملیات، در جلگه مستقر گردید و نیروهای خودی تسلط لازم را بر دشمن بدست آوردند.

نیروهای دشمن که در پی آمادده‌های متوالی و مکرر دچار خستگی جسمی و ضعف روحی شده بودند. غالباً فاقد آمادگی لازم بودند و در هنگام آغاز تک در خواب بسر می‌بردند.

با روشن شدن هوا در ساعات اولیه روز ۶۱/۷/۹، دشمن اقدام به پاتک نمود که دستاورد لازم را برای نیروهای عراقی در پی نداشت و خنثی گردید.

خسارات وارده به دشمن و غنائیم بدست آمده:

۱ — آزادسازی بیش از ۱۵۰ کیلومتر مربع از خاک جمهوری

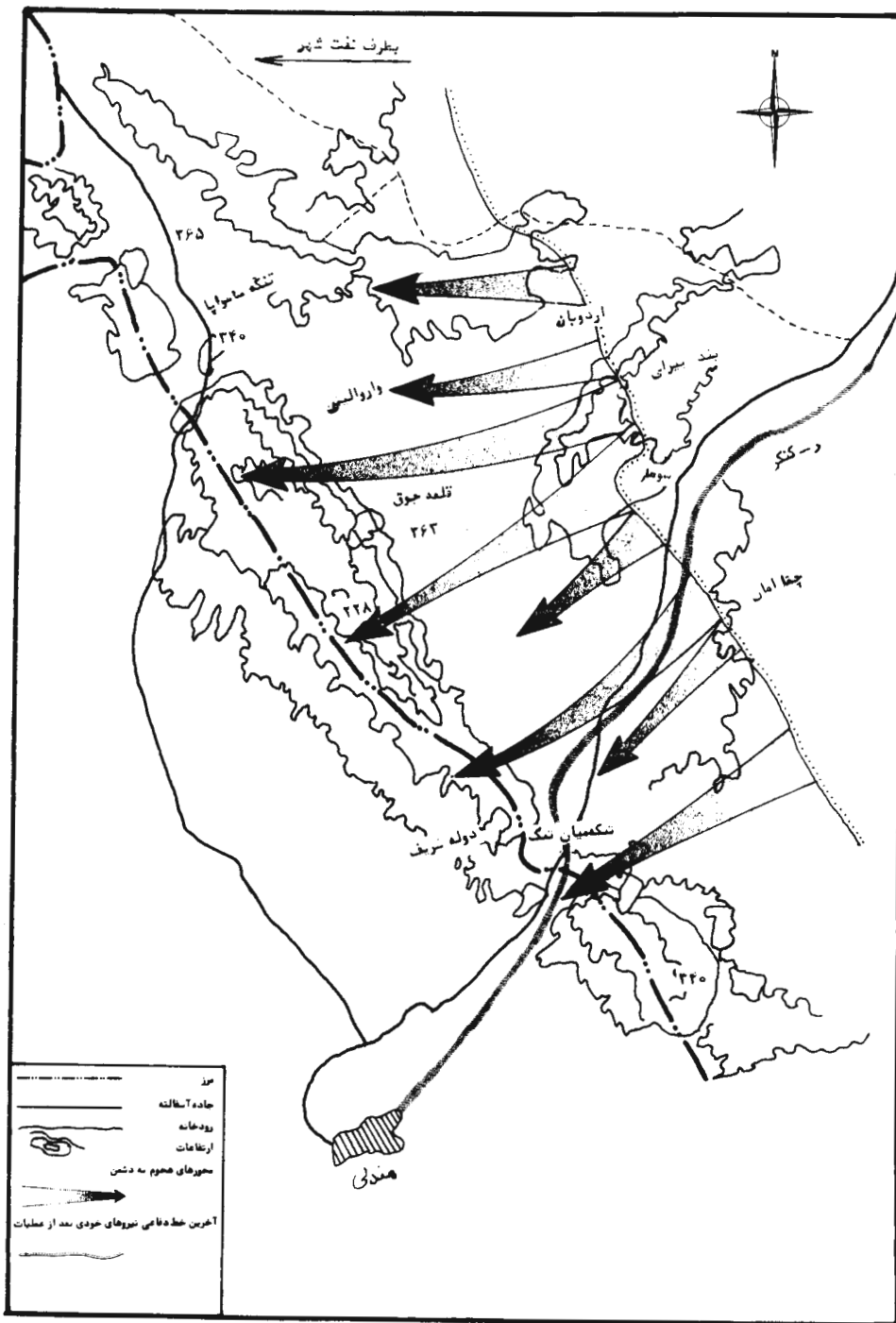
اسلامی

- ۲ — کشته و زخمی شدن بیش از ۴۰۰۰ نفر از نیروهای دشمن
- ۳ — انهدام ۷۹ دستگاه تانک و نفربر از جمله چند دستگاه تانک تی — ۷۲.
- ۴ — به اسارت گرفتن ۲۷۵ نفر که در میان آنها تعدادی افسر هم دیده می شد.
- ۵ — انهدام ۲۰ دستگاه خودرو، ۳ دستگاه لودر و ۳ قبضه کاتیوشا.
- ۶ — به غنیمت گرفتن یک دستگاه رادار، یک دستگاه ردیاب صوتی توپخانه، ۳ دستگاه لودر و بلدوزر د — ۸، و ۳ قبضه توپ ۱۰۰ م.م، دوربین دار و...
- ۷ — سرنگون کردن ۷ فروند از هواپیمای دشمن.

عملیات «محرم»

- منطقه عملیاتی محرم، منطقه ای است کوهستانی که در جنوب — شرقی دهلران در غرب عین خوش قرار دارد. دشمن با در اختیار داشتن ارتفاعات استراتژیک آن، که متعلق به جمهوری اسلامی ایران است، امتیازاتی متعدد را برای خود محفوظ نگاهداشته بود، از جمله:
- ۱ — از نظر پدافندی در مواضعی مطمئن قرار داشت.
- ۲ — جاده دهلران — عین خوش را در زیر دید و تیر خود داشت و بدین ترتیب، آن را بدون استفاده کرده بود.
- ۳ — می توانست به اشغال چندین حوزه نفتی و تأسیسات آن در منطقه بیات، در دو طرف مرز بین المللی و در داخل خاک عراق، ادامه دهد.

عملیات مسلم بن عقیل - ۶۱/۷/۹



تہیہ شدہ در: معاونت سیاسی ستاد گل سپاہ

۴ — قادر به دفاع از شهرک صنعتی طیب، زبیدات و چاههای نفت آن، چندین روستا و پاسگاه مهم در خاک عراق بود. هدف عملیات، تصرف کلیه ارتفاعات سرکوب منطقه و قرار گرفتن در موضع برتر تاکتیکی، با راندن دشمن به دشت باز بود.

موقعیت طبیعی منطقه

مشخصه مهم این منطقه وجود ارتفاعات جبال حمیرین است، که خط مرزی قراردادی ایران و عراق قبل از تجاوز این کشور به ایران بوده، و بلندترین قله آن به ارتفاع ۴۰۰ متر، در خاک جمهوری اسلامی قرار داشته است. گذشته از تپه ۲۹۸ که در داخل خاک ما قرار دارد، تپه ۱۷۵ در داخل خاک عراق واقع شده است که مشرف بر محور وصولی و با اهمیت — عین خوش — چم سری — شرهانی — زبیدات می باشد، چنانچه می توان از روی آن، جاده اسفالتی شرهانی — زبیدات را، که به لحاظ ارتباطی و تدارکاتی مهم است، با تیر منحنی و دیدبانی مناسب برای اجرایی تیر غیر منحنی مورد تهدید قرار داد.

یکی دیگر از عوارض طبیعی منطقه، رودخانه های چرخواب، دویرج و میمه است که فصلی و وحشی بوده، به هنگام طغیان، ارتفاع آب آن بعضاً به ۱۰ برابر معمول (که حدود ۳۰ سانتیمتر است)، می رسد.

به لحاظ تسلط مواضع استقرار دشمن بر معابر و منطقه مواصلاتی نیروهای خودی، به همین علت کلیه تردها در شب و با چراغ خاموش صورت می گرفت ضمناً منطقه کلی عملیات در حوزه مأموریت سپاه چهارم عراق قرار داشت و پدافند از منطقه عملیاتی محرم، به عهده لشکر ۱۰ زرهی بود.

شرح عملیات

عملیات محرم در چند محور و طی چند مرحله طراحی شد که مرحله اول آن دوشنبه ۶۱/۸/۱۰ در ساعت ۲۲ و ۸ دقیقه با رمز «یا زینب (س)» با فرماندهی قرارگاه عملیاتی کربلا، با سرعت و غافلگیری قابل ملاحظه آغاز شد، به نحوی که کمتر از نیم ساعت پس از شروع عملیات، قوای اسلام توانستند در یک محور تعدادی از نیروهای عراقی را به اسارت درآورند؛ و در محور دیگر نیروهایی از دشمن، به استعداد بیش از یک تیپ، در محاصره نیروهای خودی قرار گرفتند و غالباً اسیر شدند.

در ساعت ۶ صبح ۶۱/۸/۱۱ به استثنای جناح چپ منطقه عملیات، کلیه یگانها اهداف تعیین شده را تصرف نمودند و پس از یکی، دو ساعت، بین کلیه نیروها الحاق حاصل شد.

از چهار قرارگاه فرعی شرکت کننده در عملیات، نیروهای سه قرارگاه اهداف خود را حتی بیش از آنچه که پیش بینی شده بود، تصرف کردند. ولی یگانهای قرارگاه چهارم بعثت طغیان رودخانه دویرج و پاره ای مشکلات در پشتیبانی یگانهای مانوری نیروها، نتوانستند اهداف خود را در حوالی منطقه چم هندی و ربوط بطور کامل تصرف نمایند.

نتایج مرحله اول عملیات

آزاد شدن ۵۵۰ کیلومتر مربع از خاک میهن اسلامی، از جمله ارتفاعات ۴۰۰، ارتفاعات ۲۹۸، پل چم سری، حوزه نفتی بیات - نهر عنبر، چم سری و موسیان و خارج شدن جاده عین خوش - دهلران از زیر دید و تیر دشمن و همچنین زیر دید تیر قرار گرفتن شهرک طیب عراق. تلفات و ضایعات وارده به دشمن طی این مرحله عبارت بود از:

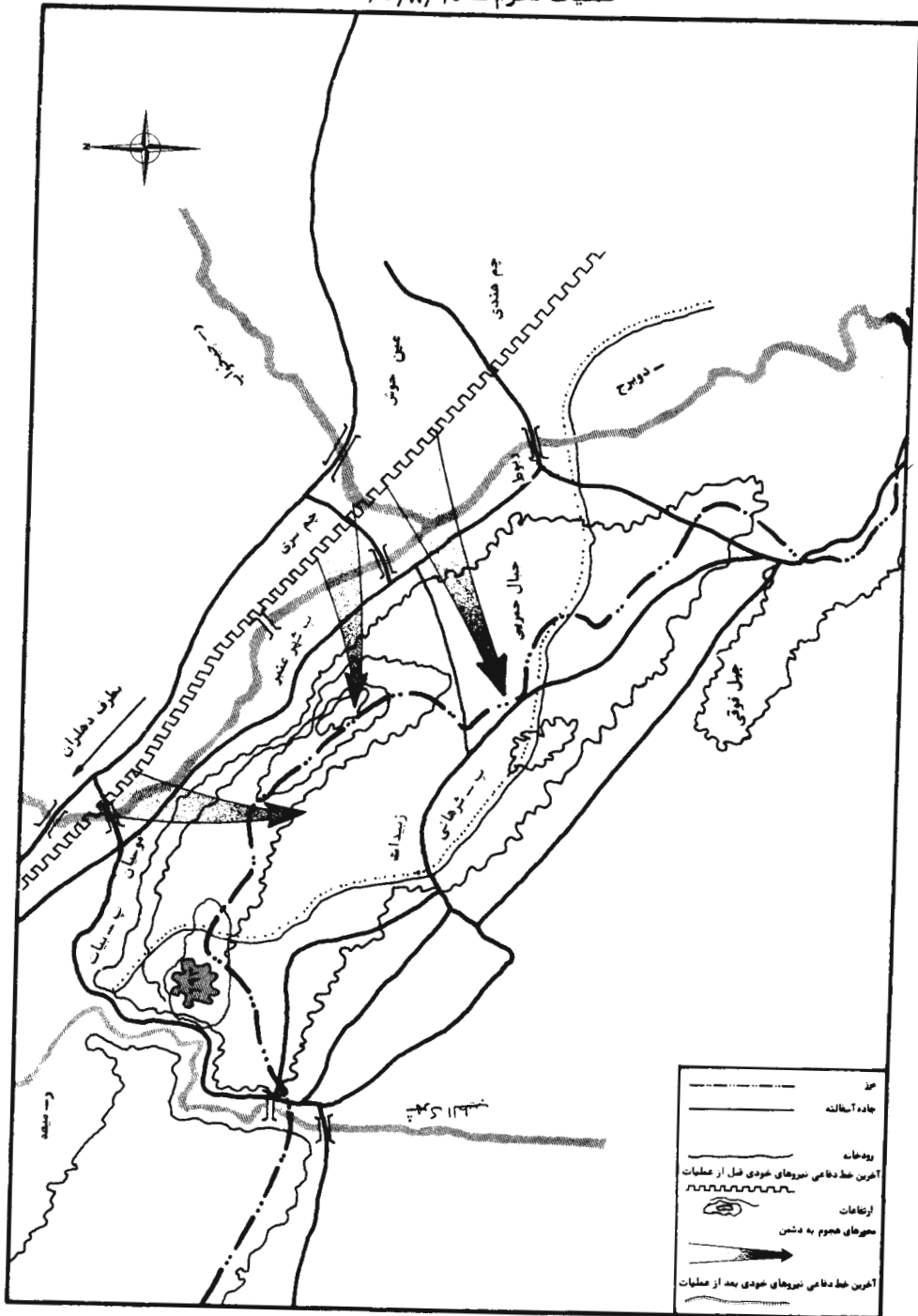
— انهدام ۸ تا ۱۲ یگان سازمانی دشمن بین ۲۰٪ تا ۷۰٪.
 — انهدام ۹۰ دستگاه تانک و نفربر، ۱۳۰ دستگاه خودرو.
 — سقوط ۷ فروند هواپیمای دشمن.
 به غنیمت گرفتن ۴۵ دستگاه تانک و نفربر، ۱۰۰ دستگاه خودرو و مقادیر معتدابهی سلاح سبک، از انواع مختلف.
 صمناً در این مرحله از نیروهای دشمن، ۲۶۰۰ نفر کشته و زخمی و ۱۹۷۰ نفر اسیر شدند.

مرحله دوم عملیات

علیرغم موفقیت‌های حاصله از مرحله اول و درهم پاشیدگی و ضعف روحیه دشمن، به لحاظ عدم موفقیت قرارگاه چهارم در مرحله اول و خالی ماندن جناح چپ قوای اسلام، اساساً موفقیت‌های مرحله اول در معرض تهدید بود؛ لذا مهمترین هدف مرحله دوم، ترمیم رخنه موصوف، با حداکثر سرعت ممکن بود.

بدین منظور مرحله دوم عملیات در روز سه شنبه ۱۱/۸/۶۱ در ساعت ۲/۵ بعد از نیمه شب آغاز شد و نیروهای ما در ساعت ۵ صبح به جاده اسفالته شریانی دسترسی پیدا کردند، و در ساعت ۷ صبح با الحاقی که صورت گرفت، محاصره دشمن کامل گردید.
 در این مرحله ۱۵۰ کیلومتر مربع زمین آزاد شد و مجدداً ۶ یگان سازمانی دشمن، بین ۲۰٪ تا ۶۵٪ منهدم شدند.
 همچنین ۱۵۰ نفر دیگر از نیروهای دشمن به اسارت قوای اسلام درآمدند.

عملیات محرم - ۶۰/۸/۱۰



نقشه تهیه شده در: معاونت سیاسی ستاد کل سپاه
مطالعات و تحقیقات جنگ

مرحله سوم

هدف مرحله سوم عملیات، تصرف کلیه ارتفاعات و دامنه‌های غربی حمیرین و جاده‌ها و مراکز مهم عملیاتی و ایجاد تأمین لازم برای جاده اسفالت‌چم سری، شرهانی، زبیدات و همچنین جاده شنی زبیدات — طیب بود.

به همین منظور، در روز دوشنبه ۱۵/۸/۶۱ ساعت ۱۰ شب عملیات مرحله سوم آغاز شد و پس از یک نبرد نسبتاً گسترده بعثت مقاومت پراکنده دشمن، و عدم پاکسازی منطقه، در ساعت ۸ صبح فردای آن، پایان گرفت.

وارد ساختن ضربات پی در پی در عملیات محرم و موفقیت‌های حاصله، دشمن را هراسناک ساخت، چنانچه از ترس محاصره و انهدام بیشتر، از محور ربوط و چم‌هندی پا به فرار گذاشت و مقادیر بسیار دیگری از خاک جمهوری اسلامی آزاد شد.

نتایج مرحله سوم عملیات

آزاد شدن ۳۰۰ کیلومتر مربع از خاک عراق از جمله پاسگاه‌های زبیدات، شرهانی، ابوغریب و... و تأسیسات نفتی منطقه (۳۰ الی ۳۵ حلقه چاه نفت)، از نتایج این مرحله از عملیات بود. ضمناً در پایان مرحله سوم عملیات محرم، در مجموع ۱۴ تیپ عراق بین ۵۰٪ تا ۱۰۰٪ منهدم گردید.

تجهیزات دشمن که طی این مرحله از عملیات منهدم شد، عبارت بود از: ۱۷۰ دستگاه تانک و نفربر، ۱۰۰ دستگاه خودرو، ۱۵ قبضه تفنگ ۱۰۶ و ۳ فروند هواپیما.

غنائم بدست آمده در مقایسه با مرحله دوم، چشمگیرتر بود و ۹۴ دستگاه تانک و نفربر، ۱۵۰ دستگاه خودرو، و ۵۱ قبضه تفنگ ۱۰۶ و... در میان غنائم مشاهده می شد.

نیروهای شرکت کننده در عملیات

چهار لشکر پیاده از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، و یک تیپ از نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی در عملیات شرکت داشتند و یک تیپ از سپاه پاسداران نیز در احتیاط قرار داشت. قابل ذکر است که سپاه پاسداران در این عملیات توانست از تانکها و توپخانه غنیمتی خود استفاده مناسبی بعمل آورد.

والفجر مقدماتی

و

والفجر ۱

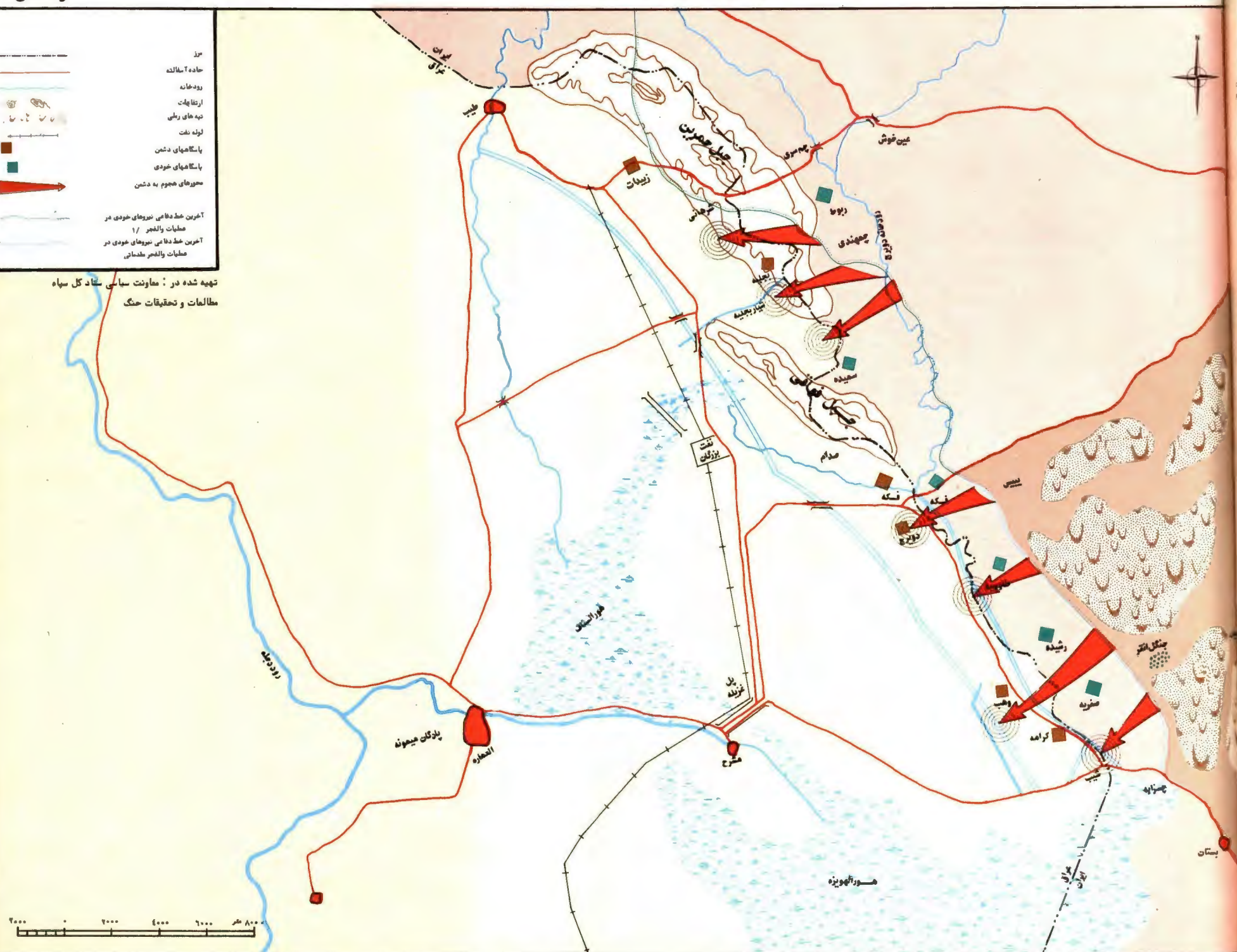
پس از عملیات محرم چنین پیش بینی می شد که دستیابی به شهر العماره عراق دور از امکان نیست بر این اساس بخشی از زمین شمال شهر العماره، که بین مثلث فکه، جزابه، غزیه، محصور بود، مورد نظر طراحان نظامی قرار گرفت.

یکی از مسائل مطروحه، به هنگام عملیات والفجر مقدماتی، همزمانی عملیات با دهه فجر و دیگری برگذاری کنفرانس غیر متعهدها در هند بود. همچنین موفقیت های بدست آمده در دو عملیات مسلم بن عقیل و محرم، مجموعاً نقش بسزایی در شکل گیری خطوط تبلیغاتی آن مقطع داشت.

• البته مسائل دیگری وجود داشت که نقد و بررسی آن نیازمند شرایط و موقعیت مناسبتری می باشد.



تهیه شده در : معاونت سیاسی ستاد کل سپاه
مطالعات و تحقیقات جنگ



موقعیت منطقه

منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی از شمال به «میشداق» و «برقازه» و از جنوب به «هورالهویزه»، از شرق به «چزابه» و شهر «بستان» و از غرب به شهر «العماره» عراق و رودخانه دجله منتهی می‌شد. در منطقه مزبور رودخانه‌های متعددی وجود دارد، از جمله رودخانه دویرج، که از کوه‌های شمالی منطقه سرچشمه گرفته و به «هورالسناف» می‌ریزد و رودخانه میمه که سرچشمه آن ارتفاعات ایلام است و در آخر به «هور بن عمران» (جنوب هورالسناف) منتهی می‌شود.

هدف و مأموریت

عملیات والفجر مقدماتی با هدف تصرف پل غزیه و سپس در صورت امکان، دستیابی به شهر العماره عراق، طراحی گردید. مسئله قابل توجه در این عملیات، بکارگیری نیروی زرهی بود که این امر عمدتاً به لحاظ بعد مسافت و عمق منطقه عملیاتی در نظر گرفته شده بود.

همچنین در این عملیات، ۱۳ یگان اعم از تیپ و لشکر از سپاه پاسداران و ۳ یگان از ارتش مشارکت داشتند.

شرح عملیات

هنگام آغاز عملیات، مسئولین سطح بالای کشور در قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) حضور بهم رسانیدند و در ساعت ۲۱/۳۰ دقیقه روز ۶۱/۱۱/۱۸ رمز عملیات به شرح زیر قرائت گردید:

در ساعت ۲۱/۳۰ دقیقه روز ۱۸/۱۱/۶۱ رمز عملیات به شرح زیر قرائت گردید:

«بسم الله الرحمن الرحيم، ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظيم.
اللهم ایاک نعبدو ایاک نستعین. قد تری ما انا فیه ففرج عنا یا کریم، یا
الله، یا الله، یا الله.

به مظلومیت علی اصغر و به ذوالفقار برنده ولی المؤمنین و قهاریت
رب العالمین به پیش»

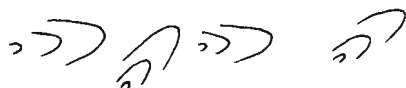
بدنبال آن، عملیات از سه محور آغاز شد و نیروها در تاریکی مطلق شب، پیشروی خود را بمنظور پاکسازی میادین مین و شکستن خطوط دفاعی دشمن و رخنه در این خطوط، آغاز نمودند، وسعت و عمق موانع و استحکامات دشمن و وجود کانالهای متعددی که دشمن برای ایجاد آنها در طول بیش از چند ماه کوششی قابل ملاحظه انجام داده بود، سرعت لازم را از نیروها گرفت. در نتیجه، علیرغم شکسته شدن خط، بعلت اینکه تاریکی شب روبرو پایان نهاد، قبل از آنکه پاکسازی انجام بگیرد، طبیعی بنظر می رسید که امکان استقرار کامل وجود نداشته باشد. در واقع تاریکی مطلق شب، عدم الحاق و پاکسازی، عمق و وسعت میادین مین دشمن، هوشیاری و تسلط آنان و اطلاع قبلیشان نسبت به وقوع عملیات، عمده موانع و عوامل بازدارنده ای بود که منجر به عدم تأمین کامل اهداف مرحله اول عملیات شد.

علیرغم وضعیت موجود، به خاطر موقعیت خاصی که به تبع آغاز عملیات در میان مردم ایجاد شده بود و از طرفی به دلیل امیدواری مسئولین و نیز تبلیغات سوء دشمن و...، مرحله دوم عملیات به منظور ضربه زدن به دشمن، انهدام تجهیزات، و وارد کردن تلفات آغاز گردید. به لحاظ ناهماهنگی در نیروهای عمل کننده و عدم رعایت برخی مسائل امکان

کالک وضعیت و آرایش مواضع مصنوعی و طبیعی دشمن

در منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی

تپه‌های رملی



میادین مین قدیمی



سیم خاردار حلقوی



کمین



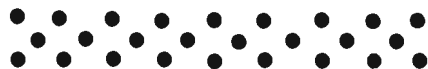
سیم خاردار



سیم خاردار حلقوی کانال



میدان مین



سیم خاردار حلقوی - کانال



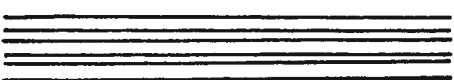
میدان مین



خط اوا دشمن



کانال کشاورزی

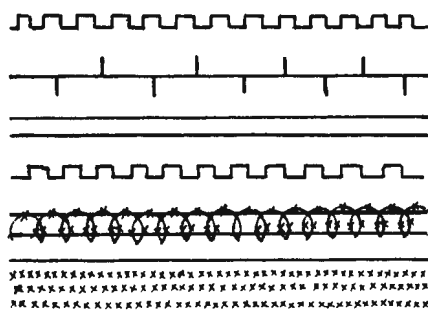


غافلگیری دشمن کاملاً از بین رفته بود و دشمن از هوشیاری کافی برخوردار شده بود لذا در مرحله اول آسیب جدی به نیروهایش وارد نیامد. بهمین جهت پیش بینی موفقیت تا اندازه ای غیر معقولانه بنظر می رسید. در والفجر مقدماتی، موانع و تاکتیکهای جدید دشمن مسئله ای حائز اهمیت و نیازمند مذاقه بود؛ زیرا از ابتدای پیشروی نیروهای خودی، از نقطه نظر رهائی تا رسیدن به خط دوم دشمن، بیش از ۱۶ نوع مانع از سوی دشمن تعبیه و ایجاد شده بود و یا بصورت عارضه طبیعی منطقه، وجود داشت که به ترتیب عبارت بودند از:

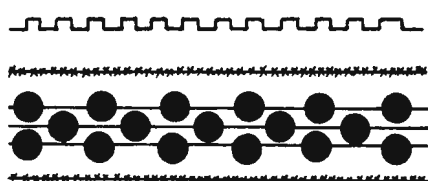
- ۱ - حدود ۸ الی ۱۰ کیلومتر رمل.
- ۲ - یک سری میادین مین که از قبل تعبیه شده بود.
- ۳ - سیم خاردار حلقوی به عرض ۶ حلقه.
- ۴ - مواضع کمین.
- ۵ - سیم خاردار معمولی.
- ۶ - میدان مین با عمق زیاد.
- ۷ - سیم خاردار حلقوی.
- ۸ - کانال به عرض ۳ الی ۴ متر که تا ۹ متر نیز می رسید.
- ۹ - سیم خاردار حلقوی.
- ۱۰ - میدان مین با عمق زیاد.
- ۱۱ - سیم خاردار حلقوی.
- ۱۲ - کانال دوم با مشخصات کانال اول (بند ۸).
- ۱۳ - سیم خاردار حلقوی.
- ۱۴ - میدان مین.
- ۱۵ - خط اول دشمن که از سنگرهای متعدد و تعبیه کانال در زمین (مشابه شرق بصره) تشکیل شده بود.

کالک وضعیت و آرایش موانع مصنوعی و طبیعی دشمن

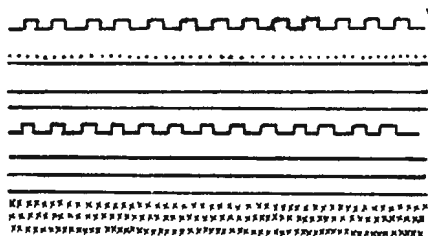
در منطقه عملیاتی والفجر ۱



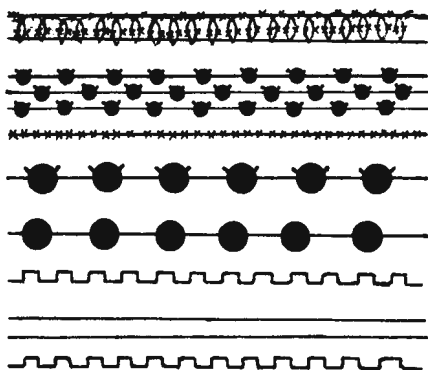
خط اصلی دشمن
سنگرهای تی شکل
کانال
کمین
کانال و داخل آن سیم خاردار
سیم خاردار عنکبوتی



کمین
سیم خاردار
میدان مین ضد تانک
سیم خاردار یک ردیفه
فاصله دو نیروی دشمن



خط اول یا خط ضعیف دشمن
خاکریز
کانال
کمین
کانال
سیم خاردار عنکبوتی



کانال و داخل آن سیم خاردار
میدان مین گوشکوبی
سیم خاردار
میدان مین گوشکوبی
مین منور
کمین
رودخانه دویرج
کمین

۱۶ - خط دوم دشمن (پس از خط دوم مجدداً ۳ راه دیگر کانال وجود داشت.)

دشمن با این اقدامات، در واقع آنچه را بصورت تجربه از عملیاتهای گذشته بدست آورده بود (که اندکی از آن را در عملیات رمضان بکار بست)، تقریباً بصورت کامل در منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی بکار گرفت.

دشمن سعی داشت با موانع یادشده تا حد امکان در پیشروی قوای اسلام تأخیر ایجاد کند. از اینرو موانع مزبور به منزله زنگ خطر و عامل هشداردهنده محسوب می شد؛ و از طرفی بطور طبیعی توان نیروی تک و ر، جهت تأمین اهداف در شب، می گرفت.

گذشته از این، گرفتن جناح و بکارگیری نیروی احتیاط دو مسئله قابل توجه بود که در تاکتیکهای دشمن در عملیات والفجر مقدماتی مشاهده گردید.

مسئله دیگر اینکه در گذشته نیروهای هجومی و اصلی دشمن در خطوط حضور داشتند و بطور طبیعی در معرض آسیب پذیری نیروهای مهاجم بودند؛ لیکن در این عملیات نظر به اینکه دشمن شکستن خط را برای خود مفروض می دانست، لذا نیروهای هجومی اش را در احتیاط قرارداد و با گذاردن نیروهای پدافندی در خط و عمق بخشیدن به میادین مین و ایجاد موانع دیگر، عملاً سعی بر این داشت که پس از گرفتن توان نیروهای مهاجم، با وارد کردن نیروهای اصلی خود، مناطق تصرف شده را باز پس بگیرد.

عملیات والفجر ۱

مدتی پس از انجام عملیات والفجر مقدماتی، عملیات والفجر ۱

در شمال غربی منطقه قبلی — از ارتفاعات حمیرین تا فکه — طراحی شد و مورد نظر قرار گرفت. هدف اصلی این عملیات در درجه اول تک به جبال حمیرین و تکمیل تصرف آن * و نیز دست یابی به جبل فوقی بود تا بدین وسیله پس از تسلط بر ارتفاعات منطقه، دشمن را مجبور کنند تا در دشت قرار بگیرد و مقدمات پیشروی به عمق فراهم آید.

موقعیت منطقه

زمین منطقه عمدتاً تپه ماهور و کوهستانی است و ارتفاعات مهمی مانند: ۱۷۸، ۱۷۵، ۱۶۵ و... را در خود جای داده است. اکثر این ارتفاعات در منطقه جنوبی عملیات و در امتداد جنوب شرقی جبال حمیرین واقع است و به شکل دهلیزی صخره‌ای نمایان است؛ به این صورت که از غرب رودخانه دویرج به بعد، بلندی ارتفاعات افزایش می‌یابد تا اینکه در قسمت بالای آن، دو دهلیز وسیع را تشکیل می‌دهد؛ بطوریکه ارتفاعات مهم منطقه بر روی این دو یال قرار می‌گیرد.

همچنین پس از دشت سمیده، در این قسمت ارتفاعات جبل فوقی بموازات جبال حمیرین شروع می‌شود، و پس از آن، آب گرفتگی و باطلاقیهای هورالهلغل و هورالسناف قرار گرفته است.

غیر از پاسگاههای مرزی (پیچ انگیزه، بجلیه، سمیده، صدام و...) و تأسیسات نفتی سمیده و نیز تأسیسات نفتی بزرگان در پشت جبل فوقی، تا شهر العماره عوارض مصنوعی برجسته‌ای وجود ندارد.

* در عملیات محرم قسمتی از جبال حمیرین همچنان در اختیار دشمن قرار داشت.

طرح عملیات و مأموریت

قرارگاه مشترک خاتم الانبیاء (ص) عملیات والفجر ۱ را از دو محور شمالی و جنوبی به فرماندهی قرارگاه کربلا (راست) و نجف (چپ) طراحی نمود و پس از آن سازمان رزم عملیات بصورت مشترک تعیین شد. در این عملیات، ۸ لشکر از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ۲ لشکر و ۳ تیپ به اضافه ۱ گردان از نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی مشارکت داشتند. بعبارت دیگر در حدود ۸۰ گردان از سپاه و نزدیک به ۳۰ گردان از نیروی زمینی مأموریت عملیات را بر عهده گرفتند.

شرح عملیات

در تاریخ ۶۲/۱/۲۱ ساعت ۲۳ عملیات والفجر ۱ با رمز زیر آغاز

شد:

«بسم الله الرحمن الرحيم. یا الله. یا الله. یا الله. وانصرنا علی القوم
الکافرين، یا محمد (ص) یا امیر المؤمنین یا فاطمة الزهراء... با توکل بر
خدا به پیش».

یگانهای عمل کننده به تناسب طرح مانور و مأموریتهای تعیین شده، با اختلاف کمتر از یک ساعت، با دشمن درگیر شدند. در قرارگاه عملیاتی کربلا نیروها در دو جناح چپ و راست در عمق پیشروی کردند و پس از انهدام نیروهای دشمن، نظر به اینکه محور وسط پاکسازی نشده بود و نیروهای خودی از جناحین تهدید می شدند، با نزدیک شدن روشنایی هوا دستور داده شد که از ادامه پیشروی خودداری کنند.

در محور قرارگاه عملیاتی نجف، چند ارتفاع مهم منطقه پاکسازی شد و نیروها بر روی آنها و نیز در داخل کانالهای ارتباطی و سنگرهای

دشمن هجوم برده، در آنجا مستقر شدند.

مسئله قابل ذکر در این محور، عملکرد چشمگیر و ابتکاری یکی از یگانهای سپاه در جناح چپ محور جنوبی است، بطوریکه نیروهای دشمن دور خورده و بطور کامل منهدم شدند.

دشمن صبح روز اول با استفاده از ارتفاعاتی که به تصرف نیروهای خودی درنیامده بود، از جمله ارتفاع مهم ۱۶۵ (مشرف بر پاسگاه و شیار بجلیه) اقدام به تقویت نیروهای موجود در منطقه کرد و سپس پاتکهای خود را با حجم آتش زیاد آغاز نمود، بصورتیکه تا ساعت ۵ بعد از ظهر همان روز به همین شکل پنج پاتک را تدارک و اجرا کرد.

در شب دوم، ارتفاع ۱۶۵ به تصرف نیروهای خودی درآمد؛ لیکن با روشن شدن هوا و اجرای آتش شدید از سوی دشمن، این ارتفاع طی همان روز دوبار میان نیروهای خودی و دشمن رد و بدل شد.

در روز سوم عملیات، نیروهای دشمن با در اختیار داشتن ارتفاعات ۱۶۵ و سپس اجرای آتش شدید و بهره گیری از هلی کوپتر، مجدداً پاتکهای خود را از سر گرفتند که مقاومت رزمندگان طی این روز چشمگیر و قابل توجه بود.

در شب چهارم، نیروهای خودی مجدداً تلاشی را به منظور تصرف ارتفاعات ۱۶۵ انجام دادند؛ لیکن دشمن که هوشیار شده و اهداف عملیات را درک کرده بود، به مقابله با تعرض نیروهای خودی پرداخت. در روز چهارم و پنجم، جنگ با شدت تمام بر روی ارتفاعات تصرف شده ادامه داشت و در برخی از ارتفاعات، نبرد تبدیل به جنگ تن به تن شده بود.

طی این درگیریها ارتفاعات منطقه چندین بار رد و بدل شد. لیکن علیرغم عبور موفق نیروها از موانع و شکستن خط دشمن و نیز بکارگیری

نسبتاً مناسب آتش توپخانه و تلفات قابل ملاحظه ای که به دشمن وارد شد، درگیریها بمرور کاهش یافته، نیروهای خودی در مواضع مناسب اقدام به پدافند کردند.

نتایج عملیات، بنقل از اطلاعیه شماره ۱۱ قرارگاه مشترک خاتم الانبیاء:

کشته و مجروح ۸۵۰ نفر

اسیر ۳۵۰ نفر

انهدام تانک ۹۸ دستگاه

انهدام هلی کوپتر ۵ فروند

انهدام سه واحد ۵۵۰ نفری جیش الشعبی

انهدام سه گردان کماندوئی

انهدام ۱۳ تیپ پیاده مکانیزه

انهدام ۴ گردان مکانیزه

والفجر ۲ و ۳ و ۴

پس از انجام عملیات والفجر مقدماتی و ۱، همان مسایلی که لزوماً بایستی پس از نبرد رمضان مورد نظر قرار می‌گرفت و به آن عمل می‌شد، مجدداً به شکلی عمیقتر مطرح شد. این بار ضرورت گسترش سازمان رزم و اتخاذ تاکتیکهای ویژه، شکل و اهمیتی تازه بخود گرفته بود و چنین می‌نمود که بدون تعهد عملی به آن، امکان ادامه جنگ، بدور از موانع و معضلات عدیده نخواهد بود.

سپاه پاسداران با درک ضرورت‌های یادشده و وضعیت موجود، بدنبال راه کار مناسبی بود که در طی آن تصور هرگونه بن‌بست در جنگ را درهم شکسته، فضای مناسبی را به منظور ادامه نبرد، فراهم آورد. لذا با استفاده از ویژگی ضعف دشمن و نیز در نظر گرفتن اصل غافلگیری، عملیات در منطقه هورالهویزه طراحی شد؛ اما کسب آمادگی لازم و انعطاف مناسب با موقعیت عملیات در هور، نیازمند زمان بود؛ از این رو هرآنچه ضرورت اتخاذ استراتژی عملیات محدود را پس از عملیات رمضان موجب شده بود، مجدداً مطرح شد و براین اساس پس از بحث و بررسی فراوان، سه عملیات: والفجر ۲، در منطقه عملیاتی حاجی عمران، والفجر ۳، در مهران، و والفجر ۴، در پنجوین عراق، طراحی شد و مقرر گردید که

عملیاتهای یاد شده از ویژگیهای زیر برخوردار باشند:

- ۱ — با توجه به موقعیت زمانی و مسائل پس از والفجر مقدماتی و ۱ با سرعت عمل شود.
 - ۲ — از نیروی کمتری استفاده شود.
 - ۳ — از تلفات و ضایعات خودی کاسته گردد، به نحوی که به سازمان سپاه آسیب عمده وارد نشود.
 - ۴ — حتماً امکان پیروزی عملیاتها تضمین شده باشد.
- بر این اساس، مقرر شد طی زمانی کوتاه با ویژگیهای چهارگانه فوق بصورتی پی در پی انجام پذیرد تا در این فاصله مقدمات عملیات اصلی (خیبر) فراهم شده، و بسیج و جذب نیروهای مردمی به اندازه کافی صورت بگیرد.

والفجر ۲

- عملیات والفجر ۲ در منطقه غرب پیرانشهر، در حفاصل بین ارتفاعات قمطره و تمرچین، با اهداف زیر تدارک دیده شد:
- ۱ — انهدام نیروی دشمن و گرفتن اسیر
 - ۲ — تجزیه نیروی دشمن
 - ۳ — تصرف ارتفاعات سرکوب منطقه
 - ۴ — تصرف پادگان حاج عمران و تسلط بر شهر چومان مصطفی

موقعیت طبیعی منطقه و اهمیت آن

پادگان حاج عمران در موقعیتی سوق الجیشی واقع شده است؛ بدین ترتیب که از شمال به ارتفاعات چنارستان و کلاشین، از جنوب به ارتفاعات بسیار مرتفع سکران و کدو، و از شرق به ارتفاعات تمرچین و

شهر مرزی پیرانشهر، و از غرب به تنگه دربند و شهر چومان مصطفی عراق، محدود می شود.

ارتفاعات مهم این منطقه، عبارتند از: ۲۵۱۹ «گرده مند»، ۲۹۹۹ «کدو»، ۲۵۰۰، ۲۵۰۶ «دربند»، و ۳۰۰۰ «برزین» و ارتفاع ۲۴۳۵ «گرده گو» همچنین قابل ذکر است که ارتفاعات یادشده مشرف بر ارتفاعات پیرانشهر و جاده پیرانشهر - نقده، پادگان پیرانشهر، و نیز جاده پیرانشهر - سردشت و بالعکس مشرف بر چومان مصطفی، دیانا و رواندوز از شهرهای عراق، می باشد.

آنچه بر اهمیت منطقه و ضرورت تصرف آن می افزود، اساساً تبعات بعدی آن بود که قسمتی از آن چنین است:

- ۱ - تسلط بر تردد ضد انقلاب و کنترل آن
- ۲ - ایجاد تسهیلات و پشتیبانی لازم از افراد مسلمانان و مبارز

عراقی

- ۳ - فراهم سازی امکان گسترش عملیات نامنظم در خاک عراق
- ۴ - حفظ پیرانشهر از هرگونه تهاجم و تجاوز نیروهای عراقی
- ۵ - زمینه سازی نزدیکی بیشتر به شهر و تأسیسات نفتی کرکوک

موقعیت دشمن در منطقه

دشمن در سراسر منطقه، سه رده خط پدافندی داشت که هر رده آن پوشیده از موانع و استحکامات بود. همچنین در اطراف پایگاهها سیم خاردار و میادین مین نصب و تعبیه شده بود و بر روی ارتفاعات، نورافکن قرار داشت.

استعداد دشمن در حدود ۲ تیپ پیاده و یک گردان زرهی، به عنوان نیروی درگیر، و یک تیپ پیاده، در احتیاط منطقه، بود. علاوه بر

این دشمن در منطقه ۲ آتشبار ۱۰۰ م.م، یک توپ ۱۷۵ م.م و یک آتشبار ۱۲۲ م.م و نیز یک آتشبار ۱۳۰ م.م در چومان مصطفی داشت. دشمن در مجموع بیش از ۳۰ پایگاه در منطقه داشت که ۲۰ پایگاه آن اصلی و قوی بود که از کل آن ۱۵ پایگاه بطور کامل از سوی نیروی خودی شناسائی شد، در پایگاه‌های یادشده، کمترین نیروی دشمن ۳۰ نفر و بیشترین آنها در حد یک گردان برآورد می شد.

مأموریت و طرح مانور

مبنای طرح مانور، عملیات تک دورانی (دورزدن دشمن) بود تا بدین وسیله هرگونه فرصت عکس العمل از دشمن گرفته شود، بدین ترتیب که ۴ گردان سمت راست و ۳ گردان سمت چپ وارد عمل می شدند و پس از دورزدن ارتفاعات، در تنگه در بند الحاق می نمودند و نهایتاً پاکسازی بطور کامل انجام می پذیرفت.

سازمان رزم و نحوه ادغام نیروهای سپاه و ارتش بدین شکل بود که مجموعاً ۱۶ گردان از سپاه و ۶ گردان پیاده و یک گردان مکانیزه از نیروی زمینی ارتش در عملیات شرکت داشتند.

همچنین پشتیبانی عملیات از سوی هوانیروز، با توجه به موقعیت منطقه و صعب العبور بودن ارتفاعات، بر حسب مقتضیات و امکانات موجود پیش بینی شد.

نظر به اینکه در طی چند سال جنگ، در این منطقه عملیات منظمی صورت نگرفته بود، لذا منطقه به کار مهندسی و آماده سازی نیاز داشت.

از شهر پیرانشهر تا پادگان حاج عمران، تنها یک جاده وجود داشت که به دلیل عدم رسیدگی و ترمیم آن، خودبخود غیر قابل استفاده

شده بود. بدین ترتیب در طی مدت زمانی که مهندسی بطور فعال وارد عمل شد، ۱۵ جاده بر روی ارتفاعات و در داخل شیارها احداث گردید.

شرح عملیات

در ساعت ۱ بامداد روز ۲۹/۴/۶۲، عملیات والفجر ۲ با رمز «یاالله» آغاز شد. قسمتی از نیروهای خودی ۲۴ ساعت قبل از آغاز تک، به منظور دور زدن دشمن، از خط عزیمت خود حرکت نمودند و پس از ۲ ساعت راهپیمایی موفق شدند خود را به مناطق تعیین شده رسانده، برای شروع عملیات اعلام آمادگی کنند.

علیرغم اینکه نیروها پس از ۲ ساعت تأخیر در تمامی محورها، با دشمن درگیر شدند، لیکن پیشروی قابل توجهی صورت گرفت. اما از آنجا که دشمن بر ارتفاعات سرکوب منطقه تسلط داشت. آتش شدید توپخانه اش عملاً مانع از تکمیل و دستیابی به تمامی اهداف عملیات شد، بطوریکه همچنان ارتفاعات «کینگ»، «۲۵۱۹»، «بردسر» و «در بند» را در اختیار داشت.

در ادامه عملیات در صبح روز ۳/۵/۶۲، روستای رایات به دست نیروهای خودی تصرف شد و ضمن محاصره چند روستای دیگر، گمرک جاده پیرانشهر - حاج عمران آزاد گردید. همچنین پس از آنکه نیروهای خودی بر قسمتی از ارتفاعات ۲۵۱۹ تسلط یافتند، دشمن طی دو نوبت به ارتفاعات یادشده پاتک نمود که در نوبت اول مجبور به عقب نشینی شد و در نوبت دوم توانست بر قسمتی از آن تسلط یابد. اما پس از آنکه هوانیروز امکان یافت که نیروهای خودی را تدارک کند، مابقی نیروهای دشمن پاکسازی شدند و بدین ترتیب ارتفاعات ۲۵۱۹ بطور کامل به تصرف نیروهای خودی درآمد.

همچنین دشمن در تاریخ ۶۲/۵/۵، با ۱۶ فروند هلیکوپتر و با استفاده از هلی برد به یال ارتفاعات کلو حمله کرد که در پی آن ۶ فروند هلی کوپتر خود را از دست داد. یکی از این هلیکوپترها مملو از نیرو بود. نیروی دشمن که در پاتکها شرکت داشتند، مجموعاً تیپ ۶۶ نیروی مخصوص، تیپ ۵، و تیپ ۹۱ پیاده و نیز تیپ ۱۱۳ و ۴۳۳ پیاده کوهستانی را شامل می شد.

قابل ذکر است که به لحاظ اهمیت منطقه، صدام در شهر دینا حضور پیدا کرد و از آنجا به تشویق و ارباب و تهدید نیروهای شکست خورده عراقی پرداخت. همچنین بنا به اظهارات اسرا، فرمانده تیپ ۹۱ پیاده، از اهالی کردستان عراق، به دستور صدام در شهر دینا اعدام شد.

دستاوردها و نتایج عملیات

عملیات حاج عمران، با آزادسازی ۲۰۰ کیلومتر مربع از خاک دشمن و تسلط بر قسمتی از ارتفاعات سرکوب منطقه، به پایان رسید. طی این عملیات، مناطق زیر به تصرف نیروهای خودی درآمد: پاسگاه مرزی تمرچین عراق، پادگان حاج عمران، گمرک مرزی، سلسله ارتفاعات «کلو» و قله استراتژیک (۳۰۰۰ متری) آن، ارتفاعات ۲۵۱۹ (گردمند)، «سرسول»، «آزادی»، ۳۷۰۰ «سلمان»، ۲۴۰۰ «شیوه کارتا»، «بردزرد»، همچنین آزادسازی روستاهای زینو «ممی خلان»، «رایات»، «شیوش»، «خوارو»، «میوتان» بالا و میوتان پائین، از نتایج این عملیات بود.

تسلط رزمندگان اسلام بر شهر چومان مصطفی و... نیز قسمت دیگری از دستاوردهای این عملیات محسوب می شد.

غنائم بدست آمده

در میان غنائم، چندین قبضه توپ ۱۲۲ م.م.، بیش از ۲۰ دستگاه تانک، دهها دستگاه تفنگ ۱۰۶ با ماشین، انواع مختلف ادوات و نیز مقدار معتنا بهی سلاح و مهمات، که از انبار پادگان حاج عمران بدست آمده بود، بچشم می خورد.

همچنین یک انبار بزرگ مهمات در روستای ممی خلان وجود داشت که دشمن پس از عقب نشینی، با بمباران، تمامی آنرا منهدم کرد. مجموع کشته ها و زخمیهای دشمن به بیش از ۴ هزار نفر رسید، ۲۰۰ نفر به اسارت گرفته شدند و نزدیک به ۵۰ پایگاه دشمن نیز منهدم و یا تصرف گردید. همچنین از مقر تیپ ۹۱ که مأمور حفظ پادگان و منطقه بود مدارک و اسناد بیشماری بدست آمد که حاکی از روابط عمیق گروهکهای کومله و دمکرات با حکومت عراق بود.

والفجر ۳

قرارگاه عملیاتی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای انجام عملیات، منطقه عمومی مهران را با اهداف زیر، انتخاب نمود:

- ۱ — آزادسازی شهر مهران از زیر دید و تیر دشمن
- ۲ — ایجاد سهولت در برقراری ارتباط شهرهای دهلران — مهران و نیز ایلام — مهران
- ۳ — تحمیل خطوط پدافند به دشمن، و کشاندن وی از ارتفاعات به دشت
- ۴ — انهدام دشمن
- ۵ — باز پس گیری ارتفاعات و عوارض حساس زالوآب (که

متعلق به جمهوری اسلامی بود)

دشمن پس از عقب نشینی از مهران، که بدنبال عقب نشینی سراسری انجام گرفت، ارتفاعات سرکوب منطقه را در اختیار داشت تا بدین وسیله امکان دستیابی به مهران را برای خود محفوظ بدارد و نیز با استقرار بر روی ارتفاعات، گذشته از محافظت از شهر بدره عراق، با نیرویی کمتر منطقه را پدافند نماید. حال آنکه عقب راندن دشمن از روی ارتفاعات، پدافند در دشت را به عراق تحمیل می کرد، و این امر طبعاً به نیروی بسیار نیاز داشت.

موقعیت منطقه

در منطقه دشت مهران، دو رشته ارتفاعات وجود دارد: در شمال، ارتفاعات زالوآب و کانی سخت و نمه کلان بواسطه که قسمت عمده آن در خاک ایران قرار دارد؛ و در جنوب، ارتفاعات «قلاویزان» واقع است که مرز ایران — عراق را مشخص می سازد. بین دو ارتفاع یادشده، دشت مهران و «دشت ورمهراز» و «زرباطیه» عراق واقع است؛ در قسمتی از ارتفاعات زالوآب و کانی سخت، مرز مشترک ایران و عراق قرار دارد که در سمت غربی آن، ارتفاعات نمه کلان بو، با قللی بیش از ۲۰۰ و کمتر از ۴۰۰ متر ارتفاع، واقع است. همچنین ارتفاعات زالوآب، که دارای تپه هائی به ارتفاع ۳۴۰، ۳۲۵، ۳۴۳ و ۳۱۰ می باشد، در سمت شرق «نمه کلان بو» قرار دارد که مهمترین ارتفاع آن معروف به کله قندی دارای ۳۶۳ متر ارتفاع است.

همچنین در امتداد جاده، مهران — ایلام در شمال شرقی مهران، تنگه «کنجانچم» قرار دارد که به منزله گلوگاه ورود به دشت مهران، از طرف ایلام، به نظر می رسد و ارتفاعات کله قندی تسلط کامل بر این تنگه

دارد.

طرح مانور

با توجه به مختصات جغرافیائی منطقه و اهمیت استراتژیک آن، عملیات به ترتیب در سه محور زالوآب و نمه کلان‌بو، دشت مهران، و قلاویزان، به منظور تأمین اهداف از پیش تعیین شده، طراحی شد. در این عملیات نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی، با استعداد یک تیپ زرهی (که در خط داشت) و یک گردان نیروی پیاده، و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به استعداد ۳ لشکر، ۲ تیپ، یک تیپ منهای پیاده و یک تیپ زرهی، به صورت ادغامی وارد عمل شدند.

شرح عملیات

عملیات در تاریخ ۶۲/۵/۷ ساعت ۱۱ شب، با رمز «یا فاطمة الزهراء» (س)، آغاز شد. محور شمالی عملیات، قبلاً جاده ۴۹۰، با غافلگیری، تا پشت نمه کلان‌بو کشیده شده بود و تعدادی قاطر، جهت ترابری یکروزه، تا تکمیل جاده، منظور شده بود.

با شروع عملیات در این محور، شب اول ارتفاعات نمه کلان‌بو تصرف و تأمین گردید و برای شب دوم، جاده ۴۹۰ (که در رابطه با عقبه نیروهای خودی نقشی تعیین کننده و سرنوشت ساز داشت) با ماشین آلات مهندسی، کامل شد و مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

در محور میانی (دشت مهران) از پاسگاه دوراجی تا فرخ آباد، با پشت سر گذاردن جاده مهران - ایلام، هدفها تأمین گردید و سپس جهت پدافند خاکریز احداث شد. ضمناً ۶۰ تن از نیروهای عراقی نیز به اسارت درآمدند.

در محور جنوبی علیرغم موفقیت‌های چشمگیر اولیه، از آنجا که فرصت لازم برای احداث خاکریز از یال قلاویزان به سمت فیروزآباد (در دشت مهران) و از آنجا به فرخ‌آباد، بدست نیامد، لذا اهداف این محور بطور صددرصد تأمین نگردید.

در محور شمالی، با توجه به اهمیت ارتفاعات زالوآب و کله‌قندی (که دومی مسلط بر تنگه میان‌تنگ است)، علیرغم اینکه کله‌قندی در محاصره نیروهای خودی قرار داشت، دشمن تلاش فراوان می‌کرد که به هر نحو که ممکن است کله‌قندی را از محاصره خارج کرده، و بر روی آن استقرار یابد.

بدین منظور دشمن نزدیک یک هفته به وسیله هلی کوپتر به نیروهای تحت محاصره خود با اسلینگ آذوقه و کمک می‌رساند. از سوی دیگر سعی وافر داشت که خط خودی را در دوراجی شکسته، با جناح چپ الحاق کند تا بدین وسیله صرف‌نظر از شکسته شدن محاصره کله‌قندی، با محاصرهٔ نمه کلان‌بو تمامی موقعیت جناح شمالی عملیات را متزلزل نماید و پس از آن محور میانی را از دشت مهران پس بزنند.

بر این اساس و با توجه به روند حرکت‌های دشمن، در محور «دوراجی» و «نمه کلان‌بو»، مقاومت چشمگیری بعمل آمد که بعنوان نمونه به یک مورد آن اشاره می‌شود:

در میان نیروهای اعزامی یک گردان بسیجی بمنظور دفاع، در منطقه مستقر شده بود که پس از تأمین اهداف عملیات در «دوراجی» به خط منتقل گردید. اتفاقاً فشارهای دشمن مصادف با حضور این نیروها شد.

چنین به نظر می‌رسید که نیروهای یادشده تاب مقاومت در مقابل

فشارهای سرسام آور دشمن را نداشته باشند؛ لیکن برخلاف تصور، گردان مزبور بخوبی از عهده مهار حرکت‌های دشمن — که خود را به هر طرف می‌کوبید — برآمد و با این حماسه، نه تنها از موفقیت‌های محور شمالی عملیات حراست نمود، بلکه مانع از رخنه دشمن در جبهه میانی نیز شد.

پس از دفع پاتک دشمن از محور دوراجی، نیروهای گردان یاد شده از فرط خستگی در زیر آفتاب سررا بر روی خاک گذارده، به استراحت پرداختند.

از سوی دیگر، دشمن یک گردان از نیروهای پیاده خود را به یکی از شیارهای پشت ارتفاعات منتقل کرده بود تا شب را در آنجا استراحت کنند و صبح با آغاز روشنایی هوا پاتک خود را با رعایت غافلگیری انجام دهند. در این میان، نیروهای شناسائی بطور غیر منتظره با حضور نیروهای عراقی در داخل شیار مواجه می‌شوند که بلافاصله موضوع به اطلاع یکی از یگان‌های سپاه می‌رسد و شیارها زیر آتش شدید خمپاره قرار می‌گیرد که در نتیجه، از نیروهای دشمن جز تعدادی انگشت شمار، جان سالم بدر نبرده، تماماً در داخل شیار به هلاکت می‌رسند.

نظر به اینکه مقاومت نیروهای دشمن در کله قندی نقشی مؤثر در امیدواری دشمن جهت انجام پاتک داشت، لذا پس از گذشت ۱۱ شب از محاصره نیروهای دشمن، شهید حاج همت، فرمانده لشکر محمد رسول الله (ص)، بمنظور درهم کوبیدن مقاومت دشمن با نیروهای تحت فرماندهی خود اعزام گردید و در همان شب بلافاصله وارد عمل شد و بدین شکل، زائده حاصله از حضور دشمن، پاکسازی گردید.

لازم به تذکر است که فرمانده دشمن در کله قندی، سرهنگ جاسم یعقوب بود که در هنگام اسارت جراحات متعددی برداشته بود و در

حین انتقال به خطوط پشت جبهه به هلاکت رسید.

نتایج عملیات والفجر ۳

- ۱- آزادسازی جاده ایلام - مهران - دهلران
 - ۲- آزادسازی ارتفاعات زالوآب و نمه کلان بو
 - ۳- آزادسازی دشت مهران
 - ۴- برقراری ارتباط جبهه های میانی و جنوبی از طریق دو جاده ایلام - مهران - دهلران
- همچنین خسارات وارده به دشمن و نیز غنائم بدست آمده به شرح زیر بود:
- ۱ فروند هواپیما، ۳ فروند هلی کوپتر، ۱۰ انبار مهمات، ۳ دستگاه لودر و بلدوزر، ۱۶ قبضه خمپاره انداز، ۶۰ قبضه تیربار، ۳۳ دستگاه خودرو. همچنین بیش از ۷۰ دستگاه تانک و نفربر از دشمن منهدم گردید.
- در میان غنائم، ۱۵ دستگاه خودرو، ۵ دستگاه لودر و بلدوزر، ۱۶ قبضه خمپاره انداز، ۳ دستگاه تانک، بیش از ۱۸۰۰ قبضه تیربار، بیش از ۵۱ قبضه خمپاره ۸۰ و ۱۲۰، و مقادیر قابل توجهی سلاح و تجهیزات انفرادی، بچشم می خورد.
- ضمناً هنگام کمک رسانی دشمن به ارتفاعات زالوآب - که با هلیکوپتر صورت گرفت - مقدار زیادی غنائم بدست آمد.
- همچنین ۱۰۵۰۰ نفر از نیروهای دشمن کشته و زخمی شده، ۵۰۹ نفر به اسارت درآمدند.

والفجر ۴

هدف از عملیات والفجر ۴، اتصال ارتفاعات سورن به سورکوه بود که نتایج زیر را در پی داشت:

- ۱ - تصرف پیشرفتگی دشت شیلر تا بدین وسیله، گذشته از کوتاه شدن خط پدافندی، در نیروهای پدافندی نیز صرفه جوئی بعمل آید.
- ۲ - مسدود ساختن راه تردد ضد انقلاب که عمدتاً از دشت شیلر انجام می شد.
- ۳ - تصرف شهر پنجوین عراق
- ۴ - تصرف پادگان پنجوین و گرمک عراق
- ۵ - تسلط بر ۱۳ شهر و روستای عراق
- ۶ - انهدام نیروهای دشمن
- ۷ - خارج کردن شهر مریوان از زیر دید و تیر دشمن
- ۸ - فراهم سازی مقدمات عملیات در استان سلیمانیه عراق

موقعیت منطقه عملیاتی

دشت شیلر با فرورفتگی خاص خود، واقع در مرز دو کشور ایران و عراق و در حد فاصل دو شهر مریوان و بانه قرار دارد. این منطقه از جمله مناطقی است که طی قرارداد ۱۹۷۳ الجزایر، به دلیل وجود ارتفاعات جانبی آن، به شکل مزبور (فرورفتگی در داخل خاک ایران) تعیین شد. از جمله مهمترین ارتفاعات این منطقه، سورن، سورکوه، و کانی مانگا است که دهانه دشت شیلر را تشکیل می دهد. همچنین در دشت شیلر، شهر پنجوین قرار دارد که ارتفاعات مشرف بر آن، پنجوین یا

زله نامیده می شود.

ضمناً شهر پنجوین عراق، شهری نظامی است که مدتها قبل از عملیات والفجر ۴ از سکنه بومی تخلیه شده بود. دشمن نیز با اطلاع از عملیات والفجر ۴، خصوصاً هنگام دستیابی بر ارتفاعات مشرف بر شهر، بخشی عمده از شهر را منهدم نمود و بویژه تابلوها و نشانه هائی را که حاکی از موجودیت شهر بود، از میان برد.

طرح مانور

نظربه موقعیت منطقه و ارتفاعات یادشده، که تسلط بر هر کدام قسمتی از اهداف عملیات را تأمین می نمود، عملیات ازدو محور عمده (یکی بانه و دیگری مریوان) طراحی گردید.

مرحله اول: در محور بانه تأمین ارتفاعات لری، گرمک و کنگرک و در محور مریوان، ارتفاعات پنجوین (زله)، مارو و خلوزه، هدف بود.

مرحله دوم: تصرف ادامه ارتفاعات سورن و کانی مانگا بود که عملیات را تکمیل نموده، ارتفاعات سورن به سورکوه را به هم متصل می کرد.

سازمان رزم عبارت بود از: ۸ لشکر و ۲ تیپ از سپاه پاسداران و ۱ لشکر پیاده از ارتش.

شرح عملیات

عملیات در تاریخ ۶۲/۷/۲۷ ساعت ۲۴ با رمزیان الله ازدو محور یادشده آغاز شد، و بلافاصله با سرعت عملی قابل ملاحظه ارتفاعات لری، گرمک، کنگرک در محور بانه و مارو، خلوزه یک، بلاله، سربلاله، سه

درختی، تخم مرغی، پادگان گرمک، شهرک هرگنه و تپه شهداء در محور مریوان آزاد گردید.

طی این مرحله، سپاه با ۲۲ گردان و نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی با ۳ گردان وارد عمل شدند و نزدیک به ۷۰ کیلومتر مربع از زمینهای منطقه آزاد شد.

مرحله دوم

پس از گذشت ۲ روز از مرحله اول، مرحله دوم عملیات در تاریخ ۶۲/۷/۲۹ ساعت ۱۱ شب آغاز شد و به دنبال آن، ارتفاعات خلوزه ۲، ۷ توانا، کلو، ارتفاعات اطراف پنجوین، یال شرقی زله و ارتفاعات ۱۶۷۲ شرق سنگ معدن در محور مریوان، و شاخ نالشکینه در محور بانه در تصرف نیروهای خودی قرار گرفت و متعاقب آن، تسلط کامل بر شهر پنجوین بدست آمد.

ضمناً طی این مرحله، سپاه پاسداران ۷ گردان و نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی یک گردان به کار گرفتند. همچنین ۱۰۰ کیلومتر مربع از زمین منطقه آزاد شد.

مرحله سوم: حرکت در عمق

در این مرحله که با ممداد روز ۶۲/۸/۲ آغاز شد، ارتفاعات استراتژیک شیخ گزنشین، شاخ تاجر از کانی مانگا (تقریباً ۲ سوم ارتفاعات کانی مانگا) تصرف شد و پیشرویهائی در غرب کانی مانگا و محور چوارتا صورت گرفت.

در تاریخ ۶۲/۸/۱۲ طی مرحله سوم عملیات که تنها سپاه با ۲۵ گردان وارد عمل شد مجموعاً ۲۰۰ کیلومتر مربع از زمینهای منطقه آزاد

گردید. البته تحرکات دیگری نیز صورت گرفت که مراحل یادشده در مجموع، نتایج زیر را بدنبال داشت:

۱۱ تیپ دشمن بین ۳۰ تا ۱۰۰٪ انهدام و تلفات داشتند و در مجموع، نزدیک به ۱۸ هزار نفر از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند. و نیز ۱۰۰۰ نفر به اسارت درآمدند. همچنین ۲۷ دستگاه تانک و نفربر، ۵۰ دستگاه خودرو سبک و سنگین، ۵ دستگاه جیپ ۱۰۶، ۳ قبضه سلاح ضد هوایی سام هفت، ۱۲ قبضه توپ، ۹ خودرو حامل مهمات و همچنین مقدار معتناهی سلاحهای سبک، وسایل مخابراتی، خمپاره انداز، مهمات سبک و سنگین و... منهدم گردید.

غنائم بدست آمده در این عملیات عبارت بود از: ۵ دستگاه تانک نفربر، ۶ دستگاه لودر و بلدوزر، ۲۰۰ دستگاه خودرو سبک و سنگین، ۲۰ دستگاه جیپ ۱۰۶، ۲۰ قبضه سلاح ضد هوایی سام ۷، همچنین مقدار زیادی وسائل مخابراتی، مهمات سبک و سنگین، سلاحهای سبک در میان غنائم بچشم می خورد.

عملیات خیبر

اتخاذ تاکتیک ویژه

جهت دستیابی به ابتکار عمل

عراق در سال سوم و چهارم جنگ، بر اساس تجارب بدست آمده از میدین نبرد، تاکتیکهای جدیدی اتخاذ کرده، به تناسب آن فرم و شکلی مناسب به خود داد. مواجهه با دشمن در ابعاد جدید طبعاً نیازمند بکارگیری تاکتیکها و تدابیر جدید بود تا از هرگونه رکود در امر جنگ ممانعت بعمل آید.

بر همین اساس، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اثنای عملیات والفجر مقدماتی، با تشکیل یک قرارگاه، منطقه هور را انتخاب کرده، تلاشهای مقدماتی خود را آغاز نمود تا از این طریق، فضایی مناسب برای ادامه نبرد فراهم آید. نظربه ضعفهای عدیده دشمن در مواجهه با عملیات آبی — خاکی و بمنظور برهم زدن معادله نظامی جنگ به نفع جمهوری اسلامی و نیز بدست گرفتن ابتکار عمل، منطقه هور با سه ویژگی برجسته انتخاب گردید:

۱ — ضعف و ناتوانی دشمن در عملیات آبی — خاکی و عدم

توانائی در انطباق سریع با موقعیت جدید

۲ - سرعت عمل

۳ - غافلگیری

در واقع منطقه هور با توجه به تجارب بدست آمده از رمضان تا والفجر ۴ و با در نظر گرفتن توان خودی و دشمن، و نیز نقش زمین و تأثیرگذاری آن، انتخاب شد.

نظر به راکد بودن نسبی آب هور و وسعت بیش از اندازه آن، که طبعاً منجر به طولانی شدن عقبه های خودی می شد، و نیز فقدان زمین مناسب جهت استفاده از آتش در پشتیبانی تک، و از سوی دیگر، استنباط خاص دشمن از قدرتمندی و قابلیت های نیروهای خودی (پس از عملیات رمضان تا قبل از خبیر)، تماماً از جمله شرایط و عواملی بود که موجب می شد دشمن تصور عملیات گسترده را از هور نداشته باشد و همین امر باعث گردید که عراق جزایر مجنون شمالی و جنوبی و شرقی دجله را تنها با استعداد کمتر از چند گردان - پدافند نماید.

موقعیت طبیعی منطقه

هور منطقه ای است عموماً همسطح دریا که در بعضی جاها سطح آب آن دو تا سه متر بالاتر از آب دریا است و نسبت به مناطق همجوار گودتر می باشد و در مسیر رودخانه های قدیمی و دائمی بوجود می آید، همچنین آب رودخانه صوئیب - که ادامه نهر سابل (نهر انشعابی کرخه) بوده و از وسط هور می گذشته - بعدها به علت مسدود شدن مجاری خروجی رودخانه، در سطح زمینهای اطراف پخش گشته و به آب هور الهویزه اضافه شده است.

روئیدنیهای که هور را زیر پوشش خود گرفته اند، عبارتند از:

- ۱ — «نی» — که ارتفاع آن از ۲ متر تا ۷ متر است، و عمدتاً در جاهای عمیق می‌روید.
 - ۲ — «بردی» — که معمولاً ارتفاع آن بین ۱ تا ۲ متر است.
 - ۳ — «چولان» — که در جاهای کم عمق می‌روید و ارتفاع آن کمتر از ۵۰ سانتی متر است.
- به علت پوشش فشرده سطح هور از نی، بردی و چولان، تردد در آن تنها از معابری خاص (آبراهها، نهرها و یا محل عبور حیوانات وحشی) صورت می‌گیرد.

موقعیت جغرافیایی منطقه

منطقه عملیاتی خیبر که در شرق رودخانه دجله و داخل هورالهویزه واقع شده است، از شمال به العزیر و از جنوب به القرنه — طلائی (و نیز یک محور درزید) محدود می‌گردد. این منطقه دارای دو نوع طبیعت متفاوت است: هور و خشکی. قسمت خشکی، که حداقل عرض آن ۸ کیلومتر و حداکثر ۱۰ کیلومتر است، توسط ۲ هور بزرگ، یکی هورالهویزه در شرق، و دیگری هورالحمار در غرب آن، احاطه شده است. همچنین منطقه مذکور توسط رودخانه دجله به دو قسمت شرقی — غربی تقسیم می‌شود که ۳ چهارم آن در شرق رودخانه واقع است. ضمناً جاده مواصلاتی عماره — بصره در غرب رودخانه دجله قرار دارد.

در داخل منطقه مزبور جزایر مجنون شمالی و جنوبی واقع است. علاوه بر این، تأسیسات دیگری وجود دارد که عبارتند از: دکلهای برق، دکلهای تقویتی رادیوتلوویزیون، تأسیسات و کارخانجات کاغذسازی، چاههای نفت و... همچنین در حاشیه دجله حدود ۵۰ روستا وجود دارد که هنگام عملیات خیبر، تماماً پر از سکنه غیر نظامی بود.

علت انتخاب هور

گذشته از آنچه در مقدمه ذکر شد، علت انتخاب هور عمدتاً بهره‌برداری و لحاظ نمودن عوامل زیر بود:

- ۱ — پرهیز از تک جبهه‌ای، عملیات در سایر مناطق به لحاظ شکل پدافند دشمن، عمدتاً تک جبهه‌ای محسوب می‌شد.
- ۲ — حمله به جناح دشمن. شکل حضور دشمن در منطقه شرق بصره به گونه‌ای بود که با الحاق نیروهای خودی در طلائییه و سپس دست‌اندازی به عقبه دشمن در نشوه جناحی عمده از دشمن گرفته می‌شد که متعاقب آن تزلزل خطوط دشمن، خصوصاً در منطقه زید، محتمل می‌نمود.
- ۳ — عدم تصور دشمن نسبت به انجام عملیات از هور (که قبلاً ذکر شد)

۴ — بکر بودن منطقه

۵ — مشکل و یا غیر ممکن بودن مانور زرهی برای دشمن

۶ —

هدف از عملیات خیبر، انهدام نیروهای سپاه سوم و تأمین جزایر مجنون شمالی و جنوبی و ادامه تک از جزایر و محور طلائییه به سمت نشوه و الحاق با نیروهائی که از محور زید به دشمن حمله می‌کردند، بود. در این عملیات، همچنین در نظر بود که خشکی شرق دجله از طریق هور تصرف شود و بدین وسیله امکان تقویت‌های عمده، از شمال به سپاه سوم، از میان برود.

• حمله رویارو و مستقیم به دشمن را تک جبهه‌ای می‌گویند.

مأموریت و طرح مانور

فراهم سازی مقدمات عملیات در هور، چنانچه اشاره رفت، توسط سپاه با یک قرارگاه و پس از والفجر مقدماتی آغاز شد و با گذشت زمان، روند تکمیلی خود را — با تدوین طرح مانور و تعیین مأموریتها — پشت سر نهاد.

ضمناً لازم به تذکر است که همزمان با انجام عملیات خیبر، مناطق متعددی به منظور انجام عملیات فریب، در نظر گرفته شد، از جمله: ارتفاعات شرقی سد دربندیخان (تحریرالقدس) که تیپ انصارالحسین وارد عمل شد، چنگوله (والفجر ۵) چیلان (والفجر ۶) و چزابه.

سازمان رزم

در عملیات خیبر، نحوه هماهنگی سپاه و نیروی زمینی (ارتش) شکل دیگری به خود گرفت — بدین ترتیب که نیروی زمینی با یگانهای تحت امر خود، با استعداد ۲ لشگر پیاده، ۲ لشگر زرهی و یک تیپ هوابرد، در محور «زید» وارد عمل شد و سپاه پاسداران با ۲ لشگر پیاده و یک تیپ زرهی در این محور، برادران ارتش را کمک می کردند و سپاه پاسداران با استعداد ۹ لشگر، ۶ تیپ پیاده، به اضافه ۳ تیپ زرهی در منطقه اصلی عملیات خیبر (هور و طلائیة) حضور یافت. ارتش نیز با یک لشگر زرهی برادران سپاهی را کمک می کرد.

همچنین در محورهای عملیات فریب، سپاه پاسداران با ۵ تیپ و یک لشگر اقدام به تک نمود.

نقش هوانیروز و نیروی هوایی

طولانی بودن عقبه خودی بر روی آب و فقدان عقبه خشکی، و از طرفی نیاز به سرعت عمل، تماماً ضرورت انتقال نیرو در محورهای مهم را تعیین می نمود.

لذا هوانیروز در تدبیر عملیاتی در نظر گرفته شد و نقشی عمده را در پشتیبانی یگانها بر عهده داشت. همچنین مقرر گردید نیروی هوایی آرایشی مناسب را از سلاحهای ضد هوایی برقرار نماید و در حین عملیات نیز بصورت پشتیبانی مستقیم (بمباران تجمعات و انهدام اهداف) وارد عمل شود.

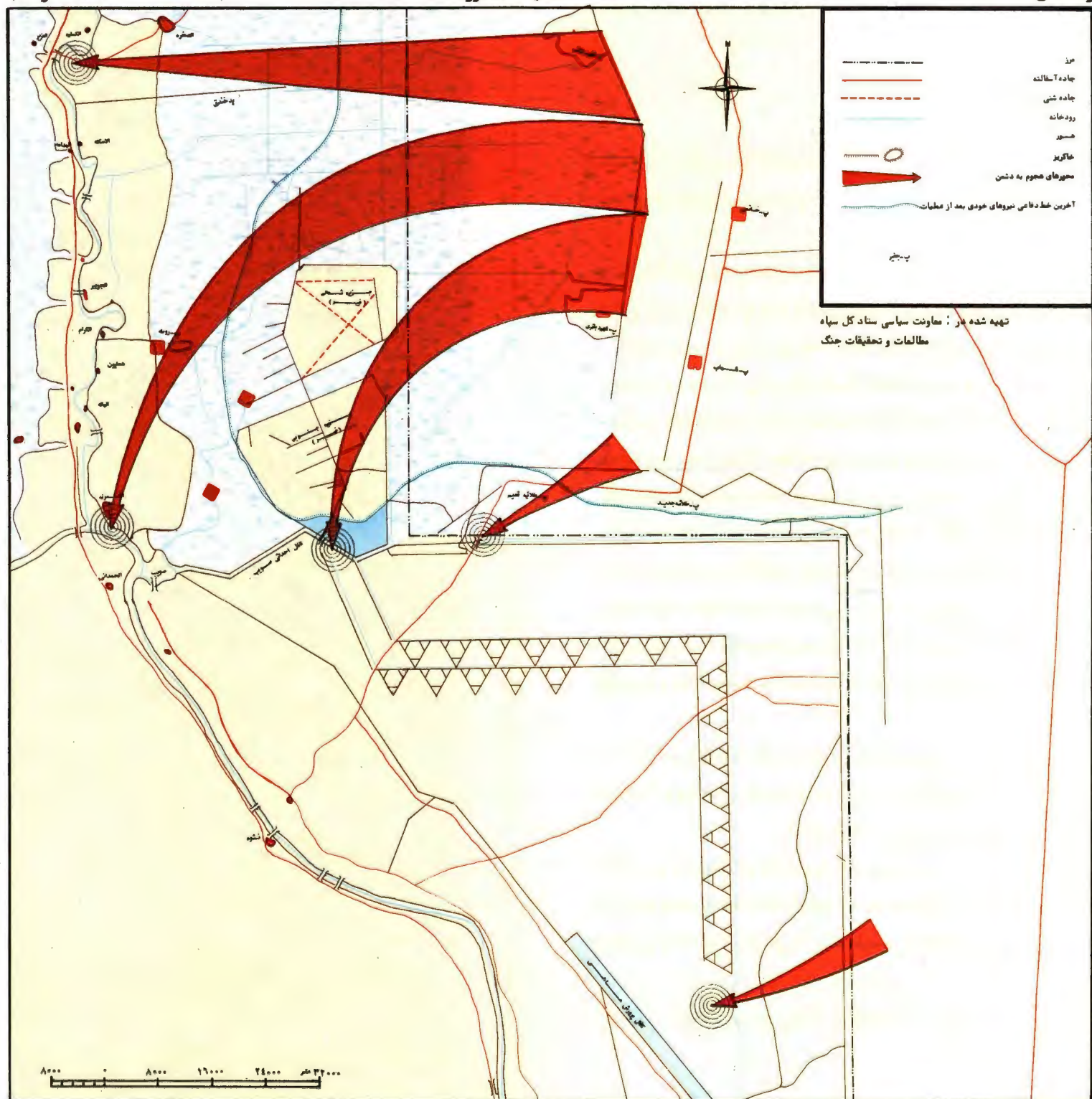
شرح عملیات

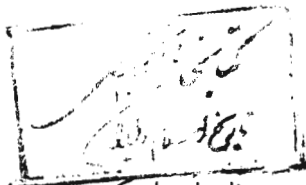
مسئله قابل توجه از آغاز تک، حضور گسترده و وسیع نیروهای مانور قدس بود که پس از انجام مانور در مراکز مختلف تهران و استانها، بطرزی چشمگیر وارد میدانهای نبرد شده، بصورت قوای احتیاطی تحت امر یگانهای مختلف عملیاتی سپاه پاسداران قرار گرفتند.

علاوه بر این جو کلی جنگ در کشور، با توجه به مانور قدس و نیز تهدید و اقدامات جنون آمیز دشمن و بدنبال آن حمله موشکی به دزفول و بمباران شهرهای باختران، ایلام، رامهرمز و...، شکل خاصی به خود گرفته بود.

در چنین وضعیتی بمرور نیروها پس از انتقال به مناطق از پیش تعیین شده پای کار رفتند تا عملیات را آغاز کنند.

نظر به اینکه اهداف برخی از یگانها در عمق منطقه عملیاتی بود،





لذا روز دوم نیروهای پیشرو به منظور انهدام کمینهای دشمن وارد هور شدند و در ساعت ۲۰/۳۰ دقیقه مورخ ۶۱/۱۲/۳ عملیات با رمزی رسول الله (ص) آغاز شد.

در مرحله اول، عملیات بطور همزمان از تمامی محورها آغاز شد و پیشروی به جلو با سرعت عمل و غافلگیری توأم بود؛ چنانکه در روز چهارم عملیات، بخشی از نیروها در شهر القرنه حضور یافتند و مردم با مشاهده آنان به استقبال آمده، سر راه آنها گوسفند قربانی کردند. و در محور شمالی عملیات (الغزیر) رزمندگان توانستند، خود را به رودخانه رسانده و تردد ماشینها را بر روی جاده بصره - بغداد قطع کنند. طی این مرحله جزایر مجنون شمالی و جنوبی از پشت دور زده شد و بسهولت به تصرف درآمد. گذشته از این، بکارگیری هلی کوپتر در همان شب اول عملیات و در تاریکی شب مسئله ای حائز اهمیت بود؛ چنانکه در ساعت ۲ بعد از نیمه شب، فرماندهی هوانیروز به همراه تنی چند از فرماندهان سپاه، اولین پرواز را شخصاً بعنوان پیشرو انجام داد و در جزیره مجنون شمالی فرود آمد ولی بدلیل مسائلی سایر پروازها با مشکلات مواجه شد و در موقع پیش بینی انجام نشد.

در مجموع، طی مرحله اول، نیروها بایک تهاجم سراسری در مناطق همچون تنگه و شهر القرنه، روی جاده استراتژیک بصره العماره و نیز جزایر مجنون شمالی و جنوبی، استقرار یافتند.

هراس دشمن در این مرحله از عملیات به گونه ای بود که با آشفتگی، در شهر العماره وضعیت فوق العاده اعلام نمود و پس از جمع آوری نیرو آنها را بلافاصله بوسیله هلی کوپتر به منطقه عملیاتی اعزام داشت.

در مرحله دوم عملیات، دو تلاش اصلی در محور جزایر و طلائی

به منظور الحاق و سپس پیشروی به سمت نشوه در نظر گرفته شد، لیکن بنا به عللی پیشروی صورت نگرفت.

در این روند، دشمن بمرور خود را بازیافته، پس از کشف اهداف عملیات و محورهای اصلی تک، تلاش اصلی خود را ابتدائاً روی پاکسازی حوالی جاده بصره — العماره گذارد و سپس بر روی طلائیه متمرکز شد.

تمرکز آتش دشمن در طلائیه، که زمینی بسیار محدود را شامل می شد. فوق العاده بود. چنانکه شهید حجة الاسلام میثمی که در آنجا حاضر بود می گفت: «هرکس در طلائیه ایستاد اگر در کربلا هم بود، می ایستاد».

آنچه ضرورت مقاومت در طلائیه را موجب می شد، اهمیت آن برای کل عملیات بود — چنانکه در صورت الحاق و پاکسازی، عقبه خشکی برای نیروهای خودی وصل می شد و عملیات در ابعاد جدیدی گسترش می یافت. — بدین منظور پس از آنکه محور زید با عدم موفقیت مواجه شد فرمانده لشکر امام حسین (ع) فرا خوانده شد تا مأموریت طلائیه به وی واگذار شود.

در این میان پس از آنکه مأموریت یگان مزبور از سوی فرماندهی جنگ تعیین شد شهید حسین خرازی فرمانده لشکر امام حسین (ع) تمامی کادرهای یگان تحت امر خود را فرا خوانده، در تاریکی مطلق و فضائی مملو از معنویت حاضرین اظهار داشت:

«امشب شب عاشورا است: نماینده امام دستور داده در طلائیه

عمل کنیم؛ ما با تمام توان لشگر به دشمن خواهیم زد؛ هرکس

می تواند، بماند و هرکس نمی تواند، آزاد است که برود».

پس از آن، لشگر شب هنگام آماده تهاجم به دشمن شده در آن

شب جنگی سخت درگرفت که تا صبح به طول انجامید.

با روشن شدن هوا و ادامه عملیات، شهید حسین خرازی که در خط مقدم درگیری حضور داشت، بر اثر اصابت ترکش دست راست خود را از دست داد و از میدان نبرد خارج شد. فشار دشمن همچنان ادامه داشت و با آنکه محور جاده طلائیه تا ۶ کیلومتر بدست نیروها باز شد و یک تیپ از دشمن متلاشی شد ولی فضای کوچک منطقه مانور و آتش انبوه و بسیار زیاد دشمن عملاً امکان الحاق و پیشروی را ناممکن ساخته بود. لذا از این بید، نظرها عمدتاً به حفظ جزایر مجنون معطوف شد.

مرحله سوم عملیات با توجه به فشارهای دشمن، عمدتاً به منظور حفظ جزایر مجنون شمالی و جنوبی بود. برای دشمن هرگونه جا پا و حضور نیروهای اسلام در هور غیر قابل تحمل بود؛ لذا با اجرای آتش شدید و توان پیاده - زرهی سعی در پس گرفتن جزایر داشت. به همین منظور دشمن در فشار اولیه خود تنها ۷۲ ساعت بطور مداوم بر روی جزایر آتش می ریخت؛ چنانکه در یک برآورد، نزدیک به یک میلیون گلوله توپ و خمپاره مصرف کرده بود.

جنگ در جزایر با توجه به توان خودی و دشمن به دور از توان نظامی بود؛ چرا که نیروهای خودی با عقبه های طولانی و چند روز جنگ، بدون آتش پشتیبانی به مقاومت ادامه می دادند و متقابلاً دشمن با تمرکز صدها قبضه توپ بر روی جزایر و بمباران مداوم آنها با هواپیما و داشتن عقبه خشکی (دو جاده ضلع غربی و شرقی جزیره جنوبی) با واحدهای زرهی خود فشارهای متعدد و توان فرسائی را وارد می ساخت.

از سوی دیگر نیروهای خودی، علیرغم وضعیت یادشده، زمینه و ذهنیت قابل ملاحظه ای داشتند تا با مقاومت، به هر صورت ممکن، جزایر را حفظ نمایند.

خمیرمایه این مقاومت، گذشته جنگ و ضرورت کسب پیروزی چشمگیر و نیز پیام حضرت امام مبنی بر حسین وار جنگیدن بود.

بدین منظور سپاه پاسداران با تمامی استعداد خود جهت دفع تهاجمات دشمن و حفظ جزایر در آنجا استقرار یافت. در این روند، شهادت و مجروح شدن تنی چند از فرماندهان سپاه به مقاومت نیروها در جزیره جنوبی مجنون جلوه‌ای خاص بخشید.

شهید حاج همت، فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص)، و شهید اکبر زجاجی، معاون اول لشکر، هنگامی که سوار بر موتور بدنبال رساندن نیرو به خط بودند، بر اثر اصابت توپ در کنار یکدیگر به شهادت رسیدند.

نمونه دیگر، شهید حمید باکری — قائم مقام لشکر عاشورا — که جلوه‌ای از حماسه مقاومت را در صحنه نبرد واقع در جزیره مجنون جنوبی به نمایش گذارد.

تعدادی از نیروهای لشکر ۳۱ عاشورا با فرماندهی وی بر روی پل جنوبی، جزیره جنوبی در مقابل محور اصلی پاتک دشمن به مقابله ایستادند و «حمید» در همانجا با شهادت خود معنا و مفهوم حسین وار جنگیدن را به همگان نمایاند. *

در قسمتی از وصیتنامه این شهید آمده است:

«ما به فرموده امام، حسین وار، وارد جنگ شدیم و حسین وار

به شهادت می‌رسیم».

پس از شهادت حمید باکری، جسد وی و سایر همزمانش در

* پس از شهادت حمید باکری، معاون دوم لشکر عاشورا، شهید یاغچیان بدانجا شتافت و هرگز باز نگشت.

همانجا بر زمین ماند. بدنبال این امر، فرماندهی قرارگاه به برادر شهید، مهدی باکری، فرمانده لشکر عاشورا، تکلیف می‌کند که جسد حمید باکری را به عقب منتقل نماید. اما وی هنگامی که جسد حمید را بر روی زمین و در میان هم‌رزمانش مشاهده می‌کند، نمی‌تواند خود را متقاعد سازد که در حالیکه سایر شهدا، بر روی زمین به جای مانده‌اند، تنها جسد برادر خود را به عقب منتقل نماید.

بهرحال، دشمن که در مقابل خود مقاومتی غیر قابل تصور و پیش‌بینی را مشاهده می‌کرد، بمرور با تحمل تلفات و ضایعات فراوان دریافت که ادامه تک غیر از به مسلخ بردن نیروهایش، نتیجه‌ای دیگر ندارد. لذا از تصرف جزایر منصرف شده، مبادرت به تحکیم مواضع نمود. در عملیات خیبر، عراق برای اولین بار با وسعتی قابل ملاحظه مبادرت به بمباران شیمیایی کرد. این مسئله عمدتاً به علت هراس دشمن از جاگیر شدن نیروهای خودی در منطقه صورت گرفت. رژیم عراق همچنین پس از ناامیدی از باز پس‌گیری جزایر شمالی و جنوبی‌مجنون، شدت عمل بیشتری را در بمباران شیمیایی اعمال نمود.

نتایج و دستاوردهای عملیات

در این عملیات بیش از ۲۳ یگان دشمن بطور متوسط، از ۲۰٪ تا ۱۰۰٪ منهدم شد.

- ۱۵۰۰۰ نفر از نیروهای دشمن زخمی و کشته شدند.
- ۱۵۰ دستگاه تانک و نفربر و ۲۰۰ دستگاه خودروی دشمن منهدم گردید. (در این رابطه قابل توجه است که تیپ ۵۶ زرهی دشمن به میزان ۱۰۰٪ منهدم شد.)
- ۱۱۴۰ نفر از نیروهای دشمن اسیر شدند که در میان آنها

۳۵ افسر، ۱۳۰ درجه دار، ۸۷۳ سرباز و جیش الشعبی و نیز ۱۰۲ نفر غیر نظامی از کشورهای مصر، سودان، مراکش، سوماتالی و عراق، مشاهده می شد.

— مجموعاً ۱۱۸۰ کیلومتر از زمینهای، منطقه آزاد شد که به ترتیب ۱۰۰۰ کیلومتر مربع در هور، ۱۴۰ کیلومتر مربع در جزایر و ۴۰ کیلومتر مربع در طلائیه را شامل می شد.

— در میان غنائم دشمن، گذشته از اقلام صنعتی و تجهیزات انفرادی، ۱۰ دستگاه تانک و نیز ۶۰ دستگاه کمپرسی

بچشم می خورد.

— دستیابی بر چاههای نفت که ذخائر آن میلیونها بشکه برآورد شده است.

پس از خیبر

پس از عملیات خیبر تغییر و تحولاتی در جنگ روی داد که قسمت اعظم آن فشار اقتصادی و تحریم فروش سلاح به ایران بود (که چنین اقداماتی از تأثیرات عملیات خیبر، بر سیاست های غرب محسوب می شود). طی این مدت، متقابلاً از سوی جمهوری اسلامی تحرکاتی بمنظور مقابله با وضعیت جدید صورت گرفت.

در مقطع یادشده، تلاش جدید غرب - که بتبع هراس و نگرانی نسبت به ابعاد و ویژگیهای عملیات خیبر صورت می گرفت - بعدی تازه به جنگ بخشید، بدین معنی که پس از عیان شدن ناتوانی نظامی عراق در مقابل حرکت های غیر قابل پیش بینی و عمدتاً تاکتیکیهای ویژه رزمندگان، استکبار جهانی بمنظور ممانعت از به هم خوردن معادله

نظامی حاکم بر جنگ، اقدام به تقویت عراق با تکنولوژی پیشرفته، خصوصاً نیروی هوایی نمود. به عبارت دیگر در این مرحله، سیاست تکنیک در برابر تاکتیک اتخاذ شد.

متعاقباً عراق تلاش فزاینده را بمنظور تحت الشعاع قرار دادن پیروزیهای نظامی ایران، با دست یازیدن به جنگ نفتکشها در خلیج فارس، آغاز کرد تا شاید بدین وسیله با به ضعف کشاندن بنیه اقتصادی جمهوری اسلامی مقدمات تأثیرگذاری آن بر روی جنگ را فراهم آورد. علاوه بر این، تحریم فروش سلاح به ایران توسط غرب، و همزمان با آن، براه اندازی موجهای تبلیغاتی در این زمینه، نیز قابل ذکر است.

طبیعتاً پیدایش وضعیت یادشده، رسانه های تبلیغاتی استکباری را، که مترصد بهره برداری از چنین مواقعی هستند، بر آن داشت تا در تبلیغات خود وقفه ای را که معمولاً میان عملیاتها بوجود می آید، به حساب تأثیرگذاری جنگ نفتکشها گذاشته، جنگ را به بن بست رسیده قلمداد کنند.

در چنین وضعیتی هرگونه تحرک نظامی توأم با پیروزی از سوی ایران، نقشی بسزا در نشان دادن ناکامی سیاستهای غرب و تلاشهای عراق، داشت. بدین منظور در میان مناطق متعددی که جهت عملیات مهیا شده بود، منطقه میمک انتخاب شد و عملیاتی با نام عاشورا انجام گرفت.

عملیات عاشورا (میمک)

تاریخچه نظامی منطقه بدنبال انعقاد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر منطقه میمک در اختیار عراق قرار گرفت، لیکن حضور عشایر در منطقه مانع از تسلط کامل عراق بر ارتفاعات منطقه میمک شده بود.

با شروع جنگ تحمیلی منطقه میمک نیز مانند سایر مناطق مورد تهاجم عراق واقع شد. بدنبال آن، در ۱۹ دی ۵۹، سپاه و نیروی زمینی ارتش با شرکت فعال عشایر منطقه، که آشنایی زیادی به زمین داشتند، طی عملیاتی مشترک بنام «ذوالفقار»، اولین تلاش را بمنظور بازپس‌گیری قسمتی از مناطق اشغالی انجام دادند. پس از موفقیت حاصله، دشمن طی ۱۵ روز پاتک و فشار پی در پی، سعی در بازپس‌گیری مناطق متصرفه داشت، لیکن با مقاومت نیروها و نقش مؤثر و کارآمد هوانیروز (خصوصاً سخت کوشی شهدای بزرگ آن، شهید کشوری و شهید شیرودی) دشمن نا امید و پس زده شد. اکنون با وجودیکه چند سال از وقوع عملیات یادشده می‌گذرد، هنوز هم آثار شهادت و شجاعت این دو شهید را می‌توان در میان شیارهای ارتفاعات منطقه ملاحظه کرد که بصورت بیش از ۵۰ تانک و نفربر دشمن که

بهنگام فرار مورد اصابت راکت هلی کوپتر قرار گرفته اند، بجا مانده و قابل رؤیت است.

موقعیت طبیعی منطقه — سراسر منطقه عملیاتی عاشورا (میمک) پوشیده از شیارها و پستی و بلندیهای پراکنده و گوناگون است — نوع زمین منطقه از خاک رس و در بعضی محلها همراه با شن است. لذا امکان حرکت خودروهایی چرخدار در مواقع خشکی تنها ۲۰٪ و در مواقع بارندگی، فقط متکی به جاده است.

در حد فاصل بین تنگه بینا و تنگه بیجار، که عملیات در آن متمرکز گردید، ارتفاعات نسبتاً بلندی قرار دارد که مرتفعترین آنها کوه میمک است.

به همان میزان که ارتفاعات میمک به طرف عراق گسترش می یابد، رفته، رفته از ارتفاع آن کاسته می شود تا تقریباً مسطح می گردد، بگونه ای که ارتفاعات میمک از تسلط و اشراف کامل برخوردار است. ارتفاع میمک در میان سایر ارتفاعات منطقه (زالوآب، کانی سخت، شور شیرین، شینو و...) برجستگی خاصی دارد.

در سمت راست کوه میمک، ارتفاعات دیگری به نامهای: فصیل — کرگنی — تلخاب — گلم زرد — قلالم و کانی شیخ قرار دارد.

رودخانه های مهم منطقه نیز عبارتند از: گذار خشگ، که بین شینو و میمک واقع است، تلخاب ۱، که از طرف تنگه بینا جاری می شود، و تلخاب ۲، که از تنگه بیجار به طرف پائین و از آنجا بین ارتفاعات کرگنی، بانی تلخاب امتداد می یابد.

اهداف عملیات — منطقه عملیاتی میمک بنا به مختصاتی که از آن ذکر شد، با اهداف زیر مورد نظر قرار گرفت.

۱ — انهدام بخشی از قوای دشمن

۲ — تحمیل پدافند در دشت به دشمن

با توجه به دشت وسیعی که از کوه میمک تا عمق بسیار زیادی در خاک عراق امتداد یافته بود، با انجام موفق این عملیات، دشمن برای تشکیل خط پدافندی الزاماً نیازمند بکارگیری نیرویی بیشتر بود. و اگر تا بحال نیروئی به استعداد دو گردان را برای تأمین منطقه در نظر گرفته بود، در صورت عقب نشینی به طرف دشت، این مقدار به چند برابر می رسید.

۳ — ایجاد تسهیلات در رفت و آمد از جنوب به غرب و بالعکس، و نیز ارتباط و اتصال جبهه های جناحین میمک.

۴ — آزادسازی قسمتی از اراضی اشغالی.

۵ — تأمین منطقه میمک یا تسخیر و تصرف ارتفاعات مهم منطقه، از جمله: کرگنی، فصیل و فرورفتگی میمک، که بمنزله ارتفاعات سرکوب، در اختیار دشمن قرار داشت.

شناسائی و طرح مانور — شناسائی راهها و معابر وصولی دشمن در مدت زمانی کوتاه با استفاده از تاریکی شب و طی مسافتی در حدود ۱۵ کیلومتر رفت و برگشت و عبور از میادین مین، موانع و سیم خاردار و بعضاً دورزدن و نفوذ در خطوط و مواضع دشمن، انجام شد و اطلاعات نسبتاً مناسبی از دشمن بدست آمد.

در این میان دشمن نسبت به انجام شناسائیهات تا اندازه ای حساس و هوشیار شده بود، لیکن سرعت عمل و کوتاه بودن زمان عملیات، فرصت لازم را، جهت تحکیم مواضع و استحکامات، به دشمن نداد. البته اقداماتی از قبیل در نظر گرفتن زرهی و قوای احتیاط و استقرار دو گردان کماندو، افزایش گشتی رزمی از سوی دشمن صورت گرفت، لیکن مؤثر واقع نشد.

پس از انجام شناسائیهای لازم، عملیات از سه محور زیر طراحی گردید:

محور اول، ارتفاعات کرگنی، ۳۵۰، وبان و تلخاب
محور دوم، ارتفاعات فصیل و یال میمک (۳۵۰)
محور سوم، فرورفتگی میمک.

بر این اساس، با توجه به حضور نیروی زمینی ارتش که در آنجا خط پدافندی داشت. سازمان رزم عملیات با شرکت یک لشکر و ۳ تیپ پیاده و یک تیپ زرهی از سپاه و نیروئی از ارتش تعیین گردید. همچنین نقش توپخانه نیروی زمینی ارتش در پشتیبانی عملیات و هوانیروز با مأموریت تخلیه مجروحین و جهاد سازندگی در زمینه مهندسی * تعمیرگاه و تدارکات، قابل ذکر است.

با نزدیک شدن زمان آغاز تک، بدلیل طولانی و در عمق بودن اهداف، نیروها از غروب روز ۶۳/۷/۲۵ حرکت خود را از نقطه رهائی آغاز کردند. مسئله قابل توجه در هنگام جابجائی نیروها، هوشیاری نسبی و تسلط کافی دشمن بر روی منطقه بود، بگونه ای که قوای دشمن از تنگه شینوو یال تپه شهدا و ارتفاعات فصیل — که عمدتاً گذرگاه عبور نیروها بود — نسبت به منطقه دید داشتند. لیکن از صبح روز ۶۳/۷/۲۴ که مقرر شده بود نیروها به منطقه وارد شوند، طوفانی شدید و بی سابقه در منطقه به راه افتاد بطوریکه هیچکس قادر به مشاهده ۱۰۰ متری خود نبود و علیرغم اینکه ماشینها با چراغ روشن حرکت می کردند باز تصادفاتی واقع می شد. به هر تقدیر، طوفانی که از ساعت ۷ صبح شروع شده بود، تا ۵/۵

* جهاد سازندگی و مهندسی یگانها سه مأموریت عمده را برعهده گرفته و به آن تحقق بخشیدند:

۱ — تسطیح و ترمیم جاده های مهم ۲ — نصب پل بر روی تنگه بینا ۳ — احداث و تقویت خاکریزها.

بعد از ظهر ادامه یافت و هنگامی که رزمندگان به هدف نزدیک شدند، هوا صاف شد و بدین ترتیب دشمن نقل و انتقالات و جابجائی نیروهای اسلام را مشاهده نکرد. پس از رسیدن نیروها به پای کار و اعلام آمادگی در ساعت ۱۲ شب، رمز عملیات با عنوان «یا ابا عبدالله الحسین» از سوی قرارگاه فرماندهی عملیات (قرارگاه نجف) قرائت و بدین ترتیب، تهاجم نیروها آغاز گردید.

در این میان در یکی از محورها عقبه ها و اطراف قرارگاه دشمن در آن منطقه با یک طرح ابتکاری (قبل از آغاز عملیات)، مین گذاری شده بود. نوع این مینها نیز ابتکاری بوده و یک نوع آن بر اثر تابش نور منفجر می شد. مینهای یادشده توسط شهید صبوری، بسیجی ۱۸ ساله طراحی و با موفقیت کار گذاشته شده بود.

به هر روی محوره های مختلف پس از اندکی تأخیر، تماماً بیش از ۸۰٪ از اهداف خود را تأمین نمودند و پس از آن با روشن شدن هوا، دشمن پاتک خود را شروع کرد که با مقاومت نیروها به عقب رانده شد و در نهایت، پس از چند روز جنگ و درگیری مواضع متصرفه تأمین گردید. نکته قابل ذکر در این میان تلاش مهندسی یگانها و جهاد سازندگی است که خاکریزهایی را در قسمتی از منطقه عملیاتی احداث کردند تا پدافند از منطقه بهسولت امکان پذیر شود.

نتایج و دستاوردها

- باز پس گیری بیش از ۵۰ کیلومتر مربع از مناطق اشغالی
- تصرف بخش مهمی از ارتفاعات منطقه (فصیل و کرگنی)
- تهدید جاده بدره — مندلی
- آزاد شدن جاده مرزی خودی

— وارد ساختن ضایعات و تلفات زیر بردشمن:

۱۴ گردان پیاده و زرهی دشمن از ۷۰٪ تا ۱۰۰٪ منهدم گشت. علاوه بر این، ۱۹۰ نفر اسیر از دشمن تخلیه شد که در میان آنها ۷۲ درجه دار و ۱۲ افسر ارشد مشاهده می شد. سقوط ۳ فروند هواپیما و ۲ فروند هلی کوپتر، انهدام ۷۵ تانک و نفربر و دهها دستگاه خودرو و همچنین ۳ دستگاه لودرو بلدوزر.

همچنین در این عملیات تعداد ۹ دستگاه تانک نیز به غنیمت گرفته شد.

عملیات بدر

بازگشت مجدد به هور

پس از عملیات خیبر چنانچه ذکر شد، عملیاتهای متعددی در دست طراحی بود که بنا به دلایلی تنها عملیات میمک انجام گرفت.

در این مقطع، پس از بحث و بررسی فراوان، در نهایت بر اساس توانائیهای خودی و دشمن و نیز با در نظر گرفتن معابر وصولی هدف بصره، سه راه کار در نظر گرفته شد که عبارت بودند از:

۱ — منطقه عملیاتی خیبر واقع در هورالهویزه

۲ — شرق بصره (منطقه عملیاتی رمضان)

۳ — غرب اروند

از آنجا که منطقه شرق بصره و غرب اروند فاقد تناسب لازم با توان خودی بود، لذا هور، بعنوان تنها راه ممکن و با ویژگیهای زیر، انتخاب گردید:

۱ — آسیب پذیری دشمن به لحاظ عدم تناسب توانائیهایش با

منطقه هور و عملیات آبی — خاکی

- ۲ — اهمیت استراتژیکی منطقه در رابطه با هدف بصره
- ۳ — توان نیروها از نظر کمی و کیفی
- ۴ — کم عمق بودن هدف، و نیز امکان دسترسی سریع به آن
- ۵ — تسلط نسبی نیروهای شناسایی به منطقه، بنا به تجربه خبیر و استمرار شناسائیه‌ها
- ۶ — زمین اجازه کافی به دشمن جهت مانور زرهی نمی داد.
- ۷ — دشمن فاقد عقبه مناسب برای تک بود.

اهداف عملیات

دست اندازی و تسلط بر جاده بصره — العماره و نیز راه یابی به مرکز اصلی هورهای غرب دجله — که استانهای ناصریه، بصره و العماره را احاطه کرده است و همچنین تسلط بر شرق دجله، توأم با انهدام نیرو و اسارت نفرات دشمن، از جمله اهداف این عملیات بود.

ضمناً پاکسازی پاسگاههای ترابه — بلال، ابولیل و نیز روستاهای البیضه — الصخره، پدخندق و انهدام پلهای العزیر، خندق و...، در حد شمالی منطقه عملیات و پاکسازی روستاهای منطقه، انهدام پلهای جویبر و... در حد جنوبی در نظر گرفته شده بود.

وضعیت استقرار در هور

بعد از عملیات خبیر، دشمن اقدام به تشکیل فرماندهی شرق دجله (علاوه بر سپاههای ۱ و ۲ و ۳ و ۴) ورده های مواضع پدافندی در کل منطقه نموده و همچنین در مسیر آبراهها و در داخل نیزارها کمین هائی را قرار داد تا در صورت هجوم نیروهای خودی نقش هشداردهنده و تأخیری را داشته باشد، و در ضمن، از نزدیکی نیروهای شناسائی به خط دشمن

ممانعت بعمل آورند.

دشمن به منظور در نظر داشتن هرگونه تحرک نیروهای خودی، دکل‌های متعددی را نصب کرد تا دید کلی بر هور و جوانب آن داشته باشد. علاوه بر این مبادرت به احداث باندهای فرود هواپیما و هلی کوپتر در شمال قلع صالح (با ۲ باند) و در جنوب القرنه کرد.

در این میان، گذشته از کمین، موانع دشمن در آبراهها قابل ملاحظه بود؛ چنانچه نرسیده به سیل‌بند اول بانصب نشیهای آهن و وصل سیم خاردار بر سر آبراهها (یک ردیف زیر آب و ردیف دوم روی آب) ایجاد نمود. همچنین بعد از کمین‌ها و قبل از رسیدن به سیل‌بند اول در کنار آبراهها بشکه‌های متعدد فوگاز (ناپالم) * مشاهده می‌شد که توسط سیم، هدایت آن از خط اول دشمن صورت می‌گرفت.

دشمن تعداد زیادی از این بشکه‌ها را بر سر آبراهها قرار داده بود. بعنوان مثال، بر سر آبراه صفین، در فاصله ۱۲۰ متری سیل‌بند اول سه ردیف ۲۶ تایی که در هر ردیف ۱۳ بشکه سمت چپ آبراه و ۱۳ بشکه سمت راست آن وجود داشت.

قابل ذکر است که دشمن بعد از تمامی موانع یاد شده سیل‌بندی را مشرف بر آب با عرض ۱۲ متر و ارتفاع ۲ متر احداث کرده بود و بر روی آن سنگ‌های متعددی تعبیه شده بود که از سه طرف چپ، راست و مقابل، دارای دید کافی بر روی آب بود.

* قابل ذکر است که اثرات ماده انفجاری بشکه‌های ناپالم هنگامی که به شنی می‌چسبد، جدا نمی‌شود تا اینکه آن شنی را کاملاً بسوزاند.

طراحی عملیات

عملیات بدر از دو محور عمده در حد فاصل «الغزیر» تا «القرنه» طراحی گردید و در کنار آن یک تلاش کمکی از سمت شمال و دو حرکت فریب در شلمچه و غرب اروند (جنوب) و گیسکه در غرب کشور، در نظر گرفته شد.

به منظور پشتیبانی عملیات، هوانیروز و هاورکرافت در زمینه انتقال نیرو، بنا به اولویتهای تعیین شده و نیز نیروی هوایی، در حد مقدمات، از عملیات پشتیبانی می‌کرد و بر این اساس با تلاشهای مهندسی یگانها و جهاد سازندگی، پد هلی کوپتر و سایت موشکی و جاده صاحب الزمان، احداث گردید.

سازمان رزم

نیروی زمینی ارتش با سه لشکر و یک تیپ و سپاه پاسداران با نه لشکر و هشت تیپ بصورت ادغامی سازماندهی شدند. علاوه بر آنچه ذکر شد، در مراحل مختلف طراحی عملیات، تدابیری منظور شد که عمدتاً برآمده از تجربیات عملیات خیبر بود؛ از جمله:

۱- علائم:

به منظور رفع مشکلات و موانعی که هنگام عملیات خیبر در رابطه با استفاده از امکانات ترابری آبی، هلی برد* و نیز نصب پل بوجود آمد،

• پد هلی کوپتر (پایگاه استقرار هلی کوپتر).

• هلی برد (هلی برن): انتقال نیرو و تجهیزات از جایی به جای دیگر بوسیله هلی کوپتر.

پیش‌بینیهایی صورت گرفت که بخشی از آن نصب علائم مناسب و قابل رؤیت در شب، بود.

۲- شیمیائی، میکروبی، رادیواکتیو

بکارگیری گسترده سلاحهای شیمیائی با عملیات خیبر آغاز شد و طبعاً زمینه‌های توسعه و گسترش بکارگیری آن، با توجه به استیصال و ناتوانی دشمن و بی‌توجهی مجامع بین‌المللی، محتمل می‌نمود. لذا تدابیری بمنظور پاکسازی آثار تک شیمیائی دشمن در زمینه تیم رفع آلودگی، تیم کشف و سنجش و تیم خنثی‌سازی و نمونه‌برداری و نقطه‌گذاری، اتخاذ گردید.

۳- آموزشهای ویژه

همزمان با پیدایش مرحله‌ای جدید در جنگ، و تفاوت اساسی عملیات آبی- خاکی با جنگ در زمین، بایستی آموزشهای مناسبی جهت رشد و افزایش کیفیت نیروها در نظر گرفته می‌شد. از اینرو آموزشهای سکانی، جهت گردانهای دریائی، نصب پل، خط‌شکنی، استفاده از سلاح بر روی آب و همچنین هلی‌برد، به تناسب مأموریت یگانها، منظور گردید.

شرح عملیات

با نزدیکی زمان آغاز تک، کشیدن عقبه‌ها به جلو، انتقال و جابجائی نیروها و استقرار آنها در مناطق نزدیک به محورهای عملیاتی، با تحرکی چشمگیر صورت می‌پذیرفت؛ و همزمان طی جلسه‌ای در قرارگاه خاتم الانبیاء ساعت شروع و نیز رمز عملیات مشخص گردید. بدین ترتیب

پس از حرکت نیروها از نقطه رهائی بسوی هدفهای مورد نظر و اعلام آمادگی، در ساعت ۲۳، مورخ ۶۳/۱۲/۱۹، با قرائت رمز عملیات با عنوان:

«یا الله. یا الله. یا الله وقاتلوهم حتی لا تكون فتنة، یا فاطمة الزهراء.» ۱

نیروهای تک ورتهاجم خود را از دو محور شمالی و جنوبی آغاز کردند. متعاقباً در همان ساعات اولیه، تمامی خطوط و استحکامات دشمن بسرعت درهم کوبیده شد؛ و با پیشروی نیروها در عمق، اعجاب و شگفتی همگان برانگیخته شد، زیرا با توجه به هوشیاری دشمن، بلحاظ مشاهده شواهد و قرائن و تجربه عملیات خیبر، بنظر نمی رسید خطوط مستحکم اولیه دشمن بدین سرعت فروریزد.

در محور ترابه، که بمنظور پشتیبانی در نظر گرفته شده بود، بلحاظ دوری عقبه و کمبود آتش پشتیبانی و سایر مسائل، پیشروی بسوی هدف با کندی صورت می گرفت اما در محور پدخندق و رطه، گذشته از شکستن خط، برخی از یگانها با حرکت در عمق، خود را به هدفهای مرحله بعد نیز رساندند. در نتیجه تا صبح روز دوم عملیات، از دو کیلومتری جنوب البیضه تا ۲/۵ کیلومتری پائین تر از خط همایون، خط اول دشمن بطور کامل در تصرف نیروهای خودی بود. علاوه بر این در حد فاصل آبراه جمل تا خط همایون، نیروها تا پشت رودخانه دجله پیشروی کردند و بسمت غرب، در حاشیه شرقی رودخانه، خط پدافندی تشکیل دادند و با آتش سلاحهای سبک تردد وسایل نقلیه دشمن را روی جاده متوقف کردند. دشمن با تصور اینکه امکان اجرای عملیات از سایر محورهای عملیاتی جنوب وجود دارد مدتی طول کشید تا بتواند خود را جمع و جور کرده اقدام به پاتک نماید. بر این اساس دشمن پس از کشف اهداف تک، اولین فشارهای خود را با حجم بمبارانهای وسیع و آتش توپخانه در

محور شمالی منطقه و در حوالی پدخندق والصخره متمرکز نمود. تا بدین وسیله از دستیابی نیروها به تنگه العزیر ممانعت بعمل آورد.

در طی سه روز جنگ و درگیری، قرارگاه مهندسی با سختکوشی بسیار توانست پلی را از حد فاصل جزیره جنوبی و منطقه همایون نصب کند. و از سوی دیگر نیروها با پیشروی خود به اهداف زیر دست یافتند:

۱- پاکسازی پد خندق

۲- پیشروی از پشت خط جمل ۳ به پشت صفین ۳

۳- در شب سوم، هوانیروز اقداماتی را بمنظور پشتیبانی عملیات به انجام رسانید.

فشار دشمن در محور الصخره و پد خندق کماکان ادامه داشت. در نتیجه مقاومت نیروها نیز رو به فزونی نهاد، چنانچه هنگامی که شهید خرازی فرمانده لشکر امام حسین از شهید آقاخانانی فرمانده یکی از گردانهای لشکر- علیرغم جراحتهای وارده (اصابت چند ترکش به دست و پا)- می خواهد که به عقب برگردد، نمی پذیرد و در خط می ماند و در همان شب به شهادت می رسد.

برادر شعبانفچی فرمانده گردان از لشکر امام حسین که وقتی برای بررسی منطقه عملیات و توجیه شدن جهت ادامه عملیات به خط میرفت، بشدت مجروح شد (ترکش به سر و کتف و پای او اصابت کرده بود)، بطوریکه او را به حالت بیهوشی به پاسگاه سیار فرماندهی آوردند. فرماندهی لشکر با مشاهده حال وی نگران شد و گفت: «زخمها خطرناک است، شما به عقب برو»، لیکن او نپذیرفت و گفت من همین جا می مانم و امشب عمل می کنم. وی پس از این مطلب، حدود ۲ ساعت به استراحت پرداخت و آنگاه پس از تعویض لباسهایش برای آوردن نیروها به عقب رفت و بعد از سه ساعت آماده عملیات شد و بالاخره پس از تلاش فراوان

که انجام داد به شهادت رسید.

در شب پنجم و روز ششم، در ادامه تلاشی که بمنظور پاکسازی روستای حدیه انجام شد نیروهای فراوانی به فرماندهی لشگر عاشورا، از رودخانه دجله عبور کرده و به شرق دجله، حمله کردند. با روشن شدن هوا به علت عدم پاکسازی و الحاق کامل، تعدادی تانک و نفرات دشمن باقی ماندند و عملاً امکان پیشروی به سوی القرنه فراهم نیامد.

علیرغم وضعیت پیش آمده، تا حوالی ظهر، جنگ و مقاومت همچنان ادامه داشت تا شاید بدین وسیله جا پای بدست آمده تا شب حفظ شده، فرصت مناسب جهت انجام مأموریت مزبور (انفجار پل ابوعران) بدست آید.

از حوالی ظهر، دشمن که موقعیت نیروهای خودی را دریافته بود، بمرور فشار خود را افزایش داد. در نتیجه تعدادی از نیروها بداخل فرورفتگی رودخانه دجله (مقابل نهر رُطه) آمدند و در این میان، تنها شهید باکری و جمع محدود یاران وفادارش به نبرد ادامه دادند. در این اثناء قرارگاه که نسبت به موقعیت نیروها و وضعیت خاص شهید باکری نگران بود، سعی داشت نامبرده را متقاعد به مراجعت نماید.

بدین ترتیب هنگام بعد از ظهر، چند تن از نیروهای لشگر عاشورا نزد شهید باکری رفته، از وی درخواست کردند به شرق دجله مراجعت کند. وی جهت عبور از رودخانه دجله در میان قایق نشست، اما پس از لحظه ای سکوت ناگهان برخاست، پس از تخلیه اسناد و مدارک همراه خود بداخل قایق، مجدداً برای کمک به نیروهایش به منطقه درگیری رفت. بمرور، با حاد شدن وضعیت، فرماندهی لشگر عاشورا بصورت تک تیرانداز و آرپی جی زن وارد عمل شد و در این حین شهید باکری بر اثر اصابت تیر به پیشانی‌اش جراحت سنگینی برداشته، جهت درمان به عقب

تخلیه شد.

در این اثنا دشمن، با نزدیکی به لب رودخانه دجله و مشاهده قایقی که جسم نیمه‌جان شهید باکری در میان آن بود، قایق را با گلوله آرپی جی مورد اصابت قرار داد و بدین ترتیب، دجله جنازه سوخته شهید باکری را به منطقه نامعلوم برد.

از این بعد دشمن با پاکسازی شمال پد خندق، فشار خود را از دو سمت یکی رخنه در خط صفین (جناح شمالی عملیات) و دیگری رخنه بداخل فرورفتگی رودخانه که اساساً تهدید عقبه نیروهای محور شمالی را به‌مراه داشت، و نیز با شدت بخشیدن به بمبارانهای هوایی امکان تأمین مناطق بدست آمده را از نیروهای خودی در این منطقه گرفت. بطور کلی، عملیات بدر پس از ۸ روز جنگ و مقاومت، با آزادسازی روستای ترابه، لحوک، نهروان، فجره و نیز تصرف بیش از ۸۰۰ کیلومتر مربع از اراضی هور و تصرف جاده خندق (الحجرده) به طول ۱۳ کیلومتر [که فاصله آن با جاده عماره - بصره ۶ کیلومتر است] به پایان رسید.

تلفات و خسارات وارده به دشمن

هفت تیپ و پنج لشکر عراق بین ۲۰ تا ۱۰۰٪ منهدم شدند. علاوه بر این به لشکر گارد ریاست جمهوری و نیز نیروی کماندوی سپاه ۳ به میزان ۲۰٪ خسارت وارد شد.

تعداد کشته و زخمی دشمن از مرز پانزده هزار نفر گذشت، ضمناً ۳۲۰۰ نفر از نیروهای دشمن به اسارت درآمدند که در میان آنها ۵۰ افسر، ۸۰ ستوانیار و ۳۰۰ درجه دار مشاهده می شد.

از سوی دیگر ۲۵۰ دستگاه نفربر، ۴۰ قبضه انواع مختلف توپ،

۲۰۰ دستگاه خودرو، ۶۰ قبضه خمپاره‌انداز، ۴ فروند هواپیمای پی-سی-۷ ملخ‌دار، ۲ فروند میگ و سوخو، ۴ فروند هلی‌کوپتر و نیز مقدار معتناهی وسایل مخابراتی، سلاحهای سبک و... منهدم گردید.

ویژگیهای قابل ملاحظه در طراحی عملیات

عملیات خیبر، و خصوصاً بدر، نشان داد که جمهوری اسلامی - علیرغم کمبود تجهیزات مناسب، و مشکلات و موانع عدیده‌ای که بر سر راه خود دارد - عملاً توانائی و قابلیت کسب پیروزی و موفقیت‌هایی بسیار متفاوت با عملیاتهای گذشته را، دارد.

عملیات خیبر و بدر، دشمن را شدیداً متزلزل نمود و به غرب نشان داد که تنها تکنولوژی و حمایت‌های همه‌جانبه سیاسی - اقتصادی نمی‌تواند عراق را سرپا نگهداشته، از آسیب‌پذیری اساسی مصون و محفوظ بدارد.

به هر روی، در مرحله‌ای از جنگ، عملیات بدر - گذشته از ضایعات و تلفاتی که به دشمن وارد ساخت - جایگاهی ویژه را در ارتقاء و رشد ابعاد فکری و عملی سازمان رزم جمهوری اسلامی در برداشت، و دورنمایی را ترسیم کرد که بعدها فتح فاو، بخشی از حاصل و ثمره آن بود.

اما آنچه در عملیات بدر برجستگی داشت، عمدتاً عبارت بود از:

- ۱ - تصمیم و عزم راسخ جمهوری اسلامی جهت تهاجم به دشمن و ادامه نبرد تحت هر شرائطی مبتنی بر رهنمودهای فرماندهی کل قوا - امام خمینی.

- ۲ - توانائی و جسارت در بهره‌گیری از تدابیر و راه کارهای جدید و درهم شکستن خطوط دفاعی دشمن در خط و عمق.

پس از بدر

ابعاد و ویژگیهای عملیات بدر، عراق را به عکس العملی غیر از آنچه تا آن زمان در جنگ مرسوم بود، واداشت بدین معنی که همزمان با عملیات، حملات هوایی خود را به تهران آغاز کرد. دشمن در واقع هدفی را که از براه اندازی جنگ نفتکشها در خلیج فارس (از نظر اقتصادی) داشت، با تهاجم به شهرهای غیر نظامی (به نیت به زانو درآوردن جمهوری اسلامی از طریق برانگیختن مردم)، دنبال نمود. در مقطع یادشده، انتقال جنگ از رزم زمینی به هوا و مناطق غیر مسکونی، نمایانگر شکلی جدید در جنگ بود.

رویارویی با دشمن در ابعاد جدید، طبعاً نیازمند به حضور فعال مردم در صحنه و افزایش روحیه مقاومت در آنها بود و از سوی دیگر ضرورت مقابله به مثل را ایجاب می کرد.

بدین ترتیب، تدبیر مقابله به مثل با پرتاب موشک به عمق شهرهای عراق آغاز شد. بکارگیری موشک بمنزله ورود عنصری جدید در معادله جنگ محسوب می شد، و بدین طریق، عراق با وضعیتی غیر قابل پیش بینی مواجه گردید و همچنین برای اولین بار بغداد، مرکز حکومتی

رژیم بعث، طعم تلخ ضایعات ناشی از جنگ را بطور مستقیم و ملموس چشید این امر در واقع، افزایش مشکلات حکومت بغداد و نیز دامن زدن به آن تلقی می‌گردید.

در این میان شواهد و قرائن، حاکی از درماندگی و ناتوانی دشمن بود، همچنین بمنظور خنثی سازی جریانات عافیت طلبی که مترصد بهره برداری از شرایط، جهت پایان بخشیدن به جنگ بودند، بنا به نظر امام از طرف نماینده ایشان در شورایی عالی دفاع حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه تهران، پیشنهاد شد که حامیان ادامه جنگ در روز قدس اقدام به راه پیمائی نمایند. تا بدین وسیله روشن شود که پایگاه جنگ در میان مردم چگونه است و گذشته از این، آیا جنگ شهرها بر مقاومت مردم تأثیری نهاده است یا خیر؟

بر این اساس راه پیمائی روز قدس، علیرغم تهدیدهای مکرر رژیم عراق مبنی بر بمباران مردم، همانند جریان سیلی خروشان آغاز شد و همزمان نیز عملیات قدس ۱ توسط یگانهای رزمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در منطقه هورالهویزه صورت گرفت. وضعیت مزبور تلاشهای چندین ماهه دشمن را بمنظور بدست گرفتن ابتکار عمل عقیم گذارد و عملاً جمهوری اسلامی با مقاومت مردم و مقابله به مثل در رویارویی با تعرضات رژیم بغداد توانست مرحله ای بحرانی را پشت سر نهاده، تهاجمات پی در پی خود را در میدان رزم زمینی آغاز نماید.

جمع بندی تجربیات و اتخاذ تدابیر لازم

واقعیات برآمده از عملیات بدر از یکسو و گسترش جنگ شهرها از سوی دیگر، جو حاکم بر جنگ را به گونه ای درآورد که لزوماً بایستی در اطراف و جوانب آن، هر چند بصورت اجمالی و گذرا، توضیحاتی ارائه

شود.

دشمن در عملیات بدر سعی کرد با استفاده خوب از زمین، زرهی، آتش و نیروی هوایی کنترل صحنه نبرد را در دست داشته باشد. تلاش دشمن در این زمینه به نیروهای خودی نمایاند که ادامه جنگ عمدتاً بایستی متکی بر استراتژی جنگ درازمدت توأم با برنامه ریزیهای همه جانبه، و نیز حضور بیشتر کشور و مسئولین در این امر باشد.

در این میان، مسئله نیرو و جذب آن متناسب اهداف و مراحل عملیات و نیز تحولاتی در نحوه مواجهه با دشمن به منظور تجزیه قوای آن، قسمتی از معضلات جدید بود. علاوه بر این، مسائل دیگری مانند افزایش قدرت و آتش، سلاح مناسب ضد زره و ضد هوایی... توأم با تاکتیکهای ویژه، نیز عنوان گردید.

همچنین روشن شد که گذشته از موارد فوق، لزوماً بایستی سازمان رزم سپاه گسترش یابد و به تناسب پیچیدگیهای جنگ، نیروها از آموزشهای لازم برخوردار گردند. تا بدین وسیله، گذشته از فزونی یافتن توانایی نیروهای خودی در تصرف هدف و حفظ آن، در نهایت زمینه و لوازم انهدام ماشین جنگی عراق فراهم آید.

طبیعتاً بکارگیری عملی اندوخته های پس از بدر، نیازمند زمان بود. در این فاصله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در میان تدابیر گوناگون جهت رویارویی با دشمن بدو سلسله عملیاتی محدود و پی در پی را با هدف انهدام قوای دشمن و گرفتن زمان از آنها، برنامه ریزی کرد. گذشته از این طراحی عملیات والفجر ۸، با توجه به تجارب برآمده

از عملیات بدر و ۶ سال نبرد، در دستور کار قرار گرفت و بدین ترتیب تعرضات و تحرکات نظامی جمهوری اسلامی با عملیات محدود در روز قدس و سپس مهیاسازی منطقه عملیات والفجر ۸ و سایر ملزومات آن، آغاز شد.

تبیین استراتژی «جنگ، جنگ تا رفع فتنه»

همزمان با اوجگیری جنگ شهرها که طبیعتاً ضایعات و خسارات ناشی از جنگ بطور مستقیمتری در رابطه با مردم قرار می‌گرفت، پیش‌بینی رخدادهای سیاسی - اجتماعی و بهره‌گیری جریانات سیاسی از آن، محتمل می‌نمود. از این رو فرمانده کل قوا در بیانات خود هنگام تحویل سال ۱۳۶۴، این سال را سال «استقامت» نامیدند.

طبعاً ترسیم دورنمای جنگ شهرها (که عمدتاً در روز قدس شکل نهایی و نتیجه خود را نمایاند) و سایر فشارهای وارده به جمهوری اسلامی بود که سبب شد امام موضعگیری (جنگ جنگ تا رفع فتنه) را اتخاذ نمایند. در حقیقت در آن برهه خاص، رهبری انقلاب روند حرکت آتی جنگ و انقلاب را با بیان «جنگ تا آخرین خانه و آخرین نفر»، تبیین و تعیین کردند.

نظرات امام در رابطه با جنگ برای همگان روشن بود، لیکن با توجه به وضعیت خاص آن مقطع زمانی ضرورت نظرخواهی از امام جهت تعیین تکلیف و نقش عمده این اعلام نظر کاملاً بارز و روشن بود.

در این میان گروهکها با انگشت نهادن بر روی نارسائیهای ناشی از جنگ مجدداً صحنه را برای تشدید فعالیت‌های سیاسی خود مساعد دیده، اینبار حتی سعی کردند جنگ را از موضع اعتقادی به زیر سؤال بکشند. این اقدام با توطئه هماهنگ بین‌المللی در رابطه با تحمیل

صلح و سازش به جمهوری اسلامی و نیز تقویت جریان عافیت طلب داخلی صورت می‌گرفت.

رهبری انقلاب بمنظور تعیین مشی آینده جنگ و انقلاب و رفع هرگونه تردید و تزلزل، از جایگاهی والا تر بر ضرورت ادامه نبرد تأکید فرموده، شعار «جنگ، جنگ تا پیروزی» را پرتوی از شعار قرآنی «جنگ، جنگ تا رفع فتنه از عالم» دانستند. ^{۵۵} در حقیقت نظرات امام نافی هر دیدگاهی در زمینه سازش بود.

ایشان خاطرنشان ساختند که نه تنها امکان دست‌آویز قرار دادن یک پیروزی در حل معضله جنگ چاره‌ساز نیست، بلکه بایستی فراتر از آنچه در شعار مردمی «جنگ، جنگ تا پیروزی» نهفته است، گام نهاد. به عبارت دیگر، از بیانات امام چنین استنباط شد که راه حل سیاسی نه تنها سنخیتی با هویت انقلاب اسلامی ندارد، بلکه یک نوع بی‌توجهی نسبت به آینده جنگ و انقلاب و نیز ساده‌اندیشی نسبت به برخورد با دشمن است و طبیعتاً حامیان جهانی عراق نسبت به انقلاب اسلامی بی‌تفاوت نبوده، تا زمانی که هویت انقلاب را مخدوش نکرده و یا ضربه‌ای اساسی و کاری به آن وارد نسازند آرام نخواهند گرفت؛ از این رو گذشته از پرهیز ساده‌اندیشی در برخورد با دشمن، لزوماً بایستی گذار از مرحله کنونی انقلاب، با کسب آمادگی همه‌جانبه و نیز بکارگیری کلیه امکانات بالفعل و بالقوه کشور در رابطه با جنگ، صورت گیرد.

بدین ترتیب می‌توان عوامل زیر را به عنوان پارامتری مؤثر در تبیین آینده انقلاب و جنگ محسوب نمود:

۱ — شناخت استکبار جهانی و عمق و گستردگی خصومت آن

در برخورد با انقلاب اسلامی.

۲ — همسویی و آمیختگی اهداف انقلاب اسلامی و جنگ با یکدیگر.

۳ — در نظر گرفتن ملاحظات در باب قابلیت و توان بالفعل و بالقوه کشور از نظر اعتقادی، سیاسی، اجتماعی و نظامی و نیز بسیج نیروی مردمی.

تبعیت از رهنمودهای رهبری در واقع در بطن خود، آمادگی همه جانبه جهت اصلی نمودن جنگ در کشور را دارا می باشد. متقابلاً نگرش مقطعی و کوتاه مدت به جنگ، نه تنها دستیابی به پیروزی را نامحتمل می نماید، بلکه دورنمایی جز نا کامی و بازی خوردن از دشمن، نخواهد داشت.

نظری بر سلسله عملیات محدود پس از بدر

در فاصله آماده سازی ملزومات و مقدمات عملیات گسترده پس از عملیات بدر، ضرورت داشت جبهه ها کماکان فعال نگاه داشته شوند. و دشمن بحال خود رها ننگردد. بدین منظور در مقطعی از سال ۶۴ قسمتی از تعرضات و تحرکات نظامی خودی علیه دشمن براساس تدبیر عملیات محدود صورت گرفت تا بدین وسیله از زمان بدست آمده، عملیات والفجر ۸ بدور از هرگونه شتابزدگی و یا تأثیرگذاری فشارهای سیاسی — نظامی، خارجی بنحوی مناسب طراحی گردد. همچنین مقرر شد سلسله عملیات محدود به گونه ای باشد که منجر به تعلل یا تأخیر در عملیات گسترده نشود. بر این اساس، عملیاتهای اخیر، به لحاظ نظامی، به سه دسته قابل تقسیم است:

۱ — گشتی رزمی

۲ - نفوذی

۳ - محدود و استقراری

تقسیم‌بندی یادشده به میزان و استعداد نیروی خودی که در عملیات بکار گرفته می‌شود و نیز به کیفیت و ارزشهای زمینی منطقه، متکی است.

عملیات «گشتی رزمی» حداکثر تا استعداد یک گردان نیرو را در بر می‌گیرد و هدفش عمدتاً وارد آوردن تلفات و ضایعات به دشمن و احیاناً جمع‌آوری اطلاعات و یا گرفتن اسیر و سپس بازگشت به مواضع اولیه است.

در عملیات نفوذی میزان استعداد یگانهایی که بکار گرفته می‌شود، از یک تا سه گردان را شامل می‌گردد و نیز مانند عملیات گشتی رزمی پس از انجام مأموریت، نیروها بدون استقرار در محل تک، به مواضع اولیه خود بر می‌گردند.

عملیات محدود به عملیاتی اطلاق می‌شود که از یک تیپ تقویت‌شده به استعداد ۵ گردان تا دولشگر تقویت‌شده، به استعداد ۲۰ الی ۳۰ گردان را شامل شود و نیروها پس از انجام عملیات در مواضع تصرف‌شده استقرار یابند.

مشخصه‌های عملیات محدود

- ۱ - بیش از ۳۰ الی ۴۰ گردان نیرو نیاز نداشته باشد
- ۲ - تلفات خودی پائین بوده باشد تا آسیبی به عملیات گسترده وارد نسازد.
- ۳ - از نظر زمانی کوتاه و زودفرجام باشد
- ۴ - دارای اهداف و ارزش نظامی - اقتصادی باشد

۵ — در راستای اهداف استراتژیک جنگ باشد

۶ — پیروزی در آن تضمین شده باشد

۷ — منطقه، قابلیت استفاده از آن، جهت عملیات گسترده را داشته باشد.

همانطور که گفته شد. عملیات تاکتیکی محدود به منظور آماده ساختن زمینه جهت تعرض گسترده و استراتژیک، با اهداف زیر در نظر گرفته شد:

۱ — وارد ساختن حداکثر تلفات و ضایعات به نیروهای دشمن

۲ — عقب راندن نیروی دشمن از اراضی اشغالی — که کماکان در تصرف آنها باقی مانده است.

۳ — بدست گرفتن ابتکار عمل و ایجاد تحرک در جبهه و خطوط عملیاتی

۴ — گرفتن فرصت و مجال فکر کردن از دشمن و تجزیه • نیروهای آن

۵ — جمع آوری اطلاعات و شناسائی منطقه مورد تهاجم

۶ —

البته آنچه در قسمت فوق مورد اشاره قرار گرفت، تنها قسمتی از اهداف عملیات محدود است و طبیعتاً شرایط خاص سیاسی — اجتماعی و نیز سایر اهداف نظامی، در آن منظور خواهد شد.

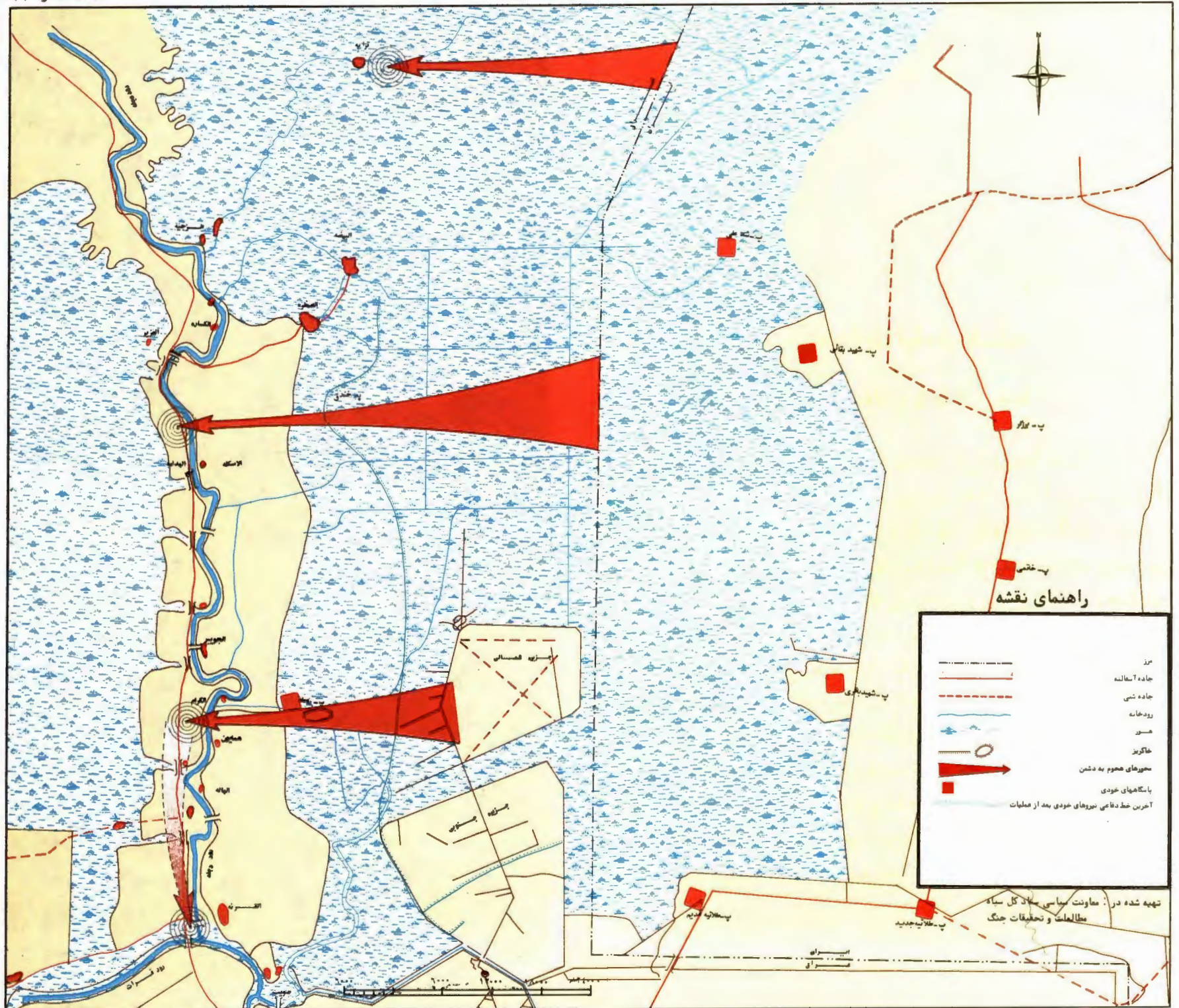
بر اساس آنچه بعنوان مشخصات و اهداف عملیات محدود عنوان شد، نیروی زمینی ارتش سلسله عملیات خود را «ظفر» نام نهاد، که

• ایجاد تحرک در جبهه های مختلف و بالطبع انجام عملیات مانع از تمرکز فکر دشمن شده و نهایتاً منجر به تجزیه آنها می شد زیرا که بایستی به تمامی تحرکات خودی نظر داشته باشد.

پس از بدر

عمدتاً تظاهر به تک همراه با آتش توپخانه بود.

همچنین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۵ عملیات بنام «قدس»
(۱، ۲، ۳، ۴، ۵) و نیز عملیات «عاشورا» را انجام داد که توضیحات و
شرح آن به ترتیب، در پی می آید.



سلسله عملیات قدس

قدس ۱ تا ۵ و عاشورای ۴

از آنجا که قسمتی از سلسله عملیاتهای محدود در هور انجام گرفت، مقدماً ذکر نکاتی در این باب، که هورچه جایگاهی در استراتژی جنگ داشته و نیز رابطه آن با اهداف عملیات بدر و همچنین مهیاسازی مقدمات عملیات گسترده در هور، لازم و ضروری بنظر می آید. چنانچه قبلاً ذکر شد، عمده ترین هدف عملیات بدر قطع جاده استراتژیک العماره - بصره بود. لیکن بنا به عللی دست یابی به آن مقدور نشد. اما در عین حال، جایگاه هدف یادشده در استراتژی جمهوری اسلامی محفوظ بود. لذا پس از عملیات بدر اولین حرکت و هرچه نزدیکتر شدن به جاده بصره - العماره، و دو پاسگاه ابولیل و ابوذر منظور گردید. علاوه بر این خط پدافندی که پس از تصرف پاسگاه ترابه - در عملیات بدر - در این منطقه بوجود آمد، احتیاج به ترمیم داشت و انجام این تعرضات (عمدتاً قدس ۱ و ۲) می توانست ضمن نزدیک کردن خطوط پدافندی به رودخانه دجله و جاده بصره - العماره، خطی منظم و بهم پیوسته را بوجود آورد.

از سوی دیگر دشمن پس از عملیات بدر، حساسیتی قابل ملاحظه و چشمگیر نسبت به هور از خود نشان داد. چنین بنظر می‌رسید که قوای نظامی عراق تلاشی وسیع را به منظور عقب‌راندن نیروهای خودی از هور انجام دهند، لذا این مهم، خود، ضرورت تحکیم و تثبیت مواضع بدست‌آمده (طی عملیات خیبر و بدر) و نیز اتخاذ موضع تهاجمی در مقابل تعرضات احتمالی دشمن را افزون‌تر می‌کرد.

اهداف عملیات قدس ۱ و ۲ و موقعیت منطقه

بطور مشخص ۴ هدف مجزا در عملیات قدس ۱ و ۲ منظور گردید که عبارت بود از:

۱ — پاسگاه ابوذر کر

۲ — روستای ابوسعید

۳ — برکه مختار

۴ — کمین دژبانی (عقبه دشمن)

پاسگاه ابوذر کر و ابولیله در حد فاصل پاسگاه، شط علی و طبر و در نزدیکی رودخانه واقع است که از سمت غرب تا حدود روستاهای الزجیه و الحسان، از سمت جنوب تا روستای البیضه و از شمال تا پاسگاه ترابه را می‌توان محدوده عملیاتی این منطقه محسوب کرد.

در این میان شناسائی در هور، دشواری و معضلات فراوان داشت، زیرا از یک سو وجود آبراههای متعدد و از سوی دیگر کمین‌های احتمالی دشمن که بعضاً بصورت سیار بود و همچنین مواضع و موانع دشمن به منزله عوامل بازدارنده در شناسائی ایجاد مشکل می‌کردند. بر این اساس، گم شدن عناصر شناسایی (اوایل کار) امری غیر منتظره نبود

چنانچه بارها عناصر شناسایی راه خود را گم کرده، سپس با شنا کردن مسافتی طولانی و گاه در صورت خستگی مفرط، با خواباندن نی‌ها و استراحت بر روی آن، خود را آرام، آرام به مواضع خودی رسانده بودند. فی‌المثل برادر بشارت که بعداً به شهادت رسید، از قبل از عملیات بدر به مرخصی نرفته بود؛ وی مرتباً بصورت داوطلبانه به شناسایی می‌رفت و تقریباً رکورد شناسایی و نیز گم شدن در هور و ماندن در آب را شکسته بود. وی یکبار بیش از ۶۵ ساعت، یعنی چیزی نزدیک به ۳ شبانه‌روز، در هور سرگردان بود و بالاخره شناکنان خود را به مواضع نیروهای خودی رسانید. غیر از گم شدن نیروها، مسئله برخورد با کمین دشمن و شهادت نیز وجود داشت. چنانکه یکی از شبها سه نفر غواص با یک بلم به شناسائی رفته، دو تن از آنها در نقطه‌ای در نزدیکی مواضع دشمن از بلم بیرون آمده، نفر سوم در لابلای نیزار همراه با بلم به انتظار می‌ایستد؛ دو نفر غواص راه خود را بطرف پاسگاه ابوذر کر ادامه می‌دهند و در این میان به موانع دشمن برخورد می‌کنند. در این اثنا وقتی برادران شناسایی در فاصله ۱۰۰ متری با دشمن، قرار می‌گیرند، ناگهان، با رگبار آتش از سوی عناصر عراقی مواجه می‌شوند. برادران بلافاصله به زیر آب می‌روند تا از آتش دشمن در امان باشند، اما یکی از برادران بر اثر اصابت تیر به شهادت می‌رسد و میان سیم خاردار حلقوی گیر می‌کند. برادری که همراه وی بوده هرچه سعی می‌کند تا برادر شهید را به عقب منتقل کند، موفق نمی‌شود؛ لذا او را در لابلای نیزار استتار نموده، مبادرت به پخش کردن آب خون‌آلودی که بر اثر اصابت تیر ایجاد شده بود، می‌نماید و سپس به نزد برادر دیگری که در انتظار بوده بر می‌گردد و رو بعد با امکانات بیشتر جهت انتقال جنازه برادر شهید مراجعه می‌کنند که خوشبختانه دشمن متوجه نمی‌شود، و لذا انتقال جسد به عقب با موفقیت

انجام می‌گیرد.

مواضع و استعداد نیروهای دشمن

دشمن در منطقه مزبور از مواضع و موانع مختلف برخوردار بود؛ فی المثل بشکه فوگاز (ناپالم)، سیم خاردار حلقوی (که بعضاً تا ۱ متر در سطح آب و چند رده در زیر آب را می‌پوشانید)، تنها قسمتی از آن می‌باشد.

دشمن در اطراف پاسگاه ابوذر و روی خشکی اطراف آن سنگرهای متعددی احداث کرده بود. همچنین در روی برکه مختار، علاوه بر سنگر، کمین سیار نیز گذاشته بود که به صورت زیگزاگی یکدیگر را می‌پوشاند و عاملی موثر در تأمین پاسگاه ابوذر به شمار می‌رفت.

استعداد دشمن در این منطقه عبارت بود از سه گروهان کماندویی که به ترتیب یک گروهان در پاسگاه «ابوذر»، یک گروهان در پاسگاه «ابولیل» و یک گروهان در برکه مختار، استقرار داشتند. یک گروهان هم پشت برکه مختار در احتیاط نزدیک بود.

علاوه بر این نیروهای موجود در منطقه، عناصری از تیپ ۵۰۶ و ۱۱۴ لشکر ۲۵ در منطقه حضور داشتند که برخی از آنها در میان اسرا و کشته شدگان مشاهده می‌گردید.

دشمن همچنین به منظور کنترل منطقه با استفاده از هلی کوپتر و هواپیمای پی-سی-۷ مرتباً گشت شناسائی انجام می‌داد و بعضاً بر روی مواضع خودی اجرای آتش می‌کرد.

شرح عملیات

پس از فراهم آمدن مقدمات عملیات و حرکت نیروها از نقطه رهایی به سمت هدف های ازپیش تعیین شده، در تاریخ ۶۴/۳/۲۵ مصادف با روز قدس حمله، با رمز «یا محمد رسول الله یا الله (۳)، قدتری انا فیه ففرج عنی یا کریم الله اکبر» آغاز شد. نیروها با عکس العمل سریع، ظرف ۳ دقیقه، علاوه بر پاکسازی نیروهای دشمن تعدادی از آنها را به اسارت درآوردند. چنانکه تصرف پاسگاه ابوذر و ابولیله مدت ۵ الی ۷ دقیقه بطول انجامید.

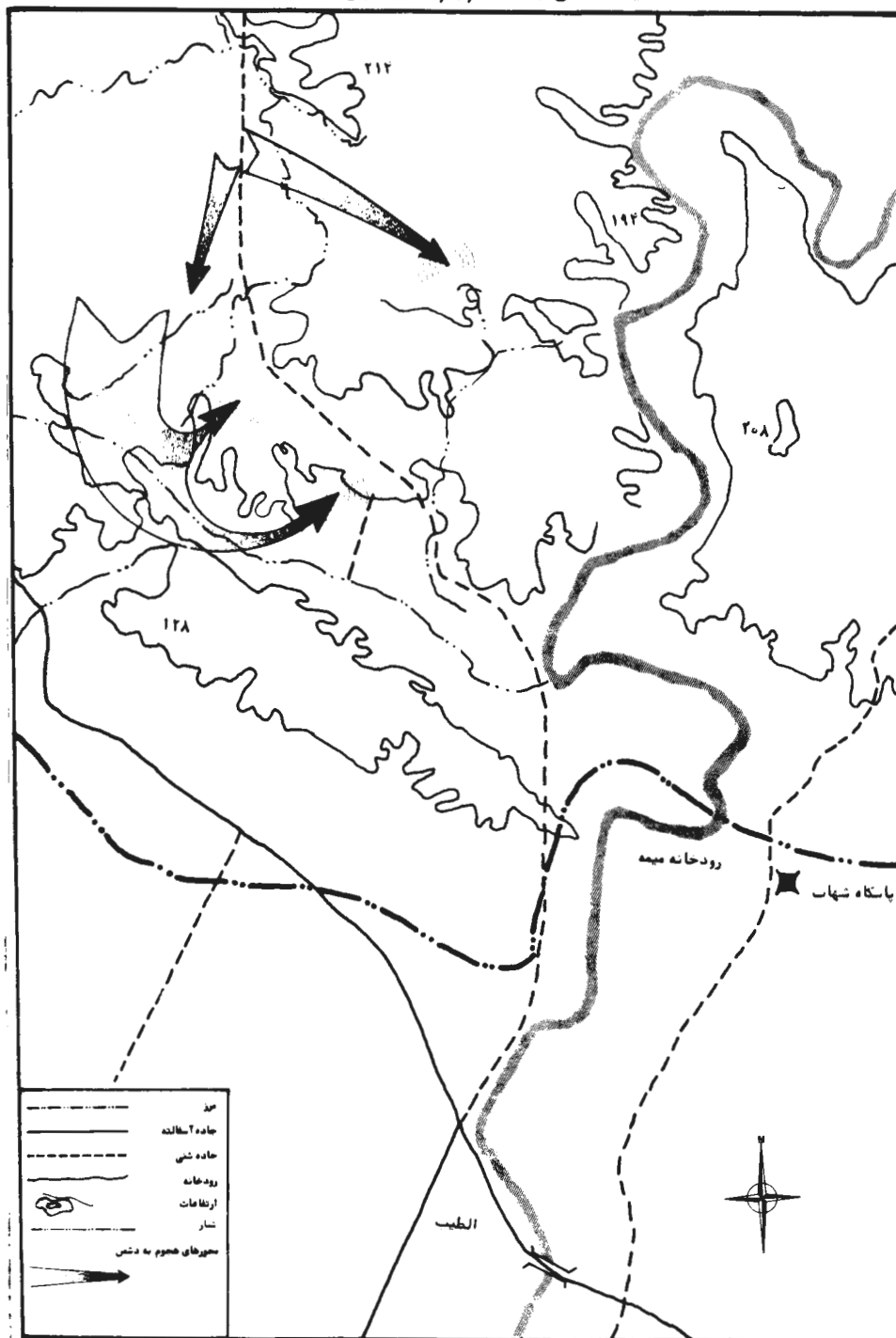
در محور برکه مختار، نیروهای عراقی اندک مقاومتی کردند که این مقاومت درهم کوبیده شد. ضمناً فرمانده پاسگاه ابوذر که غافلگیر شده بود، هنگامی که قصد فرار داشت، به هلاکت رسید.

در صبح روز عملیات، هواپیماهای پی-سی-۷ و هلی کوپترهای دشمن فعالیت خود را آغاز کردند، اما با استقرار سلاحهای ضد هوایی و سقوط یک فروند آن، که با موشک (سام-۷) انجام گرفت، دشمن عملاً ناتوان گردید.

دشمن همچنین مبادرت به پاتک کرد، که توسط قایقهای حامل دوشکا، ۱۰۶ و تیربار تحت حمایت هلی کوپتر و هواپیمای پی-سی-۷ انجام گرفت که البته ماحصلی برای او نداشت، و در نتیجه تلفات و ضایعات زیر بر دشمن وارد آمد:

— انهدام یک گردان کامل از تیپ حطین، تعدادی از عناصر تیپهای ۵۰۶ و ۱۱۴ و لشکر ۲۵ کشته و اسیر شدند. ۲۰۰ نفر از نیروهای دشمن مجموعاً به هلاکت رسیدند، و نزدیک به ۲۰۰ مجروح و ۹۰ اسیر از آنها برجای ماند.

عملیات قدس ۳ - ۶۴/۴/۲۰ - شهرک طیب عراق



تهیه شده در: معاونت سیاسی ستاد کل سپاه
مطالعات و تحقیقات جنگ

گذشته از این ۱۵ فروند قایق، یک فروند هواپیما و ۲ فروند هلی کوپتر و ۱۲ پاسگاه سیار دشمن منهدم شد. همچنین ۴ قبضه توپ ضد هوایی، ۶ قبضه خمپاره انداز و ۳۰ قطعه پل دوبه ای بخشی از غنایم بدست آمده را تشکیل می داد. ضمناً منطقه ای به وسعت ۱۳×۵۱ کیلومتر (۱۸۰ تا ۲۰۰ کیلومتر مربع) آزاد گردید.

تحکیم منطقه و انجام قدس ۲

بمنظور ممانعت از تک احتمالی دشمن و مرتفع نمودن نقاط ضعف خودی و تبدیل آن به قوت و همچنین آسیب پذیر کردن دشمن و بدست گیری ابتکار عمل، در تاریخ ۴/۴/۶۴ در ساعت ۲ بامداد رزمندگان اسلام تهاجم خود علیه دشمن را در اطراف البیضه آغاز کردند. طی درگیری‌هایی که چند روز ادامه داشت نیروهای خودی توانستند ضمن انهدام بخشی از نیروهای تیپ ۶۸ کماندوئی و دفع پاتکهای دشمن با پاکسازی و الحاق موقعیت خود را در مناطق تصرف شده تثبیت نمایند.

قدس ۳

هدف از عملیات قدس ۳، عمدتاً تصرف تپه ۱۹۴، انهدام تجهیزات، و گرفتن تلفات و اسیر از دشمن بود. البته در ابتدا، تصمیم بر این بود که نیروها پس از تصرف هدف، با انجام پاکسازی، منطقه را تأمین نمایند؛ لیکن عملیات بنا به عللی، در نهایت بصورت «نفوذی» تغییر شکل داد.

موقعیت منطقه — منطقه عملیاتی مورد نظر، که نزد دشمن به ارتفاعات «عین منصور» و در بین افراد محلی به «فره سیاه» مشهور است، در محور عمومی دهلران — طیب در غرب رودخانه میمه قرار دارد. این منطقه دارای یک سری تپه و ارتفاعات می باشد. همچنین در شرق رودخانه که به منطقه «بیات» معروف است وجود ارتفاعات ۲۰۸ بدلیل مشرف بودن روی حاشیه غربی «میمه» قابل ذکر است.

ضمناً عراق هنگام عقب نشینی سراسری خود پس از فتح خرمشهر، قسمتی از ارتفاعات یاد شده را — که در خط مرزی دو کشور قرار دارد — به لحاظ موقعیت حساس آن، همچنان حفظ کرد. خط اولیه دشمن در جلوی شیار مالحه و روی ارتفاع ۱۹۴ واقع بود. دشمن با استقرار بر روی ارتفاع مزبور، که طول آن به ۱ کیلومتر می رسید، دید کافی بر روی خط خودی و منطقه عمومی دهلران، داشت.

یک جاده خاکی از جاده اسفالته مهران — دهلران به طرف ارتفاع ۲۱۶ رفته، از خط خودی عبور نموده، سپس از غرب شهرک طیب به داخل خاک عراق امتداد می یابد.

این جاده اصلی به فاصله حدود دو کیلومتر پس از ارتفاع ۲۱۶ از پشت مقرها و پاسگاه های دشمن که خط جلوی مالحه را تشکیل می دهند، می گذرد.

در سمت راست جاده اصلی به موازات خط دشمن ۳ جاده فرعی شمالی — جنوبی قرار داشت که از طریق این جاده ها عقبه دشمن به خط جلوی مالحه و ۱۹۴ مرتبط می شد و نیروهای عراقی از این طریق تدارک می گردیدند. قابل ذکر است که در رابطه با آرایش خط دشمن جناح چپ از شیار مالحه خالی بود و این نقطه ضعف اساسی دشمن قوتی برای

نیروهای خودی محسوب می شد.

موانع دشمن در این عملیات، عبارت بود از ۲ ردیف مین و المرو ۱۰ ردیف سیم خاردار حلقوی، همچنین در اطراف سنگرهای دشمن در این محور، ۱۶ ردیف سیم خاردار حلقوی کار گذاشته بودند و نیز ۳ میدان مین انفجاری و منور و ۲۴ رده سیم خاردار رشته ای در اطراف پایگاهها و مقرهای دشمن نصب شده بود.

طراحی عملیات — به تناسب راه کارهای موجود در منطقه، عملیات از دو محور طراحی شد. نکته قابل توجه در این عملیات، مسئله غافلگیری بود، چنانچه نیروهای خودی با رعایت حفاظت و استفاده از شب جهت تردد و نقل و انتقالات، سعی وافری بر ممانعت از هوشیاری دشمن داشته؛ لیکن تحرکاتی از عناصر دشمن مشاهده می شد که به نظر می رسید اصل غافلگیری مخدوش شده است؛ اما بعداً معلوم شد که تحرکات دشمن صرفاً جابجایی نیروها بخاطر خستگی و ضعف روحیه بوده است.

علاوه بر این هنگام تهاجم نیروهای خودی، عناصر دشمن در سنگرها در خواب بسر می بردند، و این امر خود دلیلی بر غفلت دشمن محسوب می شد.

ضمناً سعی بر این بود که تعرض بدشمن همراه با ابتکار عمل باشد بدین معنی که حمله در ابتدا به قرارگاه دشمن و از پشت صورت گسرد تا خط متزلزل شود، و علاوه بر این در اولین فرصت کابلهای برق و سیم های مخابراتی دشمن قطع شود، تا بدین طریق، ارتباط نیروهای دشمن با عقبه و نیروهای در خط بطور کلی قطع و مختل گردد.

شرح عملیات

با نزدیک شدن زمان آغاز تک، نیروها در محوره های ازپیش تعیین شده حرکت خود را به سمت دشمن آغاز کردند. حرکت نیروها چنان

آمیخته با غافلگیری بود که برخی از آنها توانستند خود را به بالای سر نیروهای دشمن رسانده جهت انجام عملیات اعلام آمادگی نمودند. به هر روی، پس از اعلام آمادگی کلیه نیروها از محورهای مختلف، در ساعت ۲/۴۵ بامداد ۶۴/۴/۱۹ عملیات با رمز: «ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم. انا فتحنا لک فتحاً مبیناً. یا امام صادق(ع)، یا امام صادق(ع)، یا امام صادق(ع)، الله اکبر» در کلیه محورها با هجوم به دشمن آغاز شد.

سرعت عمل نیروها چنان بود که پس از قرائت رمز عملیات و در همان لحظات اولیه نزدیک به ۷۰ نفر از نیروهای دشمن به اسارت درآمدند. از آنجا که هدف عملیات نفوذی بود، لذا نیروها حتی الامکان از به غنیمت گرفتن اقلامی که دست و پا گیر بود و انتقال آنها به عقب خالی از مشکلات نبود، امتناع ورزیده، سعی بر این داشتند که اساساً امکانات دشمن را منهدم سازند و به آتش بکشند.

پس از اجرای موفق عملیات، با نزدیک شدن طلوع فجر و روشنائی هوا، به نیروها دستور عقب نشینی داده شد.

نظر به اینکه دشمن غافلگیر شده و نیز در تدبیر عملیاتی سیم کابل مخابراتی آنها قطع شده بود، طبیعتاً از اهداف عملیات آگاه نبود. لذا صرفاً بمنظور حضور در منطقه پاتک خود را با نیروهای زرهی و تعدادی هلی کوپتر آغاز نمود. دشمن تصور می کرد نیروهای خودی بر روی ارتفاعات ۱۹۴ و سایر پایگاههای منطقه مستقر شده اند، لذا تلاشی قابل توجه را به آن سمت معطوف نمود؛ لیکن با عقب نشینی بموقع نیروهای خودی پس از انجام مأموریت محوله، اساساً آسیبی قابل ملاحظه متوجه

آنها نشد. قابل ذکر است که دشمن در شب عملیات قصد تعویض نیروهایش را داشت لذا به دلیل عدم آمادگی تلفات زیادی را متحمل شد.

نتایج عملیات

۱ — پاکسازی منطقه ای به وسعت ۲۰ الی ۳۰ کیلومتر مربع
 ۲ — کشته و مجروح کردن بیش از ۷۰۰ تن از نیروهای دشمن
 ۳ — انهدام ده انبار مهمات، ۶ قبضه تفنگ ۱۰۶ م.م، یک قبضه توپ پدافند هوایی، تعداد زیادی خودرو سبک و سنگین (شامل ایفاء، جیپ)، و همچنین انهدام پمپ بنزین قرارگاه گردان.
 در مجموع از تیپ ۸۰۵ پیاده ارتش عراق، گردان یکم صد درصد و گردان دوم ۶۰ درصد منهدم و به گردان سوم نیز خساراتی وارد آمد.
 در این عملیات، گذشته از ضعف دشمن در جناح دادن و عدم آشنایی با زمین منطقه، ابتکارات نیروهای خودی در دور زدن دشمن، توجیه گردانهای عمل کننده، نزدیک شدن به دشمن با حفظ غافلگیری، قطع ارتباط، زدن مقرهای فرماندهی و آتش پشتیبانی مؤثر (که توسط ارتش اجراء شد) قابل توجه بود.

لازم به تذکر است که همزمان با عملیات قدس ۳، از سوی برادران نیروی زمینی ارتش در شرفانی، عملیاتی بمنظور باز پس گرفتن مناطقی که بتازگی به اشغال دشمن درآمده بود، انجام شد. این حرکت اساساً منجر به معطوف نمودن ذهن دشمن به آن منطقه شد و بطور غیر مستقیم به منزله پشتیبانی عملیات قدس ۳ محسوب گردید.

قدس ۴

دو حادثه مهم در جهت شکل‌گیری عملیات قدس ۴ در دریاچه ام‌النجاج در هورالهویزه نقش داشت: یکی کنار رفتن تله‌های * شط الدوب بود، که بر اثر طوفان شدید و بیسابقه صورت گرفت، و بدین وسیله شط به دریاچه ام‌النجاج متصل گردید؛ و دیگری اسارت تعدادی از نیروهای شناسایی عراق بود، که طی یک درگیری با مجاهدین عراقی به اسارت درآمدند. اطلاعات نسبتاً موثقی که از این اسرای تخلیه شده بدست آمد، زمینه مناسب را جهت معطوف کردن توجه فرماندهان به دریاچه ام‌النجاج فراهم کرد.

موقعیت منطقه — دریاچه ام‌النجاج از شمال ابتدا به چند آبراه، سپس به برکه «سوده»، روستای «سلف‌المعده»، روستای «الهویه» و روستای «حمیدان» و از شمال غرب به آبراههای «ابوحضاف»، آبراه «العوج»، روستای «سلف‌الدین» و روستای «سلف‌العبد» و از غرب به آبراههای «ام‌البود»، روستای «الهرود» و آبراه «معر» و از جنوب غربی به «شط‌الدوب» و «برمایه ترابه» و از جنوب به تعدادی آبراه و برکه و آبراه بزرگ «الکسر»، آبراه «العوج» و از شرق به برکه‌های «ام‌ارزال»، «ابوشوش»، «سوده‌ام‌توشه» و شمال با فاصله‌ای به آبراهها و برکه‌های «هورالعظیم» محدود می‌شود. این دریاچه به مساحت تقریبی ۱۰۰

* از بهم پیوستن نی و دیگر روئیدنیها در هور، برور زمان قطعاتی جزیره‌مانند بر روی آب ایجاد می‌شود که ساکنین منطقه به آنها تهل یا طهل می‌گویند. تهل‌ها اکثراً کوچک و متحرک می‌باشند. البته در هورالهویزه تهل‌های بزرگی نیز دیده می‌شود که به جزیره‌های ثابتی تبدیل شده‌اند و بادهای معمولی قادر به جابجایی آنها نمی‌باشد.

کیلومتر مربع در شمال غربی «هورالهویزه» و جنوب شرقی «عماره» قرار دارد.

آب دریاچه ام النعاج واقع در هورالهویزه از رودخانه های ایران تأمین می شود که از طریق آبراههای متفاوت در آن جریان می یابد، دریاچه و آبراههای منتهی به آن، دارای تهل های فراوان است. در شرق دریاچه تهلها بیشتر متحرک بوده، مسیر حرکتشان شرقی - غربی است و عمدتاً بستگی به جهت وزش باد دارد.

قبل از جنگ عده ای از عشایر در این دریاچه زندگی می کردند که بر روی تهل های ثابت، حباشه (سایبان) ساخته، از راه صید ماهی امرار معاش می کردند.

همچنین فروش نی به کارخانه ی حصیربافی نیز بخشی دیگر از درآمد آنها را تشکیل می داد.

اهداف عملیات قدس ۴

- ۱ - انهدام نیروی دشمن
- ۲ - آزادسازی بیش از ۱۵۰ کیلومتر مربع از دریاچه ام النعاج، و در نتیجه تسلط بر بخشی دیگر از هور
- ۳ - گرفتن جای پا جهت گسترش عملیات
- ۴ - گرفتن جناح از دشمن و نزدیک شدن به قسمتی دیگر از خشکیهای عراق که شامل روستاهای سلف المعده، الهویه، حمیدان و... می شود که در جنوب شرقی العماره واقعند.

شناسائی

پس از تعیین محدوده منطقه عملیات، کار شناسائی از دو محور بر

روی آبراهها، کمینها، و پاسگاههای دشمن آغاز شد. نظر به حساسیت منطقه و هوشیاری نسبی دشمن، امر شناسایی نیازمند دقت و سختکوشی بسیار بود و طبیعتاً معضلاتی به همراه داشت.

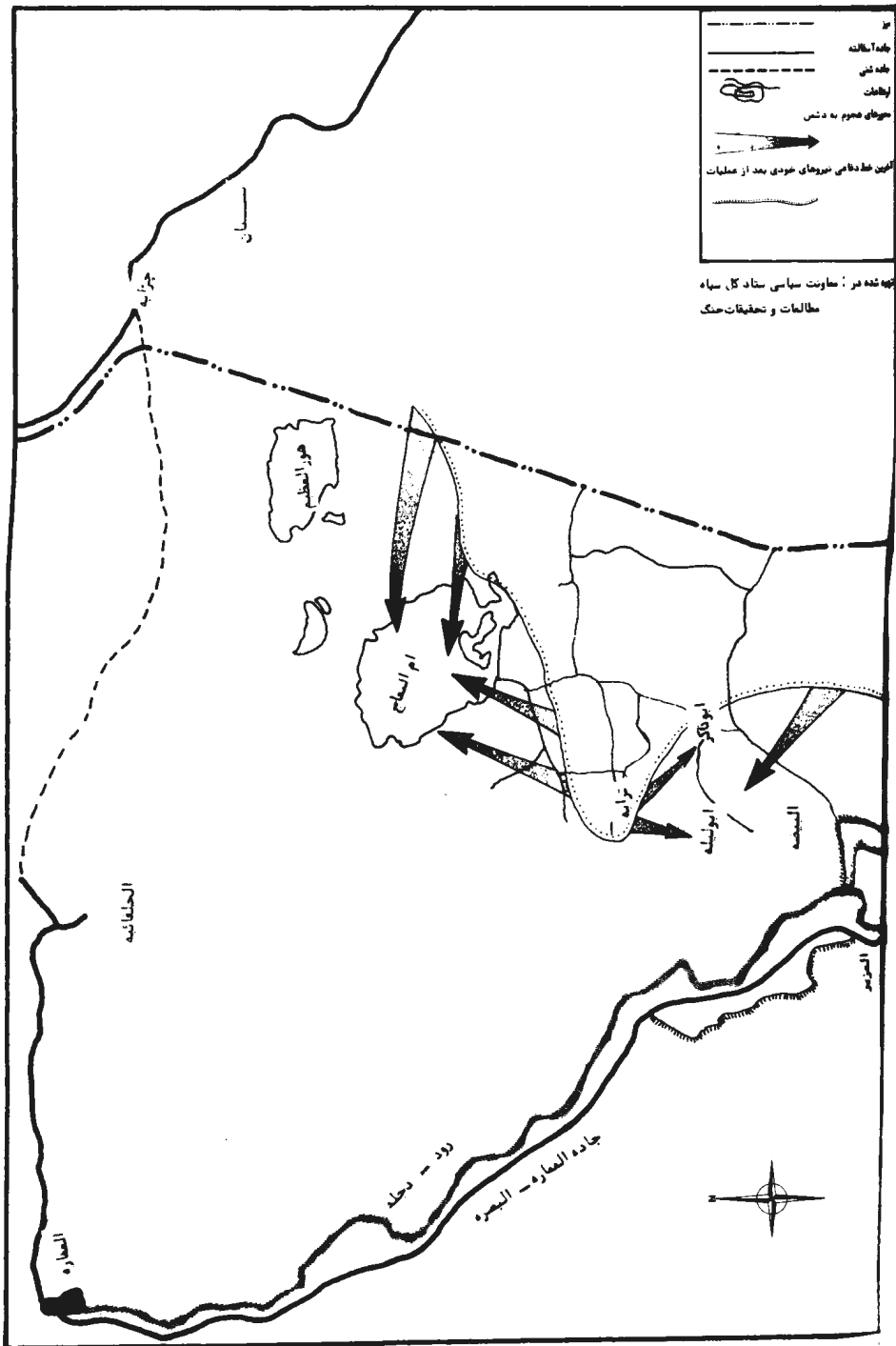
در محور غربی دشمن دارای ۴ پاسگاه ارتشی و ۵ کمین فرسان الهور بود. کمینها نیز به دو صورت فعالیت می‌کردند. یکی متحرک، که با بلم در میان آنها مخفی می‌شدند، و دیگری ثابت، که بر روی تله‌ها استقرار داشتند. در هر کمین دشمن از ۸ تا ۱۵ نفر نیرو با سلاحهای سبک مانند کلاش، آرپی جی حضور داشتند.

در محور شرقی در ام‌الطیره دو پاسگاه به استعداد جمعاً ۳۰ نیرو و تعدادی کمینهای فرسان الهور وجود داشت. استعداد و آرایش کلی منطقه عبارت بود از لشکر ۲۹ در المعیل، و تیپ ۱۱۷ مرزی، که گردان و عناصری از گردان ۲ این تیپ در دریاچه ام‌النجاج، و گردان ۴ آن از ابوخصاف به سمت جنوب، در مقابل آبراه خیط، استقرار یافته بودند.

آخرین وضعیت قبل از عملیات — بافت و ترکیب نیروهای عمل‌کننده در این عملیات می‌تواند از ویژگیهای آن در مقایسه با سایر عملیاتها به شمار رود؛ زیرا غیر از فرماندهی و برخی کادرها، تمامی عناصر آن از نیروهای مجاهد عراقی بودند که در چهارچوب «تیپ بدر» سازماندهی شدند. عناصر تیپ بدر ترکیبی از ارتشیان پناهنده عراقی و مجاهدین غیر نظامی است که صرفاً به لحاظ بینش سیاسی و انگیزه حرکت و جهاد مسلحانه در جبهه حضور یافته‌اند. قابل ذکر است که هسته اولیه تیپ بدر ۲ سال قبل در حد یک گردان بنام شهید صدر تشکیل شد و سپس روبه گسترش نهاد؛ چنانچه در عملیات بدر توانستند با توانی بیشتر اجرای مأموریت نمایند.

آموزش — به منظور آمادگی نیروها آموزش فشرده برای آنها در

عملیات قدس ۱ - ۶۴/۳/۲۵ - قدس ۲ - ۶۴/۴/۴ - قدس ۴ - ۶۴/۵/۱ - هور



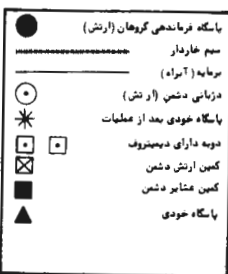
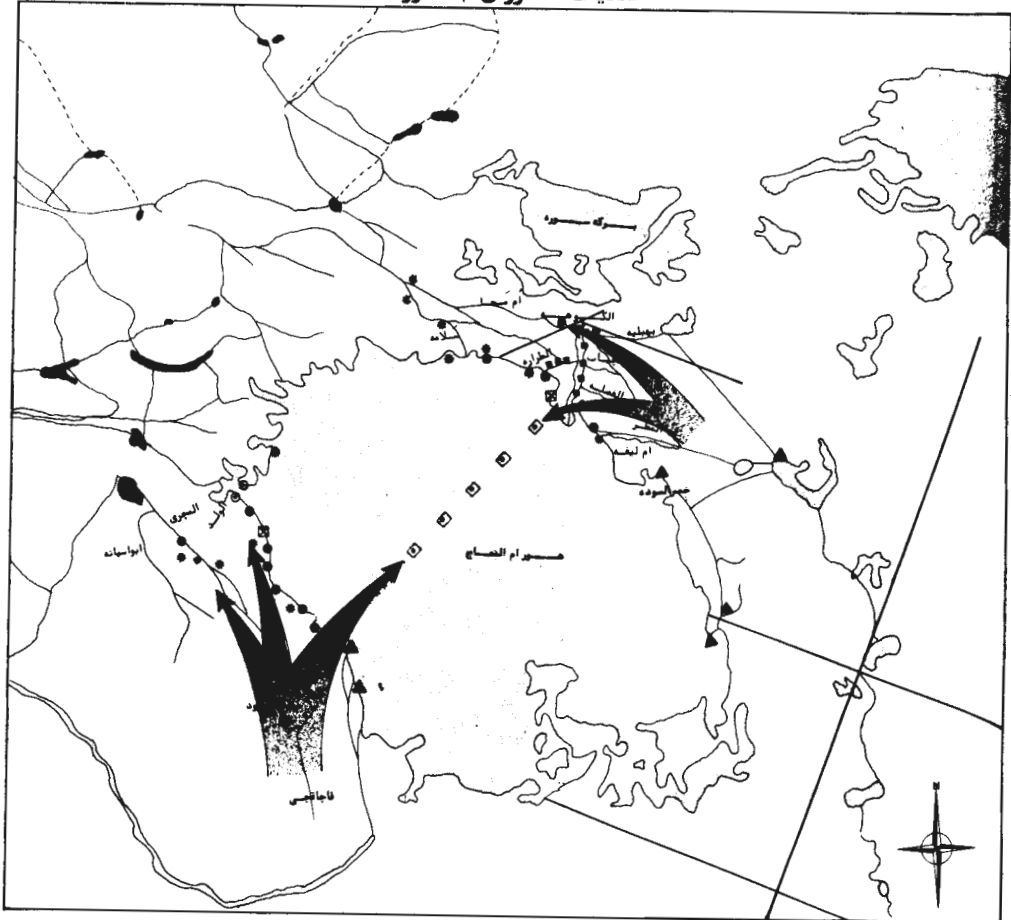
زمینه‌های شنا، غواصی، بلم‌زنی و قایقرانی به مورد اجرا گذارده شد. همچنین در زمینه مهندسی و تدارکات، اقدامات مقتضی صورت گرفت؛ بطوریکه بوسیله نی بر آبراههای مورد نظر عریض گردید و پلهای خیرری به جلو منتقل شد.

واحد تدارکات نیز بنه‌های تدارکاتی را به جلو کشید و از آمادگی لازم جهت تدارک و تأمین عملیات، در چند روز اول، برخوردار گردید. شرح عملیات: دشمن قبل از آغاز تک تقریباً روزی یک تا دوبار به وسیله هواپیماهای پی-سی-هفت منطقه را بمباران می‌کرد. در مواردی هم اقدام به شناسائی و گشت رزمی می‌نمود که به دلیل وجود کمین‌های خودی، نتوانست حرکتی عمده صورت دهد.

به هر روی، در تاریخ ۶۴/۵/۱ در ساعت ۱۲ نیمه شب تک آغاز شد. سرعت عمل نیروها و بهره‌گیری از عنصر غافلگیری موجب گردید دشمن تا مدتی با سرگشتگی و آشفتگی باشد و عملاً قادر به هیچ اقدام اساسی نشود. در این میان مسئله قابل توجه، اسارت مأمور بیسیم فرماندهی دشمن بود، که با گفتن الله اکبر خود را تسلیم نیروهای اسلام نمود. دشمن پس از سقوط پاسگاه‌ها و تأمین اهداف عملیات، به اجرای شدید آتش توپخانه مبادرت ورزید- بطوریکه تردد در منطقه با اشکال مواجه شد.

در این موقع تعدادی از اسری به تقاضای همکاری پاسخ مثبت داده به پای بیسیم منتقل شدند. از پست شنود با فرماندهی خود (در عقبه) تماس گرفته و تقاضای نیرو کردند. از آنجا که دشمن بر روی منطقه تسلط نداشت، نپذیرفت، ولی در مقابل تقاضای قطع آتش، به بهانه اینکه بر روی سر خودمان می‌ریزد، بعد از لحظاتی آتش توپخانه عراق بطور کلی قطع شد و در این فاصله تردها صورت گرفت و این امر، کمکی

عملیات عاشورای ۴- هور



نقشه تهیه شد در: معاونت سیاسی ستاد کل سپاه
مطالعات و تحقیقات جنگ

شایان به رزمندگان نمود.

نتایج عملیات

در پایان عملیات قدس ۴ نیمی از دریاچه ام النعاج که از شط الدوب در غرب دریاچه شروع شده و تا برکه ام سوده در شرق آن امتداد داشت، به وسعت ۱۵۰ تا ۲۰۰ کیلومتر مربع آزاد شد. همچنین بیش از ۲۰۰ نفر از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند و ۵۳ نفر به اسارت درآمدند.

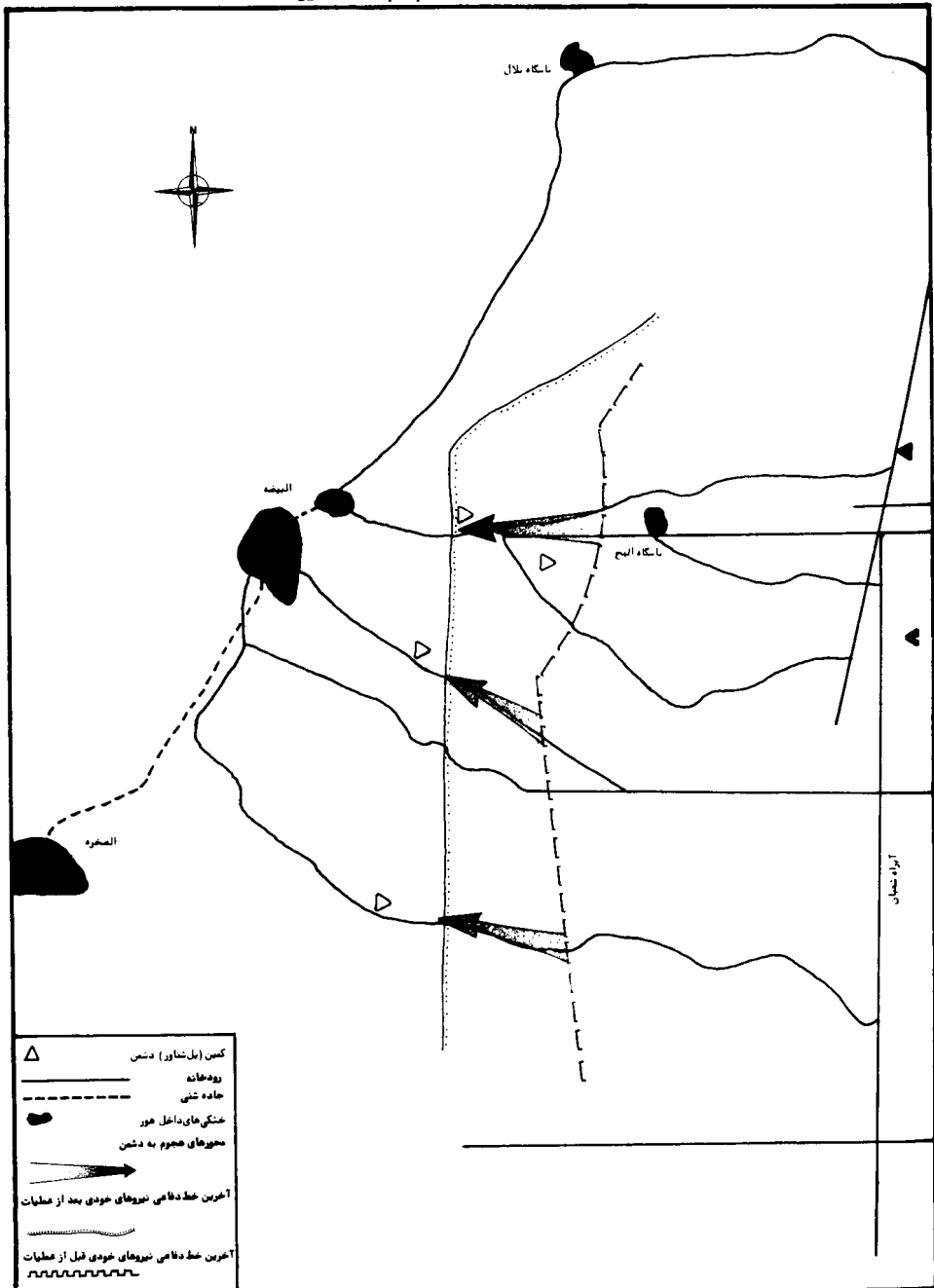
قدس ۵

عملیات قدس ۵ بمنظور تکمیل اهداف قدس ۱ و ۲ در نظر گرفته شد، و اهداف زیر برای آن منظور گردید:

- ۱- تصرف پاسگاه البیج واقع در هورالهویزه
- ۲- نزدیک شدن به البیضه با توجه به حساسیت پاسگاه «البیج» که در سمت چپ پاسگاه بلاله و نزدیکی البیضه قرار داشت
- ۲- تأمین بیشتر جاده خندق
- ۴- تأمین بیشتر جناح راست خط پدافندی که احتمال می رفت دشمن با اتکاء به خشکیهای موجود در این محور با نزدیک شدن به مواضع خودی، آنرا مورد تهدید قرار دهد.
- ۵- محدودتر شدن خط پدافندی خودی و تقلیل پاسگاههای بر روی آب

موقعیت منطقه - پاسگاه البیج واقع در هورالهویزه، و در شمال

عملیات قدس ۵ - ۶۴/۵/۱۵ - هور



تهیه شده در : معاونت سیاسی ستاد کل سپاه
مطالعات و تحقیقات جنگ

منطقه عملیاتی بدر، حدفاصل پاسگاه بلال و جاده خندق، در شرق البیضه قرار دارد.

موانعی که دشمن در این منطقه داشت، عمدتاً عبارت بودند از: ۶ الی ۷ ردیف سیم خاردار: حدود ۷۰۰ متر میدان مین؛ بشکه های ۲۰۰ لیتری فوگاز (آتشزای ناپالم).

همچنین دشمن در پاسگاه الیج ۲ دستگاه تک لول ضد هوایی، ۲ قبضه خمپاره انداز ۸۱ و ۸۲ م.م و مهمات کافی جهت ۴۸ ساعت مقاومت در اختیار داشت و نیروی گردان سوم از تیپ ۷۰۱ کماندویی حذیفه در آن مستقر شده بود.

شروع عملیات: پس از کسب آمادگی های لازم، نیروهای تکاور در تاریخ ۶۴/۵/۱۵، در حدفاصل ساعت ۱۸ الی ۱۹ بعد از ظهر، حرکت خود را از نقطه رهایی به سوی دشمن آغاز نمودند و پس از پشت سر گذاردن پاسگاههای خودی، با اندکی تأخیر در معابر و محورهای مورد نظر قرار گرفتند. در این اثنا مسئله قابل توجه تیراندازیهای کور و بدون هدف دشمن بود که در جوانب مختلف صورت می گرفت.

در ساعت ۲۳ پس از اعلام آمادگی کلیه نیروهای عمل کننده، رمز عملیات توسط فرماندهی با عنوان «یا علی ادرکنی» قرائت شد و به دنبال آن، درگیری در محورهای مختلف آغاز گردید.

در یکی از محورها وجود تک لول دشمن منجر به اشکالاتی در امر پاکسازی شد که پس از رفع مانع، عملیات ادامه یافت.

در محور دیگری که دشمن هوشیار شده بود، نیروهای خودی به قصد فریب دشمن تظاهر به پناهندگی نمودند. در این اثنا با سرعت عمل یکی از برادران و مسلح شدن وی، درگیری آغاز شد و در نهایت پس از سقوط پاسگاه، ۱۸ تن از عناصر دشمن به اسارت درآمدند.

نتایج عملیات — طی عملیات قدس ۵، ۳۰ کیلومتر مربع از هور آزاد شد، همچنین ۵۱ تن از نیروهای دشمن کشته شدند و ۱۸ نفر از آنها به اسارت درآمدند. علاوه بر این غنایمی از جمله خمپاره انداز، سلاح ضد هوایی تک لول و... از دشمن بدست آمد.

عاشورای ۴

به دنبال عملیات قدس ۴، که توسط مجاهدین عراق در دریاچه ام النعاج صورت گرفت و منجر به آزادسازی قسمتی از آن شد، عملیات عاشورای ۴ به منظور آزادسازی کامل دریاچه، با همان ترکیب نیروی سابق (مجاهدین عراقی) تحت عنوان «تیپ بدر» در دستور کار قرار گرفت.

پس از تعیین حدود منطقه عملیاتی و واگذاری آن به تیپ بدر، کارشناسایی و آماده سازی منطقه آغاز شد. در این اثنا پناهندگی دوتن از قوای عراقی به نیروهای خودی، به لحاظ داشتن اطلاعات مناسب، توانست نقشی مؤثر در عملیات ایفا کند.

شناسایی منطقه مزبور از آنجا که نیروهای تیپ بدر در منطقه حضور داشته در صدد ادامه تک بودند، به آسانی صورت گرفت. قابل ذکر است که دشمن در دریاچه ام النعاج، گروهان ۲ از گردان ۶ تیپ ۱۱۷ را در ۴ پاسگاه ثابت و یک پاسگاه شناور آرایش داده بود و نیز نیروهایی به نام فرسان الهوره در کمین های دشمن استقرار داشتند.

• نیروهای اطلاعاتی سپاه چهارم عراق در هور.

شرح عملیات

زمان آغاز تک، یک روز پس از میلاد امام هفتم (ع) (۸ صفر) در نظر گرفته شد، لذا رمز عملیات به همین مناسبت «یاموسی الکاظم (ع)» انتخاب شد.

در ساعت ۲ بعد از نیمه شب، عملیات با قرائت رمز آغاز گردید. در محور شرقی عملیات، به لحاظ استفاده از اصل غافلگیری و نیز پشتیبانی مؤثر آتش ادوات، دشمن هراسان شده، در همان ساعات اولیه اهداف مورد نظر تأمین گردید. فی المثل نیروهای خط شکن که با بلم به سمت هدف های خود در حرکت بودند، در سر آبراه بجبله و نصله با چند ردیف سیم خاردار — که نیروهای کمین در پشت آن مستقر بودند — روبرو شدند؛ ولی با این وجود فرصت را از دست نداده، دشمن را از جناح چپ زیر آتش قرار دادند و پس از باز شدن معبر، با عبور از میان موانع، کمین های دشمن بدون هیچ گونه مقاومتی پا به فرار گذاشتند و بدین وسیله ۱۵ کمین دشمن که از نیروهای فرسان الهور بودند، سقوط کرد و پس از آن پیشروی به سمت پاسگاه های دشمن ادامه یافت و بدین ترتیب به سقوط آنها منجر شد.

در محور غربی عملیات با اجرای آتش مناسب و استفاده از مانور آتش و حرکت، نیروهای غواص ابتدا با پرتاب نارنجک به طرف سنگرهای دشمن تهاجم خود را آغاز کردند و سپس با رسیدن نیروهای موج بعدی و استمرار تک، پاسگاههای دشمن یکی پس از دیگری سقوط نمود.

در صبح روز اول عملیات، در حوالی ساعت ۱۱/۵ صبح، دشمن پاتک خود را آغاز کرد؛ لیکن با اتخاذ تدابیر مناسب توان با خونسردی،

نیروها در میان نی‌ها کمین کرده، پس از نزدیک شدن دشمن، به آنها حمله ور شدند و بدین وسیله پاتک دشمن خنثی شد.

پاتک دوم دشمن در ساعت ۲ بعد از ظهر همان روز، با پشتیبانی آتش توپخانه و حمایت هواپیمای پی-سی-۷، با ۱۲ فروند قایق شروع شد.

مجاهدین عراقی در میان نی‌ها به کمین نشستند تا اینکه دشمن به فاصله ۵۰۰ متری آنها رسید، سپس ۳ فروند قایق به فرماندهی شهید ابوالخیر از میان نی‌ها بیرون آمده، آتشی پرحجم را روی دشمن اجرا نمودند. با این اقدام، ۱۲ فروند قایق دشمن تصمیم به فرار گرفتند؛ ولی با تعقیب آنها توسط مجاهدین عراقی، اجباراً به حواشی دریاچه رسیدند و پس از برخورد با نی‌ها متوقف شدند و این امر موجب کشته و اسیر شدن تعدادی از آنها و به غنیمت گرفته شدن ۸ فروند از قایق‌هایشان گردید.

در این تعقیب و گریز، برادر ابوالخیر به شهادت رسید؛ ولی مخابراتچی قایق او حاضر به بازگشت نشد و با انگیزه گرفتن انتقام شهید ابوالخیر به تعقیب قایق‌های عراقی ادامه داد تا اینکه بر اثر سرعت بیش از اندازه قایق شهید ابوالخیر بر روی قایق دشمن سوار شد، بطوری که هر ۳ نفر نیروهای داخل آن به هلاکت رسیدند.

در روز دوم عملیات، دشمن به لحاظ اهمیت دریاچه ام‌النجاج تصمیم به باز پس‌گیری آن گرفت و جهت انجام این مهم، ابتدا فرماندهی منطقه را که از خود ضعف نشان داده بود، تعویض و به دنبال آن اقدام به سه پاتک متوالی نمود.

در پاتک اول، دشمن ۸ فروند قایق را با پشتیبانی ۵ فروند هواپیمای پی-سی-۷ وارد عمل کرد. در پاتک دوم، ۸ فروند ویک دستگاه نفر بر خشایار توأم با پشتیبانی هوایی وارد عمل شد. سومین پاتک

دشمن از المجری با ۱۲ بلم و حمایت هواپیمای پی-سی-۷ آغاز شد. در این میان مجاهدین عراقی از تاکتیک استتار درنی‌ها و سپس حمله به دشمن، استفاده کرده، به آنها حمله ور شدند. دشمن با مشاهده مکرر این صحنه غافلگیر شده، اقدام به فرار کرد.

همچنین یکی از مجاهدین عراقی هنگام تعقیب قایق دشمن با نقص فنی دوشکا مواجه شد و نتوانست تیراندازی کند، لذا از پشت قایق، خود را به قایق دشمن کوبید و منجر به غرق شدن آنها گردید. در عملیات عاشورای ۴ تمامی اهداف مورد نظر تأمین شد و نتایج زیر بدست آمد:

- آزادسازی ۱۱۰ کیلومتر مربع از زمین‌های منطقه
- تصرف ۳ پاسگاه و کمین دشمن
- اسارت ۷۶ تن از نیروهای دشمن (که تنها در حین پاتک اسیر شدند)
- به غنیمت گرفتن ۲۷ قایق و بلم، ۹۹ قبضه سلاحهای نیمه‌سنگین، ۲ قبضه ضد هوائی تکر، لول ۱۴/۵، و ۴ قبضه خمپاره انداز ۸۲ و ۶۰ م.م.
- در این عملیات، دشمن بیش از ۳۰۰ نفر کشته و زخمی به جای نهاد؛ ۲۵ پاسگاه منهدم شد؛ یک فروند هواپیمای پی-سی-۷ سقوط کرد و بیش از ۱۰۰ فروند قایق و بلم دشمن منهدم و نابود گردید.

نتایج و ارزیابی عملیات محدود

پس از آنکه سلسله عملیات محدود انجام گرفت از آنجا که قسمت اعظم آن در هور بود، لذا دشمن دچار نوعی هراس و شتابزدگی شد

و همچنین همین امر موجب مبادرت دشمن به ترمیم اساسی مواضع و استحکامات دفاعی خود شد که آن را استراتژی پدافندی نامید.

علاوه بر این زنده نگاه داشتن جو جنگ و مقاومت، خصوصاً پس از اتمام به جنگ شهرها، نقشی بسزا را در خارج و داخل داشت.

به هر روی، سلسله عملیات قدس و عاشورا نشانگر ادامه مقاومت و استمرار در ادامه جنگ به هر شکل ممکن بود. این امر گذشته از سایر نتایج دستاوردهای نظامی عملیات و آسیب پذیری و انهدام دشمن است که قسمتی از آن به شرح زیر است:

- ۱ - حفظ روحیه تعرضی
- ۲ - افزایش انسجام یگانها و پرورش کادر و افزودن به تجربیات جنگی آنها
- ۳ - گرم نگاه داشتن جو جنگ در میان مردم
- ۴ - تضعیف روحیه سربازان دشمن و ایجاد تزلزل در آنان
- ۵ - به ضعف کشانیدن موضع قدرت نمائی و مانور دشمن - که پس از عملیات بدر با جنگ شهرها در حال افزایش بود -
- ۶ - در انفعال قرار دادن دشمن و گرفتن مجال هرگونه پدافند از او
- ۷ - باز پس گیری بخشی از اراضی اشغالی و پیشروی در خاک دشمن
- ۸ - خاطرنشان ساختن توانایی و قابلیت های نظامی جمهوری اسلامی جهت وارد آوردن فشارهای پی در پی به دشمن
- ۹ - فریب دشمن و ممانعت از هوشیاری آن نسبت به تلاش های اصلی و گسترده در آینده
- ۱۰ - نزدیک شدن به عمق دشمن در بعضی مناطق و تسلط بر

خطوط ارتباطی و عقبه آن‌ها

۱۱ — بهره‌گیری از زمان و مشغول ساختن دشمن، جهت طراحی عملیات گسترده (والفجر ۸) و بازسازی و سازماندهی یگانها

۱۲ — در خط چیدن نیروهای احتیاط دشمن — از آنجا که دشمن سلسله عملیاتهای محدود را سراسری و در طول مرز فرض می‌کرد، لذا مبادرت به تقویت خطوط عملیاتی کرد که عمده‌تاً با بهره‌گیری از نیروهای احتیاط بود؛ و این از نظر مصرف شدن نیروهای دشمن و آسیب‌پذیری آنها از اهداف عملیات محدود بشمار می‌رفت —

۱۳ — تقویت پشتیبانی یگان‌های رزمی توسط مردم هر منطقه —

نتایج حاصله از عملیات زنجیره‌ای قدس (۱ تا ۵) از تاریخ ۲۰ تیرماه لغایت ۱۵ مرداد ۶۴ (پنج‌ماه روز):

ملاحظات	غنائم بدست آمده	مساحت زمین آزاد شده	ضایعات دشمن	اسیر	تلفات پرسنل	انهدام نیروی دشمن
آمار یاد شده تنها متعلق به قدس تا ۵ می باشد و آمار عملیات عاشورای ۴ ذکر می‌گردد به میانه نیامده است.	قایق ۲۶ فروند بی‌سیم ۱۵ دستگاه ضد هوایی ۴ قبضه سلاح انفرادی ۳۰۰ قبضه خمپاره ۹ قبضه	۴۰۵ کیلومتر مربع	هلی کوپتر ۳ فروند هوابیما ۲ فروند قایق ۳۲۵ فروند خودرو ۱۵ دستگاه تانک ۴ دستگاه خمپاره ۱۵ قبضه تفنگ ۴۰۱۰۶ و قبضه	۲۳۵ نفر	۳۰۰۰ نفر کشته و زخمی	سه تیپ شامل: تی ۵۸ از لشکر ۲۴ تی ۲ حطین از لشکر ۲۵ دو گردان از تیپهای ۱۱۷ و ۷۰۱ از لشکر ۲۹

فصل دوم:

عملیات و الفجر ۸

بررسی اجمالی وضعیت دشمن

همانطور که گفته شد، پیروزیهای فزاینده جمهوری اسلامی که با فتح خرمشهر به اوج خود رسید، غرب را بر آن داشت که به منظور فراهم آمدن شرایط مناسب در تحمیل صلح و سازش به جمهوری اسلامی، تلاش اصلی را معطوف بر حفظ صدام نماید.

بدین ترتیب از یک سو تصمیم قطعی غرب و پافشاری بر حفظ صدام به هر شکل ممکن (از طریق کمکهای همه جانبه به رژیم بعثی و ادامه تحریم فروش سلاحهای نظامی به ایران) و از سوی دیگر عزم راسخ جمهوری اسلامی جهت حصول به اهداف خود در جنگ و تن در ندادن به سازش و تسلیم نشدن در برابر فشارهای همه جانبه استکبار، به نوعی حالت نه جنگ، نه صلح را میان طرفین حاکم ساخت. به عبارت دیگر استکبار جهانی سعی داشت جمهوری اسلامی توانائی لازم جهت انجام حرکت سرنوشت ساز و تعیین کننده به منظور اختتام جنگ، با پافشاری بر آرمانهای مطلوب خود را از دست بدهد.

در واقع حفظ صدام و بازداشتن ایران از پافشاری روی آرمانهای خود، برقراری موازنه قوا بود. از این رو افزایش و تقویت توانائیهای تکنولوژی عراق، خاصه نیروی هوائی، در دستور کار دنیای استکبار قرار

گرفت، و به دنبال آن دشمن سعی کرد آسمان را بطور مطلق در اختیار بگیرد تا شاید بدین وسیله به لحاظ ضعف‌های متعددی که داشت، جنگ را از میدان رزم زمینی به آسمان، دریا و شهرها بکشد.

در این میان آنچه غرب را بر اتخاذ سیاست مزبور واداشت، قطعاً هراس از تاکتیکهای ویژه جمهوری اسلامی بود امری که به عنوان یک عنصر و عامل اساسی، نقش تعیین کننده در کسب پیروزی داشت.

طبیعتاً انجام حرکت‌های غیر مترقبه از سوی جمهوری اسلامی در بطن خود فروپاشی رژیم عراق و نتیجتاً گسترش انقلاب اسلامی را در بر دارد و منافع غرب را بطور کلی، نه تنها در رابطه با جنگ بلکه در کل منطقه خاورمیانه، با تهدید اساسی مواجه می سازد.

از این رو غرب به منظور بازداشتن ایران از دستیابی به هرگونه موفقیتی که رژیم بغداد را متزلزل و گسترش انقلاب اسلامی را تسهیل نماید، به هر شیوه ممکن متوسل می شود.

بر این اساس غرب سیاست دیپلماسی — فشار را اتخاذ نمود و در این روند، رژیم بغداد بعنوان عامل فشار مستقیم به جمهوری اسلامی، تحت حمایت و هدایت غرب قرار گرفت.

گرچه غرب بعینه مشاهده می کرد که سیستم موجود در عراق فاقد بهره برداری لازم و کامل از مساعدتهای غرب می باشد، لیکن بن بست جنگ، راهی جز این برای غرب باقی نگذاشته بود. به هر روی، غرب با چهار عامل اساسی به کمک حاکمان بغداد شتافت:

۱ — تکنولوژی برتر (خصوصاً در زمینه هوایی)

۲ — آواکس و دستگاههای جاسوسی

۳ — کسب اطلاع از تاکتیکها و توانائیهای نظامی ایران و

بهره برداری از فکر مستشاران دنیای استکبار از این امر

۴ - حمایت‌های تبلیغاتی، سیاسی و اقتصادی دنیای غرب و وابستگان آن، خصوصاً مرتجعین عرب منطقه...

دشمن علیرغم اینکه توانست در برهه‌ای خاص از زمان با گسترش سازمان رزم خود به ۵۰ لشکر با عمق بخشیدن به میادین مین و موانع و استحکاماتش و نیز ممانعت از تثبیت و تأمین منطقه تصرف شده وقفه‌ای در پیشرفت رزمندگان به داخل خاک عراق ایجاد کند، لیکن این وضع ناپایدار بود با گذشت زمان و رشد توانائی‌های جمهوری اسلامی در زمینه جنگ - طراحی عملیات در موقعیتهای مختلف جغرافیائی (دشت، کوهستان، آب، رمل و...)، سازماندهی نیرو و گسترش سازمان رزم - در بطن خود تزلزل و بی‌ثبات ساختن رژیم بغداد را در بر داشت.

در هر صورت رویارویی غرب با وضعیت یاد شده چیزی است که بن بست جنگ را برای غرب پیچیده‌تر می‌کند و قطعاً غرب نتوانست از روند جنگ برای خود طرفی ببندد. آنچه در ارتباط با عراق قابل توجه است و تا اندازه‌ای منجر به افزایش نیروی بازدارندگی آن شده، گذشته از استراتژی غرب و حمایت‌های همه‌جانبه عملی و نظری آنها، تلاش و سختکوشی دشمن در اصلی قرار دادن جنگ بوده است.

در مقاطع مختلف، برخوردهای رژیم عراق با حوادث و رخداد‌های گوناگون، دقیقاً نشانگر این امر است که دشمن از آنجا که تمامی حیات سیاسی - نظامی - اجتماعی - اقتصادی خود را در گرو عدم موفقیت جمهوری اسلامی در جنگ می‌داند، لذا به گونه‌ای واقع‌گرایانه تمامی توان خود را در جهت پشتیبانی و پاسخگویی به نیازهای جنگ قرار داده است. فی‌المثل همزمان با عملیات والفجر مقدماتی، دشمن ۸۰٪ تشکیلات وزارت راه خود را تعطیل و در مناطق عملیاتی متمرکز نمود. نمونه دیگری که در نزدیکی عملیات والفجر ۸ رخ داد،

بسیج چندین هزار نفر از مردم عراق توسط استانداریها، به منظور بریدن نی در داخل هور بود! گذشته از این، از آنجا که دشمن استمرار جنگ را برای خود فرض می‌داند، لذا علاوه بر تلاشهایی که در زمینه اقتصادی به صورت میان مدت و بلندمدت انجام می‌دهد، سعی وافر در حل کمبود نیروی انسانی خود دارد؛ چنانچه زنان و کارگران خارجی و مردان عراقی، اعم از نوجوان، جوان و پیر را، به گونه‌ای مناسب در خدمت جنگ قرار داده و در نتیجه توانسته است نزدیک به یک میلیون نفر را به جبهه گسیل دارد.

البته نمی‌توان فشار حاکم بر مردم و جنایت رژیم بغداد را در این روند نادیده گرفت، لیکن دشمن به هر شکل ممکن، هر چند ناپسند و ناروا و توأم با ظلم و جنایت در حال حفظ آن چیزی است که آن را رگ حیات خود می‌پندارد!

بسیج کلیه امکانات و قراردادن آن در خدمت جنگ از سوی رژیم عراق، حاکی از این است که به لحاظ اهمیت اساسی جنگ و ارتباط تنگاتنگ آن با اوضاع سیاسی - اجتماعی - اقتصادی کشور، نمی‌توان نسبت به هر آنچه که جنگ را مورد تضعیف قرار می‌دهد، تساهل و تسامح به خرج داد.

به هر صورت، با اشاره به استعداد نیروهای مسلح ارتش عراق و اقلام عمده تجهیزاتی آنها تا مهرماه سال ۱۳۶۴ - این بحث را پایان می‌بریم:

نیروی زمینی	۹۶۰۰۰ نفر
نیروی هوایی	۳۵۰۰۰ نفر
نیروی دریایی	۱۰۰۰۰ نفر
تانک و نفربر زرهی	۷۰۰۰ دستگاه
توپ پدافند هوایی	بیش از ۴۰۰ قبضه

توپ صحرائی	۲۵۰۰ قبضه
تانک بر	۲۰۰۰ دستگاه
استعداد نیروهای پدافندی دشمن در جبهه ها:	
گردان نیروی پیاده	۵۵۵
گردان * تانک و مکانیزه	۱۴۸
گردان توپخانه	۱۲۵
گردان پدافند هوائی	۴۰

همچنین دشمن ۵ لشکر زرهی، ۳ تیپ مستقل زرهی، ۲ تیپ مستقل مکانیزه نزدیک به ۲۰ تا ۲۵ لشکر پیاده و ۸۰ تیپ مستقل و ۱۰ تیپ مستقل نیروی مخصوص و کماندوئی در اختیار دارد.

نیروی هوائی عراق نیز دارای ۴۵۰ فروند جنگنده شکاری است که باید ۵۰ فروند هواپیمای پی-سی-۷ را بدان اضافه نمود.

تعرضات زمینی و هوائی دشمن در مدتی که طراحی عملیات والفجر ۸ صورت می گرفت، اساساً برخاسته از ذهنیت دشمن نسبت به تدابیر آتی جمهوری اسلامی و نیز ناشی از استراتژی و تاکتیکهای عملیاتی بود.

بر این اساس دشمن در مقابل سلسله تعرضهای احتمالی پیرامون اقدامات جمهوری اسلامی در جبهه های نبرد، مجموعه حرکتی را در زمین و هوا سامان بخشید و به اجراء درآورد.

تعرضات زمینی

آنچه عراق را پس از فتح خرمشهر به گزینش و انتخاب لاک

* استعداد هر گردان بین ۴۵ تا ۵۰ دستگاه تانک و نفربر است که جمعاً ۵۴۰۰ تا ۶۰۰۰ دستگاه تانک و نفربر را شامل می شود.

دو عی واداشت، بر خلاف تصور طراحان آن، نتوانست افق و دورنمایی روشن را برای رژیم بغداد ترسیم نماید؛ بدین معنی که عراق نه تنها قادر به ممانعت از تهاجمات پی در پی و مستمر قوای نظامی ایران نشد، بلکه ضایعات و تلفاتی بسیار را متحمل شد.

وضعیت یاد شده برای نیروهای پدافندی دشمن که فاقد هرگونه تحرک بودند. و نیز تحمل انتظار تهاجم نیروی مقابل، استقامت و روحیه نبرد را در آنها درهم می شکست. از این رو عراق به منظور تقویت روحیه نیروهای پدافند کننده خود و نیز رهانیدن آنها از ضعف و سستی، بر آن شد که به هر شکل ممکن، با راهیابی مناسب، مسایل یاد شده و معضلات ناشی از آن را حل نماید.

به دنبال آن، عراق با یک طراحی همه جانبه پس از عملیات خببر، تهاجم خود را به برخی از مناطق از جمله جزایر مجنون، مهران، میمک، سومار سامان بخشید. تعرضات جدید دشمن، که به صورت موضعی و محدود بود؛ انعکاسی وسیع در رسانه های جهانی داشت و به منزله مرحله ای جدید از جنگ تلقی گردید.

این تهاجمات عمدتاً به دو منظور صورت می گرفت: یکی گرفتن یک یا چند هدف محدود، و دیگری برهم زدن آرایش و سازمان رزم نیروهای خودی.

در این زمان اقدامات دشمن در سراسر خطوط مرزی گسترش داشت، اما منطقه ای که برای دشمن حائز اهمیت بود و از این رهگذر اهداف خاصی را دنبال می کرد عمدتاً منطقه هورالهوریزه را شامل می شد. و این مسئله جدا از عملیات بود و سلسله عملیاتهایی که پس از آن به صورت محدود در هوا صورت گرفت، نبود. به هر حال، دشمن اهدافی خاص را در ورای تعرضات خود تعقیب می کرد که اساساً جدا از شرایط

حاکم بر جنگ نبود و قسمتی از آن می‌تواند چنین باشد:

- ۱ - تقویت روحیه نیروهای پدافندی دشمن - که در مناطق مختلفی مورد تهاجم واقع شده و یا در معرض تعرضات آتی جمهوری اسلامی قرار داشتند.
- ۲ - وارد آوردن فشار اقتصادی از طریق بمباران خارک و مراکز نفتی
- ۳ - خنثی کردن اثرات تبلیغی حرکت گسترده کاروان راهیان کربلا، که هراسی فزاینده در دشمن ایجاد کرده بود.
- ۴ - پاسخ به سلسله عملیاتهای محدود که تحت نام‌های قدس، عاشورا و ظفر انجام گرفت.
- ۵ - گرفتن اسیر و تخلیه اطلاعاتی آنها به منظور اطلاع از محور اصلی عملیات گسترده
- ۶ - ترمیم و تکمیل مواضع پدافندی و گرفتن هرگونه جا پای نیروهای خودی.

تعرضات هوایی

تدبیر دشمن در مقابل هرگونه تلاش مهندسی؛ مراکز تجمع نیروها و نقل و انتقالات خودی، عمدتاً سرکوب و انهدام به وسیله بمباران هوایی، اجرای آتش شدید توپخانه، و نیز پیگیری اطلاعاتی از طریق عکس هوایی و شنود می‌باشد.

بر این اساس از آنجا که حرکت کاروان راهیان کربلا، نزدیک بودن زمان عملیات را به دشمن خاطرنشان می‌ساخت، لذا فعالیت‌های هوایی دشمن ابعادی وسیع و شدید گرفت. در واقع دشمن با

تعرضات هوایی خود، در کنار بمباران پایانه های نفتی جزیره خارک، سعی داشت در جبهه زمینی نیز سازمان نیروهای خودی را مختل سازد. به همین لحاظ، نیروی هوایی دشمن تنها در نیمه بهمن ماه سال ۶۴، در خطوط عملیاتی و شهرهای مرزی، دست به یک تهاجم وسیع و سراسری زد، که عمدتاً توأم با شکستن دیوار صوتی، بمباران و عکسبرداری هوایی بود.

با تغییر یافتن میدان نبرد از خشکی به آب های هورالهوریزه در عملیاتهای خیر و بدر، ابتکار عمل در دست قوای نظامی ایران قرار گرفت و پس از آن دشمن با وضعیتی جدید روبرو شد که عملاً به لحاظ تجارب گذشته جنگ و نیز تفکر کلاسیک خودیابی و انطباق سازمان رزم ارتش عراق با وضعیت جدید، مدتی به طول خواهد انجامید، که طبعاً از این فرصت مناسب برای درهم کوبیدن نیروهای دشمن و ضربه زدن به آن می توان بهره گرفت.

در این میان دشمن با پشت سر نهادن عملیات خیر و بدر، و نیز سلسله عملیاتهای محدود در هور، بنا به تجارب بدست آمده تدابیری جدید را، به منظور بازدارندگی تهاجم نیروهای تک ور به مواضع و استحکاماتش، اتخاذ نمود که قسمتی از آن پدافند عمق دار بود. بدین معنا که دشمن با توجه به موقعیت طبیعی منطقه بر رده های پدافندی و موانع و استحکاماتش افزود تا بدین وسیله شتاب و خیزش فزاینده و چشمگیر رزمندگان را در دستیابی به هدف دچار تعلل و تأخیر نماید.

دشمن در منطقه هورالهوریزه به دلیل محدودیت زمینی شرق و غرب رودخانه دجله (در حد فاصل الحسان تا البیضه)، اقدام به احداث سیلبندهای متعدد کرد تا بدین وسیله با خشکاندن قسمتی دیگر از آب هور بر خشکی منطقه افزوده، عمق بیشتری به آن بدهد و از این طریق، گذشته

از ایجاد مواضع و استحکامات مورد نظر زمین را برای مانور زرهی نیز آماده نماید. علاوه بر مسائل یادشده، دشمن به منظور افزایش تأمین مواضع و خطوط اولیه خود و نیز دور نگه داشتن آن از دسترس نیروهای تک و مبادرت به ایجاد سیستم هشداردهنده کرده است تا بدین وسیله با افزایش کمین ثابت و سیار، در فاصله ای زیاد از خط اول، هرگونه درگیری با کمین به منزله هشدار و به صدا درآوردن زنگ خطر برای ارتش عراق به حساب آید. گذشته از این، دشمن در هور با گسیل داشتن نیرویی قابل ملاحظه از مردم و کارمندان اداره های دولتی اقدام به بریدن نی ها کرد تا بدین وسیله هرگونه موانع بازدارنده ای را که دید و تیر دشمن را دچار ضعف و نقصان می کند و یا احتمال اختفا و استتار نیروی تک و در میان آن وجود دارد، برطرف نماید.

مبتنی بر مسائل یادشده، عراق در حد فاصل عملیات بدر تا والفجر ۸ اقداماتی را در دو منطقه غرب اروند (فاو) و نیز هورالهویزه انجام داد که توضیح آن، به ترتیب، در پی می آید.

عراق بر اساس یک استراتژی پدافندی — که مبتنی بر شکل جدید جنگ (عملیات آبی — خاکی) بود — فعالیت مهندسی خود را به منظور ایجاد پدافند عمق دار و پیش بینی استقرار نیروهای احتیاط کمی و کیفی در آن، آغاز کرد.

دشمن در این روند با تکمیل سیلبندهای خط اول سعی داشت خط پدافند اصلی خود را بر روی آن قرار دهد تا بدین وسیله از اثر سوء جزر و مد آب و رخنه آن به خط اول خود جلوگیری کند، و در ضمن، از امکان غافلگیر شدن بکاهد. در هر صورت آنچه دشمن در این فاصله انجام داد، عمده تاً حول سه محور کلی دور می زند:

۱ — تغییر زمین (احداث و مرمت جاده ها، خاکریز و...)

۲ - مسدود ساختن نهرها

۳ - ایجاد موانع و استحکامات (ساحلی و غیره)

اقدامات مهندسی

دشمن پس از عملیات خیبر و تلاش هایی که به دنبال عملیات انجام نشده «والفجر ۸» * در غرب اروند صورت گرفت، اقدام به فعالیتهای مهندسی در داخل نخلستان کرد. به این ترتیب که در میان نخلها و انتهای آن خاکریز احداث نمود و نیز سنگرهای لب آب را که دارای فاصله بود، متصل ساخت تا امکان شناسایی از عمق دشمن برای نیروهای خودی فراهم نیاید. علاوه بر این به عمق ۱ کیلومتر در سراسر حاشیه رودخانه اروند نخلها را قطع کرد .

تدبیر دشمن در منطقه غرب اروند، به لحاظ موقعیت زمین منطقه و وجود نخل در طول حاشیه رودخانه اروند، و نیز کیفیت رزم نیروهای خودی، چنین بود که با هرگونه حضور نیروهای تک و رد در نخلستان، که طبعاً پاکسازی آن از سوی دشمن با مشکلات و معضلات عدیده ای روبرو بود، مقابله اساسی به عمل آید. برخلاف منطقه خشکی و خصوصاً در دشت باز، که زرهی از قدرت مانور بیشتری برخوردار است، دشمن با تاکتیکهائی که اتخاذ می کرد، بعضاً مایل به دادن زمین و گرفتن زمان بود تا در این فاصله خود را بازیافته؛ با نیروهای تک و رد مقابله ای مناسب بنماید؛ لیکن در منطقه غرب اروند به لحاظ ضعف های عدیده دشمن و نیز قوت های قابل ملاحظه قوای نظامی خودی، دشمن شدیداً از این تاکتیک

* در تیرماه سال ۶۳ قرار بود عملیاتی در منطقه غرب اروند با این نام صورت بگیرد که بنا به دلایلی انجام نشد.

احتراز می‌کرد، چنانچه در دستورالعمل استراتژی پدافندی * مواردی از آن با ذکر مصداق بیان شده بود.

بر این اساس دشمن بر آن بود که در صورت امکان، هرگونه تحرک و اقدامی را در ساحل خودی (به هنگام آغاز تک) روی آب و یا در ساحل دشمن (به هنگام سرپل گیری)، درهم بکوبد؛ بدین منظور دشمن اقدامات زیر را انجام داد:

- ۱ - قطع نخلها و سوزاندن چولانها (گیاها ن درهم پیچیده حاشیه اروند) به منظور ایجاد دید و تیر بهتر بر روی آب و ساحل خودی
- ۲ - ایجاد سنگر به منظور ازدیاد دیدگاههای مسلط بر آب و تحت نظر گرفتن هرگونه تحرک نیروهای خودی
- ۳ - ایجاد جاده‌های نسبتاً زیاد و عمود بر خط، جهت تسهیل حرکت یگانهای پاتک کننده و نیروهای احتیاط
- ۴ - پیش‌بینی پشتیبانی قوی و احداث موضع توپخانه و سکوی شلیک تانک و ضدهوایی

مسدود کردن نهرها

از آنجا که دشمن احتمال تک و ادامه آن را با بهره‌گیری از نه‌های ** موجود در منطقه خودی و دشمن محتمل می‌دانست، لذا به منظور ممانعت از تک، تلاشی عمده معطوف مسدود کردن نه‌های ساحل اروند و نیز ثبت تیر بر روی نه‌های مقابل (خودی) کرده بود. در این روند

* اسناد و مدارک بدست آمده از دشمن.

** در زمینه تشریح منطقه توضیحات لازم داده خواهد شد.

دشمن نهرها را با خاک و تنه درخت مسدود ساخت و به طور میانگین درون نهرها را، تا سه ردیف، موانع سیم خاردار و خورشیدی بکار برد.

ایجاد موانع و استحکامات

دشمن تدابیری مناسب را به رفع تهدیدهای موجود در مناطق مختلف در نظر گرفته بود. فی المثل جهت مقابله با غواصها، سیم خاردار و موانع خورشیدی و برای هاورکرافت و پهلو گرفتن شناور، موانع سه پایه ای در نظر گرفته بود.

دشمن در دهانه نهرها جهت ممانعت از حرکت قایق، نبشی به صورت ضربدری نصب کرده و در ساحل فاو و رأس البیشه به تصور بکارگیری هاورکرافت، موانعی به شکل سه پایه ای از تیر آهن و به ارتفاع ۶ متر قرار داده، اطراف آن را با سیم خاردار پوشانیده بود.

به مرور و با گذشت زمان، دشمن به موانع و استحکامات خود شکلی جدید داد، چنانچه از تیر ماه سال ۶۱ به بعد مبادرت به احداث کانال در جنوب جاده اسفالتة ام القصر و پایگاه موشکی و نیز نصب موانع خورشیدی در ساحل خور عبدالله مقابل خاک کویت نمود؛ بگونه ای که فعالیت یک ماهه دشمن بیشتر صرف نصب سه پایه آهنی و کندن کانال شد.

اقدامات مهندسی در هورالهویزه

از آنجا که اساساً ذهنیت دشمن در مورد عملیات گسترده معطوف به هورالهویزه * شده بود، لذا اقداماتی گسترده و شدید در هور بکار

* در ادامه توضیح داده خواهد شد.

بست. آنچه دشمن در زمینه مهندسی انجام داد، بطور کلی موارد زیر را در بر می‌گرفت:

- ۱ — ایجاد میدان دید و تیر بهتر با بریدن و سوزاندن نزارها و چولانهای مقابل سیلند خط اول
- ۲ — ایجاد تسهیل در حرکت نیروهای پاتک کننده
- ۳ — خشکاندن بخشی دیگر از هور با احداث سیلند به منظور وسعت دادن به منطقه خشکی و مساعد نمودن آن برای مانور زرهی و ایجاد پدافند مناسب
- ۴ — ازدیاد کمینها به منظور جلوگیری از غافلگیر شدن و مقابله با شناسایی عناصر خودی.

انتظار در هور

منفعل نمودن دشمن در برابر اقدامات خودی در غرب اروند و نیز معطوف داشتن ذهنیت آنها به هور هدف عمده و اصلی اجرای طرح فریب و همچنین لازمه بکارگیری اصل غافلگیری بود. به عبارت دیگر آنچه دشمن در غرب اروند و هور — در زمینه های مختلف و کسب آمادگی — انجام داد، اساساً برخاسته از درک نادرست از محور اصلی تهاجم گسترده قوای نظامی ایران و نیز تأثیر گذاری طرح فریب بر روی نیروهای عراق بود.

دشمن بنا به تحلیل و استنباطی که از توانایی و قابلیت های نظامی قوای ایران، و استراتژی هور و نیز اقدامات مهندسی خودی در دو منطقه هور و غرب اروند داشت، اساساً غرب اروند را به عنوان یک حرکت ایدائی و یا حداقل محدود تلقی کرده و به هور، بعنوان محور اصلی تهاجم گسترده می‌نگریست چنانچه عدنان خیرالله، وزیر دفاع عراق، برای کسب

اطمینان از میزان آمادگی نیروهای دشمن از منطقه سپاه ششم (در هور) بازدید به عمل آورد. نمونه دیگر اینکه رژیم بعثی بیش از چندین هزار نفر از مردم و کارمندان ادارات دولتی عراق را به منظور نی بری به هور گسیل داشت. علاوه بر این حساسیت بیش از اندازه نیروی هوایی عراق نسبت به هور، موجب شد که تکه‌های ممانعتی و بمبارانهای مکرر در هور شکلی خاص بخود گرفته، نمایانتر از سایر مناطق باشد.

دشمن بر اساس ذهنیت یادشده نسبت به هور—علاوه بر اقدامات مهندسی که در بخش پیشین به آن اشاره شد—حرکات و جابجائیهای زیر را انجام داد:

- ۱ — انتصاب سلطان هاشم * بعنوان فرماندهی سپاه ششم عراق، که در هورالهویزه مستقر بود.
- ۲ — پوشانیدن منطقه هورالهویزه با ۵ الی ۶ لشکر در خط و یک لشکر در احتیاط
- ۳ — انتقال لشکر ۱۰ زرهی به نزدیکی پل غزیه
- ۴ — مستقر ساختن دو لشکر زرهی ۳ و ۶ در العماره و بصره تا در صورت لزوم از دو محور شمالی و جنوبی وارد منطقه نبرد شوند
- ۵ — گسترش ۳ تیپ نیروی مخصوص بصورت احتیاط در منطقه.
- ۶ — استقرار ۲ تیپ، (تیپ ۳ نیروی مخصوص و تیپ ۴ پیاده گارد جمهوری) در هورالحمار و هورالچپایش حدود سه ماه

* وی قبلاً مسئولینهای فرماندهی لشکر ۸ و ۱۸، افسر ستاد سپاه ۷، و فرماندهی سپاه ۵ و مدیریت عملیات نظامی ستاد مشترک را بر عهده داشته است.

قبل از عملیات، به منظور انجام مانور و تکمیل امکانات دریائی و آبی، ضمناً نیروهای مزبور هنگام نزدیکی عملیات برای انجام مانور به منطقه‌ای در حوالی بغداد منتقل شدند.

۷- نیروی هوائی عراق مکرراً در هورالهویزه پرواز توجیهی انجام می‌داد تا در صورت لزوم بتواند دقیقاً اهداف خود را کشف و منهدم کند. چنانچه یک خلبان اسیر عراقی بعد از عملیات اظهار داشت:

«پایگاه ما برای عملیات در هور آمادگی کامل داشت تا حدود ۴۰ فروند پرواز داشته باشیم و هدف بزنیم».

والفجر ۸

ضرورت انجام عملیات بزرگ

شکی نیست که هرگونه تحرک نظامی در جبهه، از تأثیر گذاریهای مثبتی در زمینه های سیاسی - اجتماعی، نظامی برخوردار خواهد بود لیکن نمی توان این نکته را نادیده انگاشت که تعیین سرنوشت نهائی جنگ تنها در گرو عملیات گسترده می باشد. بعبارت دیگر آنچه که جنگ را از حالت توازن قوا و نتیجتاً بن بست خارج کرده و ابتکار عمل را در اختیار جمهوری اسلامی ایران قرار می دهد و همچنین توانائیهای تکنولوژیک عراق را به زیر سؤال می برد، انجام عملیات در مقیاس گسترده است.

طبیعی است که جهت افزایش تأثیر گذاری تحرکات نظامی ایران، لزوماً بایستی این تعرضات با سرعت عمل و استمرار همراه باشد، تا بدین وسیله دشمن زمان لازم برای بازسازی و تجدید سازمان را بدست نیاورد.

عملیات گسترده از برد و شعاع بیشتری در ابعاد سیاسی و نظامی برخوردار است و چون دشمن را الزاماً با تمام توان به رویارویی می کشاند

امکان آسیب‌پذیری او را افزایش داده و در صورت استمرار ماشین جنگی دشمن را متوقف می‌سازد. از اینرو دشمن، با تکه‌های ممانعتی در هوا و زمین به نوعی در صدد است تا مانع از انجام تحرکات گسترده شده یا حداقل در زمان‌بندی آن اختلال کند.

با توجه به آنچه که ذکر شد، پیدا است که صرفاً نمی‌توان به اقدامات محدود نظامی آنهم برای درازمدت بسنده کرد زیرا علیرغم تأثیرات آن، این نوع حرکتها نمی‌تواند نقش تعیین‌کننده و سرنوشت‌سازی را در روند جنگ تحمیلی ایفا کنند.

بر این اساس در پی فشارهای همه‌جانبه دشمن، پس از عملیات بدر، عملیات گسترده والفجر ۸ نظر به وضعیت خاص دشمن در منطقه (فاو) و همچنین حساسیت ژئوپولتیکی منطقه (تسلط بر شمال خلیج فارس و همسایگی با کویت و...) در دست طراحی قرار گرفت. البته در این فاصله سلسله عملیاتهای محدود به منظور فعال نگه داشتن جبهه‌ها انجام یافت.

در این روند تجارب جنگ در سه سال گذشته و واقعیات برآمده از آن می‌آموخت که بایستی به تناسب استراتژی و اهداف سیاسی — نظامی جنگ توان رزمی لازم، در زمینه‌های مختلف، بدست آورده و مبتنی بر آن منطقه عملیاتی انتخاب شود تا در این صورت کسب موفقیت از تضمین و درصد بالاتری برخوردار گردد.

مسئله توان رزمی و افزایش آن عمدتاً در سه مرحله می‌بایستی مورد نظر قرار می‌گرفت. تصرف هدف، تأمین و نگهداری منطقه، مقابله با فشارهای دشمن و در صورت نیاز توسعه و تداوم عملیات.

زمین فاو نظر به موقعیت جغرافیائی و وضعیت طبیعی آن، تا اندازه‌ای معضلات تأمین منطقه و مقابله با فشارها را حل می‌کرد، بدین

معنا که با تلاقی بودن زمین و نیز وجود عارضه‌های مصنوعی مانند کارخانه نمک عملاً قسمت اعظم زمین منطقه را برای دشمن غیر قابل استفاده می‌کرد و به همین دلیل کارآئی نیروی زرهی عراق را کاهش می‌داد. از آن جاییکه منطقه از سه طرف آب آن را احاطه کرده است، طبعاً درگیری از یک سمت با دشمن، راحت‌تر بنظر می‌رسید و نیز به هنگام پاتک، دشمن از دو سمت به نیروهای خودی پهلومی داد که این امر آسیب‌پذیری آنها را فزونی می‌بخشید.

عوامل انتخاب منطقه

طراحان و دست‌اندرکاران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای اجرای عملیات والفجر ۸، به لحاظ موقعیت خاص جغرافیائی منطقه، وضعیت کلی دشمن، وجود رودخانه اروند و...، مشکلات و معضلات عدیده‌ای را رویاروی خود داشتند که در نهایت با در نظر گرفتن عوامل و پارامترهای مختلفی از جمله: ارزش نظامی - سیاسی زمین منطقه، عدم وجود سابقه عملیات در عبور از رودخانه عریض و جزر و مد بالا، عدم هوشیاری دشمن و امکان پدافند و نگهداری منطقه، منطقه فاو را در مقایسه با سایر مناطق عملیاتی ترجیح دادند.

الف: ارزش نظامی - سیاسی زمین منطقه

موقعیت زمینی منطقه و نیز وضعیت خاص نیروهای خودی و دشمن در آن مقطع بطور طبیعی ارزشهای متعددی را در بر داشت که بدون ارتباط با محاسن انتخاب زمین و ارزشهای سیاسی منطقه نبود از جمله:

۱ - تصرف شهر فاو و تأسیسات بندری آن

۲ - هم‌مرزی با کویت در شمال خلیج فارس

- ۳ — تهدید بندر ام القصر
- ۴ — انهدام و یا تصرف سکوهای پرتاب موشک
- ۵ — تأمین خورموسی و تردد کشتی ها به بندر امام خمینی
- ۶ — تسلط بر اروندرود

ب: عدم هوشیاری دشمن

معمولاً قسمت اعظمی از هوشیاری دشمن مبتنی بر، کسب خبر و تحلیل اطلاعاتی آنها نسبت به شواهد و قرائن موجود در مناطق عملیاتی می باشد. گذشته از این اطلاعات و تجربیات دشمن در خصوص تواناییهای جمهوری اسلامی و تاکتیکهای اتخاذ شده در طول جنگ نقش تعیین کننده ای را در کشف منطقه عملیاتی از سوی دشمن دارد. فی المثل در جنوب کشور دشمن همشیه نسبت به هورالهویزه، حساسیت خاصی را داشته است زیرا پس از عملیات والفجر ۴ تا قبل از عملیات والفجر ۸، قوای اسلام تحرکات چشمگیری را توأم با عملیات گسترده خیبر و بدر در هور انجام دادند.

بر این اساس از آنجائیکه انجام عملیات در منطقه فاو، نیازمند امکانات ویژه و تاکتیک ابتکاری می بود دشمن تصور وقوع عملیات گسترده را نمی داد. پیدایش این وضعیت (عدم هوشیاری دشمن) برای فرماندهان سپاه در طرح ریزی عملیات والفجر ۸ بعنوان یک عنصر مثبت در مزیت منطقه فاو، تلقی می شد.

ج: امکان پدافند، تأمین و نگهداری منطقه

چنانچه در مبحث «گسترش توان رزمی» اشاره شد قسمت عمده ای از عملیات، پس از شکستن خطوط مقدم دشمن و حضور در

منطقه، نگهداری آن در مقابل فشارهای عدیده دشمن می باشد. در این روند قطعاً گذشته از کسب آمادگیهای لازم جهت حفظ منطقه و رویارویی مناسب با دشمن، «زمین» و موقعیت آن از دیدگاه مزبور از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

نظر به اینکه منطقه فاو را آب از سه طرف احاطه کرده است، طبعاً فشار دشمن تنها از یک قسمت خواهد بود و این امر با اتخاذ تدابیر مناسب مانند حفر کانال، اجرای آتش، بهره برداری از عارضه کارخانه نمک و... قابل حل بنظر می رسيد.

نکته قابل ذکر در اینجا پیش بینی نحوه برخورد دشمن بود در این زمینه چنین تصور می شد که با توجه به اینکه دو مسئله «زمین» و «نیرو» برای دشمن از اهمیت حیاتی برخوردار می باشد لذا در اینجا بر خلاف گذشته ارتش عراق بین انتخاب یکی از دو مسئله دچار تردید خواهد بود به عبارت دیگر از یک سوارزش سیاسی نظامی زمین دشمن را وادار به بازپس گیری آن، به هر شکل ممکن، خواهد کرد و از سوی دیگر شکل زمین منطقه، عملاً توان قابل ملاحظه ای را از دشمن می گیرد و خسارات و ضربات فراوانی را بر سازمان رزم و ارتش عراق وارد خواهد ساخت، در نتیجه دشمن نمی تواند دو مسئله را در کنار هم حفظ نماید بلکه می بایستی یکی را فدای دیگری کند که این امر خود مقدمه از دست دادن عنصر بعدی نیز خواهد شد.

در نتیجه اگر دشمن برای حفظ زمین بجنگد نیرو را از دست خواهد داد عملاً در درازمدت قادر به حفظ سایر مناطق عملیاتی نیز نخواهد بود و اگر بخواهد نیرو را حفظ نماید بایستی خسارات و ضایعات روحی و تزلزل سیاسی - اجتماعی ناشی از شکست در فاو و از دست دادن منطقه حساس و مهم آنجا را متحمل شود.

مشخصات طبیعی منطقه

منطقه عملیاتی فاو، شبه جزیره‌ای است محصور در میان رودخانه اروند، خلیج فارس و خور عبدالله که از سمت خشکی به بصره منتهی می‌گردد.

در شمال این منطقه رودخانه اروند و جزیره آبادان واقع است و در فاصله ۹۰ کیلومتری شمال غربی آن شهر صنعتی بصره. همچنین در جنوب آن خور عبدالله و در جنوب شرقی آن، خلیج فارس و در جنوب غربی بندرام القصر قرار دارد.

— وضعیت جوی و زمین منطقه

منطقه عملیاتی والفجر ۸ بعثت شبه جزیره‌ای بودن هوای آن غالباً دارای رطوبت زیاد در تابستان و «شرجی» می‌باشد. زمین منطقه بجز عوارض مصنوعی مانند جاده، خاکریز، سیلبندها و... سکوها، پرتاب موشک خالی از هرگونه پستی و بلندی طبیعی است.

از آنجائیکه زمین منطقه محصور در میان آب می‌باشد تحت تأثیر جزر و مد آب خلیج و رطوبت دائمی حاصل از آن است بدین معنا که قسمت عمده‌ای از زمین منطقه باتلاقی نمکزار و سست می‌باشد. به همین دلیل بجز فاصله رودخانه تا جاده اول فاو—بصره که خاک قابل کشت دارد، مابقی خاک آن منطقه شوره‌زار است و با کمترین بارندگی لغزنده و چسبنده می‌شود و تردد هرگونه خودرو و وسایل سنگین در آن تقریباً غیر ممکن می‌گردد.

— رودخانه اروند

جریان آب رودخانه اروند از دو رودخانه دجله و فرات در خاک عراق سرچشمه گرفته و رودخانه کارون نیز بداخل آن می ریزد. حرکت آب از شمال به طرف جنوب است که به خلیج فارس منتهی می گردد. آب رودخانه اروند که از دریا تأثیر می پذیرد، عمدتاً دارای دو حرکت جزر (کاهش ارتفاع آب و حرکت آن به طرف خلیج) و مد (افزایش ارتفاع آب و حرکت آن از دریا به سمت رودخانه) می باشد که مجموعاً در طول شبانه روز، چهاربار تکرار می گردد.

ارتفاع آب در عمیق ترین قسمت رودخانه به ۲۵ متر می رسد و اختلاف ارتفاع آب در پائین ترین حالت جزر و مد بالا ترین حالت مد به ۳/۵ متر می رسد.

— ساحل رودخانه

وضعیت ساحل خودی و دشمن بدلیل رسوبات حاصل از جریان آب متغیر است چنانچه در سال ۴۸ منجر به تغییر حدود مرزی ایران و عراق شد. این تغییرات در زمین خودی و دشمن در ساحل رودخانه وضعیتی مخالف همه بوجود آورده است. بدین معنا که در آنجائیکه ساحل ما محکم است ساحل دشمن سست می باشد و متقابلاً آنجائیکه ساحل ما سست است، ساحل دشمن محکم می باشد.

همچنین قابل ذکر است که در بخشی از قسمتهای منطقه، زمین آن باتلاقی است چنانچه بیشترین قسمت آن در حاشیه جنوبی جاده ام القصر از جزایر ام حجام تا رأس البیشه و منطقه جنوبی آن به سمت خلیج به همین وضع می باشد که عرض منطقه باتلاقی آن در بعضی مناطق به ۴

کیلومتر می‌رسد.

— پوشش ساحلی رودخانه

در ساحل رودخانه اروند پوششی از «چولان» (بته‌های بلند) و «نی» وجود دارد که هرچه رودخانه بسمت دهانه اروند نزدیکتر می‌شود عمق چولان آن افزایش می‌یابد. همچنین در قسمتهای پیچ دار رودخانه، آن قسمت از ساحل که فشار اصلی آب به آن وارد می‌شود، فاقد پوششهای ساحلی می‌باشد.

در ساحل، ارتفاع چولانها حداکثر ۱/۵ متر و ارتفاع نیزارها ۳ الی ۴ متر است به گونه ای که نفر پیاده براحتی می‌تواند در میان آن خود را مخفی کند. عمدتاً زمین این قسمتها سست بوده و بسختی قابل تردد است به گونه ای که در برخی از مواقع انسان تا زانو در گل فرو می‌رود.

گذشته از چولان و نیزار، نخلستان بزرگی در ساحل خودی و دشمن که عمق آن بین ۲ تا ۵ کیلومتر متغیر است وجود دارد. این نخلها، بوسیله کانال و نهرهای مصنوعی عمود بر اروند، در حالت مد آبیاری می‌شوند. همچنین زمین اطراف نخلستانها اغلب سست می‌باشد و تنها در مناطقی که زمین از سختی لازم برخوردار بوده جاده احداث شده است. علاوه بر این قابل ذکر است که امکان آتش سوزی در نخلستانها بسیار زیاد می‌باشد.

— عوارض مصنوعی

گذشته از آنچه که پیرامون مواضع و استحکامات دشمن در مباحث گذشته ذکر گردید، در این قسمت تنها به موقعیت جاده ها و برخی از تأسیسات صنعتی دشمن و نیز شهر فاو اشاره می‌شود:

در منطقه عمومی والفجر ۸ در خاک عراق سه جاده وجود دارد که به ترتیب عبارتند از:

- ۱- جاده فاو- بصره به طول ۹۱ کیلومتر
 - ۲- جاده استراتژیک فاو- بصره به طول ۸۲ کیلومتر
 - ۳- جاده فاو- ام القصر به طول ۵۰ کیلومتر
- سه جاده موجود در منطقه، شهر فاو و منطقه بندری آنرا به جنوب شهر بصره متصل می نماید.
- شهر مسکونی فاو، اسکله های آن (چهار چراغ، معامر و قشله) و نیز تأسیسات صنعتی و نفتی این منطقه، تماماً پس از جنگ به لحاظ اینکه در معرض تعرضات هوایی و آتش توپخانه جمهوری اسلامی قرار داشتند، عملاً دچار ضایعاتی شده، و قابل بهره برداری نیستند.

ویژگیهای نظامی و منطقه ای عملیات فاو

منطقه عملیاتی فاو موقعیت جغرافیائی آن، وضعیت ویژه ای را رویاروی فرماندهان عملیاتی سپاه قرار داده بود بدین معنا که از سوئی عوامل مثبت نوید پیروزی و پیدایش سرآغاز جدیدی را در جنگ می داد و از سوی دیگر موانع برجسته ای خودنمایی می کرد که هر کدام در جای خود می توانست نقش بازدارنده ای را در توقف کار و احیاناً عدم الفتح عملیات ایجاد نماید. در واقع این قسمت از معضلات بود که اساساً منجر به پیچیدگی عملیات شده و ضرورت اتخاذ تاکتیکهای ویژه ای را ایجاب می کرد.

الف: مزایای منطقه و ویژگیهای مثبت عملیات

- ۱- کوتاه بودن عقبه های خودی.

در عملیات والفجر ۸ بر خلاف عملیاتهای خیبر و بدر که عمدتاً عقبه‌های خودی طولانی بوده و طبعاً پشتیبانی و تدارک عملیات را با مشکلاتی مواجه می‌ساخت، عقبه‌های خودی می‌بایستی با حل معضله رودخانه ارونند مرتفع می‌شد مشکلات عدیده‌ای که در این زمینه وجود داشت یکی از عوامل مؤثر در ناتوانی ارزیابی دشمن نسبت به وقوع عملیات و توانائی رزمندگان اسلام در برقراری راه عقبه بر روی رودخانه ارونند بود.

در واقع نزدیک بودن عقبه‌ها این امکان را می‌داد که روی دشمن حتی اجرای آتش خمپاره داشته باشیم، همچنین فرماندهی سهولت در منطقه حضور داشته و هدایت مستقیم‌تری را در رابطه با عملیات عهده‌دار گردد.

علاوه بر آن تسریع در تدارک نمودن نیروها و نیز سهولت در تخلیه شهدا و مجروحین، انتقال نیروهای دنبال پشتیبان، کاهش مسافت، پیاده‌روی نیروی خط شکن از نقطه رهائی تا شکستن خط و... نقش تعیین‌کننده‌ای را در رقم زدن و ترسیم سرانجام عملیات دارا بود.

۲- عدم تناسب زمین با مانور زرهی و آتش دشمن

چنانچه اشاره شد زمین منطقه بدلیل باتلاقی بودن، خصوصاً در فصل زمستان امکان بهره‌گیری کامل از زرهی را به دشمن نمی‌داد. به عبارت دیگر، دشمن علیرغم وسعت زمین منطقه عملاً قادر به بهره‌گیری از آن نبود و در نتیجه متکی بر جاده‌های موجود در منطقه می‌شد که این امر باعث محدود شدن میدان عمل و مانور نیروهای زرهی دشمن می‌گردید.

علاوه بر آنچه که در مورد زمین منطقه ذکر شد، وجود کارخانه

نمک نیز قسمت دیگری از معضلات دشمن در هنگام انجام پاتک بود. بدین معنا که عارضه کارخانه نمک به وسعت ۶۰ کیلومتر مربع امکان مانور زرهی دشمن را محدود به معابر خاصی می‌کرد و این امر با توجه به آتش خودی می‌توانست آسیبهای عمده‌ای را برپیکر سازمان رزم عراق وارد نماید.

از سوی دیگر نظر به حجم آتش دشمن در گذشته چنین پیش‌بینی می‌شد که با توجه به لحاظ نمودن مسئله غافلگیری آماده نبودن زمین دشمن و نداشتن مواضع توپخانه و محدودیتهای دیگر و نیز وجود هدفهای مختلفی که در معرض توپخانه دشمن وجود داشت و اجرای آتش ضد آتشبار، عملاً توپخانه دشمن کارائی عمده‌ای را نداشته باشد.

۳- پوشش مناسب پدافند هوائی منطقه

تکهای ممانعتی هوائی دشمن که معمولاً از صبح روز اول عملیات آغاز می‌شود اساساً با هدف عقبه‌ها و نیز خطوط مقدم و به منظور برهم زدن آرایش نیروهای خودی و نیز تهدید موفقیت‌های بدست آمده می‌باشد. از اینرو چنین پیش‌بینی می‌شد که با توجه به شکل منطقه و اینکه دشمن، محدود به نوع خاصی از مانور هوائی خواهد بود* می‌توان با آرایش مناسب سلاحهای ضد هوائی، برخلاف تصور دشمن، جنگنده‌های آنها هدف قرار داد و تلاشهای هوائی او را خنثی نمود.

۴- تسلط آتش بر روی خطوط و عقبه دشمن

حضور و گسترش ما در شرق اروندرود، براحتی اجرای آتش انبوه

* هواپیماهای دشمن به هنگام بمباران، ناچاراً می‌بایستی مدت مشخصی را بر روی جزیره آبادان پرواز نمایند و این وضعیت میزان آسیب‌پذیری آنها را افزایش می‌داد.

همراه با دیده بانی بر روی عقبه دشمن — از جنوب بصره تا خطوط مقدم، به طول ۷۰ کیلومتر و نیز پس از آن — را میسر می نمود. تحقق این امر با توجه به اینکه بر خلاف ذهنیت و باورهای دشمن بود، در بطن خود تأثیرات قابل ملاحظه ای در تقویت روحیه نیروهای خودی و پشتیبانی تک و نیز ایجاد ضعف و تزلزل در دشمن را — با برهم زدن آرایش و سازمان نیروهایش به هنگام حرکت به سمت هدف و نیز زمان شروع پاتک — به دنبال داشت.

۵ — امکان حفظ غافلگیری

نظر به اینکه اساس و ویژگی عملیات والفجر ۸ عبور از رودخانه، شکستن خط دفاعی و نیز تأمین منطقه بود، لذا دشمن حداقل در شرایط کنونی، جمهوری اسلامی را فاقد چنین توانائیهای در انجام عملیات می دید و این امر نقش مؤثری را در انحراف ذهن دشمن نسبت به انجام عملیات در این منطقه داشت. از سوی دیگر اجرای طرح فریب در مناطقی دیگر از جبهه، تأثیری قابل ملاحظه، در مسئله غافلگیری ایفا می کرد.

۶ — محدود بودن زمین و عمق کم هدف

نظر به اینکه اهداف تعیین شده برای یگانهای عمل کننده در عمق کمی قرار داشت نیروها به راهپیمائی و تلاش محدودتری برای دست یابی به اهداف خود نیاز داشتند، مضافاً اینکه اهداف تعیین شده در مدت زمان کمتری تأمین می شد. همچنین با حفظ توان و انسجام نیروها، عملاً تعمیق عملیات، عبور یگان از یگان، مقاومت مناسبتر در مقابل پاتکهای دشمن بازسازی یگانها و... با قوت بیشتری قابل تحقق می باشد.

ب: موانع منطقه ای و نظامی

۱- رودخانه اروند

در میان تاکتیکهای مختلف عملیاتی و شیوه های گوناگون رزم، عملیات آبی - خاکی خصوصاً عبور از رودخانه پیچیده ترین نوع تحرکات نظامی است، آن هم در رودخانه ای با مشخصات اروند که دارای جریان جزر و مد شدید در ساعت شبانه روز است عرض رودخانه بین ۵۰۰ تا ۲۰۰۰ متر متغیر است و همچنین آغاز و پایان جزر و مد دارای مشخصات ویژه ای می باشد چنانچه در یک زمان شدت جریان آب در ساحل، وسط، سطح و عمق رودخانه متفاوت است لازمه عبور از چنین رودخانه ای انجام محاسبات دقیق بر روی جریانات آب، اتخاذ تاکتیکهای مناسب در عبور نیروی پیاده و شکستن خط، طراحی عبور وسایل سنگین، ساحل سازی برای نقل و انتقالات و نصب پلهای مناسب را می طلبد و این امر با توجه به حساسیتهای عملیات نیاز به دقت و رعایت حفاظت، توأم با سرعت عمل داشت.

۲- آماده نبودن عقبه های خودی

از آن جاییکه در غرب رودخانه اروند بر خلاف سایر مناطق عملیاتی، تا قبل از والفجر ۸ تهاجمی از سوی نیروی خودی و دشمن صورت نگرفت، زمین منطقه مورد نظر دست نخورده و بکر باقی مانده بود و طبیعی به نظر می رسید که نیازمند تلاشهایی قابل ملاحظه در زمینه کارهای مهندسی باشد.

گذشته از این وجود نخلستان در حدفاصل بین رودخانه اروند و بهمنشیر که محل استقرار عقبه های خودی بود، احتیاج به کار شدید

مهندسی داشت حال آنکه به لحاظ تسلط دیده بانهای عراقی بر روی منطقه و تعارض آن با امر حفاظت، عملاً سرعت کار گرفته می شد. مضافاً بر اینکه جزیره آبادان به دلیل شرایط جوی و نوع خاک آن برای اقدامات مهندسی مناسب نبود و می بایست با حجم بسیار گسترده ای از سایر مناطق، خاک مورد نیاز به وسیله کمپرسی به منطقه حمل می شد.

وضعیت یادشده مشکلات عدیده ای را در پیش روی قرارگاه مهندسی قرار داده بود چرا که می بایست از یک سوملاحظات را در زمینه حفاظت رعایت کند و از سوی دیگر حجم رو به افزایش کار مهندسی را پاسخگو باشد. در همین زمینه، قرارگاه مهندسی برای عملیات اصلی، نزدیک به ۵۰۰ پروژه طرح فریب در سایر مناطق عملیاتی را در دست اقدام و اجرا داشت.

۳- حضور اطلاعاتی دشمن در منطقه

یکی از موانع عمده رعایت غافلگیری، حضور دشمن در منطقه جهت کسب اطلاعات بود که در این زمینه از عوامل زیر سود می برد.

الف: دیده بانی: وجود دکل های ۴۲ متری و ۱۰۰ متری در منطقه این امکان را به دشمن می داد که کلیه جاده های موجود در منطقه به خصوص جاده حاشیه های رودخانه اروند و جاده های عمود بر آن را زیر دید داشته باشد و کلیه نقل و انتقالات و اقدامات مهندسی را ثبت نماید.

ب: گشتی های شناسائی که عمدتاً وظیفه آنها ثبت تغییر کمینهای خودی است.

ج: گشتی های شناسائی در عمق که به وسیله غواص صورت می گیرد.

د: عکس هوائی: دشمن به طور متوسط هفته ای یک بار عکس

هوایی از منطقه تهیه می نمود. همچنین با استفاده از ماهواره های اطلاعاتی غرب کلیه تغییرات در سطح زمین جاده، مواضع توپخانه، بنه مهمات، محل قرارگاه و... را ثبت می نمود.

ه: رادار رازیت: بدین وسیله دشمن نقل و انتقالات موجود بر روی جاده های پشت نخلستان را تا اندازه ای ثبت می نمود.

و: جاسوسی عوامل ستون پنجم: تردد افراد در منطقه عملاً این امکان را به دشمن می داد که به اشکال گوناگون با استفاده از عناصر نفوذی، اخبار و اطلاعات لازم را جمع آوری نماید.

ز: شنود: دشمن با استفاده از دستگاه های مختلف استراق سمع این امکان را دارد که از طریق شبکه های ارتباطی خودی، اطلاعاتی را بدست آورد.

۴- نیاز به امکانات ویژه و مناسب

نظر به پیچیدگی های عملیات می بایست امکانات خاصی تدارک می شد که عمدتاً مبتنی بر طراحی های ابتکاری بود. فی المثل نصب پل بر رودخانه اروند یکی از مشکلات مهم عملیات محسوب می گردید و برای آن منظور پلهای استاندارد و مخصوص از بازارهای دنیا تهیه می شد که این امر با توجه به معضلات عدیده ای که وجود داشت امکان پذیر نبود. در نتیجه با بهره گیری از تجارب گذشته (خصوصاً عملیات خیبر) و استفاده از امکانات موجود، پلهای مورد نیاز در داخل تهیه گردید.

۵- تهاجم شیمیائی دشمن و معضلات آن

تک شیمیائی دشمن در منطقه عملیاتی که عمدتاً پس از احساس ناتوانی صورت می گیرد قابل پیش بینی بود؛ و چنین بنظر می رسید

که بایستی تدابیر لازم جهت کاهش تأثیرگذاری تهاجمات شیمیائی دشمن اتخاذ شود، زیرا وجود نخلستان منجر به نشت گاز شیمیائی در داخل نخلها شده و طبعاً جریان باد به راحتی قادر به جابجائی آن نخواهد بود.

پاره ای از تدابیر عملیاتی

فرماندهان عملیاتی سپاه مبتنی بر محسنات و مزایای منطقه و نیز رویارویی با حجم انبوهی از معضلات و مشکلات موجود، تدابیر متعددی را اتخاذ نمودند که پاره ای از آنها به شرح زیر می باشد.

۱- طرحهای حفاظتی تأمین و فریب

۲- مهیاسازی منطقه

۳- طراحی عملیات

۴- تاکتیکهای جمع آوری اطلاعات

گذشته از موارد فوق مسائل دیگری در زمینه مخابرات، تبلیغات، استتار و اختفاء و نیز نقل و انتقالات صورت گرفت که در ادامه بحث به آنها اشاره خواهد شد.

۱- طرحهای حفاظتی تأمین و فریب

دستیابی به اصل غافلگیری عمدتاً متکی بر رعایت حفاظت و اجرای طرحهای فریب و نیز لحاظ نمودن سرعت عمل و تاکتیکهای ویژه و ابتکاری می باشد. نظر به تلاشهای دشمن در زمینه کسب اطلاعات و در اختیار داشتن منابع داخلی، نظیر منافقین، و از سوی دیگر نحوه آمادگی نیروهای خودی که توأم با بسیج گسترده نیرو است، طبعاً دستیابی به غافلگیری نیازمند حل معضلات متعدد و گذار از فراز و نشیبهای متفاوتی

می باشد.

بدین منظور علاوه بر رعایت حفاظت تدابیری جهت فریب دشمن بویژه، در زمینه تردد نیروها اتخاذ گردید.

اجرای فریب در کنار اقدامات حفاظتی به یک معنا تأثیرگذاری بیشتر حفاظت و بالطبع رعایت غافلگیری است.

بر این اساس و مبتنی بر آن باور داشت که دشمن نسبت به منطقه غرب اروند حساس شده، چنین تدبیر شد که با ایجاد حساسیت در سایر مناطق ذهنیت دشمن مشوش و مخدوش گردد.

رژیم عراق بنا به توجه جمهوری اسلامی نسبت به هور و از سوی دیگر فقدان قابلیت‌های لازم از نظر نظامی و تکنولوژیک جهت عبور از رودخانه اروند، عمده ذهنیتش معطوف به این منطقه (هورالهوریه) می شد.

در نتیجه تصورات دشمن نسبت به تحرکات خودی و شواهد و قرائن موجود در غرب اروند نشانگر تأثیرگذاری رعایت حفاظت و اجرای طرح فریب بود که این امر به منزله خنثی نمودن تمامی برتریها و امکانات تکنولوژیک دشمن در زمینه کسب اطلاعات بود. چنانچه در نزدیکی عملیات والفجر ۸ نقل و انتقالاتی از دشمن صورت گرفت که دقیقاً نشانگر غافلگیر شدن او بود. فی المثل در جلسه ای که در لشکر ۱۶ عراق منعقد شد، قسمتی از توپخانه‌های موجود در منطقه عمومی اروند به منطقه عمومی شرق دجله (هور) منتقل گردید.

علاوه بر این عدم انجام تک‌های ممانعتی هوایی دشمن در غرب اروند، با توجه به تاکتیک‌های آن در بازدارندگی و برهم زدن سازمان نیروها بوسیله حمله هوایی چنین می نمایاند که دشمن منطقه فاو را به عنوان محور اصلی عملیات درک ننمود زیرا در غیر این صورت از تاکتیک همیشگی خود مبنی بر بمباران پراکنده مواضع و عقبه‌ها استفاده می کرد.

۲ - مهیاسازی منطقه

قرارگاه مهندسی در امر مهیاسازی منطقه عمدتاً عهده دار اجرای چند مأموریت بود:

الف - ساختن جاده های مواصلاتی در عقبه و اتصال آن به شبکه های سراسری، احداث بیمارستان صحرایی و شیمیائی، ساخت مواضع موشک های زمین به هوا، پد هلی کوپتر، ایجاد مواضع توپخانه، احداث قرارگاهها، بنه های تدارکاتی و... قسمتی از تلاشهای مهندسی را تشکیل می داد.

ب - عبور از رودخانه اروند، گره اصلی عملیات والفجر ۸ را تشکیل می داد و با توجه به شرائط زمین و سواحل نامناسب خودی و دشمن و وجود موانع در ساحل، می بایست اقداماتی صورت می گرفت که شرائط مناسبی برای عبور از موانع فراهم آید و همچنین وسایلی ابداع و ساخته شود تا عبور نیرو و امکانات را تسهیل نماید.

ج - به منظور تثبیت و تأمین منطقه تصرف شده که در واقع نیمی از عملیات را تشکیل می دهد دو مسئله عمده در نظر گرفته شد یکی، ایجاد موانع به منظور جلوگیری از پیشروی دشمن مانند: کندن کانال و احداث خاکریز، و دیگری ساخت وسائل و ایزاری (مانند سنگرهای انفرادی) که نیروهای در خط را در مقابل آتش دشمن حفظ کند.

گرچه حجم عظیم کار با سرعت لازم تناسب نداشت اما برادران مسئول توانستند با اتخاذ تدابیر مناسبی به این امر مهم دست یابند بگونه ای که تنها در امور جاده سازی اقدامات انجام شده از راندمان زیر برخوردار بود:

- احداث جاده در داخل نخلستان از حاشیه اروند تا خسروآباد

۳۵۰ کیلومتر

- احداث جاده وید بین بهمنشیر تا خسروآباد ۷۰ کیلومتر
 - احداث جاده از قاسمیه تا دهانه اروندرود ۸ کیلومتر
 - احداث جاده از بهمنشیر تا جاده آبادان ۳۵ کیلومتر
 - احداث جاده از چوبیده به قفاص در شرق بهمنشیر ۱۰ کیلومتر
 - اسفالت جاده آبادان — چوبیده در شمال بهمنشیر ۶۰ کیلومتر
 - اسفالت جاده آبادان — چوبیده در جنوب بهمنشیر ۵۰ کیلومتر
- بنابراین جمع کل کار احداث جاده تا قبل از عملیات والفجر ۸ در منطقه اروند، بالغ بر ۴۷۳ کیلومتر و ترمیم اسفالت جاده‌های موجود ۱۱۰ کیلومتر بوده است.

۳- طراحی عملیات

- عملیات والفجر ۸ در زمینه طراحی مانور و اتخاذ تاکتیک‌های عملیاتی، عمدتاً چند مسئله را رویاروی خود داشت:
- الف — عبور از رودخانه (پیاده و وسائل سنگین مهندسی، زرهی)
 - ب — شکستن خط دفاعی دشمن که در ساحل رودخانه و همراه با موانع و استحکامات بود.
 - ج — پاکسازی نخلستان و جنگ در شهر
 - د — مراحل پیشروی و پدافند
- عبور از رودخانه (پیاده) و شکستن خط، اساساً یک موضوع عمده

را تشکیل می داد زیرا لازمه شکستن خط عبور از رودخانه بود.

الف و ب — عبور از رودخانه و شکستن خط

بحث عبور شامل سه مرحله می شد: عبور غواص و قایق و شکستن خط، عبور یگانهای مانوری با قایق ها و دیگر وسایل شناوری و در آخر پس از تأمین سرپل تصرف شده در ساحل رودخانه، عبور وسائل سنگین صورت می گرفت.

همچنین عبور از رودخانه به لحاظ تسلط دشمن بر روی آب و نیز جریانات مختلفی که آب رودخانه داشت. نیازمند شرایط خاصی بود. بهنگام تک می بایستی نهادهای عمود بر رودخانه اروند، مملو از آب باشد تا پشتیبانی یگانهای مانوری بوسیله قایق امکان پذیر گردد و همچنین نیروها بتوانند در ساحل دشمن از موقعیت مناسبی برای سازماندهی برخوردار باشند و با آرایش مناسب و بصورت منسجم به خطوط بعدی دشمن تهاجم نمایند.

شکستن خط دشمن در ساحل رودخانه اروند بدور از مشکلات نبود؛ لذا تدابیر مختلفی در نظر گرفته شد تا توقفی در آن حاصل نشود. بدین معنا که قایق های تیزرو و آتش ساحلی، که از سلاحهای مختلف تشکیل شده بود، برای شکستن خط منظور گردید.

مأموریت نیروهای خط شکن در موج اول که اساساً بوسیله غواص صورت می گرفت خاموش کردن تیربارهای دشمن، راهنمایی و هدایت موجهای دوم به معابر وصولی که از دشمن پاکسازی شده بود، باز نمودن معابر و نیز در اختیار گرفتن ساحل خودی و تأمین آن به منظور استمرار «تک» بود.

در این زمینه مشکلات متعددی وجود داشت مانند نفوذ آب

به داخل سلاحهای انفرادی، مشکلات عبور نیرو و تجهیزات از رودخانه. فقدان چولان به منظور پوشش در بعضی از مناطق وبالطبع عدم امکان استتار و اختفاء و... که تماماً طی تلاشهای مستمر و پرحجمی که صورت گرفت با اتخاذ تدابیر مناسب برطرف گردید.

ج - پاکسازی

پاکسازی دشمن در منطقه عملیات، که عمدتاً پوشیده از نخلستان بود به منظور از میان برداشتن هرگونه مقاومتهای پراکنده و یا متمرکز دشمن، و در نتیجه امکان تثبیت و تأمین منطقه تصرف شده، انجام می‌گرفت.

گذشته از این پاکسازی مناسب دشمن و نابودی هرگونه آثار حضور دشمن در منطقه، عملاً زمینه ساز تحقق مراحل بعدی عملیات محسوب می‌شد، البته باز پس گیری منطقه از سوی دشمن مشکلات زیادی را در برداشت زیرا که امکان مانور زرهی در نخلستان محدود و متکی به جاده بود؛ و نیروی پیاده دشمن نیز بعلت فقدان روحیه لازم برای جنگ تن به تن توانائی رویاروئی با رزمندگان ما را نداشت.

د - مراحل پیشروی و پدافند

مرحله اول - پس از عبور و شکستن خط و پاکسازی نخلستان عملاً مرحله اول با دستیابی به شهر فاو و پایگاه موشکی به پایان می‌رسید، براین اساس به منظور ادامه عملیات، چنین تدبیر شده که استفاده مطلوب از عوارض طبیعی و مصنوعی صورت گیرد. مضافاً بر اینکه امکانات غنیمتی از دشمن تا اندازه‌ای نیازمندیهای تعجیلی در وضعیت اولیه عملیات را مرتفع می‌ساخت لکن از این به بعد مسئله اساسی عبور وسائل سنگین بود که می‌بایست صورت می‌گرفت.*

شهر فاو حفظ می شد تا از هرگونه رخنه احتمالی دشمن به شهر جلوگیری به عمل آید.

مرحله سوم - در این مرحله عمدتاً تلاشهای مهندسی در ایجاد مواضع مناسب جهت رویارویی با پاتکهای دشمن و تشکیل خط مناسب در نزدیکی کارخانه نمک، منظور شده بود. در این میان به تناسب اولویتها و اهمیت زمین منطقه که نحوه خاصی از پدافند را به نیروهای خودی دیکته می نمود، تدابیر مناسبی اتخاذ گردید.

همچنین قابل ذکر است که در این میان طرحهای متعدد پدافندی، شیوه خاصی از پدافند بنام «دفاع عاشورائی» اتخاذ شد که نام آن خود نشانگر عزم راسخ رزمندگان در حماسه آفرینی و نیز حفظ منطقه تصرف شده، به هر شکل ممکن بود.

بدین قرار بر اساس وضعیت منطقه و جاده های موجود، محورهای مختلفی با فرماندهی مشخص در نظر گرفته شد تا نیروها، از انسجام مناسبتری در مقابل پاتکهای دشمن برخوردار باشند.

علاوه بر این احداث خاکریزهای مختلف، که نقش مؤثری در بازدارندگی پاتکهای دشمن داشت، در نظر گرفته شد.

ه- عبور وسائل سنگین *

تحقق مراحل عملیات و نیز تثبیت و تأمین منطقه تصرف شده اساساً بستگی به مسئله عبور وسائل سنگین داشت که طبیعتاً با مشکلاتی همراه بود. بدین جهت، به منظور حل معضلات عبور وسائل سنگین بحث و

* نظر به برجستگی و اهمیت مبحث عبور وسائل سنگین در عین حالیکه می بایستی در بحث طراحی عملیات عنوان می شد به صورت مستقل در این قسمت مطرح گردید.

بررسی های متعددی صورت گرفت که قسمتی از آن عمدتاً در زمینه های:
تأثیرات موقت جزر و مد،

محورهای عبور،

محل تخلیه،

ساحل سازی جهت بارگیری،

میزان عبور

مدت زمان بارگیری،

و نحوه استتار وسائل عبور در روز بود.

عبور وسائل سنگین به سه مسئله اساسی بارگیری، حمل و تخلیه،
اتکاء داشت. در این زمینه امکانات گوناگون مانند صفحه پی. ام. پی،
طارق، هاور کرافت، دوبه و... در نظر گرفته شد که پس از آن،
ساحل سازی و نصب پل در اولویتهای بعدی قرار داشت.

البته ساحل دشمن در دو نقطه بدلیل آمادگی لازم، مشکل
خاصی را نداشت لیکن در ساحل خودی می بایستی تلاشهای لازم انجام
و تدابیر مناسب اتخاذ می گردید، از آن جمله می توان، پهن کردن فرش
باتلاقی، کارگزاردن سطحه، تراورس، گاویون، نخل، پل خیبری ۲ و...
در کنار اروند را نام برد.

گذشته از این ۴ نوع پل، کوثری (سبک نفررو) — خیبری ۱ و ۲،
طرح خضر و پل دوبه ای طراحی و تهیه گردید.

و— پشتیبانی عملیات

امر پشتیبانی به دو مبحث، «پشتیبانی رزمی» و «پشتیبانی
خدمات» تقسیم می شد.

نیروی هوایی جمهوری اسلامی در عملیات والفجر ۸ با پیشنهاد

سپاه پاسداران قرارگاهی را تحت عنوان «رعد» با فرماندهی شهید بابائی * ایجاد نمود که در کنترل عملیاتی فرماندهی کل سپاه در صحنه نبرد بود و بر این اساس مأموریت‌های زیر به آن ابلاغ گردید:

۱- پشتیبانی نزدیک با حمله هوائی بدشمن

۲- پدافند هوائی منطقه و مقابله با حملات هوائی دشمن

۳- تخلیه مجروحین از فرودگاه‌های عقبه

۴- تهیه عکس هوائی از وضعیت دشمن

همچنین به منظور کسب آمادگی لازم به تناسب مأموریت واگذاری، مانورهای متعددی توسط این قرارگاه صورت گرفت. و چنانچه ذکر شد قسمتی از مأموریت قرارگاه رعد تأمین پدافند هوائی منطقه بود که در این زمینه سپاه پاسداران و نیروی هوائی بطور مشترک در زمینه بکارگیری امکانات موجود هماهنگی‌های لازم را ایجاد کردند.

آنچه که اساساً ضرورت پدافند هوائی را روشن نمود و منجر به اتخاذ تدابیر فوق شد، تجربه عملیات بدر و تلاش‌های دشمن در اثبات برتری هوائی خود بود.

بر این اساس و به منظور برخورد جدی‌تر با امر پدافند هوائی عملاً روش‌های مناسب‌تری گزینش شد و بدنبال آن انواع مختلف سلاح‌های ضد هوائی از جمله: سایت موشکی، انواع توپ‌های ضد هوائی و... عملاً به گونه‌ای تنظیم شد تا دشمن در ارتفاع بالا در تیررس موشک زمین به هوا و در ارتفاع پائین بوسیله سلاح‌های ضد هوائی مورد اصابت قرار گیرد.

* علیرغم اینکه شهید بابائی فرماندهی عملیات قرارگاه را بر عهده داشت لیکن بنا به حساسیت‌های موجود و شرایط خاص آن مقطع که اساساً برای حفظ و تثبیت فاو نیاز به ایشار و از خودگذشتگی بود. این شهید بزرگوار خود بیش از ۶۰ ساعت پرواز انجام داد و همانند بسیجیان با تلاش و ایشار مخلصانه، به جبران کمبودها پرداخت.

همچنین قابل ذکر است که وجود عناصر ارزشمند و ایثارگر جهاد خود کفائی نیروی هوائی نقش برجسته‌ای را در امر سازماندهی و بکارگیری مناسب سلاحهای ضد هوائی ایفا نمود.

همانند قرارگاه رعد نیروی هوائی، قرارگاهی تحت عنوان «شهید سلیمان خاطر» توسط پرسنل و عناصر هوانیروز با مأموریتهای زیرتشکیل شد:

۱ - ترابری نیرو و تجهیزات

۲ - حمل مجروحین

۳ - هلی برد نیرو در صورت لزوم

۴ - پشتیبانی آتش نزدیک

قابل ذکر است که قبل از عملیات، با توجه به مأموریت محوله، آموزشهای لازم و مانورهای متعدد برای آمادگی بیشتر، توسط این قرارگاه انجام گرفت. و بدین ترتیب بود که توانستند تلاشهای چشمگیر و ایثارگرایانه‌ای را انجام دهند.

- لجستیک و تدارکات

همزمان با طراحی عملیات والفجر ۸ و مشخص تر شدن ضرورت پشتیبانی عملیات، کمیسیون ویژه‌ای در هیئت دولت، متشکل از وزارتخانه‌های مختلف، راه و ترابری، کشاورزی، نیرو، مسکن و شهرسازی، صنایع سنگین، صنایع و معادن، مخابرات، دفاع، جهاد سازندگی و سپاه پاسداران، تشکیل شد. پس از آن دو کمیته بنام «مهندسی رزمی» و «مهندسی صنعتی» بوجود آمد تا بصورت اساسی‌تری در امر جنگ مشارکت نموده و نیازهای موجود را برطرف نماید.

از جمله محسنات اقدام جدید دولت افزایش توان اجرائی مهندسی جنگ و فزونی یافتن کیفیت اقدامات مهندسی، به لحاظ

بکارگیری تخصص‌ها و امکانات بالفعل و بالقوه موجود در وزارتخانه‌ها بود.

در پایان تنها به قسمتی از مأموریت‌های واگذاری به وزارتخانه‌ها اشاره می‌شود:

- وزارت نیرو: نصب دکل‌های مخابراتی و دیده‌بانی
- مسکن و شهرسازی: ساخت بیمارستان‌های متعدد، سایت و...
- کشاورزی و راه و ترابری: جاده‌سازی و بازسازی و مرمت جاده‌های منطقه
- وزارت سپاه: ستاد فوریت‌ها در رابطه با مهندسی صنعتی که قسمتی از عمده‌ترین کارش پیگیری و ساخت طارق بود و قایق‌ها و...
- وزارت جهاد:
- وزارت صنایع: ساخت دوبه‌ها

ز- طراحی آتش

عبور از رودخانه عمدتاً ضرورت بکارگیری از آتش را در ابعاد

• جهاد سازندگی از بدو تشکیل تا کنون همواره در تمامی صحنه‌های انقلاب، از کار عمرانی در روستاها تا کار فرهنگی در استان‌های محروم (کردستان، سیستان و بلوچستان و...) و نیز جنگ تحمیلی حضور فعالانه داشته است و در این راه زحمات جانکاه و توانفرسایی را متحمل شده است.

در طول جنگ تحمیلی جهاد سازندگی گام‌های بلندی در خصوص انجام مهندسی، پشتیبانی و... برداشته است. احداث سنگر در خطوط مقدم و در زیر آتش دشمن تا احداث و ترمیم جاده‌ها تنها قسمتی از جلوه‌های نورانی تلاش برادران جهادگر بوده است. اقداماتی که قلم یارای ترسیم و بیان تمام ابعاد و زوایای آن را ندارد.

مختلف تعیین می نمود. بدین معنا که برای عبور می بایست، سد آتش قوی و مناسبی در مقابل دشمن ایجاد گردد تا برای انتقال وسائل مهندسی ادوات، زرهی، ضد زره و توپخانه به آنطرف شط، فرصت مناسب ایجاد و بدین وسیله با انجام عملیاتهای تأخیری از سوی توپخانه، زمان لازم از دشمن گرفته شود.

علاوه بر این گسترش عمق و عقبه دشمن در عرض جبهه این امکان را به نیروهای خودی می داد که در صورت داشتن آتش توپخانه سنگین در شمال منطقه تک، آسیب عمده و قابل توجهی را به یگانهای دشمن که در حال پاتک می باشند وارد نموده و سازماندهی و روحیه آنان را از هم بپاشد.

در اینصورت نیروهای پاتک کننده قبل از رسیدن به منطقه درگیری صدماتی را متحمل شده و فاقد روحیه لازم برای جنگ می شدند. در این میان طرح ریزی آتش عمدتاً بر روی جاده اول و نخلستان، زدن تقاطع جاده ها، اسلکه چهار چراغ و شمال منطقه عملیاتی والفجر ۸ منظور شده بود.

قابل ذکر است که در این زمینه سه مشکل اساسی وجود داشت:

- ۱ - زمین منطقه
- ۲ - رعایت غافلگیری
- ۳ - کمبود امکانات

بدین معنی که سستی زمین منطقه لزوماً نیازمند زیرسازی مناسب برای استقرار موضع توپخانه است و رعایت غافلگیری، عمدتاً باعث تأخیر در انتقال توپخانه ها و بنه های آنها می شد گذشته از این، تحویل و انتقال ۱/۲ توپخانه های مورد نیاز در عملیات از نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی - نظر به اینکه این نیرو برای عملیات در شلمچه و زید آماده

می‌شد — مشکلاتی را در برداشت.

۴ — جمع‌آوری اطلاعات

فعالیت عناصر شناسائی با فاصله اندکی پس از عملیات بدر آغاز شد در این مدت اقدامات زیر صورت گرفت:

- ۱ — دیده‌بانی مستمر از فعالیتهای گوناگون دشمن
 - ۲ — تهیه شناسنامه نهرها و جاده‌ها و زمین منطقه خودی
 - ۳ — تهیه نقشه * و کالک منطقه
 - ۴ — کنترل فعالیتهای دریائی دشمن توسط رادارهای دریائی
- گذشته از این شناسائیهای لازم از زمین منطقه و تأثیرگذاری باران بر آن، طول و عرض و میزان فشردگی نخلها، طول و عرض نهرها و تأثیر جزر و مد بر روی آن.
- انواع مختلف جاده‌ها اعم از شنی، اسفالت و نیز ارتفاع آن از سطح زمین، روئیدنی‌های کنار ساحل، وسعت و چگونگی گل ولای آن و تأثیرگذاری جزر و مد بر روی آن و... صورت گرفت.
- در این مدت عمدتاً در سه زمینه بطور مشخص اطلاعات لازم بدست آمد:

- ۱ — خط مقدم دشمن
- ۲ — موانع و استحکامات موجود در منطقه
- ۳ — مشخص نمودن معابر وصولی عملیات

* نقشه‌های بعضی مناطق اشتباه بوده و فاقد عوارض جدید هستند.

— خط مقدم دشمن

خط مقدم دشمن به شکل دیواره‌ای در سرتاسر حاشیه ارونند در حد تقریبی مد آب قرار داشت و ارتفاع آن بین ۱ الی ۲ متر متغیر بود. مواد تشکیل دهنده این خط در نقاط مختلف فرق می‌کرد ولیکن عمدتاً از خاک ریز، کیسه گونی خاک، تنه درختان نخل و همچنین سنگ‌های بتونی، تشکیل شده بود. علاوه بر این سنگ‌های دیگری وجود داشت که از الوار، پلیت و کیسه گونی پر از خاک احداث شده، فاصله آنها بین ۲ تا ۳۰ کیلومتر بود.

سنگ‌های دشمن عمدتاً به گونه‌ای طراحی شده بود که تسلط کامل بر روی آب و تردهای احتمالی آن را فراهم می‌ساخت.

— موانع و استحکامات دشمن

دشمن بنا به استراتژی پدافندی اش که عمدتاً پس از عملیات بدر اتخاذ نمود مبادرت به ترمیم و تکمیل مواضع خود در غرب رودخانه ارونند از مقابل جزیره ام الرصاص تا رأس البیشه، کرد. در این منطقه مواضع دشمن جهت ممانعت از نفوذ نیروی پیاده، عبور قایق و هاور کرافت و نیز پهلو گرفتن شناورهای سنگین، طراحی شده بود.

موانع دشمن عمدتاً از ابتدای ساحل و در میان گل ولای آغاز و تا سنگ‌های رده دوم ادامه داشت. نیروهای دشمن غالباً در اوقاتی که آب در حالت جزر بود در ساحل رودخانه کار خود را آغاز می‌کردند.

در این میان دشمن از انواع سیم خاردار رشته‌ای، حلقوی و فرشی در ردیفهای مختلف و به اشکال متفاوت استفاده کرده و نیز شاخک‌های

فلزی از نوع نبشی و میل گرد به شکل هشت پره‌های مختلف معروف به خورشیدی، نصب نموده بود.

در بسیاری از نقاط مین‌های منور نیز تعبیه شده بود بدین شکل که با نصب آن بر روی هشت پره‌های فلزی، به صورت تله انفجاری عمل می‌کرد.

علاوه بر این دشمن در لابلای میادین مین و سیم خاردار سنگرهای کمین و استراق سمع، که فاصله آنها از یکدیگر متفاوت و کمترین آنها به حدود ۲ متر می‌رسید، قرار داده بود. همچنین دیوار دفاعی جدیدی را از جزایه تا فاو احداث کرده بود که در تبلیغات خود از آنها بنام «حصون» نام می‌برد.

شرح عملیات

در ساعت ۲۲/۱۰ دقیقه روز ۶۴/۱۱/۲۰ توسط فرماندهی کل سپاه فرمان حمله با قرائت رمز عملیات صادر شد:

بسم الله الرحمن الرحيم لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم. وقاتلوه
حتى لا تكون فتنة. يا فاطمة الزهراء، يا فاطمة الزهراء، يا فاطمة الزهراء.

یگانهای نیروی زمینی سپاه پاسداران با پشتیبانی آتش طرح ریزی شده و شلیک بیش از هزاران گلوله، تهاجم خود را در محورهای مورد نظر آغاز و مبادرت به شکستن خط کردند.

با توجه به احتمالاتی که در زمینه هوشیاری دشمن مطرح بود، شکستن خط، پاکسازی و گرفتن سرپل مناسب نقش اساسی را در تضمین موقعیت عملیات داشت. غواصها می‌بایستی معابر را باز کرده تا

نیروهای قایق سوار بتوانند از این معابر وارد ساحل دشمن شده و تا روشنائی صبح منطقه را جهت استحکام سرپل پاکسازی کنند.

نحوه عکس العمل دشمن در لحظات اولیه عملیات و رویارویی با موجهای گسترده نیرو که سراسر خط دشمن را مورد تهاجم قرار داده بودند، غیر منتظره و تعجب برانگیز بود، چنانچه از سوی یکی از فرماندهان دشمن به رده بالا تر وضعیت اولیه چنین گزارش می شود:

«دشمن (ایران) مانند سیل توسط قایق نیرو پیاده می کند و باز می گردد، اگر چاره ای نکنید احتمالاً می روند ام القصر را هم بگیرند، وضعیت ما بسیار بد می باشد».

دشمن در همان لحظات اولیه به دلیل گستردگی محورهای هجوم و انجام تک پشتیبانی «ام القصر» نسبت به عملیات احساس خطر می نماید. در این میان صدام به منظور آرام نمودن وضعیت و زایل کردن هراس نیروهای عراقی در پاسخ گزارش یاد شده می گوید: «مقاوم باشید، سه لشکر زرهی می فرستیم و ایرانیها را شکست می دهیم».

گسترش وضعیت و تأمین هدفهای عملیات در همان شب اول چنان غیر منتظره بود که نیروهای پشتیبان می بایستی برای تأمین مراحل بعدی عملیات در صبح یا شب دوم عملیات به کار گرفته می شدند در ساعت ۱۲ نیمه شب وارد منطقه شدند تا به سمت اهداف خود حرکت نمایند.

پس از پاکسازی خط اول، در ادامه کاردو مسئله عمده در پیش روی رزمندگان قرار داشت: دور زدن و محاصره شهر و حضور در محور ساحلی واقع در جناح شمالی.

حضور در دو محور یاد شده، نقش مؤثری را در مقابله با پاتکهای دشمن و نیز تثبیت و تأمین سرپل اولیه داشت. لذا دو لشکر پرتوان و

قدرتمند سپاه که مأموریت دستیابی به اهداف فوق را داشتند، به منظور پاکسازی و الحاق خط اول، تلاش خود را شروع کردند. بدین ترتیب قبل از روشن شدن هوا و پس از درهم شکستن مقاومتهای ضعیف دشمن، یگان مأمور جهت تصرف شهر فاو، ابتدا با حضور در مدخل ورودی شهر به محاصره آن پرداخت.

در جنوب شهر فاو نیز یکی دیگر از یگانها با طی نمودن مسافت زیادی در عمق، به صورتی باورنکردنی خود را به خور عبدالله رساند بطوریکه این امر موجب گردید شهر فاو از شمال و جنوب به محاصره رزمندگان درآید.

در محور شمالی شهر فاو در چند منطقه دویگان عمل کننده به لحاظ رویارویی با دشمن و همچنین مشکلات عبور از اروند مقداری دچار کندی در حرکت گردیدند. ولی منتهی الیه محور ساحلی که کلید حفظ منطقه محسوب می شد، با خیز بلند نیروها به تصرف درآمد. ورود یگان بعدی که برای تصرف خط کارخانه نمک در نظر گرفته شده بود موجب پیوستگی و تأمین خط پدافندی مرحله اول گردید.

پیش بینی می شد در صبح عملیات، مناطقی که جبهه را تهدید خواهد کرد، عمدتاً محورهای ساحلی و جاده استراتژیک فاو-بصره می باشد. بدین ترتیب با حضور در دو محور یادشده، عملاً اطمینان خاطر لازم بوجود آمد.

پاکسازی و الحاق

پاکسازی جنوب شهر فاو و باقیمانده نیروهای پراکنده و غیر منسجم دشمن، که در منطقه به صورت سرگردان حضور داشتند دنبال

می شد حضور پر قدرت نیروها پس از محاصره شهر فاو در محور ساحلی و نیز دستیابی به خور عبدالله در جنوب فاو، پاکسازی عناصر باقیمانده دشمن در رأس البیشه — که بعضاً با مقاومت‌های پراکنده خود مشکلاتی را ایجاد می کردند — آغاز شد. بر این اساس ابتدا، رزمندگان با هجوم به تیربار دشمن در خط /مقدم رأس البیشه آن را خاموش نموده، سپس به امر پاکسازی نخلستان شمال و جنوب شهر مبادرت ورزیدند. در نتیجه یگان مأمور به تصرف شهر فاو، پس از رفع موانع موجود و مقابله با مقاومت‌های پراکنده دشمن، توانست با انهدام مقر تیپ ۱۱۱ و به اسارت گرفتن فرمانده آن، شهر را به صورت کامل پاکسازی کند.

همزمان با پاکسازی شهر و سایر قسمت‌های منطقه، چندین یگان به منظور ادامه عملیات، از مقابل شهر فاو، حرکت خود را جهت اهداف مورد نظر و تأمین آن آغاز کردند و قبل از فرا رسیدن تاریکی شب ضمن انهدام دشمن تا دومین پایگاه موشکی پیشروی نمودند. در نتیجه تا پایان روز اول، رزمندگان موفق به تصرف شهر فاو، پاکسازی کامل منطقه و حضور در شمال فاو (محور ساحلی) شدند و بدین ترتیب مراحل اول و دوم عملیات انجام پذیرفت و اهداف مورد نظر با موفقیت تأمین گردید.

وضعیت دشمن

پس از آغاز شکسته شدن خط از سوی نیروهای خودی تلاش‌های چشمگیر و اساسی از سوی دشمن مشاهده نگردید. دشمن در این عملیات به دلیل تحقق امر غافلگیری، وضعیتی متفاوت با سایر عملیات‌ها داشت چنانچه مقاومت و تلاش ارتش عراق به جز در چند محور مانند رأس البیشه و مقر تیپ ۱۱۱، چشمگیر و قابل توجه نبود. گذشته از این تحرکات

دیگری از سوی دشمن مشاهده شد که عمدتاً عبارت بود از:

- مقاومت پراکنده نیروهای باقیمانده در حدفاصل یگانها،
- تظاهر به ضد حمله نیروهای باقیمانده در اطراف پایگاه
- موشکی و محور ساحلی و ضد حمله های کم حجم و بدون اثر
- توسط یگانهای احتیاط منطقه

طی این روز به لحاظ وضعیت آشفته و درهم ریخته دشمن و عدم اطلاع کامل تمام نیروها و عناصر، از وقوع عملیات و ابعاد و گستردگی آن، نیروهای دشمن که از مرخصی باز می گشتند و یا واحد تدارکات که مسئولیت لجستیک و پشتیبانی را عهده دار بود، بدون اطلاع از حضور نیروهای اسلام در فاو، وارد منطقه عملیاتی می شدند و این امر موجب گردید تلفات زیادی بر دشمن وارد شود. گذشته از این تحرک بارزی از دشمن، در زمینه تکه های هوایی مشاهده نگردید و تنها چندین بار عقبه نیروهای خود در شرق اروندرود و نیز ساحل دو طرف آن، مورد بمباران هواپیماهای دشمن قرار گرفت که مسئله قابل توجهی نبود.

مقاومت در محور ساحلی

نظر به اهمیت محور ساحلی و حساسیت دشمن نسبت به آن، همانطور که پیش بینی می شد، پس از گذشت ۳۶ ساعت، عراق اولین فلش پاتک خود را متوجه آن سمت کرد. دشمن ابتدا لشکر ۵ را به سرعت وارد منطقه نمود و پس از آنکه نیروهای این لشکر به نزدیکی کارخانه نمک رسید، آرایش گرفته و پاتک خود را به محور ساحلی شروع کردند. طی مدت کوتاهی دوبار و به طور جدی درگیری شدت گرفت به صورتی که در بعضی از محورها نبرد تن به تن صورت می گرفت و در نهایت دشمن

موفق به پیشروی نشد. نیروهای خودی پس از آن به منظور ایجاد خطوط دفاعی مستحکم، با استفاده از وسایل مهندسی (لودر، بلدوزر و...) که تا روز دوم منتقل شده بود، موفق به ایجاد خاکریزهای کوتاه و محدودی گردیدند.

نظر به اینکه نیروهای دشمن اهمیت محور ساحلی را درک می‌کردند، در روز بعد مجدداً تلاشهای جدی و تازه خود را متوجه محور ساحلی کردند. سرعت در انتقال و عبور دستگاههای مهندسی و ایجاد خطوط دفاعی مطمئن و به یاری آمدن سایر یگانها، عملاً از پیشروی دشمن ممانعت به عمل آورد و پس از چند روز با اتخاذ تدابیر لازم این محور نفوذناپذیر شد و دشمن نیز از آن ناامید گردید.

شروع تلاشهای اساسی از جانب دشمن

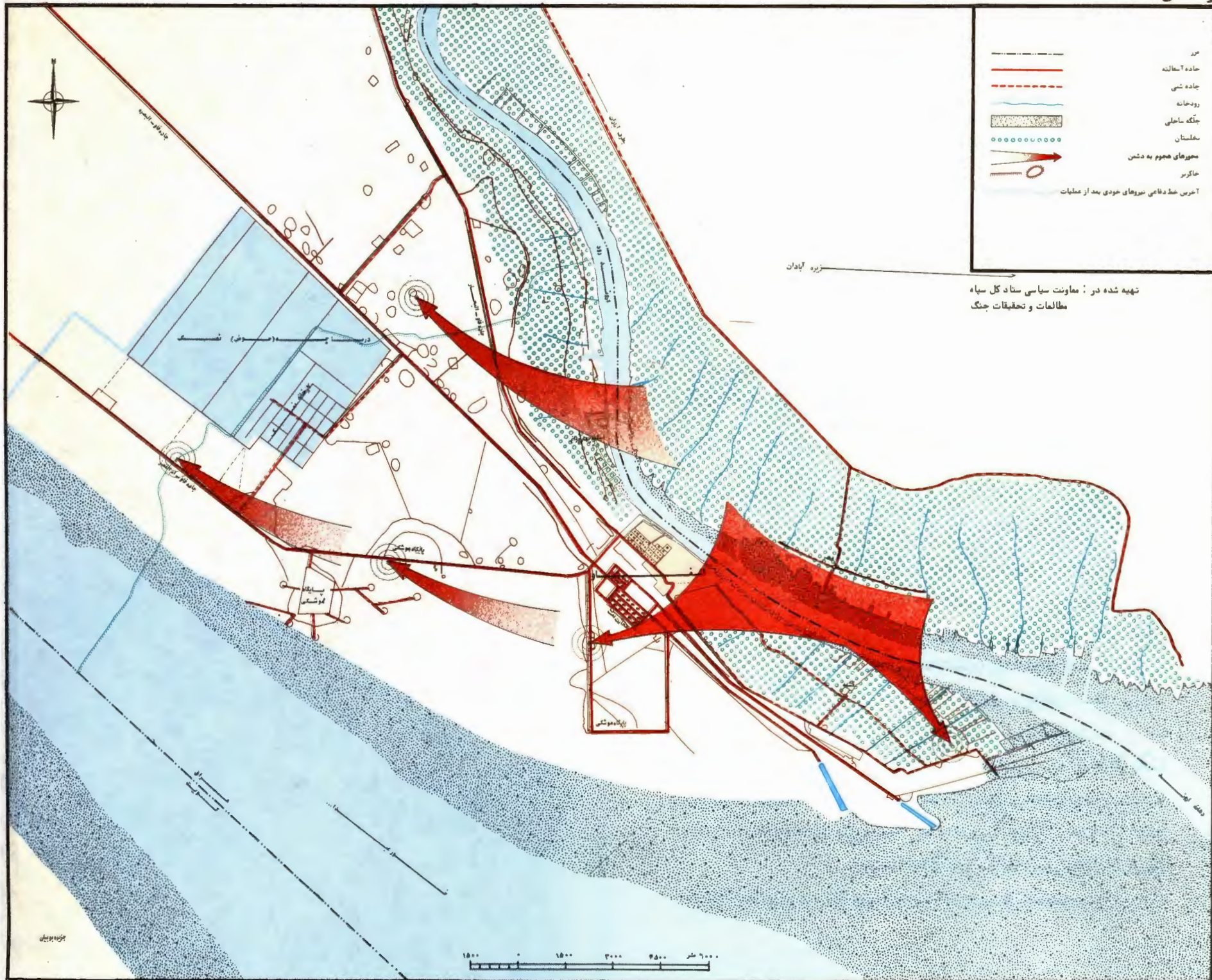
تا روز سوم عملیات، دشمن تنها با نیروهای لشکر ۵ و باقیمانده نیروهای موجود در منطقه به مقابله می‌پرداخت. طی این مدت رژیم صدام تصور می‌کرد، محور اصلی عملیات «هورالهویزه» است و طبقاً درک صحیح و مناسبی از موقعیت عملیات نداشت. علاوه بر این از هم پاشیدگی نیروهای موجود در منطقه و نیز انجام حمله از محور «ام‌الرصاص» که به لحاظ نزدیکی به بصره، این شهر را در معرض تهدید قرار می‌داد و همچنین امکان مسدود نمودن عقبه دشمن پس از عبور نیروهایش به سمت فاو و رأس البیشه، دشمن را دچار سردرگمی ساخت و قسمتی از تلاش او را به حل محور «ام‌الرصاص» معطوف نمود. اما سرانجام پس از سه روز، دشمن متوجه اساسی بودن عملیات فاو شد و به صورت جدی وارد میدان گردید.

پیش آمدن وضعیت یاد شده عملاً «زمان» لازم را از دشمن به منظور مقابله گرفت، و زمینه های گسترش سرپل و حفظ و تحکیم مواضع بدست آمده را فراهم کرد. پس از ناکامی تلاشهای اولیه دشمن، که عمدتاً با لشکر ۵ شروع شد، دشمن اقدام به وارد کردن لشکر گارد جمهوری نمود، بدین شکل که قرارگاه تاکتیکی ستاد مشترک عراق در شهر ناصریه به فرماندهی نیروهای گارد جمهوری اعلام نمود، باید هرچه سریعتر با تمام امکانات برای سد کردن حمله رزمندگان و باز پس گیری مناطق تصرف شده تحت امر سپاه هفتم وارد عمل شود. بر این اساس و به دنبال تصمیم گیری عجولانه ستاد عملیات جنوب عراق، تیپهای ۳ و ۴ نیروی مخصوص گارد جمهوری وارد عمل شدند. دو تیپ مذکور در دو طرف و در امتداد جاده استراتژیک فاو - بصره گسترش یافته، به سمت شهر فاو حرکت نمودند. قبل از آغاز درگیری نیروهای خودی به دلیل دید و تیر بر عقبه های دشمن و آرایش مناسب توپخانه ها، آتش پر حجم و سنگینی را بر روی نیروهای گارد اجرا کردند که بر اثر آن ۳۰٪ آنها به هلاکت رسیدند.

ضمناً در همین روز به گردان کماندوئی تیپ ۱۰ زرهی از نیروی مخصوص نیز دستور داده شد تا سه راهی کارخانه نمک - جاده ام القصر خود را گسترش دهد تا مانع از دور خوردن تیپهای ۳ و ۴ شود.

• لشکر گارد جمهوری (نیروی مخصوص) از یگانهای زبده ارتش عراق می باشد و در هر کجا نیاز به انجام ضد حمله های اساسی باشد و یا اینکه این عمل در توانائی و قدرت سایر یگانهای دشمن نباشد، عملاً مأموریت محوله بر عهده لشکر گارد گذارده خواهد شد. عناصر گارد دوره های آموزشی متعدد و متنوعی را گذرانده اند و از باتجربه ترین نیروهای دشمن محسوب می شوند.

••• صدام قبل از شروع درگیری لشکر گارد جمهوری، به لحاظ تلفات و آسیبهای وارده، طی دوباره، نامه تکرار، انتشار جنازه های کشته شدگان آنها نمود.



بدین ترتیب نیروهای گارد جمهوری پس از ورود به منطقه، شب را در پناه تانکها و خاکریزهای پراکنده، که به عنوان سنگرتانک مورد استفاده قرار می‌گرفت، به سر بردند تا پس از روشنایی هوا در روز بعد، حمله اساسی خود را شروع کنند.

قابل ذکر است که نیروهای خودی طی این مدت (۳ روز) و تا استقرار نیروهای لشکر گارد، با استفاده از زمان بدست آمده توانستند، پایگاههای اول و دوم موشکی در شمال شهر فاو را فتح و خود را به ضلع جنوبی کارخانه نمک و پس از آن با گسترش شرقی — غربی به سمت جاده استراتژیک، روی جاده شنی تا کنار سه راهی کارخانه نمک، رسانده و در آنجا مستقر شوند.

درگیری با لشکر گارد

نیروهای خودی پس از درک موقعیت و نحوه گسترش عناصر لشکر گارد فلش حملات خود را از سه محور زیر تنظیم نمودند:

۱ — جاده اول به سه راهی

۲ — از جاده شنی به پشت دشمن

۳ — از مقابل، روی جاده دوم و اطراف آن

بر این اساس در همان تاریکی شب و هنگامی که نیروهای لشکر گارد در حال استراحت به سر می‌بردند، نیروهای خودی توانستند با استفاده از نقاط ضعف آنها، از آرایش مناسبی توأم با غافلگیری برخوردار شوند، چنانچه با آغاز درگیری، دشمن احساس نمود به طور همه جانبه، از روبرو و جناحین مورد تهاجم قرار گرفته است.

این حمله، همراه با اجرای انبوه آتش توپخانه، ادوات و

سلاحهای سبک برای دشمن کاملاً غیر منتظره بود، لذا عرصه نبرد، بر آنها تنگ شده و حتی قادر به کوچکترین حرکت نشدند.

در صبح روز ۶۴/۱۱/۲۴، هنوز هوا به طور کامل روشن نشده بود که دشمن برای عقب زدن نیروهای خودی و به منظور پشتیبانی از لشگر گارد، ساعت ۵/۳۰ دقیقه صبح، مبادرت به حمله شیمیائی کرد، لیکن بمبهای شیمیائی در میان دو تیپ از لشگر گارد جمهوری فرود آمد و منجر به آلودگی ۷۰٪ از نیروهای آنها گردید. به طوریکه اکثر آنان، بینائی خود را از دست دادند. پس از این واقعه، نیروهای گارد سخت وحشتزده شده، مرتب درخواست کمک می کردند. با تلاش پیگیر، فرماندهی لشگر گارد، تیپ ۴۴۳ به کمک تیپهای ۳ و ۴ فرستاده شد، لیکن در همان لحظات اولیه مورد حمله قوای اسلام قرار گرفت و پس از انهدام یک گردان، بقیه پا به فرار گذاشتند. گذشته از این با پیشروی رزمندگان اسلام تا کارخانه نمک و تصرف مقر لشگر ۲۶ در داخل کارخانه، فرماندهی سپاه هفتم که وحشتزده شده بود ناچاراً منطقه را ترک کرد در این بین نیروهائی که در محاصره قرار داشتند همچنان سعی زیادی می کردند که با بازیافتن خود از معرکه بگریزند، لیکن تدبیر مناسب نیروها و نیز آتش پر حجم و قدرتمند توپخانه، امان دشمن را بریده بود، چنانچه فرمانده نیروهای محاصره شده، وضعیت خود را به فرماندهی رده بالا، چنین گزارش می نمایند:

«درگیری بسیار شدید می باشد و نیروها در محل خود، مقاومت می کنند! نیروهای مهندسی که قرار بوده امشب سنگرسازی گردانها را حل نمایند، اکثر آنها فرار کردند گردانها وضع بسیار بدی را می گذرانند».

«ما از تمام جهات و از چهار طرف در محاصره دشمن قرار گرفته ایم. احتیاج به یک تیپ زرهی داریم که راه باز شود. لازم

است این تدبیر، سریع انجام گیرد. به فرمانده لشکر ۲۶ بگوئید یک گردان مکانیزه و توپخانه بفرستد که ما را پشتیبانی کنند. باید از جاده ساحلی (جاده فاو- البحار) نیروی کمکی برای تیپ ۳ و ۴ بفرستید، هر چند گران تمام شود».

فرمانده این تیپ در گزارش دیگری نیز، چنین می‌گوید:

«وضعیت ما بسیار بد و سخت می‌باشد، آتش توپخانه روی ما، بسیار مؤثر است و تلفات نفرات، با شمارش دقیقه افزونتر می‌شود. فعلاً در مواضع خود مقاومت می‌کنیم ولی بداد ما برسید»

پس از مسدود نمودن راههای کمک به نیروهای در حال محاصره و ناامیدی دشمن از اعزام نیروی کمکی، فرماندهی لشکر گارد خطاب به فرماندهی تیپ ۳ و ۴، به عنوان آخرین راه حل، «جنگ و گریز» و «فرار» را توصیه می‌کند:

«شما با جنگ و گریز بیائید بیرون، چون خبر محاصره به بغداد رفته است. شما اگر می‌توانید آبروی لشکرتان را بخرید و بیائید عقب. ما کاری نمی‌توانیم بکنیم.»

پس از ابلاغ این فرمان، باقیمانده نیروهای دشمن با ناامیدی، دست به تکاپو زدند و پس از ساعتی از جنگ و گریز حدود ۲ ساعت بعد از ظهر، تنها تعداد اندکی از نیروهای گارد ریاست جمهوری صدام، توانستند از مهلکه جان سالم، بدر برند و اکثریت این نیروی ویژه به هلاکت رسیدند.

جنگ هوایی

همزمان با ورود لشکر گارد به منطقه، بعد از ظهر روز سوم، حمله وسیع و گسترده هوایی دشمن آغاز شد. حاکمان بغداد برای جبران

عقب ماندگی در «نبرد زمینی» و نیز ممانعت از پیشروی رزمندگان اسلام، مبادرت به حملات هوایی پی در پی کردند. این تلاش در روز چهارم، ابعاد وسیعتری را به خود گرفت. چنانچه نیروی هوایی دشمن با تمام توان وارد عمل شده و علاوه بر بمباران شیمیائی *، به بمباران پلهای جزیره آبادان پرداخت.

در این میان آرایش مناسب سلاحهای ضد هوایی، در طی ۸ روز جنگ شدید هوایی، روزانه ۳ تا ۴ فروند از هواپیماهای دشمن را ساقط کردند.

پیدایش چنین وضعیتی، رعب زیادی را در دل خلبانهای عراقی ایجاد کرد، به گونه ای که وقتی وارد آسمان منطقه می شدند، بعضاً تنها در صدد خالی کردن بمبها در بیابان و فرار از تیررس گلوله های ضد هوایی و موشکهای زمین به هوا بودند. این رعب آنقدر افزایش یافته بود که حتی یک بار، پس از شلیک موشک و اصابت آن به هواپیما، خلبان هواپیمای دیگر دشمن، به خیال اینکه مورد اصابت قرار خواهد گرفت، هواپیما را رها کرده، به بیرون پرید.

در مجموع تهاجمات وسیع هوایی دشمن نتوانست کاری از پیش برد، و راه تدارکات نیروها را مسدود نماید. به ویژه اینکه تدابیر برادران جهاد سازندگی در زمینه احداث پل بر روی بهمنشیر، امیدواری دشمن مبنی بر انسداد عقبه ها را تبدیل به یأس نمود و بدینوسیله گام مهمی در تثبیت منطقه، برداشته شد.

* نظر به اینکه چنین حوادثی، پس از ناتوانی دشمن، در غالب عملیاتها قابل پیش بینی می باشد، لذا ماشینهای حامل مواد خنثی کننده شیمیائی، در سرتاسر منطقه استقرار یافته بودند. علاوه بر این ماشینهای آتش نشانی که برای مقابله با حریق، در نخلستان حضور داشتند، با شستشوی نخلها، آلودگیهای موجود را برطرف می کردند.

تصرف خط نهائی عملیات

طی پنج روز اول، نیروهای خودی در محور میانی جاده استراتژیک، محور ام القصر و کارخانه نمک، بر حملات خود شدت بخشیده و توانستند نیمی از کارخانه نمک را تصرف کنند و بر روی جاده ام القصر نیز، خطی موازی کارخانه نمک تشکیل دهند. همچنین در محور میانی، که دشمن شدیداً نسبت به آن حساس بود، رزمندگان طی چند شب درگیری متوالی، با درهم شکستن خطوط دشمن، در شب هشتم خود را به سه راهی کارخانه نمک رسانده و با احداث چند رده خاکریز بلند و آرایش مناسب ضد زره، در پشت آن مستقر شدند.

از روز هشتم به بعد با تشکیل خط مناسب پدافندی، دشمن که خود را به طور کامل بازیافته بود، پاتکهای خود را مجدداً آغاز کرد. بدین شکل که ابتدا، از جاده فاو — البحار، وارد شد که با مقاومت نیروهای خودی و سرانجام از دست دادن نفرات و انهدام تجهیزات، عقب نشست. سپس از جاده استراتژیک، فلش اصلی تهاجم خود را بر روی سه راهی کارخانه نمک، متمرکز کرد. لیکن بر اثر اجرای آتش شدید خمپاره و توپخانه، انهدام قابل توجهی را متحمل شده، با به جا گذاردن هزاران کشته و زخمی، اقدام به عقب نشینی کرد.

پس از آن در روز یازدهم عملیات به منظور تکمیل خط پدافندی و تثبیت آن، در سراسر محور ساحلی و میانی، آب انداخته شد و بدین وسیله، دشمن از تلاش مجدد، در محورهای یادشده، ناامید گردید.

آتش سنگین توپخانه

در جریان حملات دشمن، در محورهای ساحلی و میانی، آتش

توپخانه، نقش ویژه‌ای را در انهدام و عقب‌زدن نیروهای دشمن داشت. زیرا نیروهای آنها از آخرین نقطه عقبه خود، که از محور ام‌الرصاص عبور می‌کردند تا خط تماس در فاو، زیر دید و تیر نیروهای خودی قرار داشتند.

شدت آتش خودی بر روی دشمن، به حدی بود که تاب و توان مقاومت را از آنها، سلب می‌کرد. نیروهای عراقی که در طول ۵ سال جنگ، با چنین آتشی کمتر مواجه شده بودند، به شدت روحیه خود را باخته، به طوریکه فرمانده یکی از تیپهای دشمن می‌گوید:

«آتش توپخانه دشمن (ایران) وسیع و بسیار سنگین و مؤثر است. تعداد ۶ دستگاه تانک از کار افتاده است، توان رزمی به شدت پائین آمده، که بر اثر درگیری و آتش سه روز گذشته می‌باشد. توپخانه‌های دشمن (ایران) آزاد هستند. خواهش ما این است که آتش متقابل، روی منابع آتش دشمن زیاد شود تا از حجم آنها کاسته شود».

در چنین وضعیتی و با توجه به پاتکهای متوالی دشمن و شکست آنها و انهدام قابل توجه نیروهایش، روحیه ارتش عراق به شدت متزلزل گردید. به طوریکه چند تن از فرماندهان رده بالا، خود را تسلیم نیروهای اسلام کردند.

تغییر تاکتیک دشمن

مقابله سرسختانه رزمندگان، در محورهای ساحلی و جاده استراتژیک، امکان پیشروی را به دشمن نداد و تلفات بسیار سنگین و قابل ملاحظه‌ای را بر آنها وارد ساخت، به گونه‌ای که این وضعیت، منجر به تغییر تاکتیک دشمن در «رزم» و «محور عملیات» گردید. بر این اساس که نیروهای عراقی در تدبیر جدید خود، وارد کارخانه نمک و محور

ام‌القصر شده، به کارگیری «نیروی پیاده» را جایگزین «نیروی زرهی» کردند.

اولین تلاش در محور ام‌القصر با درایت و مقاومت رزمندگان، درهم شکسته شد. تهاجم بعدی دشمن که از داخل کارخانه صورت گرفت، به لحاظ عدم حضور جدی نیروهای خودی، موجب گردید یکی از مربعی‌های داخل کارخانه، به تصرف دشمن درآید. لیکن بلافاصله با تقویت آن محور و تلفاتی که بر دشمن، وارد شد عملاً حرکت آنها متوقف گردید. دشمن در این محور، برای هر ۴۰۰ متر یک تیپ قرارداد داده بود و در هر حمله از چند تیپ استفاده می‌کرد، که هر کدام پس از آسیب دیدگی و تلفات وارده، مجبور به عقب نشینی می‌شدند.

قابل ذکر است که در مقابله با پاتکهای دشمن در محور ام‌القصر و کارخانه نمک، جنگنده‌های نیروی هوایی و هلی‌کوپترهای هوانیروز، نقش مؤثری را ایفا کردند. به‌صورتی که بمباران عقبه‌های دشمن در محور جاده دوم و سوم و شکار تانکهای آنان، تلفات سنگینی را بر دشمن وارد ساخت.

تیم‌های آتش هوانیروز، نیز در یک تلاش چشمگیر در بالای سر دشمن حاضر بوده و با شروع هر حمله از جانب دشمن، آنها نیز با شجاعتی تحسین‌برانگیز به اجرای مأموریت می‌پرداختند.

نتایج بدست آمده در عملیات

در طی عملیات والفجر ۸، نزدیک به ۸۰۰ کیلومتر مربع از زمینهای دشمن آزاد گردید و تلفات و خساراتی بر دشمن وارد شد، که به گوشه‌ای از آن در زیر اشاره می‌شود:

الف: نیرو

در جریان عملیات دشمن بیش از ۵۰۰۰۰ کشته و زخمی داشت که در میان آنها، یک فرمانده لشکر و نزدیک به ۵ فرمانده تیپ و... دیده می شد. همچنین ۷۰۰ نفر اسیر، که در میان آنها، چندین سرهنگ ستاد، سرهنگ دوم، سرگرد، افسر جزء، خلبان هواپیما و هلی کوپتر، و درجه دار وجود داشت به اسارت گرفته شدند.

ب: تجهیزات

وسایل	منهدم	غنیمتی
تانک و نفربر	۶۰۰ دستگاه	۱۲۰ دستگاه
خودرو	۵۰۰ دستگاه	۲۵۰ دستگاه
توپخانه	۱۵۰ قبضه	۲۰ قبضه
هواپیما	۴۵ * فروند	—
هلیکوپتر	۱۰ فروند	—
ناوچه جنگی	۳ فروند	—

ضمناً مقدار معتنا بهی وسایل مخابراتی، سلاحهای سبک، رادارهای مختلف و نیز سلاحهای ضد هوایی، در میان وسایل انهدامی دشمن و غنایم بدست آمده مشاهده می گردید.

ج: انهدام واحدها

در مجموع ۱۰ تیپ پیاده، کماندوئی و نیروی مخصوص ۲ تیپ

* آمار یادشده یقینی بوده و در مدت درگیری با دشمن تحقق یافته است.

زرهی، ۴ گردان ضد هوایی، ۱۰ گردان قاطع جیش الشعبی و ۵ گردان توپخانه دشمن به طور ۱۰۰٪ منهدم گردید.

از طرف دیگر ۳۳ تیپ پیاده، کماندو و نیروی مخصوص، ۸ تیپ زرهی و مکانیزه دشمن بیش از ۶۰٪ منهدم گردید، که جهت بازسازی و تجدید سازمان از منطقه عملیاتی، خارج شدند.

همچنین نزدیک به ۱۰ لشگرو ۵ تیپ کماندو، زرهی و مکانیزه دشمن، ۳۰٪ آسیب دیدند که به دلیل کمبود نیروهای دشمن، کماکان در منطقه عملیاتی باقی ماندند، تا پس از تجدید سازمان نیروهای آسیب دیده و جایگزین آنها، نیروهای مزبور به عقب منتقل شوند.

فاو از حضور تا تثبیت

حضور قوای نظامی ایران در فاو، تزلزل و بی ثباتی حکومت بغداد و نیز ضعف و ناتوانی ارتش عراق را در پی داشت.

پیدایش وضعیت جدید، امری نبود که دشمن بتواند آن را نادیده انگارد و به همین جهت فشارهای پی در پی ارتش عراق در هوا و زمین قابل پیش بینی بود.

رژیم صدام امیدوار بود در حد فاصل زمانی که الزاماً بایستی خطوط خودی ترمیم شده مواضع جدیدی احداث می شد، با تحرکات همه جانبه خود زمینه های تسلط مجدد بر فاو را فراهم آورد. علاوه بر این تهدید بندر ام القصر قسمتی از معطله جدید دشمن بود که می بایست برای حفظ آن در آینده به گونه ای تدبیری مناسب اتخاذ می کرد.

در هر صورت تلفات وارده به دشمن — بنا به موقعیت خاص زمین منطقه و نیز نحوه استقرار نیروهای خودی — رژیم عراق را از دستیابی به بندر فاو بازداشت و عکس العمل های وی جز تلاشی و انهدام ارتش عراق چیز دیگری در بر نداشت.

دشمن پس از ناتوانی در باز پس گیری یکباره تمامی مناطق

آزاد شده، شیوه پیشروی لاک پشتی را آغاز کرد تا بلکه بتواند قسمتهای محدودتری را تصرف کند. به همین منظور ارتش عراق تلاش کرد تا حتی المقدور نیروهای خودی را از حول و حوش کارخانه نمک دور کند. از سوی دیگر آنها در انتظار پایان فصل بارندگی و نزدیک شدن فصل تابستان بسر می بردند تا با خشک شدن زمین منطقه میدانی مناسب برای «پاتک» در اختیار داشته باشند.

در این میان خط تبلیغاتی رسانه های جهانی، مبنی بر تحریک و تشویق عراق جهت باز پس گیری فاو، در تحرکات نظامی دشمن بی تأثیر نبود، چنانچه نشریه «واشنگتن پست» طی گزارشی نوشت:

«عراق نمی تواند اجازه دهد ایرانیها در این شهر باقی بمانند، زیرا این مسئله به احتمال قوی عواقبی تضعیف کننده از نظر روحی و سیاسی در داخل عراق و نیز در کشورهای همسایه خواهد داشت... تصرف شبه جزیره فاو توسط نیروهای ایران و غافلگیری عراقیها، بطوریکه هنوز هم موفق به بیرون راندن سربازان ایرانی از منطقه نشده اند، بغداد را سخت سرافکنده کرده است.»^۱

رادیو بی بی سی نیز طی تفسیری اظهار داشت: «ایران بخوبی در زمین از عهده نیروها برآمد و تصرف این همه اراضی عراق، ضربه ای تحقیرآمیز به عراق وارد آورده است.»^۲

مشکلات باز پس گیری فاو برای دشمن

علیرغم اینکه عقب راندن نیروهای خودی از فاو، برای دشمن

اهمیت اساسی داشت، لیکن در این میان عواملی بازدارنده و محدود کننده وجود داشت که قطعاً رژیم بغداد نمی توانست آنها را نادیده بگیرد.

به عبارت دیگر دشمن گرفتاری یک تناقض شده بود. از سوئی ضرورت و اهمیت باز پس گیری فاو، و از سوی دیگر واقعیات موجود و معضلات ناشی از آن — که طبعاً آسیب پذیری عمده ای را متوجه ارتش عراق می کرد — رودر روی رژیم صدام قرار داشت.

دشمن در انجام پاتک عمدتاً می بایست از نیروی زرهی — مکانیزه استفاده می کرد. که با توجه به باتلاقی بودن زمین منطقه عمدتاً محدود به جاده های موجود منطقه می شد و این وضعیت، با توجه به ثبت تیر و آتش توپخانه بر روی جاده ها و نیز حضور قدرتمند نیروهای خودی در آنجا، امکان مانور را از دشمن می گرفت، چنانکه فرمانده وقت سپاه هفتم عراق، اظهار داشت:

«خارج ساختن نیروهای ایران از منطقه اشغالی در شبه جزیره فاو با وجود باتلاقهای همیشه گل و باتلاقهایی که در اثر باران بوجود آمده است، کاری مشکل است.»^۱

بعلاوه نظر به اینکه قسمتی از منطقه پوشیده از نخل است، راه حل دیگری که فراروی نیروهای عراقی قرار داشت، جنگ تن به تن در نخلستان بود.

اما نیروهای دشمن توانائی و روحیه مناسب برای این کار را نداشتند.

معدالک، در ابتدای حضور نیروهای خودی در منطقه فاو، دشمن

در یک مقطع خاص تلاش اصلی خود را از محور ساحلی و در میان نخلها بعمل آورد — که عملاً ناموفق بود. در این زمینه «آسوشیتدپرس» طی گزارشی ضمن خاطرنشان ساختن دشواری و صعوبت چنین عملیاتی می‌گوید:

«تنها یک نبرد تن به تن می‌تواند ایرانیها را از منطقه خارج کند. در نخلستانها تانکها قادر به فعالیت نیستند و نیروی هوایی عراق نیز نمی‌تواند نیروهای استار شده ایرانی را در منطقه شناسائی کند، و بیرون راندن آنها کار بسیار دشواری است.»^۱

تا حوالی ۱۵ اسفند نیروهای عراقی تلاشهای پی در پی و شدید خود را از محورهای مختلف (ساحلی، فاو — البحار، جاده استراتژیک و جاده ام‌القصر — کارخانه نمک) به معرض آزمایش گذاردند، لیکن جز نفوذ در یکی از مربعی‌های کارخانه نمک *، موفقیت دیگری بدست نیاوردند.

از این مقطع به بعد، دشمن تقریباً ناامید شد و به مرور از فشارهای سنگین خود کاست، و به جمع‌بندی و ارزیابی وضعیت پیش آمده پرداخت. تلاشهای دشمن در این فاصله عمدتاً در سه محور خلاصه می‌شود:

- ۱ — ادامه پاتک در برخی از محورها، خصوصاً کارخانه نمک و جاده ام‌القصر
 - ۲ — گسترش عقبه‌ها و احداث جاده و مواضع جدید توپخانه
- ...

۱ — ۶۴/۱۱/۲۲

* این مربعی، طی انجام عملیاتی از دشمن پس گرفته شد.

۳- طراحی استراتژی «دفاع متحرک»

بدین ترتیب دشمن که گاه تنها برای تصرف ۳۰۰ متر مربع، ۳ الی ۴ تیپ خود را از دست می داد، به منظور اتخاذ تدابیر جدید، تلاشهای اصلی خود را معطوف کارهای مهندسی (تقویت عقبه ها، احداث مواضع توپخانه و تانک) بازسازی یگانهای آسیب دیده و... کرد. طی مدتی که دشمن در فاو با نیروهای خودی درگیر بود. و نیز هنگامی که اقدام به فعالیتهای مهندسی و یا هرگونه تحرک دیگر کرد، اجرای آتش توپخانه و ادوات بر روی نیروهای عراقی نقشی بازدارنده و مضمحل کننده در بر داشت. خصوصاً در خطوط اول و کارخانه نمک، دشمن به علت فقدان عقبه بشدت در مضیقه بود و به هیچ وجه توان تحمل فشارهای وارده را نداشت، بطوریکه یکی از پناهندگان اظهار داشت:

«یک روز یکی از فرماندهان عراقی، نیروها را جمع کرد و سپس یکی از سربازان را از خط خارج نموده، خطاب به وی گفت: تو می خواهی پناهنده شوی؟ و بعد همانجا او را اعدام کرد. «وضع ما در دژهای دریاچه نمک خیلی خراب بود، آب و غذا خیلی کم بود؛ شبها مقداری آب و غذا برایمان می آوردند و حتی بعضی اوقات به خاطر نبودن آب و تشنگی زیاد نوبت شیشه... کرده و آنرا می خوردیم.»

در کنار وضعیت نابسامان دشمن تبلیغاتی که از سوی نیروهای خودی (با نصب بلندگو در نزدیکی دشمن) صورت می گرفت، اثرات روانی بسیار مؤثر و بسزائی داشت؛ بطوریکه تعداد قابل توجهی از قوای دشمن پناهنده شدند. وضعیت مزبور برای فرماندهان عراقی غیر قابل قبول بود؛ لذا دشمن به منظور جلوگیری از پناهندگی نیروهایش به شدت عمل بیشتری متوسل شد.

دشمن بمنظور حل بحرانهای ناشی از فتح «فاو»، وضایعات وارده به ارتش عراق، علیرغم رکود جبهه‌ها و نیز عدم توانائی در عقب راندن نیروهای خودی، مکرراً تبلیغاتی را مبنی بر باز پس گیری منطقه عملیاتی والفجر ۸، انجام می داد.

با نزدیک شدن ۷ نیسان * (سالروز تولد صدام و تشکیل حزب بعث عراق) تبلیغات دشمن شکل جدی تری به خود گرفت و این روز را روز باز پس گیری «فاو» نامید.

بر این اساس، ۱۳ روز قبل از فرا رسیدن ۷ نیسان (از بامداد ۴ فروردین) نیروهای دشمن تهاجم خود را از دو محور آغاز کردند:

در محور اول نیروهای پیاده دشمن از سمت جاده شنی، شکاف موجود بر روی جاده را پر کرده، سپس اقدام به پیشروی نمودند؛ لیکن با مقابله مناسبی که صورت گرفت، عملاً تهاجم آنها عقیم ماند.

در محور دوم، در همان شب تعدادی از نیروهای غواص دشمن از سمت اروند و خور عبدالله جهت شناسائی و مین گذاری وارد عمل شدند که تعدادی از آنها کشته شده، برخی نیز به اسارت درآمدند.

بدین ترتیب آنچه که می توانست بصورت پیش درآمد و یا مقدمه تحرکات بعدی دشمن، خصوصاً در روز ۷ نیسان باشد، در همان آغاز با عدم موفقیت توأم شد. با فرا رسیدن ۷ نیسان، علیرغم تبلیغات انجام شده، دشمن زمینگیر شد و بعلت ناتوانی و فرسودگی نتوانست تحرکی از خود نشان دهد.

پس از این نیز مجدداً دشمن مبادرت به تک کرد که در یک محور حدود ۴۰۰۰ کشته و زخمی بجای نهاده و در محور دیگری، تعداد قابل ملاحظه‌ای از نیروهای عراقی در میان باتلاقها و میادین مین به هلاکت رسیدند و نیز ۱۱ سرباز و درجه‌دار پس از روشن شدن هوا به اسارت درآمدند. با گذشت زمان و افزایش ناامیدی عراق از پیشروی در فاو، تلاشهای عملیاتی دشمن کاهش یافته به موازات آن، اقدامات مهندسی فزونی یافت. گذشته از این دشمن در تدبیر جدید خود با اتخاذ استراتژی دفاع متحرک، تلاش اصلی را بر تجزیه قوای خودی در فاو نمود تا بدین وسیله پس از بازگشت یک مقطع و اشغال برخی از مناطق حساس، مجدداً با یک تلاش گسترده و وسیع، منطقه عملیاتی والفجر ۸ را مورد تعرض قرار دهد. در این زمینه توضیحات لازم در مبحث بعدی داده خواهد شد.

بدین ترتیب نبرد پیروزمندانه فاو بعد از ۷۸ شبانه‌روز درگیری که در طول جنگ بی‌سابقه بود با پیروزی رزمندگان اسلام، پایان یافت.

تلاشهای نیروهای خودی در فاو

با پیش‌بینی حملات آتی و فشارهای پی در پی دشمن ضرورت ناامید کردن عراق نسبت به بازپس‌گیری منطقه عملیاتی فاو، حتمی بنظر می‌رسید. لذا دو طرح اساسی در دستور کار قرار گرفت:

۱ — تثبیت منطقه با اقدامات مهندسی، ایجاد مواضع و

استحکامات، احداث کانال و پل

۲ — ترمیم خط خودی با از میان برداشتن رخنه‌های دشمن در

کارخانه نمک، جاده شنی و...

در این راستا پس از تصرف منطقه فاو، احداث کانال آغاز شد،

لیکن به دلیل مشکلات موجود، کار فاقد سرعت لازم بود. نظر به اینکه دو سمت منطقه عملیاتی اروند و خور عبدالله را آب احاطه کرده است، در صورتیکه کانال مناسبی احداث می‌گردید، منطقه تصرف شده مانند یک جزیره از قسمت دیگر جدا می‌شد. لذا سعی بر این بود که به هر شکل ممکن پروژه احداث کانال تکمیل شود تا بدین وسیله دشمن ناامید شده، تأمین منطقه از درصدی بالا برخوردار گردد.

همچنین به موازات کانال، احداث دژی از غرب جاده استراتژیک به سمت پیچ جاده خاکی منشعب از پایگاه موشکی به کارخانه نمک ادامه یافت. همچنین در امر پمپاژ آب از اروندرود به داخل کانال و از آنجا به پشت جاده استراتژیک، مشکلاتی وجود داشت که با تلاش بی‌وقفه و طاقت‌فرسای برادران جهاد سازندگی و قرارگاه مهندسی، موانع مرتفع گشته، طرح با موفقیت به پایان رسید.

احداث خاکریز و تقویت عقبه‌ها

فشار و حجم آتش دشمن بر روی خاکریزهای خطوط اول و سنگر نفرات، نیروهای پشت خاکریز را آسیب‌پذیر می‌کرد؛ لذا قسمتی از تلاش مهندسی یگانها و جهاد سازندگی، ترمیم و تقویت خاکریزها شد. علاوه بر این در زمینه احداث عقبه نیز تلاشهایی چشمگیر صورت گرفت تا بدین وسیله تردد به خطوط اول و تدارک آن و نیز تخلیه شهدا و مجروحین به سهولت انجام پذیرد.

البته در برخی از محورها به دلیل فشار دشمن انجام کار مهندسی با مشکلات روبرو بود و کارها به کندی پیش می‌رفت. فی‌المثل در سه‌راهی کارخانه نمک، کثرت حجم آتش دشمن در مقایسه با سایر محورها—بیشتر بود به گونه‌ای که مانع از انجام کار

می شد.

احداث پل

اهمیت احداث پل را، اساساً بایستی در ارتباط با تأمین عقبه ها مورد بررسی قرار داد؛ چنانکه پس از عبور اولیه نیروها از روند، یکی از مهمترین مسائل در حفظ و نگهداری منطقه تصرف شده، تأمین عقبه ها و احداث پل بود؛ زیرا در صورتیکه پشتیبانی لازم در زمینه تجهیزات، مهمات، تخلیه و آذوقه و غیره صورت نمی گرفت، عملاً تثبیت پیروزیهای بدست آمده را دچار تردید می کرد. فشارهای اولیه دشمن — بمباران عقبه ها و خطوط عملیاتی و حملات پی در پی — عمدتاً بدین منظور صورت می گرفت که قبل از جاگیر شدن نیرو و اتخاذ تدبیر مناسب برای پل، بازپس گرفته شود. لیکن بنا به پیش بینی و طراحی منطقه تصرف شده پلهای مختلف (کوتاه مدت و دراز مدت) و نیز استقامت و تلاش پیگیر و مستمر نیروهای خودی، دشمن ناتوان و مأیوس از بازپس گیری منطقه فاو شد.

ترمیم خط خودی با از میان برداشتن رخنه های دشمن

نظر به اینکه دشمن بر روی جاده شنی (در گوشه جنوب شرقی دریاچه نمک) رخنه ای در حدود ۱/۵ کیلومتر ایجاد کرده بود، و این وضعیت قسمتی از خط خودی را تهدید می کرد، لذا در تاریخ ۶۵/۲/۸ عملیاتی به منظور تأمین جاده شنی و صاف کردن خط داخل کارخانه نمک تا سه راهی، طراحی و اجرا شد. علیرغم مشکلات موجود و باتلاقی

بودن زمین منطقه و نیز حضور دشمن در جناحین، طی تلاشهایی که صورت گرفت، در نهایت اهداف مورد نظر تأمین گردید و بدین وسیله مربعی داخل کارخانه نمک که در گذشته دشمن به داخل آن رخنه کرده بود نیز پاکسازی شد. طی این عملیات نزدیک به ۶ تیپ عراق به میزان ۸۰ تا ۹۰٪ منهدم گردید. و این اقدام در حقیقت آخرین روز درگیری جنگ ۷۸ روزه فاو بود.

ارزیابی و نتایج عملیات والفجر ۸

حاصل آنچه در بخشهای گذشته با عناوین مختلف از جمله: «عوامل اساسی در طراحی عملیات والفجر ۸»، «شرح وقایع و رویدادها»، و نیز «فاو از حضور تا تثبیت» مطرح شد، در اینجا با نگاهی گذرا و اجمالی در سه بخش: «علل موفقیت عملیات والفجر ۸»، «بررسی و ارزیابی عملیات» و «آموختنی های والفجر ۸» مورد اشاره قرار می گیرد.

الف: علل موفقیت عملیات والفجر ۸

در هنگام طراحی عملیات والفجر ۸ و نیز همزمان با تلاشهای پس از آن، واقعیاتی رخ نمود که بتدریج نقش اساسی خود را در رابطه با پیروزیهای والفجر ۸ و نیز ضرورت های مورد نظر جهت ادامه جنگ نشان داد. در نهایت آنچه فتح فاو را به دنبال داشت، عواملی متعدد بود که بعضاً بطور مستقیم یا غیر مستقیم تأثیر خود را برجای گذاشت. در این قسمت از بحث به پاره ای از این عوامل اشاره می شود:

- ۱ - غافلگیر شدن دشمن و عدم آمادگی اش
- ۲ - ضعف اطلاعاتی دشمن
- ۳ - عملیات پشتیبانی از ام الرصاص، شلمچه و...
- ۴ - اتخاذ تاکتیکهای ویژه، خصوصاً هنگام عبور از رودخانه

اروند

- ۵ — موقعیت زمین منطقه — که امکان مانور مناسب را از دشمن سلب می‌کرد.
- ۶ — امکان استفاده مناسب از آتش
- ۷ — سیستم نسبتاً مناسب پدافند هوایی
- ۸ — وسعت نسبتاً مناسب منطقه
- (علیرغم اینکه دشمن در منطقه والفجر ۸ محدودیتهایی برای مانور زرهی و پاتک داشت، لیکن وسعت منطقه — با توجه به حجم گسترده نیروهای خودی — مشکل خاصی را در مقابل تکه‌های هوایی دشمن و یا اجرای آتش سنگین آنها و نیز تهاجم به دشمن ایجاد نمی‌کرد.)
- ۹ — پشتیبانی بیشتر دولت و مردم نسبت به گذشته در فراهم آوردن امکانات و نیرو
- ۱۰ — اقدامات مهندسی
- ۱۱ — آموزش و سازماندهی مناسب نیروها
- ۱۲ — اقدامات پیشگیرانه در مقابل تکه‌های شیمیایی دشمن
- ۱۳ — استفاده مناسب از نیروی هوایی و هوانیروز
- ۱۴ — بکارگیری سلاح‌های ضد زره.

ب: بازتاب و انعکاس عملیات در رسانه‌ها و مطبوعات غربی

۱ — تاکتیک‌های برتر ایران

جنگ در مقایسه با سه سال گذشته از ابعاد و پیچیدگیهای روزافزون برخوردار شده بود. در این روند تغییر زمین مانور از دشت و خشکی به هور و رودخانه اروند — که طبعاً تاکتیک‌هایی ویژه را جهت

عبور، تأمین عقبه‌ها و... نیاز دارد — بارزترین وجه آن بوده است. ناتوانی عراق در انطباق خود با شرایط بوجودآمده و رویارویی باتاکتیکهای برتر رزمندگان اسلام، ابتکار عمل را در اختیار قوای نظامی ایران قرار داده است، بطوریکه در شرایط کنونی، فریب و غافلگیری دشمن و به دنبال آن درهم ریختگی خطوط دفاعی عراق، از جمله مهمترین عوامل هراس و نگرانی حاکمان بغداد و غرب را تشکیل می دهد.

بر این اساس غرب در مقابل وضعیت پیش آمده با یک تناقض مواجه است. بدین معنی که از سویی عملیاتهای گسترده و سرنوشت ساز جمهوری اسلامی بر خلاف گذشته، با فواصل یک ساله انجام می شود و این امر از سوی غرب نتیجه سیاست فشار-دیپلماسی و حملات مداوم و به مراکز اقتصادی ایران، تلقی می شود؛ لیکن در مقابل وضعیت یاد شده گذشت زمان بر پیچیدگی تحرکات نظامی گسترده ایران افزوده، چنانچه عملیاتهای خیبر، بدر و سپس والفجر ۸، عملاً مصداق آن بودند. در این زمینه مایکل کالینز، کارشناس آمریکایی، مسائل خلیج فارس پس از عملیات والفجر ۸ می گوید:

«عاملی که نیروهای ایرانی را در وضعیت بهتر قرار می دهد. بهبود یافتن کیفیت رزمی نیروهای مسلح در مقایسه با دو سال گذشته است. نیروهای ایران به اتکاء تجارب گذشته کار آزموده تر شده و بهبود قابل ملاحظه ای یافته اند!»

نشریه آمریکائی فارین ریپوت همین مطلب را به گونه ای دیگر بیان می کند:

«اشغال شبه جزیره فاو توسط ایران، نشان داد که در هفته های اخیر

تاچه حد به کیفیتی بالا تر دست یافته است»

در نتیجه، عملیات والفجر ۸ در بطن خود حاوی تاکتیکهای ویژه

و برتر بود که از دید ناظران سیاسی و کارشناسان نظامی پوشیده نماند. در این زمینه حتی ماهر عبدالرشید فرمانده سپاه هفتم عراق اعتراف کرد که: «ایران در عملیات جاری خود روستهای نظامی نوینی را بکار برده است؛ و بر خلاف توقع در شرایط جوی سختی که بارانهای شدیدی می بارید، با استفاده از مردان قورباغه‌ای و پیشقراولان رزمی حمله خود را به مواضع عراقیها آغاز کرد.»^۱

اتخاذ تاکتیکهای نوین، بویژه عبور از اروند، تحلیلگران نظامی غرب را به تعجب واداشت — بطوریکه رادیو آمریکا اظهار داشت: تحلیلگران نظامی غرب معتقدند که ابران برای عبور از شط العرب، نیاز به داشتن تجهیزات کافی داشته و متعجب از این موضوعند که چگونه با تجهیزات اندک توانسته‌اند از این آبراه عبور کرده، به مواضع عراقیها دست یابند!^۲

به هر روی مشخصاً عملیات والفجر ۸ در ورای کینه‌توزیهای غرب، دارای چنان برجستگیهایی بود که رسانه‌های غربی و کارشناسان سیاسی — نظامی نتوانستند از آن چشم‌پوشند، و واقعیات را نادیده بگیرند.

اعتراف به چنین واقعیاتی که عملاً نشانگر قدرتمندی جمهوری اسلامی و ضعف و ناتوانی عراق است، حاکی از پیدایش وضعیتی جدید است که در واقع فتح فاو — به عنوان یک عامل تعیین کننده به دنبال داشته است.

۱ — ۶۴/۱۱/۲۵ خبرگزاری جمهوری اسلامی.

۲ — ۶۴/۱۱/۳.

۲- درهم شکستن خطوط دفاعی عراق

کمکهای گسترده غرب به رژیم صدام و حمایت همه جانبه کشورهای مرتجع منطقه از وی، عمدتاً ناشی از طرز تلقی خاصی است که نسبت به ناتوانی عراق در مهار تعرضات گسترده قوای نظامی ایران، وجود دارد. زیرا فروپاشی دیوارهای دفاعی عراق، به منزله مقدمه از بین رفتن ثبات سیاسی - نظامی - اقتصادی - اجتماعی عراق است، و تحقق چنین امری در بطن خود تغییرات وسیعی را نهفته دارد.

در این روند، تحقق عملیات والفجر ۸، در واقع قسمت اعظم ناتوانائی و ضعفهای عدیده رژیم بغداد را به غرب نمایاند و پایانی بر امیدهای واهی دشمنان انقلاب اسلامی، مبنی بر توقف پیروزیهای ایران، بود و این تصور را که تحرکات نظامی ایران می تواند در کمند تدابیر نظامی رژیم عراق و حمایتهای همه جانبه سیاسی - اقتصادی - نظامی غرب و کشورهای مرتجع منطقه، اسیر شود درهم کوبید. علاوه بر این شکستن خطوط دفاعی عراق، تلفات و ضایعاتی را برای دشمن به همراه داشت، بطوریکه موجب از دست دادن اعتماد به نفس سربازان عراق و رعب و هراس آنها شد. قطعی بود که این امر آسیب پذیری کلیه خطوط پدافندی دشمن را، هرچند در مقابل تلاشهای محدود نظامی، بدنبال خواهد داشت. نشریه لوموند در این زمینه، به روایت از سربازان عراقی که با استفاده از مرخصی به بغداد آمده بودند، نوشت:

«سربازان عراقی از وحشتی که امواج پاسداران انقلاب اسلامی، که بدون امان در زیر رگبار آتش امواج پیشروی می کنند، در دل آنها بوجود می آورد، سخن می گویند و این چنین قاطعیتی از سوی پاسداران را ستایش می کنند.»

لوموند تأکید می‌کند که: «ستایش این امر از سوی سربازان عراقی، مطلب تازه و جدیدی است»^۱

۳ - مخدوش شدن سیستم اطلاعاتی دشمن

اساساً، گذشته از ویژگیهای تاکتیک عبور از رودخانه، آنچه منجر به اعجاب کارشناسان سیاسی - نظامی غرب شد، غافلگیری سیستم اطلاعاتی غرب و رژیم عراق بود. در این زمینه اکونومیست طی تحلیلی می‌نویسد:

«اشغال جزیره فاو توسط ایران نشان داده است که چقدر نیروی رزمی آنها در چند هفته اخیر پیشرفت کرده است. آنها قادر بودند برتری و تفوق عراقیها را که متضمن پیش‌بینی حرکت‌های نظامی ایرانیان با توسل به اطلاعات و اخبار جاسوسی بدست آمده از عکسهای ماهواره‌ای آمریکائی بود، خنثی نمایند.

ایرانیان نشان داده‌اند که چگونه قادرند شگفتی برانگیزند! با تشخیص اینکه عراقیها انتظار حمله دیگری را در منطقه بصره و یا باتلاق‌های هویزه دارند، فرماندهان طریق متفاوت دیگری را برگزیده‌اند...

نیروهای ایران در کنار داشتن انطباق (با شرایط محیط) و نیز توانائی برای غافلگیر ساختن دشمن و آگاهی از لزوم پوشش و پنهان شدن از ماهواره‌های جاسوسی، قادر بوده‌اند خود را در مقابل آتش برتر و سنگین عراقیها حفظ نمایند.^۲»

۴ - تلفات وارده بر ارتش عراق و تبعات آن

مهمترین مسئله‌ای که فرار سراسری عراق پس از فتح خرمشهر را بر نیروهای دشمن تحمیل کرد، این بود که ادامه حضور در خاک جمهوری اسلامی جز مرگ و اسارت چیزی برای آنها در پی نخواهد داشت بر این اساس رژیم عراق پس از اتخاذ دفاع صرف در زمین، دو مسئله اساسی - یعنی زمین و نیرو - را رویاروی خود داشت، که می‌بایست مبتنی بر آن، میزان و چگونگی مقابله با تهاجمات قوای نظامی ایران را تنظیم نماید.

دشمن سعی خود را بر این قرار داد که نیروهایش را به گونه‌ای بکار گیرد که تلفات اساسی متوجهش نشود و مسئله زمین را در مرحله دوم اهمیت قرار داد.

در نتیجه میان حفظ نیرو و زمین، دشمن در مقاطعی مانند عملیات خیبر و از دست دادن جزایر مجنون، حفظ زمین را بر حفظ نیرو ترجیح داد. در عملیات والفجر ۸ شرایط کلی سیاسی - نظامی جنگ به گونه‌ای بود که دشمن در ابتدا بر اساس باورهای گذشته‌اش سعی در باز پس گیری زمین داشت.

از این رو، به دلیل عدم درک موقعیت زمانی، بهای گزافی را در امر نیرو پرداخت. در این زمینه واشنگتن پست می‌نویسد:

«وارد آمدن تلفات سنگین ۱۰۰۰۰ کشته بر ارتش عراق و همچنین شکست سختی که بر نیروی ویژه گارد ریاست جمهوری عراق (که از قویترین نیروهای ذخیره استراتژیک عراق می‌باشد) وارد آمده است، موجب شده که رژیم صدام از تلاشهای خود جهت باز پس گیری فاو دست بردارد.^۱»

در نتیجه عراق به منظور حفظ نیرو، عملاً باز پس گیری فاو را، علیرغم تبعات سوء سیاسی - تبلیغاتی آن، نادیده گرفت در این رابطه

روزنامه ساندی تلگراف، ضمن اشاره به تلفات وارده بر دشمن و مقاومت فرماندهان عراقی جهت باز پس گیری فاو، می نویسد:

«پیشنهاد صدام برای ادامه حمله به سربازان ایرانی مستقر در فاو و شمال این شهر، با مخالفت منطقی فرماندهان عراقی روبرو شد. و به دلیل حجم وسیع تلفات عراقیها در ضد حمله ها، صدام پذیرفت که برای نابودی ایرانیها در فاو چاره ای دیگر اندیشیده شود.^۲»

رژیم عراق برای جبران شکست خود در عملیات فاو و تبعات سیاسی آن در سطح بین المللی و پیامدهای اجتماعی آن و از همه مهمتر آسیب دیدگی روحی نیروهایش — بنا به پیشنهاد مشاورین خارجی استراتژی دفاع متحرک را برگزید که چیزی جز یأس و سرخوردگی و از هم پاشیدگی بیشتر ارتش عراق را به دنبال نداشت.

گذشته از این، وضعیت داخلی عراق و نیز کمبود نیروی انسانی آن، عملاً شرایطی را پیش آورده است که دشمن قادر به تحمل تلفات و ضایعات نیروی انسانی و همچنین حل معضلات ناشی از آن نمی باشد. در خاتمه با نقل قسمتی از گزارش لوموند از اوضاع داخلی عراق، که پس از عملیات والفجر ۸ تهیه شده به این مبحث پایان داده می شود:

«شاهدین نادری که به ایستگاه راه آهن بغداد راه یافته اند، از قطارهای مجروحین و سالنهای مملو از پزشکان که از گستردگی کار به ستوه آمده اند، سخن می گویند. گفته می شود بین ده تا سیزده هزار عراقی در ضد حمله ان کشور کشته شده اند — که این رقم برای کشورهایی که علی القاعده باید کمبود و ضعف نیروی انسانی خود را با برتری ابزارآلات جنگی جبران کنند، بسیار بزرگ است — خون گیری اجباری در دستگاههای اداری و دولتی عراق صورت گرفته است. مجروحین جنگی شبانه به پایتخت منتقل می شوند. کامیونهای بزرگ و مجهز

به دستگاههای برودت که مملو از اجساد سربازان عراقی است، توسط نظامیان از جبهه به شهرهای عمده عراق منتقل می‌شوند. در هفته گذشته اجساد دویست افسر عراقی در شهر موصل به خانواده‌های آنها داده شده است. رژیم عراق نصب پرچم سیاهی را که مردم عراق طبق سنت پس از مرگ یکی از نزدیکان خود در مقابل درب منزلشان آویزان می‌کنند، ممنوع کرده است.^۱

ج: آموختنی‌های والفجر ۸

عملیات والفجر ۸ تجارب متفاوتی را در پی داشت که در این قسمت نظر به اهمیت موضوع، تنها به «ضرورت تجزیه قوای دشمن» و نیز «ضرورت پشتیبانی همه‌جانبه از جنگ» اشاره می‌شود.

۱- ضرورت تجزیه قوای دشمن

تجزیه قوای دشمن عملاً تضمین پیروزی عملیات را افزایش داده است و جنگ را به سمت تعیین تکلیف نهائی سوق خواهد داد. بر این اساس عملیات والفجر ۹ و حمله به جزیره ام‌الرصاص همزمان با عملیات والفجر ۸، در غرب و جنوب کشور طراحی و انجام شد. از آنجا که منطقه فاو برای دشمن اهمیت خاصی داشت، لذا عمده قوای خود را در آنجا متمرکز کرد و این پیش‌آمد فرصتی مناسب برای نیروهای خودی جهت پیشروی در منطقه عملیاتی غرب کشور (الفجر ۹) فراهم آورد.

تحلیل وضعیت مشابه به دشمن (عملیات از دویا چند محور بطور همزمان) عملاً میزان تأثیرگذاری ابزار تکنولوژیک عراق را کاهش داده، توان ارتش این کشور را زایل می‌کند و در نتیجه مانع از دفاع متمرکز قوای دشمن در یک محور، خواهد شد.

لازمه تحقق چنین وضعیتی، گسترش سازمان رزم با بسیج نیرو و

افزایش توان سازماندهی آنها، می باشد چنانچه هم اکنون پس از عملیات والفجر ۸ تلاش گسترده ای به منظور سازماندهی ۵۰۰ گردان رزمی و افزایش آن به ۱۰۰۰ گردان، در آینده صورت می گیرد.

۲- پشتیبانی همه جانبه از جنگ

تأکیدهای مکرر فرماندهی کل قوا مبنی بر اصلی نمودن جنگ — به معنای بسیج تمامی کشور در خدمت جنگ — و نیز ضرورت های اجتناب ناپذیر آن انجام این مهم را — که برآمده از ارتباط تنگاتنگ جنگ با ارگانهای گوناگون کشور می باشد — روشنتر کرده است.

در این میان آنچه در عملیات والفجر ۸ محقق شد، نشانگر ضرورت بکارگیری تمام امکانات کشور در خدمت جنگ و تأثیرگذاری فزاینده آن در کسب پیروزی بود.

طبیعتاً تحقق وضعیت یادشده، بطور مطلوب و شایسته، در گرو ایجاد سیستم مناسب با امر جنگ و ضرورت های آن می باشد. در اینصورت گذشته از اینکه فاصله جبهه و پشت جبهه کاهش خواهد یافت، امکان حل برخی از معضلات — که قطعاً ناشی از ناهماهنگی است — نیز میسر خواهد شد و در نتیجه در زمانی نه چندان طولانی امکان دستیابی به موفقیت های چشمگیر و سرنوشت ساز فراهم می آید.

نگاهی به سرانجام استراتژی دفاع متحرک

بررسی هرچند اجمالی تحرکات نظامی عراق قبل از آغاز والفجر ۸ بخوبی خاطرنشان می‌کرد که رژیم بغداد در اندیشه تعرضاتی به برخی از مناطق، از جمله محورهای که بعدها در چهارچوب «استراتژی دفاع متحرک» مورد تهاجم قرار گرفت، بوده است، اگرچه در این میان تحقق عملیات والفجر ۸ منجر به بازدارندگی دشمن از اجرای این تعرضات شد اما انگیزه تازه‌ای به عراق داد تا این تلاش‌ها را با اهدافی جدید دنبال کند.

به عبارت دیگر وقوع عملیات والفجر ۸ تمامی ذهنیت و توان دشمن را به خود مشغول داشت. پس از فتح فاو آنچه برای دشمن حائز اهمیت بود و ارزش حیاتی داشت، باز پس‌گیری (فاو) و یا نهادن یک پوشش، هرچند موقت، بر روی شکستهای حاصله از نبرد والفجر ۸ بود. از این رو دشمن در چهارچوب استراتژی دفاع متحرک مبادرت به تعرضاتی کرد تا شاید جانی دوباره به ارتش عراق، که آسیبهای عمده را متحمل شده بود، بدهد و فضایی مناسب برای حفظ روحیه ارتش و رژیم بعثی فراهم سازد.

گذشته از این، آنچه به حرکت اخیر عراق اهمیت می داد، غیر از تبلیغات رسانه های غربی، تقارن زمانی آن با کاهش تدریجی قیمت نفت بود. در واقع وضعیت یادشده نشانه نوعی همسویی بین تلاشهای غرب و عراق به منظور دستیابی به اهداف مشخص و از قبل تعیین شده بود. غرب بدنبال فتح فاو و درهم شکسته شدن دیواره دفاعی عراق و صدمات قابل توجهی که بر ارتش عراق وارد آمد و نیز تغییر موازنه به نفع جمهوری اسلامی، احساس خطر نموده، به منظور ممانعت از استمرار وضعیت یادشده و گسترش احتمالی پیروزیهای ایران، با اتخاذ تدبیری مناسب عملاً فشار جدید را در دو میدان جنگ و اقتصاد، باهدف به استیصال کشانیدن جمهوری اسلامی در دستور کار خود و رژیم عراق قرار داد. در این زمینه دو تن از فرماندهان عراقی به نامهای سرتیپ ملکی و عبید طی مصاحبه ای اعلام داشتند که:

«استراتژی دفاع متحرک عراق موجب بدست گرفتن کنترل بیشتر در برخی پستهای ایرانی در جبهه هاست — که به نوبه خود این شانس را بوجود خواهد آورد که یک صلح اجباری در منطقه ایجاد شود.»

فشارهای همه جانبه دشمن در آن مقطع خاص — که بطور هماهنگ و در ابعاد گوناگون انجام می گرفت — عمدتاً به منظور تحت الشعاع قرار دادن فتح فاو و ممانعت از تداوم برتری موقعیت ایران بود. در این میان رهبری انقلاب در اوج پیروزیهای حاصله از فتح فاو و قبل از تهاجمات زمینی دشمن، اقدام به بسیج همگانی مردم^۵ نمود. از آنجا که پیش بینی می شد دشمن در مقابل شکست دهشتناکی که بر او تحمیل

۵ امام در روز سیزده رجب طی بیاناتی فرمودند: امروز بر همه واجب است که دفاع کنیم، هرکس می تواند باید به جبهه برود.

شده آرام نخواهد نشست، این اقدام فرماندهی کل قوا که در آن هنگام برای بسیاری از افراد غیرمنتظره بود— در واقع مقدمات پیشگیریهای لازم را در آینده ای نه چندان دور فراهم ساخت. لذا هنگامی که دشمن اجرای سیاست دفاع متحرک را آغاز کرد، آمادگیهای قبلی اعم از حرکت وسیع نیروی مردمی و تهیه امکانات نقشی مؤثر در وارد ساختن ضربات اساسی— بر پیکر ارتش و رژیم عراق— داشت.

الف — مقاومت مناسب و تحمیل تلفات انبوه بر دشمن

تحلیل و برداشت دشمن از اهمیت تصرف فاو برای جمهوری اسلامی و نیز مدت زمان لازم برای بازسازی یگانهای خودی و بالطبع طراحی عملیات والفجر ۸ از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، عناصر و عواملی تعیین کننده در اتخاذ استراتژی دفاع متحرک از جانب دشمن محسوب می شد.

طبیعتاً رویارویی مناسب با دشمن و برهم زدن تحلیل و برداشتهای آنان، گامی مهم و اساسی در به شکست کشاندن استراتژی جدید عراق تلقی می شد.

چنانچه ذکر شد، محاسبات دشمن نسبت به مدت زمان لازم برای بازسازی سازمان رزم جمهوری اسلامی عاملی مؤثر در تصمیم گیریهای اخیر دشمن بوده است.

در اینصورت طبیعی بنظر می رسد که هرگونه سرعت عمل در رویارویی با دشمن و انجام اقدامات ممانعتی، عملاً منجر به توقف آنها گردد.

گذشته از این، میزان دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده و همچنین مقدار بهائی که باید از نظر نظامی (تلفات) برای آن پرداخت

شود، محدوده زمانی تعرضات دشمن را تعیین می نمود. بر این اساس، دشمن که با تدبیر جدید خود در نظر داشت نسبت به طراحی عملیات والفجر ۸ تأخیر ایجاد نماید، به یک معنا حفظ نیروهایش را مورد نظر قرار داده بود. از آنجا که هرگونه تهاجم از سوی قوای نظامی ایران در واقع به منزله تحمیل تلفات و ضایعات توان فرسا بر دشمن است، لذا عراق به منظور اجتناب از آسیب پذیری و تقویت روحیه نیروهایش مبادرت به تهاجمات یادشده نمود. در نتیجه اگر سرانجام کار و ابعاد و جوانب آن بطور همه جانبه برای دشمن روشن بود، قطعاً دست به چنین اقدامی نمی زد.

علاوه بر این، ملاکها و پارامترهای دیگری وجود دارد که ناتوانی و شکست استراتژی دفاع متحرک را یادآور می شود.

۱- با گذشت زمان و بازیابی موقعیت جدید از سوی جمهوری اسلامی - و اتخاذ تدبیر مناسب - توأم با انطباق با شرایط جدید، صحنه جنگ عملاً به نفع جمهوری اسلامی چرخش نموده، در نتیجه آزادسازی شهر مهران را در پی داشت.

۲- تلفات و خسارات وارده به ارتش عراق، برخلاف تصور طراحان دفاع استراتژیک، عملاً وضعیتی آشفته و نابامان میان قوای نظامی دشمن ایجاد نمود.

ب- اهداف عراق از اتخاذ «استراتژی دفاع متحرک»

تحركات نظامی عراق طبعاً از اهداف متفاوت سیاسی - نظامی برخوردار بود، که در اینجا عمدتاً اهداف نظامی آن * مورد نظر است.

* در جای دیگر توضیحات لازم در زمینه اهداف سیاسی عراق داده خواهد شد.

۱ - فروپاشی مواضع دفاعی عراق در فاو اثرات و تبعات سوء و نامطلوبی را در نیروهای دشمن ایجاد کرد که بی اعتمادی نسبت به خود و فرماندهی، و تضعیف شدید روحیه از نمودهای این تبعات بود. از این رو هدف اول رژیم عراق حل کردن پیامدهای روانی ناشی از تلفات بسیار سنگین نیروهای خود و انعکاس آن در جهان بود.

۲ - دشمن پس از والفجر ۸ توان رویارویی با تهاجم گسترده و جدید را نداشت؛ از این رو سعی کرد با تحرکات نظامی خود، نیروهای جمهوری اسلامی را به تجزیه و انفصال بکشد تا از زمان بدست آمده، فرصت بازسازی و سازماندهی نیروها و نیز ترمیم مواضع را داشته باشد.

۳ - دشمن سعی داشت با تهدید مناطق حساس، عملاً ذهنیت جمهوری اسلامی را بدانجا معطوف داشته، بخشی از نیروهای ما را از فاو بیرون بکشد تا بدین وسیله مجدداً به تلاشی جدید در فاو در صورت امکان دست بزنند.

۴ - تسلط بر مناطق حساس و سرکوب مرزی با عملیاتهای انجام شده از سوی جمهوری اسلامی، در طول چند سال گذشته، از کنترل ارتش عراق خارج شده بود. دشمن بدین وسیله عملاً امکان گسترش سرپلهای پیروزی در مناطق مورد نظر برای ایران را منتفی می کرد. بر مبنای اهداف یادشده، دشمن طی مدت زمانی کوتاه مناطق زیر را مورد تهاجم و تعرض قرار داد:

- | | |
|----------------------------|-------------------|
| ۱ - منطقه عملیاتی والفجر ۹ | در تاریخ ۶۴/۱۲/۱۶ |
| ۲ - ارتفاعات دربندیخان | در تاریخ ۶۵/۱/۱۶ |

- ۳ — ارتفاعات سومار در تاریخ ۶۵/۱/۲۲
 ۴ — ارتفاعات منطقه لولان در تاریخ ۶۵/۲/۵
 ۵ — منطقه فکه (پیچ انگیزه، شرهانی، بجلیه) در تاریخ ۶۵/۲/۱۰
 ۶ — ارتفاعات حاج عمران در تاریخ ۶۵/۲/۲۴
 ۷ — مهران در تاریخ ۶۵/۲/۲۷

در این میان سازمان رزم عراق و نحوه بکارگیری عشایر، درخور تأمل است. از آنجا که یکی از اهداف رژیم عراق احیای روحیه نبرد در نیروهای خود و بالطبع زدودن آثار ناشی از شکست عملیات فاو بود، لذا در تدبیر جدید خود تقریباً تمامی سازمان رزم خود را فعال کرد و از آنها بهره‌برداری نمود، چنانکه صدام در تاریخ ۶۵/۱/۲۸، طی ملاقاتی با برخی از سران عشایر کرد عراقی مبلغ ۶۰ میلیون دلار در اختیار آنان قرار داد تا حاج عمران و بعضی از مناطق را باز پس گیرند.

بکارگیری عشایر، آنهم بصورت ادغامی، نشان‌دهنده آن بود که دشمن بدین وسیله — با توجه به توانائی عشایر در جنگ کوهستانی و نیز آشنایی آنها به مناطق مورد نظر — کمبود نیروهای خود را جبران کرده است.

ناتوانی عراق در استراتژی جدید

موفقیت یا شکست استراتژی جدید عراق را باید در مقایسه با اهداف آن و میزان تبلیغات انجام شده از سوی رژیم بغداد و استکبار جهانی بررسی کرد، نه صرفاً در مقدار زمینی که دشمن پس از تحمل تلفات چشمگیر توانست برای اندک زمانی به تصرف خود درآورد. • قطعاً

• چنانکه در آغاز جنگ، علیرغم حضور نیروهای دشمن در خاک جمهوری اسلامی و تسلط بر

اگر عراق در موضع عملیات تهاجمی در زمین قادر به اثبات تواناییهای خود و نمایاندن آن به غرب و متحدینش در منطقه بود، در همان اوایل جنگ می توانست نسبت به ادامه جنگ و آینده آن نقش اساسی بازی کند. لیکن ضعفهای عمده عراق در زمینه های مختلف عملاً نشان داده است که عراق نه تنها در موضع تهاجم، بلکه در دفاع مطلق نیز موفق نبود و با گذشت زمان به سمت فرسایش و اضمحلال پیش می رود.

بر این اساس استکبار جهانی سعی کرد با تسلیح فوق العاده رژیم صدام، جنگ را به زیان ایران تبدیل به جنگ فرسایشی کند اما با وجود این، سیر جنگ به ویژه پیروزی فاو و به دنبال آن شکست استراتژی دفاع متحرک عراق، نشان داد که زمان به نفع جمهوری اسلامی در حرکت است.

اینک استکبار جهانی درک کرده است که هر نوع تعللی در اتخاذ تصمیم مناسب خطر درهم فروپاشی نظام عراق و در نتیجه، تفوق نظامی ایران را در جنگ، به دنبال خواهد داشت.

ج - نگرشی اجمالی بر سلسله تعرضات نظامی دشمن

ناکامی تحقق کامل استراتژی دفاع متحرک، برآمده از نحوه عملکرد دشمن - ضعف و ناتوانی - و نیز چگونگی مقابله با آن از سوی قوای نظامی ایران، می باشد. در اینجا سعی بر این است که به نحوی گذرا به آن اشاره شود.

مواضع اشغال شده، صاحب نظران سیاسی - نظامی، عراق را در جنگ ناکام می دانستند. این قضاوت بر اساس اهداف عراق و مدت زمانی که برای دستیابی به آن (۷ روز) تعیین کرده بود، انجام می گرفت، نه متصرفات ارضی.

۱- تعرض به منطقه عملیاتی والفجر ۹ (۶۴/۱۲/۱۶)

عملیات والفجر ۹ در تاریخ ۶۴/۱۲/۵ در چهار محور آغاز شد. عملیات مزبور در آن مقطع خاص زمانی عمدتاً به منظور تجزیه قوای دشمن انجام شد؛ بدین معنا که با پیشروی قوای نظامی جمهوری اسلامی به سمت استان سلیمانیه عراق، فشار دشمن در منطقه فاو کاهش یابد. دشمن با درک این مهم والفجر ۹ را قربانی فاو و باز پس گیری آن نمود. از این رو فرمانده سپاه هفتم اظهار داشت: «تصرفاتی که ممکن است ایران در شمال بدست آورد، اهمیت استراتژیک ندارد. اگر ایرانیها فکر می‌کنند که پیشروی آنها در شمال از دشواری آنها در فاو خواهد کاست، اشتباه می‌کنند.»^۱

سپاه پاسداران طی طراحی عملیات والفجر ۹ و انجام آن در سه مرحله پی در پی توانست ارتفاعات حساس و سوق الجیشی مشرف بر منطقه سلیمانیه را آزاد نموده و شهر چوارته عراق و چندین پل مهم و استراتژیک در مرکز استان سلیمانیه را در دید و تیررس تیرنیروهای خودی قرار دهد. پس از آن یگانهای تحت امر سپاه پاسداران، منطقه مزبور را به نیروی زمینی ارتش تحویل داد و به منظور بازسازی و کسب آمادگی جهت انجام عملیات در سایر مناطق، به عقب منتقل شدند.

در این میان دشمن پس از ناامیدی از باز پس گیری فاو، اولین فلش تهاجم خود را در تاریخ ۶۴/۱۲/۱۶ ر روی منطقه عملیاتی والفجر ۹ متمرکز نمود. و در تاریخ ادامه آن - یعنی منطقه والفجر ۴ - را شروع کرد. دشمن در این عملیات ۱۵ گردان پیاده بکار گرفت. و قسمتی از ارتفاعات منطقه را به تصرف خود درآورد.

۲ - تهاجم به ارتفاعات دربندیخان (۶۵/۱/۱۶)

دشمن در تاریخ ۶۵/۱/۱۶ در سه محور «یال بیاروک»، «برددکان» و «شاخ شمیران»، با مسئولیت سپاه یکم و بکارگیری ۱۰ گردان پیاده که گردانهای کماندوئی منطقه خود بودند، درگیری را آغاز کرد.

دریال بیاروک، دشمن با استفاده از آتش تهیه و نیز دورزدن نیروها، توانست مناطقی را به تصرف خود درآورد. پس از آن نیروهای خودی دست به پاتک زدند که در نتیجه آن قسمتی از مناطق تصرف شده آزاد و چند تن از نیروهای عراقی، از جمله یک افسر، به اسارت درآمدند. در محور شاخ شمیران، نظر به اینکه نیروهای اندکی در مواضع وجود داشتند، لذا دشمن پس از مدتی مقاومت که صورت گرفت، توانست ارتفاع مزبور را به تصرف خود درآورد.

نحوه مانور دشمن در محورهای یادشده بدین شکل بود که با استفاده از تک رخنه ای در طی روز اول توانست در جناحین خطوط پدافندی خودی نفوذ کرده، اقدام به گسترش خود در این مناطق بنماید و جا پای مناسبی را بدست آورد. بعد از آن با حضوری که بر روی یال بیاروک قله برددکان و شاخ شمیران داشت، از دو سوبه محور شاخ شمیران و برددکان فشار آورد و این محور را اشغال کرد و بدین وسیله توانست جاده تدارکاتی خود را به خطوط اول جدید متصل نموده، نیز خط پدافندی جدیدی را در امتداد برددکان به تنگه کرگمل ایجاد کند.

همچنین تک دشمن به «پشت قلعه» و تصرف آنجا موجب شد ارتباط «کی بره» و «شاخ سورمر» قطع شود و بعد از آن، با فشاری که توسط دشمن از سمت ساحل دریاچه دربندیخان وارد شد و نیز دور خوردن جناح چپ، ارتفاع «شاخ سورمر» به تصرف دشمن درآمد.

دشمن در این تهاجم تلفات سنگینی را متحمل شد، بطوریکه ۸۰٪ از گردانهای «الکفایه» و «فلسطین» که جمعاً شامل حدود ۷۰۰ نفر می شد، منهدم گردید.

۳- تهاجم به ارتفاعات سومار (۶۵/۱/۲۲)

وجود رشته ارتفاعات نسبتاً مرتفع «گیسکه» و «کهنه ریک» در منطقه سومار و مندلی، از اهمیت و حساسیت خاصی برخوردار بود؛ بدین معنی که نزدیکترین راه به بغداد محسوب می شد ضمن اینکه تسلط بر ارتفاعات مزبور، منجر به اشراف کامل بر شهر مندلی عراق می شد. به همین جهت در تاریخ ۶۵/۱/۲۲ در حالیکه باران به شدت می بارید، دشمن تک خود را در محور کهنه ریک از سمت تپه های اسماعیل خان آغاز کرد.

بارانی بودن هوا امکان تک دشمن را نامحتمل می نمود، لیکن بر خلاف انتظار، دشمن تلاش خود را آغاز کرد، در ابتدا مبادرت به قطع ارتباط تپه ۳۳۵ با دیگر تپه ها نمود و سپس تپه ۳۴۶ و ۳۴۵ را به تصرف خود درآورد.

در ساعت ۲۲/۴۰ دقیقه همان روز دشمن با ریختن آتش بر روی جبل کهنه ریک، از محل استقرار اورژانس نیروهای خودی تا رودخانه کنگیر، توانست قلعه جوق را تصرف کند. به دنبال وضعیت یادشده، نیروهای سپاه پاسداران جهت ممانعت از پیشروی بیشتر دشمن، در تاریخ ۶۴/۱/۲۳، به منطقه اعزام شد و طی اتخاذ تصمیمی در قرارگاه مشترک با نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی آماده تهاجم شدند. در نتیجه در تاریخ ۶۵/۱/۲۵ نیروهای خودی با نیروهای دشمن که به استعداد یک گروهان کماندو و یک گروهان پیاده از گردان ۱

تیپ ۶۰۶ بودند، رویارو شدند.

با اجرای آتش مناسب و فعالیت چشمگیر تیربارها، تک دشمن متوقف و تلفاتی بر آنها وارد شد.

دشمن بر اثر این حرکت مجبور شد سه تپه‌ای را که در محور کهنه‌ریک تصرف کرده بود و نیز ارتفاع ۴۰۲ را تخلیه و عقب‌نشینی نماید.

مجموعاً دشمن طی ۴ روز درگیری در این محور توانست تپه‌های اسماعیل‌خان، تپه اورژانس و یال قلعه جوق بسمت میان‌تنگ و پاسگاه دوله شریف را به تصرف خود درآورد؛ لیکن به دلیل مقاومت نیروهای خودی، از ادامه تک بازماند و از تصرف ارتفاع ۴۰۲ و کهنه‌ریک ناامید شد.

تک دشمن به محور گیسکه

دشمن پس از ناکامی در محور کهنه‌ریک، در تاریخ ۶۵/۱/۲۶، به دنبال اجرای آتش بر روی رودخانه گیسکه، تهاجم را با استعداد ۲ گردان و یک گروهان از گردان ۳ از تیپ ۴۶ مکانیزه، آغاز کرد.

صبح همان روز تعدادی از نیروهای خودی جهت مقاومت در مقابل دشمن، که هنوز کاملاً بر روی ارتفاعات تسلط نیافته بود، حرکت کردند، لیکن علیرغم رشادتهائی که نشان داده شد، امکان پاکسازی کامل دشمن فراهم نیامد.

قابل ذکر است که منطقه سومار تحت مسئولیت سپاه دوم عراق بوده و در تهاجم دشمن مجموعاً نزدیک به ۱۵ گردان پیاده — مکانیزه بکار گرفته شد.

۴- تهاجم به ارتفاعات منطقه لولان (۶۵/۲/۵)

سپاه پنجم عراق در تاریخ ۶۵/۲/۳ در منطقه سیدکان طی چند مرحله و با بکارگیری ۵ گردان پیاده و مشارکت نیروهای ضد انقلاب، پس از انجام تک سنگین بر روی ارتفاعات لولان، در ۱۵ کیلومتری خاک عراق توانست این منطقه را به تصرف خود درآورد.

۵- تهاجم به منطقه فکه پیچ انگیزه، شرهانی، بجلیه (۶۵/۲/۱۰)

دشمن مدتها - حتی قبل از انجام عملیات والفجر ۸- به تقویت سراسری منطقه در محورهای فکه، شرهانی و زبیدات مبادرت می ورزید. از جمله اقدامات دشمن افزایش موضع توپخانه، تجمع بیش از حد نیرو و تانک و همچنین ورود یگانهای جدید بود.

چنین بنظر می رسید که تحرکات دشمن در منطقه فکه، اجرای طرح فریب برای محور شرهانی است تا بدین وسیله بتواند جبال حمزین را که در عملیات محرم به تصرف نیروهای خودی درآمد، دور زده، آنجا را اشغال نماید. چنانکه فرمانده سپاه چهارم عراق، طی جلسه ای با فرماندهان لشگرها در قرارگاه لشگر ۱ در فکه، تصرف جبال حمزین را به عنوان دستور کار سپاه چهارم ابلاغ کرده بود.

نظر به اینکه جبال حمزین در خط الرأس جغرافیائی قرار دارد، تسلط بر روی آن دید و تیر مناسبی را فراهم می سازد. بر این اساس چنانچه دشمن بر روی آن استقرار می یافت، می توانست منطقه عین خوش تا دهلران را زیر دید و تیر مستقیم خود قرار دهد، در حالی که اکنون نیروهای خودی با استقرار بر روی آن، بر قسمتی از خاک عراق اشراف و تسلط کامل داشته اند علاوه بر این وجود یک حوزه نفتی بر روی

ارتفاعات و نیز مرز مشترک ایران و عراق بر اهمیت سیاسی - نظامی منطقه می افزاید.

بر این اساس ارتفاعات جبال حمزین مورد نظر رژیم بعثی بود. از این نیروهای عراقی - طی تلاشهایی که انجام دادند - در نظر داشتند ارتفاعات چم سری و چم هندی را بگیرند؛ به این صورت که هفت تیپ در مرحله اول، تا چم سری را تأمین کنند و سپس لشکر ۱۰ عبور کرده بر روی ارتفاعات جبال حمزین مستقر گردد.

بدین ترتیب در تاریخ ۶۵/۲/۱۰ پس از یک روز سکوت رادیویی (بی سیم) دشمن، نیروهای عراقی، به استعداد ۲ لشکر پیاده مکانیزه و زرهی با پشتیبانی آتش توپخانه در محور فکه، تعرض خود را به مواضع پدافندی نیروهای خودی آغاز کرد.

بدنبال این حمله، یکی از یگانهای ورزیده سپاه در مدتی کوتاه پس از کسب اطلاع از وضعیت موجود، در بعد از ظهر روز ۶۵/۲/۱۰ - به منظور مقابله با تهاجم دشمن - عازم منطقه شدند.

تدبیر تهاجم به دشمن بر این اساس بود که قبل از جاگیر شدن نیروهای عراقی، حمله صورت گیرد. بدین قرار نیروهای یگان یاد شده در ۶ محور سازماندهی شده، با هدف باز پس گیری خط مقدم، به دشمن حمله ور شدند و بلافاصله توانستند در مواضع نیروهای عراقی رخنه کنند. از آنجا که غافلگیری رعایت شده بود و سرعت عمل نیز با آن همراه گردید، مواجهه با حرکت یادشده برای دشمن غیر منتظره تلقی می شد.

کثرت نیروهای دشمن در منطقه عملیاتی چشمگیر بود، بطوریکه نیروها با کمبود مهمات مواجه شده، در ادامه کار از مهمات غنیمتی دشمن بر علیه خودشان استفاده می کردند.

پس از عملیات، از منابع مختلف و اسرا کسب اطلاع شد که در منطقه فوق، مجموعاً ۶ تیپ از نیروهای دشمن مستقر بوده، که ۳ تیپ آن نیروهای مستقر در خط بوده‌اند. در همان شب ۳ تیپ دیگر به منظور تعویض خط وارد منطقه شده بودند. در این فاصله نیروهای خودی به دشمن مجال نداده، تنها با استعداد یک تیپ به مصاف ۶ تیپ آنها می‌روند. تا حوالی صبح اکثر گردانها توانستند خود را به خاکریزهای دشمن برسانند، لیکن به دلیل تجمع بیش از اندازه نیروهای دشمن، الحاق جناحین در تمامی محورها صورت نگرفت و بدین ترتیب در حوالی ۴ صبح، قبل از روشن شدن هوا، نیروها جهت سازماندهی مجدد از ادامه تک و استقرار در مواضع تصرف شده خودداری کردند. در این تهاجم مجموعاً بیش از ۷۶ تانک و ۱۰۰ دستگاه نفربر و ۱۲ دستگاه خودرو و ۱۵۵ قبضه خمپاره و تیربار دشمن منهدم شده، تعداد کثیری از مزدوران بعثی کشته و زخمی شدند.

تعرض دشمن به بجلیه

براساس دریافت و استنباطی که نسبت به ادامه تک دشمن در منطقه عمومی فکه وجود داشت، چنین تدبیر شد که ۲ یگان از نیروهای سپاه، به عنوان احتیاط و تقویت نیروهای پدافند کننده ارتش، در منطقه حضور داشته باشند.

دشمن یک روز پس از تک اصلی خود در (۶۵/۲/۱۸)، به وسیله تک تیپ زرهی در محور فکه تظاهر به تک نمود و سپس در تاریخ ۶۵/۲/۱۹ تک اصلی خود را در بجلیه آغاز کرد.

در مقابل تهاجم دشمن، مقاومت‌هایی بصورت جسته و گریخته از سوی نیروهای مستقر در خط صورت گرفت، تا اینکه ۲ یگان احتیاط

منطقه جهت سد کردن راه تهاجم دشمن و درهم کوبیدن آن، از دو محور از طریق پل چم هندی و چم سری وارد منطقه شدند.

علیرغم محدودیت زمان و وضعیت خاصی که بر منطقه و نیروها حاکم شده بود، یگانهای مزبور به دشمن زده، در مجموع آنها را بیش از ۲ کیلومتر عقب زدند و ضمن دور زدن دشمن از رودخانه دویرج، موفق به الحاق شده، بدین وسیله از پیشروی دشمن ممانعت بعمل آوردند.

از طریق اطلاعات واصله از دشمن و اظهارات اسرا، معلوم شد که پیش آمدن وضعیت فوق و مقاومت نیروهای خودی و در نتیجه، عقب راندن دشمن از سوی مزدوران بعثی نامحتمل تلقی می شده است.

در هر حال، دشمن پس از این واقعه، نیروهای مختلفی را وارد منطقه کرد تا شاید با تقویت آنها اهداف مورد نظر خود را تأمین نماید؛ لیکن با آسیب پذیری آنها، عملاً مجبور به تعویض و انتقالشان به عقب جبهه می شد — چنانکه در این میان یگانهای زیر، به منظور بازسازی از منطقه خارج شدند.

— تیپهای ۵۱، ۶۰، ۸۰۵، ۴۳۷ و ۹۵

— تیپ ۱ گارد جمهوری و تیپ ۲ حطین و تیپ ۴ ویژه و لشگر

۱۰ و لشگر ۱ و تیپ ۹۱ و ۶۲ پیاده

— در مجموع ۱۱ تیپ و ۲ لشگر پیاده، مکانیزه، زرهی در طول

۱۰ روز اول عملیات به منطقه آمدند و با نیروهای خودی درگیر

شدند.

آمار فوق و موفقیت اندک دشمن، بخوبی فقدان روحیه نیروهای

عراقی را در موضع آفندی و یا آنچه را که بغداد دفاع متحرکش نامید،

خاطر نشان می سازد.

در هر صورت، طبق آنچه که بعدها از اظهارات اسرا و شواهد و

قرائن موجود بدست آمده، دشمن قصد داشته است ضمن گرفتن جناح از نیروهای خودی در محور فکه، عملیات اصلی خود را در محور بجلیه شروع کرده، با تصرف پل های چم سری و چم هندی ادامه تک داده، ضمن تصرف سه راهی شرهانی از طریق جاده نهر عنبر سلسله جبال حمزین را دور زده، در نهایت به رودخانه میمه جناح دهد.

با این حساب، کلیه ارتفاعات سرکوب منطقه را از قبیل ۲۹۰ و ۴۰۰ و ۱۷۵ — که تماماً بر جاده آسفالت مهران — دهلران دید دارند — تصرف می کرد و تقریباً ۲ لشکر از نیروی زمینی ارتش در محاصره قرار می گرفتند. در نتیجه کل منطقه ای که طی عملیات محرم آزاد شد. مجدداً در اختیار دشمن قرار می گرفت.

۶- تهاجم به ارتفاعات حاج عمران (۶۵/۲/۲۴)

منطقه حاج عمران، واقع در خاک عراق و شمال پیرانشهر است و از نظر نظامی، دشمن استحکامات قابل توجهی را بر روی آن ایجاد کرده بود. لیکن علیرغم وضعیت یادشده، طی انجام عملیات والفجر ۲، پادگان حاجی عمران و ارتفاعات کدو، گرده مند و گرده کوبه تصرف نیروهای خودی درآمد.

نظر به اهمیت منطقه، دشمن در چارچوب تدبیر جدید خود، با ابتکار عمل در بکارگیری عشایر ضد انقلاب، تلاش جدید را برای باز پس گیری منطقه سازماندهی نمود.

مدتی قبل از تعرض دشمن به حاجی عمران، شواهد و قراین گوناگونی دال بر تقویت نیرو نمایان بود؛ چنانکه ۱۰ روز قبل، ۸۰ فروند هلی کوپتر دشمن در فرودگاه دیانا مستقر شد و ۱۰۰ قبضه توپ، علاوه بر توپهای موجود در منطقه، به منطقه وارد شد. همچنین اخبار بدست آمده

حاکمی از حضور بیش از ۴ تا ۸ هزار جاش (مزدور) در منطقه بود. بدین قرار قطعی بنظر می رسید که عراق پس از منطقه لولان، در منطقه حاجی عمران عملیاتی را سامان بخشد. بدین منظور، با ورود چند یگان از سپاه به منطقه، اقدامات پیشگیرانه صورت گرفت.

دشمن از نخستین ساعات بامداد روز چهارشنبه مورخ ۶۵/۲/۲۴ پس از اجرای آتش تهیه سنگینی بر روی ارتفاعات شهید صدر، تپه شهداء، ۲۵۱۹، کدو و سرسول، تک خود را شروع کرد. استقامت نیروهای پدافند کننده نیروهای زمینی ارتش و یگانهای تقویت کننده سپاهی در این منطقه چشمگیر بود، بطوریکه در ساعات اولیه درگیری موفق شدند رخنه دشمن بر ارتفاعات ۲۵۱۹ و شهید صدر را کنترل کرده، به ترمیم آن بپردازند.

فلش حرکت اصلی دشمن در این محور ایجاد رخنه در محور چپ و تسلط بر ارتفاعات کدو و سرسول بود؛ و عملیات از طریق شیار «انه» طراحی شده بود.

علیرغم اینکه دشمن از هلی برد به منظور انتقال نیرو و پشتیبانی بهره می جست، لیکن مقاومت هایی که انجام می گرفت مانع از پیشروی آنها و دست یازیدن بر اهداف از قبل تعیین شده بود. در واقع، دشمن نیروهای خود را به دست خود وارد دهلیز مرگ کرده بود. یکی از برادران سپاهی در این زمینه می گوید:

«بچه های تیپ... که بر روی ارتفاع ۲۵۱۹ بودند، وقتی وارد عمل شدند، الحاق دشمن صورت نگرفت و حدود ۲۰ الی ۳۰ نفر از نیروهای عراقی اسیر شدند و ما به چشم خود می دیدیم که می آمدند و اسیر می شدند و تعداد زیادی از آنها کشته شدند؛ یعنی آن نیروی اولی که عراق شب وارد عمل کرده بود، همه تار و مار شدند و کلاً از بین رفتند و نیروی دیگری به جای آنها وارد منطقه شد.»

وضعیت خاص زمین منطقه و فقدان جاده تدارکاتی بر روی ارتفاعات شهید صدر و ۲۵۱۹، دشمن را بر این واداشت که بهره‌گیری بیشتر از هلی کوپتر بنماید. به دنبال آن، تا ۷ صبح روز اول عملیات، آمار هلی کوپترهای ساقط شده دشمن به ۶ فروند رسید و تا ساعت ۱۵ همانروز به ۸ فروند و در روز پنجشنبه ۶۵/۲/۲۵ مجموعاً به ۹ فروند، افزایش یافت.

۲ روز پس از تهاجم دشمن، در تاریخ ۶۵/۲/۲۶، از سوی نیروهای خودی طی یک سازماندهی تعجیلی و هماهنگی برادران ارتش و سپاه، تهاجمی بر روی ارتفاع شهید صدر به دشمن صورت گرفت و به دنبال آن، منطقه مزبور از وجود نیروهای عراقی پاکسازی شد.

در تاریخ ۶۵/۲/۲۸ نیز مجدداً از سوی نیروهای خودی تلاش جدیدی بر روی ارتفاع ۲۵۱۹ بعمل آمد، بدین صورت که عملیات ازدو محور آغاز شد و با پیشروی قابل توجه نیرو از سمت چپ و راست توأم بود. چنانچه در محور چپ ۴۰ نفر و از محور راست ۷۰ نفر از نیروهای دشمن به اسارت درآمدند. تلفات وارده بر دشمن نیز قابل توجه بود. علاوه بر این فرمانده تیپ ۴۳ پیاده از لشکر ۲۳ عراق بنام سرهنگ عبدالرزاق بهلاکت رسید و این امر نقش بسزائی در به اسارت درآمدن نیروهای دشمن داشت.

دشمن پس از چند روز مجدداً در تاریخ ۶۵/۳/۱، طی تلاشی، موفق به ایجاد رخنه بر روی تپه شهداء شد؛ لیکن نیروهای سپاه و ارتش بطور مشترک بعد از ۹ روز مقاومت و تلاش موفق شدند نیروهای عراقی را پس زده، تپه شهداء را بطور کامل پاکسازی نمایند.

در تاریخ ۶۵/۳/۲ از سوی نیروهای خودی مانوری به منظور آزادسازی ارتفاع شهید صدر (۲۴۳۵) طراحی شد و به دنبال آن، در ساعت

۲ بامداد روز جمعه، عملیات آغاز شد. یک ساعت ونیم پس از آغاز تک، تمامی مواضع دشمن سقوط کرد و بدین ترتیب، ارتفاع شهید صدر آزاد گردید. در این عملیات ۸۰۰ تن از قوای دشمن کشته و زخمی شدند و ۳۴ نفر به اسارت درآمدند — که در میان آنها ۸ نفر درجه دار و افسر مشاهده می شد.

مسئله قابل توجه در این عملیات و نیز تهاجم دشمن به منطقه فکه، تلفاتی بود که بر نیروهای عراقی وارد آمد. جانشین فرماندهی نیروی زمینی سپاه در این زمینه می گوید:

«در طول این عملیاتی که من خودم بررسی کرده ام، از منطقه فکه گرفته تا منطقه بیج انگیزه و تا مهران، به عقیده من بیشترین تلفات دشمن در منطقه حاج عمران بوده و این در زمینه پرسنل، امکانات و تجهیزات بی سابقه است.» فرماندهی وقت نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی نیز می گوید:

«در حاج عمران نیروها با تمام تلاش و فداکاری جلوی دشمن را گرفتند و حداکثر تلفات را بر آنها وارد ساختند، که شاید در هیچکدام از این تکه های محدود و حتی غیرمحدود تا این سطح به دشمن وارد نیامده بود.» در ضمن قابل ذکر است که تهاجم دشمن به حاج عمران، تحت مسئولیت سپاه پنجم و با ۲۶ گد پیاده انجام گرفت و در نتیجه حدود ۳۰۰۰ نفر تلفات برای دشمن در پی داشت.

۷ — تهاجم به مهران (۶۵/۲/۲۷)

سپاه دوم عراق در منطقه مهران وارد عمل شد. دشمن برای این منطقه سرمایه گذاری نسبتاً سنگینی کرد؛ بدین معنا که لشکر ۱۷ با ۳ تیپ زرهی به همراه حدود ۵ تیپ پیاده و از چند محور وارد عمل شدند.

عراق با بکارگیری ۲۶ گردان مختلط توانست پس از اجرای آتش تهیه سنگین هجوم خود را با تصرف ارتفاعات ۳۰۷، تپه رحمان و پاسگاه آبریزی آغاز کند و سپس موفق به قطع جاده دهلران - مهران شد و بدین وسیله شهر را در کنترل خود گرفت.

پس از اشغال شهر مهران، رادیو عراق طی قرائت اطلاعیه‌ای به توضیح و تشریح علت تغییر سیاست ارتش عراق از پدافند به آفند و پدافند از مناطق حساس پرداخته، اظهار می‌دارد:

«ایران از عقب‌نشینی عراق به مرزهای بین‌المللی و سیاست پدافندی سوء استفاده کرده است. تصرف فاو توسط ایران به دنیا نشان داد که ایران دنبال کشورگشایی است. اکنون سپاه‌های مختلف عراق عملیات دارند. و این در حالی است که تنها سپاه هفتم جلوی ایران را گرفته است!

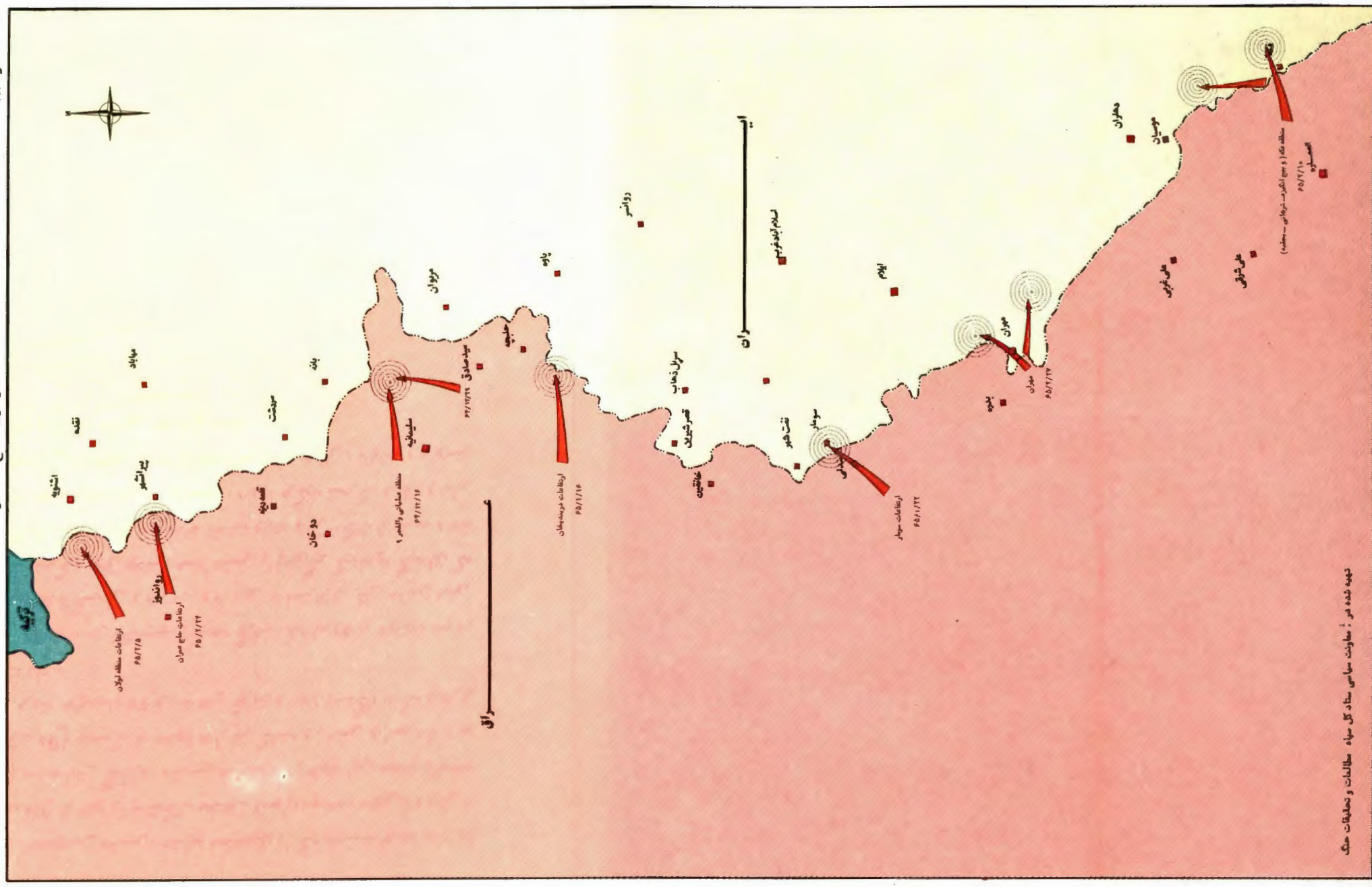
عراق اقدام به تصرف مهران نمود که ایران فکر نکند ما ضعیف هستیم! ما اعلام می‌کنیم در همین حال، حاضر به عقب‌نشینی از مهران هستیم، در صورتیکه:

۱ - عقب‌نشینی ایران و عراق به مرزهای بین‌المللی و عدم دخالت در مسایل داخلی یکدیگر صورت گیرد.

۲ - عقب‌نشینی ایران از فاو در مقابل عقب‌نشینی عراق از مهران

خواهد بود. والا شهر مهران را در اشغال خود نگه می‌داریم.»

در ضمن دشمن در شب ۶۵/۲/۲۷ طی نمایش فیلمی در تلویزیون بغداد، صحنه‌هایی را نشان می‌دهد. که در آن شهر مهران در اشغال سربازان عراقی است و تعدادی از آنها در حالیکه پرچم این کشور را در دست دارند، شادی کنان می‌دوند و بر بالای پشت بام رفته، پرچمها را تکان داده، دستها را به علامت پیروزی بلند می‌کنند.



همچنین دشمن، غنایم مختصری را که بدست آورده بود و نیز تعدادی قلیل از اسرا را به اشکال مختلف (سواره، پیاده، ستونی) و بیش از ۲۰ بار به نمایش گذارد. دشمن مجموعاً در طول این مدت (اتخاذ استراتژی دفاع متحرک)، دهها هزار نفر کشته و زخمی و اسیر داد و نیز چندین فروند هواپیما، ۲۷ فروند هلی کوپتر و ۱۷۰ دستگاه تانک و نفربر از دست داد.

در پایان می توان چنین نتیجه گرفت که نیروهای خودی، هم در یک عملیات تاکتیکی و هم در رویارویی با استراتژی کلی دشمن مبنی بر پدافند متمرکز، موفق بودند و عملاً دشمن را زمین گیر کردند به گونه ای که ادامه تک از سوی دشمن، به لحاظ تلفات وارده و نیز امکان از دست دادن توان لازم جهت رویارویی با والفجر ۱۰ و یا هرگونه تحرک در فاو و سایر مناطق عملیاتی، متوقف گردید و مجدداً نیروهای عراقی، ناتوانتر و مأیوستر از گذشته، در لاک دفاعی خود فرو رفتند.

آزادسازی شهر مهران

(عملیات کربلای ۱)

در میان مناطق مختلفی که در چارچوب استراتژی دفاع متحرک مورد تهاجم دشمن قرار گرفت، تصرف مهران برجسته‌ترین آنها بشمار می‌آمد. به همین دلیل عراق تبلیغات زیادی روی آن انجام داد و از سوی صدام، اشغال مهران در مقابل فتح فاو قرار داده شد.

در مقابل وضعیت یادشده، ضرورت آزادسازی مهران اجتناب‌ناپذیر بود. بر این اساس و به منظور آزادسازی شهر مهران مقدمات کار، از جمله شناسائی و جمع‌آوری اطلاعات از دشمن، آغاز شد.

در مجموع خطوط دشمن در ۳ محور جاده ایلام — مهران و باغ کشاورزی (شمالی) که حد فاصل رودخانه گاوی و جاده دهلران — مهران (وسط) و مجموعه ارتفاعات (قلعه آویزان)، چند نوع متفاوت استحکامات و مواضع داشت.

در محور شمالی استحکامات دشمن نسبتاً قوی‌تر بود، چنانکه در آن قسمت ۷ ردیف مین همراه با کانال و بیش از ۵ ردیف سیم خاردار رشته‌ای وجود داشت. در محور وسط به لحاظ کوهستانی بودن منطقه، استحکامات دشمن نسبتاً ضعیف بود. در محور جنوبی، نیروهای تک‌ور در مقابل معابری که انتخاب کرده بودند، عمدتاً سنگرهای کمین دشمن،

و در بعضی شیارها، یک ردیف سیم خاردار و مین در مقابل خود داشتند. *

حفاظت و غافلگیری

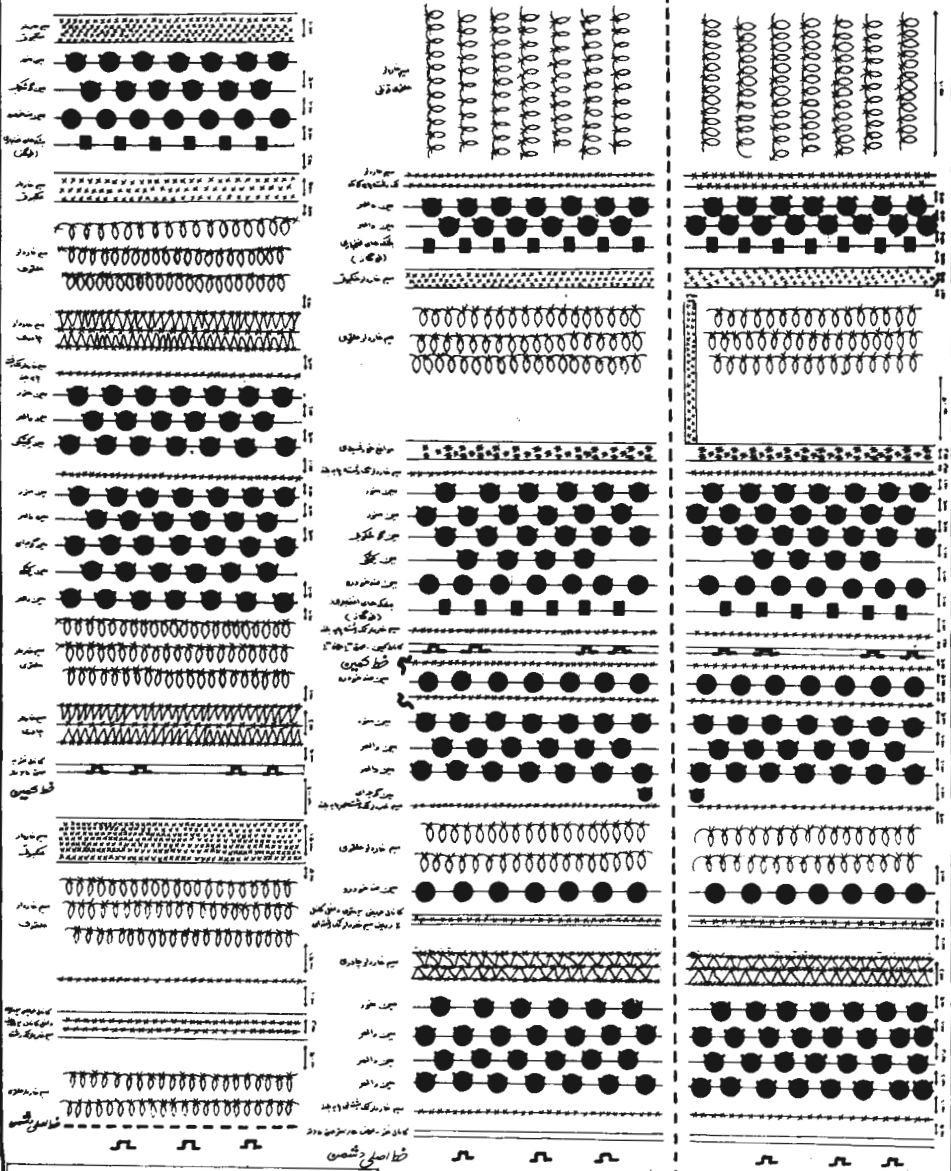
به دلیل وضعیت خاص زمین و در دست داشتن ارتفاعات منطقه، نیروهای عراقی از دیدی کامل بر روی مواضع و عقبه نیروهای خودی برخوردار بودند و چنین بنظر می رسید که دشمن هوشیار است و با در دست داشتن تجربه «والفجر ۳» و آگاهی نسبی از شکل کلی عملیات، احتمالاً بر سر معابر وصولی به انتظار نیروهای خودی نشسته است. لیکن شواهد و قرائن بعدی نشان داد که با رعایت حفاظت خودی دشمن در نهایت غافلگیری بسر می برده است.

طرح مانور

بدنبال بحثهای مختلفی که در زمینه طراحی عملیات صورت گرفت، نظر به اینکه دشمن محور شمالی را تلاش اصلی تلقی می کرد، لذا محور اصلی عملیات بدر روی جنوب - یعنی ارتفاعات قلعه آویزان و یالهای آن تا «رودخانه گاوی» - قرار داده شد.

موقعیت ویژه این محور چنین بود که، دشمن بر اساس تفکر کلاسیک خود، امکان حمله و تلاش اصلی از این محور را نمی داد و نیز در صورت موفقیت عملیات، عقبه دشمن به نحوی قابل ملاحظه آسیب

• اهمیت ارتفاعات سرکوب و مرتفع قلعه آویزان به گونه ای بود که دشمن به هیچ روی حاضر به از دست دادن آن نبود. لذا استحکامات قابل توجهی بر روی آن احداث کرده بود و تقریباً عبور از آن غیرممکن می نمایاند. لیکن نیروهای خودی معابر مناسبی را برای عملیات انتخاب نمودند تا با موانع مواجه نشده، دشمن را دور بزنند.



می‌دید. بر این اساس، عملیات کربلای یک برای سه مرحله طراحی شد:
مرحله اول — تأمین قلعه آویزان ایران تا روستای امامزاده سید حسن.

مرحله دوم — تأمین ارتفاعات حمزین تا شیار میگ سوخته* و در امتداد آن، تأمین روستای بهین و بهروزان و هرمزآباد.
مرحله سوم — تصرف خاکریز والفجر ۳ از روستای فرخ آباد تا زیر ارتفاعات ۲۲۳ قلعه آویزان و تأمین شهر مهران.

ضمناً در این عملیات، سپاه پاسداران با استعداد ۶ لشگر و ۳ تیپ پیاده همراه یک گردان مستقل زرهی، وارد عمل شد و در این عملیات، نیروی زمینی ارتش در زمینه آتش پشتیبانی توپخانه با سپاه همکاری می‌کرد، همچنین نیروی هوایی و هوانیروز، بنا به موقعیت عملیات و توانایی خود، مأموریت‌های مشخصی را عهده‌دار شدند.

استعداد دشمن در منطقه

منطقه مورد نظر، تحت مسئولیت لشگر ۱۷ زرهی از سپاه دوم عراق بود. خط پدافندی این لشگر از رودخانه کنجان چم به سمت میان کوه امتداد می‌یافت. همچنین مقر اصلی لشگر ۱۷ در شهر بدره عراق و مقر تاکتیکی آن بر روی ارتفاعات ۲۱۵ قلعه آویزان قرار داشت.
یگانهای تحت امر این لشگر و خط حد آنها عبارت بود از:
— تیپ ۴۴۳ پیاده، از پاسگاه آب زیادی تا رودخانه آب شور و مقر تیپ بر روی ارتفاعات قلعه آویزان

* یک فروند میگ دشمن در شیار سقوط کرد، لذا میگ سوخته به عنوان نشانه و نام شیار انتخاب شده است.

— تیپ ۷۰۵ پیاده، از رودخانه آب شور تا رودخانه گاوی و مقر آن در روستای امامزاده سید حسن.

— تیپ ۴۲۵ پیاده، از تپه ۲۱۵ باغ کشاورزی تا رودخانه کنجان چم و مقر آن در ورمهزار.

— تیپ ۷۰ زرهی، تیپ ۵۹ مختلط، تیپ ۵۰۱ پیاده در احتیاط نزدیک و تیپ کماندویی در بدره و تیپ ۶۵ نیروی مخصوص (که به عنوان احتیاط سپاه سوم بوده است). همچنین یک آتشبار توپ اطریشی و ۴ قبضه کاتیوشا پشتیبانی تپه‌های زیر امر لشکر ۱۷ را عهده‌دار بود.

در مجموع، قبل از آغاز عملیات، دشمن ۴۲ گردان نیروی پیاده و ۶ گردان نیروی زرهی در منطقه داشت که ۲۰ گردان آن درگیر بوده، مابقی در احتیاط قرار داشتند.

شرح عملیات

با نزدیک شدن زمان عملیات، جابجایی و نقل و انتقالات شروع شد. در این حین، طوفانی نسبتاً شدید همراه با گرد و غبار در گرفت و سطح منطقه عملیاتی و عقبه نیروهای خودی را پوشاند بطوریکه دشمن امکان دید را از دست داد.

بدین ترتیب، در ساعت ۲۲/۳۰ مورخه ۶۵/۴/۲۹، عملیات آزادسازی مهران تحت عنوان «کربلا ۱» و با رمز «یا ابوالفضل العباس ادرکنی» آغاز شد. پس از گذشت لحظاتی از شروع عملیات در کلیه محورها، خطوط پدافندی دشمن — بدون مشکل اساسی و بازدارنده — درهم شکسته شد. تنها بر روی ارتفاعات قلعه آویزان، به دلیل موانع مستحکم دشمن، توفقی صورت گرفت — که بلافاصله، با اتخاذ تدبیر

مناسب از سوی فرماندهی یگان، بصورتی قابل توجه و شاید کم نظیر، مرتفع گردید.

از آنجا که دشمن در مقابل سرعت عمل نیروها غافلگیر شده بود، بشدت آسیب دید و تلفات زیادی را متحمل شد — بطوریکه در قسمتهایی از جاده، به دلیل انبوه جنازه های دشمن، امکان تردد خودروها وجود نداشت؛ لذا نیروها مجبور بودند وسیله نقلیه خود را به کنار جاده هدایت کنند.

وضعیت نیروها در روز اول عملیات

علیرغم اینکه دشمن لشگرهای ۲۷، ۲۵، ۱۰، ۴۱ را به عنوان احتیاط وارد منطقه کرد، لیکن نتوانست هیچگونه حرکت قوی و حساب شده ای را، اعم از پاتک و یا استفاده از نیروی هوایی و توپخانه، از خود نشان بدهد. این وضعیت، با توجه به اهمیت منطقه برای دشمن و نیز سوابق دشمن در عملیاتهای گذشته، تا اندازه ای غیرمنتظره بنظر می رسید.

عوامل عمده در گنجی و سردرگمی دشمن، اساساً سرعت عمل توأم با غافلگیری، گذاردن تلاش اصلی از محوری که برای دشمن غیر منتظره بود، و نیز حمله به عقبه دشمن را شامل می شد. فی المثل پس از مدت زمانی اندک که عملیات آغاز شد، ۲ مقر تیپ دشمن (۴۴۳ و ۷۰۵ پیاده) سقوط کرد و فرماندهان آن کشته شدند. حال آنکه نیروهای دو تیپ مذکور، هنوز بطور کامل منهدم نشده بودند. به هر روی، در شب اول عملیات، دشمن بیش از ۱۰ گردان نیروی پیاده در محدوده منطقه عملیاتی داشت — که ۸۰٪ آنها بطور کامل منهدم شد.

همچنین نیروهای تیپ ۱ کماندویی سپاه چهارم که در ساعت ۶

صبح روز اول عملیات وارد درگیری شد، تماماً منهدم شدند. گذشته از این، تلاش دشمن در محور امامزاده سید حسن که در روز اول عملیات شروع شد، با مقابله نیروهای خودی خنثی گردید. طی روز اول، از آنجا که نیروها بهسولت بر اهداف خود دست یافتند، از روحیه ای بسیار بالا برخوردار بودند؛ لذا از فرصت بدست آمده و درهم پاشیدگی دشمن، نهایت استفاده را کرده، به پیشروی در روز ادامه دادند و بدین ترتیب، فرصت بازیابی و سازماندهی را از دشمن گرفتند.

شب دوم عملیات

پس از انجام بازسازی و سازماندهی، یگانها مجدداً برای انجام مرحله سوم عملیات — که در شب دوم انجام می شد — آماده شدند. طی شب دوم، عملیات از دو محور صورت گرفت. در محور اول، نیروها هرمزآباد را پاکسازی کرده، تا ۵۰۰ متری شهر مهران پیشروی کردند. در محور دوم نیروها توانستند روستای بهین بهروزان را پاکسازی نمایند. در نتیجه تلاشهای انجام شده در شب دوم، خط سراسری از هرمزآباد تا شیار میگ سوخته تأمین شد و بدین ترتیب، مقداری از محدوده مرحله سوم عملیات تأمین گشت.

در شب دوم، شواهد و قراینی دال بر عقب نشینی نیروهای دشمن در محور باغ کشاورزی و تپه غلامی و پاسگاه دراجی مشاهده شد. این امر تا اندازه ای تعجب انگیز بود، زیرا احتمال داده نمی شد که دشمن به این سرعت در محور یادشده اقدام به عقب نشینی نماید. لیکن تهدید و امکان برخورد نیروهای دشمن، در این محور، آنها را مجبور به اقدام فوق کرد.

روز دوم عملیات: تصرف شهر مهران

پس از مشاهده عقب نشینی دشمن از شمال مهران (محدوده باغ کشاورزی). نیروهای خودی بلافاصله معابر مین دشمن را باز نموده، سپس سرعت وارد باغ کشاورزی شدند و ۱۰۰ تن از نیروهای پراکنده دشمن را به اسارت گرفتند.

همچنین از محور دیگر، یکی از یگانهای سپاه، از طریق روستای هرمزآباد از پشت به طرف باغ کشاورزی رفته، ضمن جنگ و گریز با نیروهای در حال فرار دشمن، تعدادی از آنها را به اسارت می‌گیرد. به دنبال تلاشهایی که در روز دوم عملیات صورت گرفت و متعاقب عقب نشینی دشمن، شهر مهران به تصرف نیروهای خودی درآمد. نظر به اینکه دشمن احتمال حمله را می‌داد، لذا در داخل شهر مستقر نشده بود و تنها تعداد کمی نیرو در شهر داشت، که آنها را هم قبل از آغاز حمله تخلیه کرده بود.

ضمناً طی این روز، از سوی نیروهای خودی، تاحمحور قلعه آویزان پیشروی ادامه داشت و نیروهای دشمن که همچنان در حالت سردرگمی و گنجی بسر می‌بردند، بسهولت کشته و یا اسیر می‌شدند.

شب سوم عملیات

چنین مقرر شد که نیروهای خودی، در شب سوم عملیات، روستای فیروزآباد و ارتفاعات قلعه آویزان و ارتفاعات ۲۲۳ را بصورت یک خط ممتد تأمین کنند. بر این اساس، طی تلاشهایی که صورت گرفت، اهداف این مرحله از عملیات تحقق یافت.

با روشن شدن هوا، در روز سوم عملیات، درگیری و ادامه

روز ششم عملیات

مرحله پنجم عملیات در صبح روز ۱۵/۴/۶۵ توسط ۲ لشکر سپاه (لشکر ۱۰ سیدالشهداء و لشکر ۲۷ محمد رسول الله ص)، و به منظور تصرف قله ۲۲۳ و یالهای آن، آغاز شد. نظر به اینکه دشمن در قسمتی از منطقه مزبور تهدید به دور خوردن می شد، لذا این امر منجر به تزلزل دشمن و نهایتاً، تصرف قله ۳۰۳ شد. قله مزبور با تک احاطه ای از دو سمت در محاصره قرار گرفت و در نتیجه آن، قرارگاه تاکتیکی لشکر ۱۷ زرهی به تصرف درآمد. در ادامه نیز یالهای قله ۲۲۳ از سوی لشکر ۲۷، بطور کامل تأمین گردید. ضمناً قرارگاه تاکتیکی تیپ ۲۴ مکانیزه لشکر ۱۰ دشمن منهدم شد و تعدادی از عناصر آن، از جمله فرمانده تیپ، به اسارت درآمدند.

بدین وسیله شهر مهران بطور کامل آزاد شد و اهداف عملیات کربلا ۱ صد درصد تأمین گردید.

نتایج و دستاوردها

طی ۱۰ روز جنگ، بخش وسیعی از مناطق اشغالی در منطقه مهران آزاد گردید که در این میان، آزادسازی جاده دهلران — مهران — ایلام، شهر مهران، ارتفاعات سرکوب و حساس قلعه آویزان و حمیرین — خصوصاً بلندترین قله منطقه ۲۲۳ — ۸ روستا، ۲ پاسگاه مرزی و... از دستاوردهای عملیات کربلا ۱ محسوب می شد.

همچنین عقبه های دشمن در شهرهای بدره و زرباطیه در دید و تیر نیروهای خودی قرار گرفت.

پاکسازی در محورهای مختلف کم و بیش ادامه داشت. طی این روز، نیروهای لشکر سیدالشهداء از محورهای قلعه کهنه و فرخ آباد به طرف تپه های غلامی و باغ کشاورزی و پاسگاه دراجی حرکت کرده، ضمن پاکسازی منطقه بسیاری از نیروهای دشمن را به اسارت درآوردند. همچنین از ساعت ۶ صبح این روز، تیپهای ۶ و ۵ گارد ریاست جمهوری عراق به ارتفاعات ۲۱۰ تک کردند که در نتیجه آن، قسمتی از منطقه مزبور را به تصرف خود درآوردند.

شب چهارم عملیات

نیروهای خودی، طی شب چهارم عملیات، توانستند وارد روستای فیروزآباد شده، آنرا به تصرف درآوردند.

در حوالی ساعت ۷ صبح روز چهارم عملیات (۶۵/۴/۱۳)، دشمن توسط تیپهای ۹۵، ۷۱، ۷۲ پیاده، تیپهای ۴ و ۵ گارد جمهوری، پاتک نسبتاً شدیدی را بر روی ارتفاعات قلعه آویزان و به منظور تصرف قله ۲۰۰ آغاز کرد.

طی این درگیری، نیروهای دشمن درهم کوبیده شدند؛ بطوریکه ۳ گردان از تیپ ۴ و ۳ گردان از تیپ ۵ گارد و یک گردان از تیپ ۹۵ و بیش از ۱ گردان از تیپهای ۷۱ و ۷۲ منهدم شدند و فرمانده تیپ ۴ گارد به هلاکت رسید.

روز پنجم عملیات

طی روز پنجم، لشکر سیدالشهداء موفق به تصرف کامل ارتفاع ۲۱۰ شد، و آن مقداری را که دشمن طی پاتک خود در روز سوم عملیات با تیپهای ۵ و ۶ گارد تصرف کرده بود، باز پس گرفت.

توان رزمی نیروهای دشمن در کربلا ۱

نیرو و امکانات بکار گرفته شده دشمن

نیرو	۷۰۰۰۰ نفر
تانک و نفربر	۴۰۰ دستگاه
توپخانه	۱۵ گردان
نیروی هوایی	بیش از ۱۰۰ سورتی در روز
هوانیروز	بیش از ۱۰ تیم
عقبه	کوت العماره — ۸۰ کیلومتر

تعدادی اسرای دشمن در عملیات کربلا ۱ به تفکیک رتبه:

رتبه:	افسر	درجه دار	سرباز
تعداد:	۷۰	۱۳۰	۸۹۲

قابل ذکر است که بر اساس تخمینهای دقیق، دشمن بیش از ۳۴۰۰ اسیر و مفقود داشته است.

یگانهای درگیر دشمن در طول عملیات، میزان انهدام و تعداد اسرای آنها:

ردیف	یگان	میزان انهدام	تعداد اسرا
۱	تیپ ۴۴۳ پیاده	۸۰٪	۹۴
۲	تیپ ۷۰۵ پیاده	۹۰٪	۲۸۳
۳	تیپ ۴۱۷ پیاده	۸۰٪	۵۷
۴	تیپ ۵۰۱ پیاده	۴۰٪	۱۳
۵	تیپ ۹۵ پیاده	۴۰٪	۱

۳۳	%۳۰	تیپ ۴۲۵ پیاده	۶
۲۲	%۷۰	تیپ ۷۰ زرهی	۷
۱۳	%۴۰	تیپ ۵۹ مکانیزه	۸
۱۲۶	%۱۰۰	تیپ ۶۵ نیروی مخصوص	۹
۶	%۸۰	تیپ ۴ گارد ریاست جمهوری	۱۰
۱	%۶۰	تیپ ۵ گارد ریاست جمهوری	۱۱
۴۰	%۳۰	تیپ ۷۱ از لشکر ۳۵	۱۲
۲	%۳۰	تیپ ۷۲ از لشکر ۳۵	۱۳
۳۰	%۸۰	۲ گردان کماندوئی	۱۴
۶۰	%۷۰	تیپ ۱ کماندوئی سپاه چهارم	۱۵
	%۵۰	۳ گردان توپخانه	۱۶
احتمالاً	%۴۰	تیپ ۱۰۸	۱۷
احتمالاً	%۴۰	تیپ ۸۰۴	۱۸
۴۲	%۶۰	تیپ ۱۱۳ از لشکر ۱۹	۱۹

لازم به یادآوری است که کلیه یگان‌هایی که بیش از ۷۰٪ انهدام داشته‌اند، از خط مقدم خارج شده‌اند.

بازتاب آزادسازی مهران در رسانه‌ها

آزادسازی شهر مهران، به منزله شکست استراتژی دفاع متحرک بود. شکستی که رژیم عراق در گام اول خود با عدم موفقیت نسبت به تأمین اهداف مورد نظرش با آن رویارو شد و سرانجام با از دست دادن مهران، چشم‌اندازی جدید از ناتوانی و ضعف این کشور در موضع آفند و پدافند، ترسیم و نمایان گردید. خبرگزاری فرانسه در پی آزادسازی شهر

مهران، طی گزارشی اظهار داشت:

«ناظران در خلیج فارس عقیده دارند که اشغال مهران توسط قوای ایران، شکست‌پذیری رژیم عراق — بویژه استراتژی نظامی جدید آن موسوم به دفاع متحرک — است.»

در میان مناطقی که مورد تصرف دشمن قرار گرفت. شهر مهران از اهمیت خاص سیاسی — تبلیغاتی برخوردار بود و برای عراق به عنوان جبران شکست فاو و نیز عامل افزایش دهنده روحیه نیروهای آسیب‌دیده، تلقی می‌شد؛ لذا آزادسازی آن، گذشته از اینکه شکست دشمن در استراتژی تازه خود محسوب می‌شد، آسیبهای عمده دیگری را در مقطع کنونی و آینده متوجه ارتش عراق می‌کند.

چنانکه وقتی مهران باز پس گرفته شد، رسانه‌های گروهی جهان به انحاء مختلف به بعد روانی مسئله اشاره کردند. از جمله نشریه فارین ریپورت، چاپ لندن، نوشت:

«مهران به خودی خود فاقد اهمیت است، تهاجم به مهران نه از جهت استراتژیکی، بلکه از نقطه نظر روانی، واجد اهمیت می‌باشد.»
 رادیو امریکا نیز به نقل از کارشناسان نظامی، اظهار داشت:
 «شکست عراق ممکن است از نظر روانی اثر مهم و شگفت‌انگیزی داشته باشد؛ چرا که عراقیها بیشتر به خاطر جبران شرمساری ناشی از تصرف بندر عراقی فاو به دست ایرانیها، دست به حمله زده بودند.»

گذشته از این درهم شکسته شدن خطوط دفاعی عراق در فاو و ناتوانی این کشور در باز پس‌گیری آن، رژیم صدام را در نزد غرب و حامیان منطقه‌ای خود بطور اساسی به زیر سؤال کشید؛ و این واقعیتی بود که حاکمان بغداد مایل به تن دادن به آن نبودند و به منظور اثبات توانایی

و حفظ برتری خود، مبادرت به اتخاذ استراتژی موسوم به دفاع متحرک نمودند، بر این اساس، بخوبی روشن است که شکست مهران می تواند چه تبعاتی در رابطه با بی اعتمادی حامیان و متحدین رژیم بغداد فراهم آورد. روزنامه نیوزویک چاپ امریکا پس از آزادسازی مهران، نوشت: «باز پس دادن مهران (پس از فاو)، اعتماد مقامات امریکایی را نسبت به رژیم عراق بشدت کاهش داد، و گفته می شود که امریکا کمکهای تسلیحاتی خود را به این رژیم محدود کرده است.»

فتح فاو توسط قوای نظامی ایران، موقعیت و فضایی جدید در جنگ بوجود آورد که توأم با واقع نگری از سوی رسانه های جهانی دنیا نسبت به توانائیهای بالفعل و بالقوه جمهوری اسلامی و نیز ناتوانی رژیم عراق، مبنی بر ادامه جنگ و رویارویی با تهاجمات ایران بود. تثبیت وضعیت یادشده، قطعاً نیازمند پیروزیهای دیگری بود که تنها قسمتی از آن با فتح مهران و پس زدن نیروهای دشمن تأمین گردید. در این روند آنچه که در رسانه های غربی منعکس شد، عمدتاً حول محور توانائی و برتری نظامی ایران دور می زد. گذشته از این، حفظ برتری در فاو و انجام عملیات در مهران، نشانگر نوعی افزایش توان نظامی ایران تلقی شد؛ بطوریکه رادیویی. بی. سی به نقل از مفسر بخش شرقی خود گفت:

«اگر چه تسخیر مهران از نظر تعیین نهایی جنگ نقش قاطعی نخواهد داشت، اما نیروهای ایران نشان دادند که ضمن حفظ مواضع خود در فاو، در مقابل حمله های پی در پی عراق می توانند نیروهای عراقی را از بخش مرکزی جبهه نیز بیرون برانند و خطر مهمی را در آینده جنگ ترسیم نمایند.»

قطعاً خطر ساز بودن تحرکات نظامی ایران، که نوعی پیروزی و تفوق نظامی را بدنبال خواهد داشت، مستلزم حملات پی در پی و مضمحل ساختن قوای دشمن است؛ چنانکه پیروزی آتی ایران، در این امر نقشی تعیین کننده دارد. طبیعتاً در این صورت، با افزایش برتری ایران، جمهوری اسلامی به نحوی چشمگیرتر ابتکار عمل را در جنگ برعهده خواهد گرفت.

